

صاحب امتیاز: انجمن مدیران صنایع

مدیرمسئول: دکتر رمضانعلی رویایی

سر دبیر: محمدصادق جنان صفت

اعضای تحریریه: شیما ستوده- احسان جنان صفت
فریدون اسعدی

مدیر اجرایی و صفحه‌آرایی:
علی صائمی

ویراستار:
فاطمه ابراهیمیان

حروفچین:
حمیدرضا خدابخش

نشانی: تهران، خیابان استادمطهری، روبه روی خیابان میرعماد

پلاک ۲۶۴، طبقه سوم و چهارم

نمابر: ۸۸۸۳۹۶۴۱

نقل مندراجات این نشریه با ذکر ماخذ آزاد است
نظر نویسندگان و شرکت کنندگان در میزگردها و مصاحبه‌ها
لزوما نظر این نشریه نیست
مسئولیت مطالب بر عهده نویسنده آن است
نشریه در انتخاب و ویرایش متون آزاد است
مقالات و نظرات به دفتر تحریریه ارسال شود
مقالات رسیده پس داده نخواهد شد
متن اصلی مقالات ترجمه شده به پیوست ارسال شود
مقالات روی یکطرف برگ A4 نوشته وفاصله بین سطرها رعایت شود
برای مرور فهرست مقالات
به آدرس www.amsiran.ocm مراجعه کنید
آدرس چاپخانه:
مجتمع چاپ دیجیتال ایران کهن
۸۸۳۴۴۳۸۷



چرا دولت روحانی بی اثر شد

از پایان جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، هشت دولت با ریاست چهار سیاستمدار با پیشینه و برنامه و دیدگاه‌های گوناگون در ایران تاسیس شده‌اند. دولت‌های یازدهم و دوازدهم یا دولت‌های هفتم و هشتم پس از جنگ با انتخاب شهروندان از سوی حسن روحانی تاسیس شده‌اند...



صفحه ۱۵

بودجه ۱۴۰۰ سیاسی‌ترین بودجه قرن

این روزها بودجه ۱۴۰۰ به سیاسی‌ترین موضوع سیاست داخلی تبدیل شده و سیاست‌ورزان به‌ویژه در جناح اصولگرایان آن را تیری می‌دانند که می‌خواهد به سوی آشتی و مذاکره ایران و آمریکای تحت رهبری بایدن پرتاب شود. این باور راسخ به اندازه‌ای است که آنها به این نتیجه رسیده‌اند...



صفحه ۱۸

سال‌های دور از بودجه کارآمد

لطف و بخشش دولت و بانک مرکزی شامل شهروندان نشد و آمارهایی که پیش از این بطور مرتب درباره کارنامه دخل و خرج دولت منتشر می‌شد حذف شد. حالا فقط شمار اندکی از آگاهان درجه یک... و سنجاق‌شده‌ها به این گروه کم‌شمار...



صفحه ۲۸

دلایل آشفتگی ساختار اقتصاد ایران

اول مرغ آمد یا اول تخم‌مرغ؟ بسیاری از افراد در مورد ضرورت «هدایت نقدینگی به سمت تولید» صحبت می‌کنند و این را علاج بسیاری دردهای اقتصاد می‌دانند و از این بابت که پول به سوی دلالی و واسطه‌گری و سکه و دلار می‌رود آزرده‌خاطر هستند. برایشان این ابهام مطرح است که...



صفحه ۳۴

ایران عضو هیچ اتحادیه اقتصادی مهمی نیست

هنگامی که آتش جنگ جهانی دوم فروکش کرد و برندگان و بازندگان جنگ به حساب و کتاب نشستند و دنبال این بودند بفهمند چرا جنگ شد به این نتیجه رسیدند که یکی از دلایل جنگ، سخت‌گیری‌های تجارت میان کشورها بوده است. رشد تکنولوژی به رشد تولید انبوه منجر شده بود...



صفحه ۴۲

راز عبور از هژمونی دلار

آشنایی لازم نسبت به نظریه‌های تامین مالی بین‌المللی این نکته را بیان می‌دارد که آمریکا با چاپ دلار (پول ملی) و قبولاندن آن به جامعه جهانی به عنوان یک پول بین‌المللی، در راستای سیاست استقرار هژمونی قدرت اقتصادی خود در جهان استفاده می‌کند. آمریکا نشان داده هر کاری که برای تداوم...



صفحه ۴۵

ذخایر ارزی در دسترس نیست امنیت تهدید می‌شود

ذخایر ارزی به عنوان سپری در مقابل شوک‌های اقتصادی و سیاسی به منظور ایجاد ثبات اقتصادی کشورها نقش کلیدی دارد. تحریم‌های اقتصادی دسترسی بانک مرکزی به این منابع مالی را با مشکلات زیادی مواجه کرده است. عدم دسترسی به منابع ارزی می‌تواند...



صفحه ۵۳

پاییز اقتصاد در پاییز ۹۹

■ نفت خودش رفت

مدیران سیاست و اقتصاد در ایران بیش از نیم‌سده است هر سال به شهروندان می‌گویند می‌خواهیم بودجه را از درآمد صادرات نفت رهاسازیم. حالا در قاب پاییز ۱۳۹۹ و بدون اینکه مدیران ایرانی اراده‌ای داشته باشند درآمد نفت خودش از سفره و خزانه مردم و دولت رفت و شوربختانه در بازار جهانی نفت نیز ردی از نفت ایران دیده نمی‌شود. بودجه ایران در شش ماه نخست امسال اما یک اتفاق بزرگ زیرپوستی را تجربه کرد که کمتر درباره آن صحبت شده است. اتفاق غم‌انگیز از دست دادن بازارهای صادراتی نفت ایران به‌ویژه بازارهای هند، کره جنوبی و ژاپن و تا اندازه‌ای چین است. در قاب پاییز امسال و بر اساس صلاحدید دولت و نهادهای قدرت تقریباً آماری از میزان صادرات نفت ایران ارائه نشده بود تا اینکه محمدباقر نوبخت لابد در پی اصرار مجلس انقلابی اعتراف کرد در چهار ماه نخست بسیار اندک از پیش‌بینی فروش نفت لباس عمل پوشیده است.

■ مناسبات مردم و دولت

نهاد دولت در ایران همانند جوامع دیگر در نوک پیکان برخورد با شهروندان قرار دارد و با وجود اینکه دولت‌های ایران نسبت به همتهای خود قدرت کمتری دارند اما هر اتفاقی در این سرزمین بیفتد نگاه شهروندان به سوی دولت دوخته می‌شود. واقعیت این است که مناسبات گروه‌های اجتماعی با نهاد دولت به‌ویژه دولت دوازدهم آنچنان که باید صمیمی و از سر اعتماد و وفاداری نیست. شهروندان ایرانی مثل کارگران و کشاورزان و کارمندان شاهد کاهش قدرت خرید خود هستند و در برابر نرخ فزاینده تورم ناتوان شده‌اند و دولت نیز توانایی مهار این عنصر را ندارد و با وعده‌های بیپوده و بی‌سرانجام کار را دشوار می‌کند. کارفرمایان ایرانی به چشم می‌بینند که دولت به جای تعامل با آنها و باز کردن گره کارشان هدفش بیشتر این است که آنها را مهار کرده و از سرمایه و درآمد و ثروت آنها برای خود چیزی به دست آورد. دولت با لایحه‌های آسیب‌ساز مثل لایحه تجارت، لایحه مالیات و تاسیس وزارت بازرگانی اعتماد بخش خصوصی را از دست داده است. در قاب پاییز ۱۳۹۹ شهروندان دل خوشی از دولت ندارند.

■ دلار بر فراز

کم‌شمار شدن نوشته‌های عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی در اینستاگرام خود و صدای ناراسی او با لحنی نه چندان نیرومند نشان می‌دهد دیگر آن اراده‌ای که پیش از این نشان می‌داد می‌تواند دلار را مثل موم در دست داشته باشد شکسته است. قیمت هر دلار آمریکا به مثابه شاه ارزها در بازار ارز ایران در اوج نشسته و با ۳۲۰۰۰۰ ریال دادوستد می‌شود. این موضوع نشان

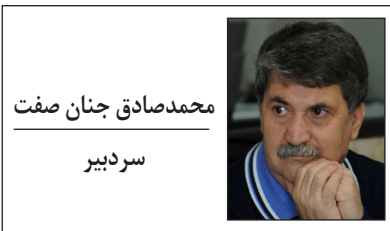
کرد به این معنا که نمی‌توان و نباید سیاست ایران را از اقتصاد، امور اجتماعی را از امور فرهنگی یا مساله زنان را از مساله کل جمعیت جدا و جداگانه بررسی کرد.

جهان از نگاه نظام سیاسی ایران

بدون چون و چرا همه ایرانیان ساکن در سرزمین مادی یا پراکنده شده در کره زمین نیک می‌دانند مساله شماره یک و اول امروز ایران همانند دیروز و روزهای سپری شده و حتی روزهایی که در پیش داریم مناسبات ایران با قدرت‌های بزرگ جهان به‌ویژه ایالات متحده آمریکاست. در یک ارزیابی کلی می‌توان حکم داد سیاست خارجی ایران در قاب پاییز ۱۳۹۹ همان سیاست خارجی است که در ماه‌ها و سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب ترسیم شد. سیاست خارجی ایران بر پایه تضاد با نظام سیاسی آمریکا به عنوان قدرت اصلی جهان استوار شده و در نگاه ایران به جهان در پاییز ۱۳۹۹ دگرگونی‌های احتمالی درون آمریکا بیش از هر زمان دیگری سرنویس‌ساز است. مدیریت اصلی سیاست خارجی ایران باور ندارد آمریکا و غرب دلش برای ایرانیان می‌سوزد و سر سوزنی به ایرانیان کمک خواهد کرد بلکه با همه نیروی خود می‌خواهد نظام سیاسی حاکم بر ایران را تضعیف کند. پیامدهای این سیاست خارجی ضدآمریکایی و ضد نظام سلطه به رهبری آمریکا در حوزه‌های سیاست داخلی، در حوزه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاست‌های مربوط به اداره اقتصادی کشور پرشمار و گوناگون بوده است.

■ محاصره اقتصادی

اقتصاد ایران حالا و پس از سپری شدن دو سال از دور تازه رژیم تحریم و با همه جانفشانی‌های نیروهای پیدا و پنهان برای بن‌بست‌شکنی تحریم‌ها اما تا اندازه زیادی از هر سو محاصره شده است. پیامدهای تحریم دامنه‌دار و طولانی علیه اقتصاد ایران به مرور آثار و پیامدهای خود را در سطح کلان بر جا می‌گذارد. واقعیت این است که دولت ایران در قاب پاییز ۱۳۹۹ زیر شدیدترین فشارهای سیاسی و اقتصادی قرار دارد و پیامدهای تحریم حالا به آستانه بودجه ۱۳۹۹ رسیده است و دولت ایران اگرچه بر زبان نمی‌آورد اما در شرایط دشواری برای دخل و خرج قرار دارد. درآمدهای پیش‌بینی شده دولت برای صادرات نفت خام و به دست آوردن منابع ارزی با شکست مواجه شده است. اگرچه برخی کشورهای دوست ایران بارها بر زبان آورده‌اند تحریم آمریکا را نمی‌پذیرند اما در عمل نیز کاری برای ایران انجام نمی‌دهند و شرکت‌های کوه‌پیکر راه خود به ایران را به سوی دیگر کشورها کج کرده‌اند. در قاب پاییز ۱۳۹۹ حتی نسیمی کوچک از ورود سرمایه‌های خارجی و نیز تمایل غول‌ها برای اقتصاد ایران نمی‌وزد.



محمدصادق جنان صفت

سر دبیر

گاهی آدمی باید بایستد و به پشت سر نگاه کند و امروز و الانش را ورنه انداز کند و چشم‌اندازی را برای آینده‌اش در نظر بگیرد. این سه کار یعنی دیدن آنچه بر سر جامعه آمده است، آنچه امروز هست و آنچه آینده‌اش را می‌سازد. برای جامعه‌های انسانی از جمله ایران یک راه انکارناشدنی برای پیمودن است. نوشته حاضر بیشتر بر آنچه الان یعنی در قاب پاییز ۱۳۹۹ هستیم را در قالب اقتصاد سیاسی ایران پوشش می‌دهد. بدیهی است نوشته کوتاه و گویاست که ریخت و اندازه ایران در قاب پاییز ۱۳۹۹ چگونه است.

■ ایران یک هستی یکپارچه است

بدون رودریابستی و بدون اینکه بخواهیم روزهای بهتر آینده را انکار کنیم باید راست و درست بگوییم ایران ارجمند، ایران باستانی، ایران سرد و گرم بسیار چشیده و ایران برخاسته از فروافتادن‌های دوره‌های این روزها و در پاییز ۱۳۹۹ روز و روزگارش شیرین و دلنشین و شادی‌بخش نیست و حال عمومی قابل تعریفی ندارد. این بد بودن حال و روز ایران در قاب پاییز ۱۳۹۹ هرگز نباید انکار کردن این باشد که در آینده نیز چنین خواهد بود. اینجا یک سرزمین با تاریخی دراز و دوره‌هایی نفسگیر از فرازها و فرودها و تلخی‌ها و شیرینی‌هاست که همچون ققنوس بارها از زیر خاکستر ویرانی‌ها بیرون آمده است. هر ایرانی که دلش برای این کشور می‌تپد و نیرومندی و سرفرازی برایش آرزو می‌کند از ژرفای دل و ذهن خود می‌خواهد این روزهای ناخوش برون و دیگر برنگردند اما این آرزوی سترگ روزی از ذهن و دل بیرون شده و خود را می‌نمایاند که همه برایش کار کنند و سختی بکشند و خوش‌خیالی‌ها، کج‌روی‌ها و رخوت و سستی را کنار نهاده و با جان و دل و با درستی و راستی و با یکدلی و سازگاری کوشش کنیم. این راه رفتن در روشنایی و داشتن چشم‌انداز خوشحال‌کننده هنگامی از خیالی بودن دور می‌شود که امروز این سرزمین بدون لکنت زبان و بدون هراس، خوب و کارشناسانه و با دسترسی به نمادهای درست و بهنگام و آگاهانه در ترازوی داوری بنشینند. هیچ آدم دلسوز به این مرز و بوم و هیچ فرد دانا و بینایی در این سرزمین نیست که نداند ارزیابی ایران در شش ماه نخست سال را باید ارزیابی کل واحدی به نام ایران دانست و در نگاه نخست این پدیده را بررسی

ادامه تراژدی دلار ارزان

دلار در بودجه ۱۴۰۰ معادل ۱۱۵۰۰ تومان تعیین شود. معنای این تصمیم که در سازمان برنامه تصویب شده و احتمالاً در هیات دولت نیز تصویب می‌شود با توجه به قیمت دلار در بازار آزاد همان فاجعه ۳۰ ماه گذشته را به بار می‌آورد. پیش از ادامه بحث باید از مدیران سازمان برنامه و نیز از مدیران ارشد اقتصادی و سیاسی پرسید آیا هم‌اکنون کالایی در بازار عرضه می‌شود که مبنای فروش آن به مردم دلار ۴۲۰۰ تومانی باشد و آیا این سیاست توانسته جلوی رشد تورم کالاهای اساسی را بگیرد یا به قاچاق معکوس نیز منجر شده است. نتایج مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد چنین اتفاقی نیفتاده است.

حالا چرا سازمان برنامه‌ریزی کشور اصرار دارد بازم اشتباه تکرار شده با دلار ۱۲۲۶ تومان و ۴۲۰۰ تومان را تکرار کند؟ شاید گفته شود این تصمیم برای حمایت از گروه‌های کم‌درآمد است تا با واردات کالاهای اساسی با دلار ترجیحی قدرت خرید آنها حفظ شود. در جواب این موضوع باید یادآور شد دو بار در یک فاصله زمانی کوتاه اشتباه بزرگی رخ داد و با وجود هشدارهای کارشناسان و فعالان اقتصادی و نیز تجربه تلخی که این روزها با آن دست‌به‌گریبان هستیم و نیک می‌دانیم که تهدیدستان هم از دلار ارزان زیان کرده‌اند کافی نیست؟ آیا ادامه و تکرار اشتباه شگفت‌انگیز نیست؟ اگر دولت می‌خواهد از گروه‌های کم‌درآمد حمایت کند که باید بکند و از وظایف دولت‌های همه کشورهاست که ضمن فراهم کردن بستر کار و کسب درآمد برای همه به گروه‌های کم‌درآمد کمک کند باید دانست این راهش نیست. خرد و منطقی اقتصادی و نیز تجربه ایران در دهه ۱۳۹۰ و تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد دولت باید نرخ دلار را به هر کس و هر فعالیت اقتصادی با نرخ روز بازار بدهد و از محل مابه‌التفاوت آن با دلار ارزان به تهدیدستان کمک نقدی کند. به‌طور مثال اگر قرار است ۱۰ میلیارد دلار برای واردات کالاهای اساسی در سال ۱۴۰۰ ارز ارزان ۱۱۵۰۰ تومانی داده شود و قیمت دلار در بازار مثلاً ۲۶۵۰۰ تومان است، این مابه‌التفاوت را که در هر دلار ۱۵۰۰ تومان می‌شود و اگر در ۱۰ میلیارد دلار ضرب شود به عدد ۱۵۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد، به گروه‌های کم‌درآمد اختصاص دهد و اقتصاد را به بیراهه نکشاند. تا زمان باقی است باید اقتصاددانان، فعالان اقتصادی، قانونگذاران و نیز رهبران احزاب و گروه‌های سیاسی با انتقاد از این تصمیم راه را بر تصویب آن مسدود کنند.

مهندس محمد پارسا

رئیس هیات مدیره
فدراسیون صادرات انرژی



اقتصاد ایران دهه‌های طولانی است گرفتار سیاست‌های ارزی ناکارآمد است و این سیاست‌های بازدارنده شوربختانه مسیر کسب‌وکار و زندگی ایرانیان را به بیراهه کشانده است. سیاست‌های ارزی ایران در دوره وفور ارزی به شکل و ماهیتی درآمده که تولید داخل و واردات را از تعادل خارج کرده و نیز با ارزان نگه‌داشتن نرخ تبدیل ارزهای معتبر به ریال ایران، صادرات را از نفس انداخته است. در دوره کمبود درآمدهای ارزی نیز اما سیاست‌های ارزی متاسفانه به شکل دیگری اقتصاد ایران را به تله انداخته است. در همین دهه ۱۳۹۰ و در شرایطی که تحریم‌ها اقتصاد ایران را با تهدید جدی مواجه کرده است در تخصیص ارزهای معتبری که در اختیار دولت بوده با راهبرد حمایت از گروه‌های کم‌درآمد، سیاست‌های مخربی را شاهد بوده‌ایم. نشانه این تصمیم و سیاست نادرست، دادن ارز معتبر دلار به متقاضیان و فعالیت‌های گوناگون با قیمتی بسیار کمتر از قیمت دلار در بازار آزاد بوده است. در دوران ریاست محمود بهمنی بر بانک مرکزی و هنگامی که قیمت هر دلار در بازار آزاد از مرز ۳۰۰۰ تومان گذشته بود دولت و بانک مرکزی تصمیم گرفتند به برخی از فعالیت‌ها و واردات برخی از کالاهای دلار ۱۲۲۶ تومانی تخصیص دهند که تراژدی به بار آورد. درحالی‌که تصور می‌شد گرفتاری‌های دلار ۱۲۲۶ تومانی در اوایل دهه ۱۳۹۰ برای اقتصاد ایران و تولید رانت و فساد و از کار انداختن تولید برخی از کالاهای درس عبرتی برای مدیران دولت یازدهم شده است اما با شگفتی و بهت شاهد بودیم در فروردین ۱۳۹۷ بار دیگر دولت با احساس خطر از تهدیدهای تحریم و درحالی‌که قیمت دلار در بازار آزاد از شش هزار تومان عبور می‌کرد اعلام کرد به هر متقاضی ارز برای واردات دلار با قیمت ۴۲۰۰ تومان داده خواهد شد. درحالی‌که الان ۳۰ ماه از آن تصمیم بدفراجم سپری شده و رانت و فساد و دلارسوزی را دیده‌ایم و می‌بینیم که تخصیص دلار برای آرام نگه داشتن بازار کالاهای اساسی هرگز کامیاب نبوده است باز هم با شگفتی از زبان رئیس سازمان برنامه‌بودجه می‌شنویم که قرار بر این شده است که قیمت هر

می‌دهد این ارز در صدر قرار دارد و شوربختانه همراه با اوج‌گیری خود قیمت سایر کالاها و خدمات را نیز به آسمان می‌برد. سیاست‌های ارزی دولت و تهدیدها و تطمیع‌های رئیس کل بانک مرکزی سد راه دلار نشد و توانست در یک دوره کوتاه خود را به صدر رشد در چند دهه تازه سپری شده در یک نیم‌سال برساند. حالا دلار فرمانده اقتصاد ایران شده است و این برای اقتصاد و سیاست کشور تلخ است. در قاب پاییز ۱۳۹۹ چشم‌انداز بازار ارز تیره و غبارآلود است.

■ سرد شدن آتش سرمایه‌گذاری

سرد شدن آتش سرمایه‌گذاری آن اندازه لرزه بر تن اقتصاد ایران انداخته است که صدای به هم خوردن دندان‌هایش را می‌توان در قاب پاییز ۱۳۹۹ و درحالی‌که سرمای بیشتر در راه است، شنید. تلاش دولت‌ها این است که سرمایه‌گذاران فعلی را با استفاده از اهرم‌های تشویقی واقعی در مسیر توسعه واحد اقتصادی خود قرار دهند و همچنین راه‌هایی را برای سرمایه‌گذاران تازه باز کنند و در نهایت همه شهروندان درون و بیرون سرزمین را در مسیر اقدام سرمایه‌گذاری قرار دهند. دقت در برخی آمارها نشان می‌دهد موتور سرمایه‌گذاری در ایران متاسفانه خاموش است و بدتر از خاموش شدن این متغیر اصلی اقتصاد، این است که این درد در جسم و جان ایران نهادینه می‌شود. رشد اقتصادی هر کشوری از جمله ایران که عامل مهمی در برطرف کردن فقر و تنگدستی است، میزان و نرخ رشد سرمایه‌گذاری است که در ایران خاموش شده است و کارشناسان و اقتصاددانان به درستی می‌گویند باید منتظر فقیرتر شدن ایران باشیم. در شش ماه نخست امسال آمارهای کمی از تحولات سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران منتشر شده و بانک مرکزی یا مرکز آمار ایران هنوز در این باره آمار دقیقی ارائه نکرده‌اند اما فقدان تحرک در این بخش قابل لمس است.

■ تجارت کوچک‌شده

نفس اقتصاد ایران را همواره در نیم‌سده تازه‌سپری شده پول نفت تازه می‌کرد و حالا این روزنه بسیار تنگ شده است. دولت و نهادهای حاکمیتی امیدوار بودند بتوانند با راه‌اندازی گسترش صادرات کالاهای غیر از نفت درآمد ارزی لازم برای هزینه‌های ارزی را دست و پا کنند. اما شوربختانه در قاب پاییز ۱۳۹۹ این راه نیز دیگر فراخ و هموار نیست و کاروان صادرات ایران به کندی راه می‌پیماید. تجارت جهانی بر اثر بیماری افتاده بر جانش کوچک شده و شهروندان جهانی هم حوصله و پول برای خرید پسته و فرش و خشکبار ایران ندارند و بازار چین هم با کاهش چشمگیر در قیمت و تقاضای فرآورده‌های پتروشیمی مشتری پرهیجانی نیست. سقوط نزدیک به ۳۰ درصدی صادرات و بسته شدن نسبی راه صادرات کالا به عراق، ترکیه و افغانستان کار را سخت‌تر کرده است.

تولید صنعتی و ارزش پول ملی

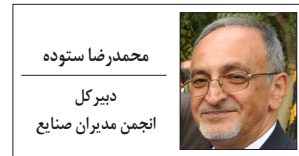
ناصر صدر کریمی | واقعیت این است که اکثریت شهروندان ایرانی تا همین چند سال پیش بیشترین بحث‌هایشان درباره پول و قدرت آن به تومان و ریال بود و در ذهن آنها داستانی به نام دلار کمتر جای گرفته بود. ولی در حال حاضر ایرانیان هنگامی که از منابع مالی سخن می‌گویند بیشتر از اینکه درباره ریال و تومان بگویند از دلار و یورو و لیر و درهم صحبت می‌کنند و لو مفهوم ارز را نمی‌دانند. این نوشته قصد دارد به زبان ساده درباره قدرت پول نکاتی را یادآوری کند. با گردشی در شهر و دیدن ویتترین هر مغازه‌ای بدون اینکه واردش شویم متوجه می‌شویم آن فروشگاه از چه صنفی است. اگر ناشنایی نیز برای اولین بار وارد ترمینال ورودی یک شهر شود، قبل از دیدن مرکز شهر تا حد زیادی به کیفیت زندگی شهروندان آن شهر پی می‌برد. مسافران خارجی هم که برای نخستین بار در فرودگاه پایتختی پیاده می‌شوند با دیدن ترمینال فرودگاهی و نیز کالاهایی که در فروشگاه‌ها عرضه می‌شود و نیز نوع برخورد عرضه‌کنندگان تا اندازه‌ای با واقعیت فرهنگ و مدیریت مردم و دولت آشنا می‌شوند. همچنین در این برخوردها با تبدیل پول خارجی به پول هر کشور می‌توان به قدرت پول آن کشور نیز پی برد. با توجه به پیش‌گفتار بالا به اصل مقوله مطرح‌شده در این نوشته می‌پردازم. پرسش این نوشته این است: قدرت پول هر کشور از کجا سرچشمه می‌گیرد و معرف چه عوامل موجود یا متاثر از چه سیاست‌های دولتی و باور و اعتماد ملی است؟ اما پیش از آن به نظرم می‌رسد با یک مثال بتوانم مساله را روشن‌تر توضیح بدهم. اگر فرض کنیم کارخانه‌ای با سرمایه نقدینگی یک میلیون تومان تاسیس شده باشد، این میزان سرمایه وقتی قیمت بالایی دارد که آن در سه شیفت کاری و ۲۴ ساعته فعالیت تولید استاندارد داشته باشد. اگر آن کارخانه در ۲۴ ساعت، دو شیفت کاری و ۱۶ ساعت فعالیت کند یک سوم قدرت بازدهی آن سرمایه کاهش می‌یابد و چنانچه یک شیفت هشت ساعت کاری در شبانه‌روز مشغول تولید باشد دو سوم سرمایه ارزش را از دست می‌دهد. به این ترتیب ارزش سرمایه به کار گرفته شده در یک واحد صنعتی به میزان قدرتی بستگی دارد که آن کارخانه تولید می‌کند. در یک مقیاس بزرگتر می‌توان گفت ارزش پول ملی یک کشور به ارزش تولید واقعی و تجارت آن کشور بستگی دارد. حال اگر قدرت پول را با شعاع وسیع‌تری به دنیای بیرون از مرزهای ملی پیوند بزنیم عناصر تاثیر گذاری می‌تواند (+ یا -) بر قدرت پول دخالت مستقیم داشته باشد که به شرح زیر است:

- ۱- میزان تولید کالای صادراتی موجود
 - ۲- تعداد شاغلان کارگران فنی و ماهری که اگر در روز هزار تومان تغذیه کنند باید انرژی به دست آمده در بازوی کارگر فنی بیش از میزان مشخصی تولید ثروت کند.
 - ۳- امنیت و امید به سرمایه‌گذاری
 - ۴- مالیات عادلانه و بدون تبعیض، خودی و غیر خودی
 - ۵- امنیت حاکمیت کشور
 - ۶- اعتماد به دولت
 - ۷- اطمینان از تامین مواد تولید به قیمت تمام‌شده به اضافه سود عادلانه
 - ۸- قوانین عادلانه کار و بیمه
 - ۹- کثرت رجال سیاسی به روز
 - ۱۰- روابط سیاسی خارجی
 - ۱۱- قدرت نظامی
 - ۱۲- امنیت مرزها از ورود و خروج قاچاق
 - ۱۳- فعالیت بانک‌های غیربناگهی
 - ۱۴- بینش قوه قضاییه نسبت به خودی و غیر خودی
 - ۱۵- تعرفه‌ها و آیین‌نامه‌های گمرکی جهت تشویق فعالان اقتصادی.
- عناصر یادشده در بالا که فهرست‌وار یادآوری شد میزان الحرارة یا حرارت سنج قدرت پول با توان قدرت خرید یک کشور به حساب می‌آیند. اگر هر کدام از این ۱۵ عنصر در جایگاه خود باشد یا نباشد ارزش پول به همان نسبت (+ یا -) خواهد بود. در کشورهایی که شایسته‌سالاری نباشد و قدرت تولید صنعتی به دلیل به کارگیری مدیران بدون تخصص و بی‌تعهد روندی کاهنده داشته باشد پول ملی در بلندمدت به کاغذ پاره تبدیل می‌شود.

فعال صنعتی

در آستانه پنجمین دهه فعالیت انجمن مدیران صنایع

این روزها دهه انجمن و نهاد کارفرمایی در بخش صنعت در حال فعالیتند و هر کدام بر پایه توانایی‌های مدیریتی و کارشناسی



محمد رضا ستوده
مدیرکل
انجمن مدیران صنایع

می‌خواهند گره‌ای از کارهای اعضای خود را بازکنند. در میان نهادهای کارفرمایی اما انجمن مدیران صنایع از چند جنبه جایگاه والایی دارد. نخستین مساله‌ای که درباره این نهاد اصیل باید در کانون توجه قرار گیرد زمان تاسیس و فلسفه تاسیس آن است. در فضای انقلاب زمستان ۱۳۵۷ و در شرایطی که کارفرمایان ایرانی زیر ضرب افکار عمومی و نیز فشار نیروهای سیاسی بودند گروهی از کارفرمایان و مدیران صنعتی که به پاک دستی خود و غیررانتی بودن فعالیت‌های خود اطمینان داشتند با عزمی راسخ دورهم آمدند و نهادی برای آگاهی بخشی به نیروهای سیاسی و نیز مدیران اداره کننده کشور را بنا نهادند. این انجمن در آن روزهای سخت توانست با استفاده از توانایی‌های مدیران و اعضا و نیز استفاده کارآمد از نیروی کارشناسی راه را بر ادامه مصادره‌ها ببندد و صنعتگران اصیل و مفید را از وضعیت تهدید دور کند.

مزیت دیگر این نهاد قدیمی و اصیل پس از چهار دهه فعالیت با صدها عضو در تهران و برخی از استان‌ها که نام آن را پرآوازه کرده است استواری بر اصل پژوهش‌های کارشناسانه و ارائه راه حل و طرح مسائل با اهمیت در سطح کلان و در سطح صنعت به دولت، مجلس و اتاق بازرگانی است. به دلیل پایداری انجمن مدیران صنایع بر این اصل شریف است که راه برای انجمن در هر محل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کارشناسانه هموار شده است.

مزیت دیگر انجمن مدیران صنایع این است که مؤسسان و پایه‌گذاران آن از جمله مهندس محسن خلیلی که به نیک نامی در میان ایرانیان مشهور است با پشتکار مثال زدنی هرگز اجازه نداده‌اند در بدترین دوره‌ها نیز از اصول دموکراتیک در انتخابات وقفه بیفتد. باور و اعتقاد به دموکراسی و الزام‌های آن موجب شده است اعضای انجمن به‌رغم همه دشواری‌های این روزها اما در تازه‌ترین دور انتخابات در وضعیت خاص شیوع و گسترش ویروس کرونا در محل انتخابات حاضر شده و اعضای هیات مدیره دوره جدید را انتخاب کنند.

اکنون در آستانه ورود به پنجمین دهه از فعالیت‌های سازنده و مفید و مؤثر انجمن مدیران صنایع باور هیات مدیره و اعضا و نیز دبیرخانه این است که همچنان بر اصل احترام به اصول کارشناسی استوار بمانند و با بهره‌برداری از اندیشه و راهنمایی‌های اعضا در طرح‌های صنعتی بیشترین تلاش را برای هموارسازی راه بخش صنعت و فعالان صنعتی ایران و به ویژه اعضا را انجام دهد. شماری از کمیته‌های کارشناسی انجمن در همین دوره سخت با استفاده از روش‌های تکنیکی و گردهمایی‌های مجازی و حتی حضوری پیشنهادهای کارشناسانه را در اختیار نهادهای بالادستی قرار داده و می‌دهند.

به امید روزهایی با کامیابی‌های بیشتر



بررسی کلیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ با تاکید بر وضعیت بخش صنعت

ندارد در این شرایط سوال این است که آیا لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ با ویژگی‌هایی که در این گزارش به آنها اشاره خواهد شد، می‌تواند کمی این وضعیت نامناسب را بهبود ببخشد؟ واقعیت این است که پاسخگویی به این سوال بستگی به این دارد که منابع بودجه تا چه میزان قابل تحقق است و این می‌تواند تا حدود زیادی تعیین کند، آیا بودجه در مسیر اصلاح و بهبود این وضعیت قرار دارد یا خیر؟ در این گزارش تلاش می‌شود این موضوع روشن شود و برای این منظور ابتدا وضعیت لایحه بودجه را از حیث برخی ارقام کلان مورد کنکاش و رسیدگی قرار دهد و مقایسه‌ای را بین این ارقام و اعداد با ارقام قانون بودجه سال ۱۳۹۹ ارائه کند، در بخش بعد عملکرد هفت ماهه قانون بودجه سال ۱۳۹۹ ارائه خواهد شد و در انتها تبصره‌های لایحه مورد مطالعه قرار می‌گیرد و درباره تبصره‌های مربوط به بخش صنعت و تولید پیشنهاداتی ارائه می‌شود.

لایحه بودجه سال ۱۴۰۰، آخرین سند بودجه فعالیت دو دوره‌ای دولت فعلی، و همین‌طور آخرین بودجه سال‌های اجرای برنامه ششم

توسعه است. بودجه سال ۱۴۰۰ از این حیث دارای اهمیت است که در زمان ارائه لایحه و رسیدگی به آن، کشور به لحاظ برخی متغیرهای کلان اقتصادی در وضعیت نامناسبی قرار دارد و نرخ تورم و نرخ بیکاری دو رقمی هستند و کاهش نرخ سرمایه‌گذاری را تجربه می‌کند. از منظر بین‌المللی و منطقه‌ای نیز با توجه به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری از منظر بین‌المللی و منطقه‌ای نیز با توجه به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا هنوز چشم‌انداز روشنی پیشروی اقتصاد ایران وجود

شیما ستوده
عضو هیأت تحریریه



■ بررسی ارقام کلان لایحه بودجه سال ۱۴۰۰

لایحه بودجه مالی ۱۴۰۰ از حیث منابع و مصارف، بیش از ۲۴۳۵۷ هزار میلیارد ریال برآورد شده است که در مقایسه با قانون بودجه سال ۱۳۹۹ بیش از ۲۰ درصد رشد داشته است. بیش از ۳۸ درصد بودجه کل کشور به بودجه عمومی دولت و ۶۲ درصد بقیه که رقم حدود ۱۵۶۲ هزار میلیارد تومان است را بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت تشکیل می‌دهد. سهم بودجه عمومی دولت و بودجه شرکت‌های دولتی در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ به ترتیب ۲۸ و ۷۲ درصد است.

منابع عمومی دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ رقم بیش از ۸۴۱ هزار میلیارد تومان که نسبت به رقم مصوب و پیش بینی عملکرد سال ۱۳۹۹ به ترتیب از افزایش معادل ۴۷/۳ و ۷۵ درصد برخوردار است و درآمدهای

اختصاصی دولت هم بیش از ۸۸ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. این ارقام در مقایسه با ارقام سال ۱۳۹۹ به ترتیب ۴۷/۳ و ۱۲/۳ درصد رشد دارند. همچنین بودجه عمومی دولت در لایحه ۱۴۰۰ در مقایسه با قانون سال ۱۳۹۹ بیش از ۴۳ درصد رشد دارد. با توجه به رشد ۴۳ درصدی بودجه عمومی دولت در لایحه، بودجه انبساطی است و این که کشور در وضعیت رکود تورمی قرار دارد، اتخاذ چنین سیاستی می‌تواند اثربخش باشد، بشرطی که منابع بودجه قابل تحقق و حصول باشد.

بودجه شرکت‌های دولتی که در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ بیش از ۱۴۳۶ هزار میلیارد تومان است با رشد ۸/۷ درصد به ۱۵۶۲ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. جزئیات این ارقام و مقایسه آن با قانون بودجه سال ۱۳۹۹ در جدول شماره (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: خلاصه بودجه کل کشور در سال ۱۴۰۰ در مقایسه با قانون بودجه سال ۱۳۹۹ مبالغ به هزار میلیون ریال

رشد ۱۴۰۰ به ۱۳۹۹ (درصد)	لایحه بودجه ۱۴۰۰	۱۳۹۹ قانون بودجه	
۲/۲۰	۲۴۳۵۷۰۷۹	۴/۲۰۲۶۶۵۳۴	منابع بودجه کل کشور
۱/۱۰	۹/۳۱۷۵۹۵۷	۵/۲۸۸۷۹۹۱	درآمدها
۶/۱۰۹	۲۲۵۲۷۲۰	۱۰۷۴۸۹۵	واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای
۸/۷۰	۶/۲۹۸۴۷۴۹	۱۷۴۷۲۵۰	واگذاری دارایی‌های مالی
۳/۴۷	۵/۸۴۱۳۴۲۷	۵/۵۷۱۰۱۳۶	جمع منابع عمومی دولت
۳/۱۲	۶/۸۸۴۷۸۹	۵/۷۸۷۹۵۷	درآمدهای اختصاصی دولت
۱/۴۳	۲/۹۲۹۸۲۱۷	۹/۶۴۹۸۰۹۳	منابع بودجه عمومی دولت
۷/۸	۵/۱۵۶۱۹۵۷۰	۶/۱۴۳۶۳۲۶۴	منابع شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت
۴/۱۹	۶/۲۴۹۱۷۷۸۷	۵/۲۰۸۶۱۳۵۸	جمع
۷/۵-	۷/۵۶۰۷۰۸	۱/۵۹۴۸۲۴	کسر می‌شود اقلامی که دو بار منظور شده است
۲/۲۰	۲۴۳۵۷۰۷۹	۴/۲۰۲۶۶۵۳۴	مصارف بودجه کل کشور
۱/۴۶	۶/۶۳۷۰۱۱۶	۶/۴۳۶۰۳۱۵	مصارف بودجه کل کشور
۲/۱۸	۹/۱۰۴۰۳۱۰	۹/۸۷۹۸۲۰	تملك دارایی‌های سرمایه‌ای
۴/۱۱۳	۱۰۰۳۰۰۰	۴۷۰۰۰۰	تملك دارایی‌های مالی
۳/۴۷	۵/۸۴۱۳۴۲۷	۵/۵۷۱۰۱۳۶	جمع مصارف عمومی دولت
۰/۱۰	۵/۸۲۸۲۱۱	۴/۷۵۳۱۳۵	از محل درآمدهای اختصاصی دولت- هزینه‌ای
۵/۶۲	۱/۵۶۵۷۸	۱/۳۴۸۲۲	از محل درآمدهای اختصاصی دولت- سرمایه‌ای
۱/۴۳	۲/۹۲۹۸۲۱۷	۹/۶۴۹۸۰۹۳	مصارف بودجه عمومی دولت
۷/۸	۵/۱۵۶۱۹۵۷۰	۶/۱۴۳۶۳۲۶۴	مصارف شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت
۴/۱۹	۶/۲۴۹۱۷۷۸۷	۵/۲۰۸۶۱۳۵۸	جمع
۷/۵-	۷/۵۶۰۷۰۸	۱/۵۹۴۸۲۴	کسر می‌شود اقلامی که دو بار منظور شده است

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه کشور. گزارش مبانی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سالانه دستگاه‌های اجرایی بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور

■ منابع عمومی دولت

منابع عمومی دولت از سه قسمت زیر تشکیل شده است:

۱- درآمدها (درآمدهای مالیاتی، کمک‌های اجتماعی، درآمدهای حاصل از مالکیت دولت، درآمدهای حاصل از خدمات و فروش، درآمدهای حاصل از جرائم و خسارت و درآمدهای متفرقه).
۲- واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (فروش نفت و فرآورده‌های نفتی، فروش و

۱- واگذاری اموال منقول و غیر منقول و واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای)
۳- واگذاری دارایی‌های مالی (فروش اوراق مشارکت، اسناد خزانه اسلامی و صکوک اجاره، استفاده از تسهیلات خارجی، دریافت اصل وام‌ها، وصولی از محل واگذاری شرکت‌های دولتی، برگشتی از پرداختی‌های سال‌های قبل، استفاده از صندوق توسعه ملی، درآمد حاصل از سایر واگذاری‌ها و منابع حاصل از تسویه مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی)

۲- واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (فروش نفت و فرآورده‌های نفتی، فروش و

واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای فقط برای تأمین اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استفاده شود، تراز سرمایه‌ای صفر خواهد شد. در واقع دولت باید با توجه به ماهیت واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و بین‌نسلی بودن آن، از این منابع برای اعتبارات عمرانی و بهبود ساختار استفاده کن که بدلیل محدودیت‌های مربوط به منابع حاصل از درآمدهای عمومی، از این منبع برای تأمین کسری اعتبارات هزینه‌ای استفاده می‌کند.

درآمدهای مالیاتی که در لایحه بودجه حدود ۲۴۸ هزار میلیارد تومان برآورد شده است، حدود ۷۸ درصد از درآمدها را تشکیل می‌دهد که در مقایسه با رقم ۲۰۴ هزار میلیارد تومان قانون بودجه سال ۱۳۹۹، بیش از ۲۱ درصد رشد دارد. درآمدهای مالیاتی معادل ۲۴۷۹ هزار میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به رقم مصوب و پیش بینی عملکرد سال ۱۳۹۹ به ترتیب از رشد ۲۱ و ۲۷ درصد برخوردار است. از درآمدهای مالیاتی سال آینده ۲۲۶ هزار میلیارد ریال (۹ درصد) مربوط به درآمد مالیات بر واردات، ۸۰۹ هزار میلیارد ریال (۳۳ درصد) مربوط به مالیات بر ارزش افزوده و بقیه مربوط به سایر درآمدهای مالیاتی می‌گردد. بدین ترتیب نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی از ۶/۴ درصد در سال ۱۳۹۹ به ۵/۹ درصد در سال ۱۴۰۰ کاهش خواهد یافت. بررسی اقلام درآمدهای مالیاتی لایحه بودجه نشان می‌دهد مالیات بر ثروت، مالیات‌های مستقیم، مالیات بر درآمد و مالیات اشخاص حقوقی قرار است در مقایسه با قانون ۹۹ به ترتیب ۱۷۸، ۵۰، ۴۰ و ۳۲ درصد رشد داشته باشد.

در بند (ب) تبصره (۱) به دولت اجازه داده شده است تا نسبت به پیش فروش نفت (ریالی - ارزی) با اولویت پیش فروش داخلی و با انتشار اوراق مالی اسلامی اقدام و منابع حاصل را به منابع عمومی واریز کند. سهم شرکت ملی نفت ایران مطابق این قانون از محل پیش فروش نفت به حساب آن شرکت واریز می‌گردد. در صورت عدم تحقق پیش فروش یاد شده به همان میزان به سقف مزبور اضافه می‌شود.

در صورت افزایش عواید حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی نسبت به ردیف‌های مصوب، بانک مرکزی مکلف است منابع حاصله را در سقف اعتبارات بودجه عمومی صرف افزایش تخصیص برای تکمیل طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای این قانون به ویژه طرح‌های حمل و نقل عمومی، تولیدی دولت الکترونیک، آموزش، سلامت، محیط زیست و تحقیقات با اولویت حوزه دانش بنیان نماید.

سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی معادل ۳۸ درصد است که به موجب بند (الف) تبصره (۱) لایحه بودجه مابه التفاوت این سهم ۲۰ درصد در منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های مالی به عنوان بدهی دولت و وام در منابع عمومی دولت منظور شده است و بازپرداخت آن به صندوق ساز و کاری است که هیات امنای صندوق توسعه ملی مشخص می‌کند.

درآمدهای مالیاتی معادل ۲۴۷۹ هزار میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به رقم مصوب و پیش بینی عملکرد سال ۱۳۹۹ به ترتیب از رشد ۲۱ و ۲۷ درصد برخوردار است. از درآمدهای مالیاتی سال آینده ۲۲۶ هزار میلیارد ریال (۹ درصد) مربوط به درآمد مالیات بر واردات، ۸۰۹ هزار میلیارد ریال (۳۳ درصد) مربوط به مالیات بر ارزش افزوده و بقیه مربوط به سایر درآمدهای مالیاتی می‌گردد. بدین ترتیب نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی از ۶/۴ درصد در سال ۱۳۹۹ به ۵/۹ درصد در سال ۱۴۰۰ کاهش خواهد یافت.

برآورد درآمدهای مالیات بر واردات بر مبنای واردات ۴۲ میلیارد دلار صورت گرفته است که از این مبلغ ۸ میلیارد دلار مربوط به کالاهای اساسی و بقیه مربوط به سایر کالاها می‌شود. نرخ تعرفه کالاهای اساسی ۵ درصد و سایر کالاها ۹ درصد در نظر گرفته شده است. نرخ تسعیر ارز همه کالاها نیز مانند سال ۱۳۹۹ معادل هر دلار معادل ۴۲ هزار ریال می‌باشد. از درآمد برآورد شده حدود ۲۰ هزار میلیارد ریال مربوط به واردات خودرو و ۶۱۰۰۰ میلیارد ریال هم مربوط به ثبت معافیت‌ها و تخفیفات گمرکی است.

درآمدهای لایحه بودجه ۱۴۰۰ حدود ۳۱۸ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده است که در مقایسه با رقم حدود ۲۸۹ هزار میلیارد تومان سال ۱۳۹۹ بیش از ۱۰ درصد رشد دارد. درآمدهای مالیاتی که در لایحه بودجه حدود ۲۴۸ هزار میلیارد تومان برآورد شده است، حدود ۷۸ درصد از درآمدها را تشکیل می‌دهد که در مقایسه با رقم ۲۰۴ هزار میلیارد تومان قانون بودجه سال ۱۳۹۹، بیش از ۲۱ درصد رشد دارد و ۲۲ درصد درآمدهای لایحه را سایر انواع درآمدها تشکیل می‌دهد. در ۶ ماهه اول سال ۱۳۹۹ میزان عملکرد درآمدهای عمومی رقم ۱۱۶۷/۷ هزار میلیارد ریال بود و پیش بینی می‌شود تا پایان سال ۱۳۹۹ حدود ۴۶ درصد و حدود ۷۶ درصد درآمدهای مالیاتی محقق شوند.

برآورد درآمدهای مالیات بر واردات بر مبنای واردات ۴۲ میلیارد دلار صورت گرفته است که از این مبلغ ۸ میلیارد دلار مربوط به کالاهای اساسی و بقیه مربوط به سایر کالاها می‌شود. نرخ تعرفه کالاهای اساسی ۵ درصد و سایر کالاها ۹ درصد در نظر گرفته شده است. نرخ تسعیر ارز همه کالاها نیز مانند سال ۱۳۹۹ معادل هر دلار معادل ۴۲ هزار ریال می‌باشد. از درآمد برآورد شده حدود ۲۰ هزار میلیارد ریال مربوط به واردات خودرو و ۶۱۰۰۰ میلیارد ریال هم مربوط به ثبت معافیت‌ها و تخفیفات گمرکی است.

در مجموع درآمدهای مالیاتی نسبت به رقم مصوب و پیش بینی عملکرد سال ۱۳۹۹ به ترتیب از رشد ۲۱ و ۲۷ درصد برخوردار است. نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی از ۶/۴ درصد در سال ۱۳۹۹ به ۵/۹ درصد در سال ۱۴۰۰ کاهش خواهد یافت.

برخی ملاحظات مهم مربوط به برآورد منابع عمومی دولت در سال ۱۴۰۰ به شرح زیر است:

منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی و خالص صادرات گاز در سال ۱۴۰۰ معادل ۱۹۹۲/۷ هزار میلیارد ریال برآورد شده است. جمع درآمدهای ارزی صادرات نفت و خالص صادرات گاز نیز معادل ۳۶/۵ میلیارد دلار است که از این مبلغ ۲/۹ میلیارد دلار مربوط به خالص صادرات گاز می‌شود. همچنین از کل صادرات نفت، میعانات و خالص صادرات گاز ۱۳/۹ میلیارد دلار سهم صندوق توسعه ملی و ۴/۹ میلیارد دلار سهم شرکت ملی نفت ایران است.

از مبلغ فوق، سهم دولت ۱۷/۳۳ میلیارد دلار محاسبه شده است. منابع عمومی دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۸۴۱۳/۴ هزار میلیارد ریال پیش بینی شده است که نسبت به رقم مصوب و پیش بینی عملکرد سال ۱۳۹۹ به ترتیب از افزایش معادل ۴۷/۳ و ۷۵ درصد برخوردار است. بودجه عمومی دولت در لایحه ۱۴۰۰ در مقایسه با قانون سال ۱۳۹۹ بیش از ۴۳ درصد رشد دارد. با توجه به رشد ۴۳ درصدی بودجه عمومی دولت در لایحه، بودجه انبساطی است و این که کشور در وضعیت رکود تورمی قرار دارد، اتخاذ چنین سیاستی می‌تواند اثربخش باشد بشرطی که منابع بودجه قابل تحقق و حصول باشد.

واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ است در مقایسه با رقم قانون بودجه سال ۱۳۹۹ بیش از ۱۱۰ درصد و در مقایسه با پیش‌بینی عملکرد بیش از ۸۳۸ درصد رشد را نشان می‌دهد.

تراز عملیاتی بودجه که شکاف بین درآمدهای عمومی و اعتبارات هزینه‌ای است از بیش از ۱۴۷ هزار میلیارد تومان قانون بودجه سال ۱۳۹۹ به بیش از ۳۱۹ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. این افزایش کسری هم ناشی از افزایش قابل توجه اعتبارات هزینه‌ای بدلیل اجرای سیاست اصلاح حقوق کارکنان و هم‌ترازی بازنشستگان اعلام شده است.

با راقمی که در لایحه در بخش منابع و مصارف دارایی‌های سرمایه‌ای پیش بینی شده است، تراز این حساب از حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان در قانون ۹۹ به بیش از ۱۲۱ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. تراز سرمایه‌ای توازن بین اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای است و اگر منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای اعم از منابع نفتی، فروش اموال و

جدول ۲- مقایسه منابع عمومی به تفکیک بخش و بند

شماره طبقه بندی	عنوان	قانون ۱۳۹۹	عملکرد هفت ماهه	مبالغ به هزار میلیون ریال	رشد لایحه ۱۴۰۰ به قانون ۱۳۹۹
۱۰۰۰۰۰	قسمت اول: درآمدها	۲۸۸۷۹۹۱	۱۴۵۶۵۶۱	۳۱۷۵۹۵۸	۰/۱۰
۱۱۰۰۰۰	بخش اول- درآمدهای مالیاتی	۲۰۴۵۱۸۵	۱۱۲۸۱۹۶	۲۴۷۹۴۵۰	۲/۲۱
۱۱۰۱۰۰	بند اول- مالیات اشخاص حقوقی	۴۴۳۷۰۴	۲۹۹۴۴۶	۵۸۹۱۰۶	۸/۳۲
۱۱۰۲۰۰	بند دوم- مالیات بر درآمد	۳۴۷۱۸۶	۲۲۳۲۳۵	۴۸۶۴۶۹	۱/۴۰
۱۱۰۳۰۰	بند سوم- مالیات بر ثروت	۸۴۷۶۵	۱۴۳۶۳۸	۲۳۳۸۷۰	۹/۱۷۵
۱۱۰۴۰۰	بند چهارم- مالیات بر واردات	۲۴۷۶۰۰	۷۳۱۰۲	۲۲۹۴۵۰	۳/۷-
۱۱۰۵۰۰	بند پنجم- مالیات بر کالاها و خدمات	۹۲۱۹۳۰	۳۸۸۷۷۵	۹۴۰۵۵۵	۰/۲
۱۲۰۰۰۰	بخش دوم- درآمدهای ناشی از کمک‌های اجتماعی
۱۲۰۱۰۰	بند اول: حق بیمه
۱۳۰۰۰۰	بخش سوم- درآمدهای حاصل از مالکیت دولت	۴۱۲۲۱۳	۱۵۵۰۵۲	۳۱۱۰۷۸	۵/۲۴-
۱۳۰۱۰۰	بند اول: سود سهام شرکت‌های دولتی	۱۳۵۸۴۵	۴۵۸۲۶	۱۵۳۰۵۴	۷/۱۲
۱۳۰۲۰۰	بند دوم: درآمد حاصل از بهره وام‌های دولت
۱۳۰۳۰۰	بند سوم: درآمدهای حاصل از اجاره	۱۲۰۰	۲۵۳	۱۵۰۰	۰/۲۵
۱۳۰۴۰۰	بند چهارم: سایر درآمدهای حاصل از مالکیت دولت	۲۷۵۱۶۸	۱۰۸۹۷۳	۱۵۶۵۲۴	۱/۴۳-
۱۴۰۰۰۰	بخش چهارم- درآمدهای حاصل از فروش کالاها و خدمات	۱۲۸۵۳۱	۶۰۹۳۵	۱۴۵۵۷۹	۳/۱۳
۱۴۰۱۰۰	بند اول: درآمدهای حاصل از خدمات	۱۲۸۰۳۹	۶۰۶۰۶	۱۴۲۲۹۶	۱/۱۱
۱۴۰۲۰۰	بند دوم: درآمدهای حاصل از فروش کالاها	۴۹۲	۳۲۹	۳۲۸۳	۳/۵۶۷
۱۵۰۰۰۰	بخش پنجم- درآمدهای حاصل از جرایم و خسارات	۸۸۹۵۶	۳۰۶۸۰	۸۳۲۲۰	۴/۶-
۱۵۰۱۰۰	بند اول: درآمدهای حاصل از جرایم و خسارات	۸۸۹۵۶	۳۰۶۸۰	۸۳۲۲۰	۴/۶-
۱۶۰۰۰۰	بخش ششم- درآمدهای متفرقه	۲۱۳۱۰۶	۸۱۶۹۸	۱۵۶۶۳۱	۵/۲۶-
۱۶۰۱۰۰	بند اول: درآمدهای متفرقه	۲۱۳۱۰۶	۸۱۶۹۸	۱۵۶۶۳۱	۵/۲۶-
۲۰۰۰۰۰	قسمت دوم: واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	۱۰۷۴۸۹۵	۶۴۲۱۸	۲۲۵۲۷۲۰	۶/۱۰۹
۲۱۰۰۰۰	بخش اول: واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	۱۰۷۴۸۹۵	۶۴۲۱۸	۲۲۵۲۷۲۰	۶/۱۰۹
۲۱۰۱۰۰	بند اول: صادرات نفت و میعانات گازی و خالص صادرات گاز	۵۶۹۴۳۶	۵۹۳۳۲	۱۹۹۲۷۲۰	۹/۲۴۹
۲۱۰۲۰۰	بند دوم: فروش و واگذاری اموال منقول و غیرمنقول	۴۹۵۴۵۹	۴۸۸۲	۲۵۰۰۰۰	۵/۴۹-
۲۱۰۳۰۰	بند سوم: واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای	۱۰۰۰۰	۴	۱۰۰۰۰	۰/۰
۳۰۰۰۰۰	قسمت سوم: واگذاری دارایی‌های مالی	۱۷۴۷۲۵۰	۱۳۷۸۱۳۶	۲۹۸۴۷۵۰	۸/۷۰
۳۱۰۰۰۰	بخش اول: واگذاری دارایی‌های مالی	۱۷۴۷۲۵۰	۱۳۷۸۱۳۶	۲۹۸۴۷۵۰	۸/۷۰
۳۱۰۱۰۰	بند اول: منابع حاصل از فروش و واگذاری انواع اوراق مالی اسلامی	۸۸۰۰۰۰	۹۰۲۱۹۴	۱۲۵۰۰۰۰	۰/۴۲
۳۱۰۲۰۰	بند دوم: استفاده از تسهیلات خارجی	۵۰۰	.	۵۰۰	۰/۰
۳۱۰۴۰۰	بند چهارم: دریافت اصل وام‌ها	۱۳۰۷۳	۲۱۴۶	۱۲۲۴۳	۳/۶-
۳۱۰۵۰۰	بند پنجم: واگذاری شرکت‌های دولتی	۱۱۵۸۷۱	۲۵۲۰۸۰	۹۵۰۰۰۰	۹/۷۱۹
۳۱۰۶۰۰	بند ششم: برگشتی از پرداخت‌های سال‌های قبل	۱۲۵۰۰	۸۳۹۸	۱۶۰۰۷	۱/۲۸
۳۱۰۷۰۰	بند هفتم: استفاده از صندوق توسعه ملی	۷۲۱۳۰۶	۱۲۶۳۵۰	۷۵۵۰۰۰	۷/۴
۳۱۰۸۰۰	بند هشتم: سایر واگذاری‌های مالی	۴۰۰۰	۸۶۹۶۸	۱۰۰۰	۰/۷۵-
	جمع	۵۷۱۰۱۳۶	۲۸۹۸۹۱۵	۸۴۱۳۴۲۸	۳/۴۷

■ مصارف عمومی دولت

۱۳۹۹، بیش از ۴۶ درصد رشد را نشان می‌دهد. عملکرد اعتبارات هزینه‌ای در ۶ ماهه منتهی به شهریور ۹۹ با ۲۱۳۱/۴ هزار میلیارد ریال است. پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال حدود ۷۹ درصد رقم قانون محقق شود. تراز عملیاتی بودجه از بیش از ۱۴۷ هزار میلیارد تومان قانون بودجه سال ۱۳۹۹ به بیش از ۳۱۹ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. این افزایش کسری هم ناشی از افزایش قابل توجه اعتبارات هزینه‌ای بدلیل اجرای سیاست اصلاح حقوق کارکنان و هم‌ترازی بازنشستگان اعلام شده است. در واقع تراز عملیاتی به ارزیابی وضعیت اعتبارات هزینه‌ای در مقابل درآمدهای عمومی و پوشش اعتبارات هزینه‌ای از منابع غیرنفتی می‌پردازد. منفی بودن این شاخص به معنای این است که درآمدهای عمومی نمی‌تواند اعتبارات هزینه‌ای را پوشش دهد و برای جبران این وضعیت یا باید اجزاء درآمدهای عمومی تقویت شود و یا این که اعتبارات هزینه‌ای و حجم دولت کاهش یابد. جزئیات این رقم در جدول شماره (۳) ارائه شده است.

مصارف عمومی دولت در سال ۱۴۰۰ معادل ۸۴۱۳ هزار میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به رقم مصوب و پیش‌بینی عملکرد سال ۱۳۹۹ به ترتیب از ۱۴/۷ و ۴۹ درصد افزایش برخوردار است. از رقم یاد شده ۶۳۷۰ هزار میلیارد ریال (۷۶ درصد) مربوط به اعتبارات هزینه‌ای ۱۰۴۰۰ هزار میلیارد ریال (۱۲ درصد) مربوط به اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و ۱۰۰۳ هزار میلیارد ریال (۱۲ درصد) مربوط به اعتبارات تملک دارایی‌های مالی می‌شود که نسبت به ارقام مصوب سال ۱۳۹۹، اعتبارات هزینه‌ای ۴۶/۱ درصد رشد، اعتبارات تملک دارایی‌های ۱۸/۲ درصد و اعتبارات تملک دارایی‌های مالی ۱۱۳ درصد افزایش دارند نسبت به پیش‌بینی ارقام عملکرد سال ۱۳۹۹ تغییرات به ترتیب ۴۱، ۴۴ و ۱۲۰ درصد است.

اعتبارات هزینه‌ای لایحه بودجه ۱۴۰۰ معادل ۶۳۷ هزار میلیارد تومان برآورد شده که در مقایسه با رقم ۴۳۶ هزار میلیارد تومان قانون بودجه سال

جدول ۳: مقایسه درآمدها و هزینه‌های دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۰ و قانون بودجه سال ۱۳۹۹

رشد (درصد)	سهم (درصد)		لایحه بودجه ۱۴۰۰	قانون بودجه ۱۳۹۹	
	لایحه ۱۴۰۰	قانون ۱۳۹۹			
۱۴۰۰	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۹/۳۱۷۵۹۵۷	۵/۲۸۸۱۷۹۹۱	درآمدها
۲/۲۱	۱/۷۸٪	۸/۷۰٪	۲۴۷۹۴۵۰	۱/۲۰۴۵۱۸۵	بخش اول - درآمدهای مالیاتی
		۰/۰٪	۰	۰	بخش دوم - کمک‌های اجتماعی
۵/۲۴-	۸/۹٪	۳/۱۴٪	۹/۳۱۱۰۷۷	۸/۴۱۲۲۱۲	بخش سوم - درآمدهای حاصل از مالکیت دولت
۳/۱۳	۶/۴٪	۵/۴٪	۸/۱۴۵۵۷۸	۵/۱۲۸۵۳۱	بخش چهارم - درآمدهای حاصل از خدمات و فروش
۴/۶-	۶/۲٪	۱/۳٪	۸۳۲۲۰	۸۸۹۵۶	بخش پنجم - درآمدهای حاصل از جرایم خسارات
۶/۲۶-	۹/۴٪	۴/۷٪	۳/۱۵۶۳۶۱	۱/۲۱۳۱۰۶	بخش ششم - درآمدهای متفرقه
۱/۴۶	۱۰۰٪	۰/۱۰۰٪	۶/۶۳۷۰۱۱۶	۶/۴۳۶۰۳۱۵	هزینه‌ها
۸/۷۵	۸/۳۲٪	۲/۲۷٪	۱/۲۰۸۶۲۷۹	۵/۱۱۸۶۷۰۲	فصل اول - جبران خدمت کارکنان
۱/۵۲	۶/۷٪	۳/۷٪	۴۸۵۶۵۶	۵/۳۱۹۴۰۰	فصل دوم - استفاده از کالاها و خدمات
۳/۱	۰/۰٪	۰/۰٪	۱/۶۸	۲/۶۷	فصل سوم - هزینه‌های اموال و دارایی
۱/۴۴	۷/۰٪	۸/۰٪	۸/۴۷۲۷۲	۶/۳۲۸۱۲	فصل چهارم - یارانه
۴/۲۹-	۷/۱٪	۵/۳٪	۳/۱۰۷۵۷۴	۶/۱۵۲۳۵۸	فصل پنجم - کمک‌های بلاعوض
۰/۳۹	۷/۲۹٪	۲/۳۱٪	۵/۱۸۹۱۸۸۴	۴/۱۳۶۱۳۵۱	فصل ششم - رفاه اجتماعی
۹/۳۳	۵/۲۷٪	۰/۳۰٪	۸/۱۷۵۱۳۸۱	۸/۱۳۰۷۶۲۲	فصل هفتم - سایر هزینه‌ها
۹/۱۱۶			۳۱۹۴۱۵۹-	۱۴۷۲۳۲۴-	تراز عملیاتی

مأخذ: همان

این قلم از منابع عمومی دولت تا شهریور ۱۳۹۹ بیش از ۵۴/۳ هزار میلیارد ریال اعلام شده است که در مقایسه با مدت زمان مشابه سال ۱۳۹۸ بیش از ۷۶ درصد کاهش یافته است و این کاهش می‌تواند کسری بودجه و نامناسب شدن وضعیت اقتصاد را بدنبال داشته باشد.

اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در لایحه بودجه ۱۰۴ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است که در مقایسه با رقم حدود ۸۸ هزار میلیارد تومان سال ۱۳۹۹، بیش از ۱۸ درصد رشد دارد. سهم اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از مصارف عمومی دولت بیش از ۱۲ درصد است و این سهم در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ بیش از ۱۵ درصد است. عملکرد اعتبارات

واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای بخش دوم منابع عمومی دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ است که رقم آن در لایحه بیش از ۲۲۵ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است که در مقایسه با رقم بیش از ۱۰۷ هزار میلیارد تومان قانون بودجه سال ۱۳۹۹ بیش از ۱۱۰ درصد رشد را نشان می‌دهد. در سرجمع واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای، ارزش فروش نفت خام و میعانات گازی رقم چشمگیر و قابل توجه است و سهم آن در مجموع این رقم بیش از ۸۸ درصدی شده است. ارزش فروش نفت خام و میعانات گازی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ بیش از ۱۹۹ هزار میلیارد تومان است که در مقایسه با رقم حدود ۵۷ هزار میلیارد تومان قانون بودجه سال ۱۳۹۹، حدود ۲۵۰ درصد رشد دارد. عملکرد

دارایی‌های سرمایه‌ای است و اگر منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای اعم از منابع نفتی، فروش اموال و واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای فقط برای تأمین اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استفاده شود، تراز سرمایه‌ای صفر خواهد شد. در واقع دولت باید با توجه به ماهیت واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و بین‌نسلی بودن آن، از این منابع برای اعتبارات عمرانی و بهبود ساختار استفاده کن که بدلیل محدودیت‌های مربوط به منابع حاصل از درآمدهای عمومی، از این منبع برای تأمین کسری اعتبارات هزینه‌ای استفاده می‌کند. در جدول (۴) جزئیات این ارقام درج شده است.

تملك دارایی‌های سرمایه‌ای در ۶ ماهه اول سال ۱۳۹۹ حدود ۳۴۹/۲ هزار میلیارد ریال اعلام شده است. با توجه به محدود بودن منابع بودجه کل کشور، دولت و مجلس باید تلاش کنند تا طرح‌هایی را در اولویت قرار دهند که با پیشرفت فیزیکی بالا و امکان بهره‌برداری از آنها تا پایان سال ۱۴۰۰ وجود دارد. با ارقامی که در لایحه در بخش منابع و مصارف دارایی‌های سرمایه‌ای پیش بینی شده است، تراز این حساب از حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان در قانسون ۹۹ به بیش از ۱۲۱ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. در واقع تراز سرمایه‌ای توازن بین اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و واگذاری

جدول ۴: مقایسه خلاصه واگذاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای لایحه بودجه ۱۴۰۰ و قانون بودجه سال ۱۳۹۹ مبالغ به هزار میلیون ریال

رشد (درصد)	سهام (درصد)		لایحه بودجه ۱۴۰۰	قانون بودجه ۱۳۹۹	
	لایحه ۱۴۰۰	قانون ۱۳۹۹			
۱۰۹/۶	۱۰۰	۱۰۰	۲۲۵۲۷۲۰	۱۰۷۴۸۹۵	واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای
۲۴۹/۹	۸۸/۵	۵۳	۱۹۹۲۷۲۰	۵۶۹۴۳۶	بند اول - ارزش فروش نفت خام و میعانات گازی
-۴۹/۵	۱۱/۱	۴۶/۱	۲۵۰۰۰۰	۴۹۵۴۵۹	بند دوم - فروش و واگذاری اموال منقول و غیرمنقول
۰/۰	۰/۴	۰/۹	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	بند سوم - واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای
۱۸/۲	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۴۰۳۱۰/۹	۸۷۹۸۲۰/۹	تملك دارایی‌های سرمایه‌ای
۳۷/۰	۷۶/۶	۶۶/۱	۷۹۶۶۵۹/۵	۵۸۱۴۸۳/۲	فصل اول - ساختمان و سایر مستحقات
-۱۱/۴	۱۴/۱	۱۸/۹	۱۴۶۸۹۴/۹	۱۶۵۸۵۲/۷	فصل دوم - ماشین آلات و تجهیزات
۶۶/۵	۰/۳	۰/۲	۲۶۵۹/۵	۱۵۹۷/۶	فصل سوم - سایر دارایی‌های ثابت
-۴۶/۵	۰/۰	۰/۰	۳۸/۸	۷۲/۵	فصل چهارم - استفاده از موجودی انبار
-۹۳/۸	۰/۰	۰/۰	۸/۵	۱۳۶/۷	فصل پنجم - اقلام گرانبها
-۷۵/۱	۰/۵	۲/۵	۵۴۳۷/۸	۲۱۸۲۰	فصل ششم - زمین
-۱۸/۶	۸/۵	۱۲/۴	۸۸۶۱۱/۹	۱۰۸۸۵۸/۲	فصل هفتم - سایر دارایی‌های تولید نشده
۵۲۱/۵			۱۲۱۲۴۰۹/۱	۱۹۵۰۷۴/۱	خالص دارایی‌های سرمایه‌ای

مأخذ: همان

- طول زمان اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از ۱۰ سال در ۱۳۸۵ به بیش از ۱۵ سال در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است.

- میزان تعهدات طرح‌های نیمه تمام مندرج در پیوست شماره (۱) معادل دو میلیون ریال است.

اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در سال ۱۴۰۰ معادل ۷۰۳ هزار میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به رقم مصوب سال ۱۳۹۹، ... درصد افزایش دارد. در توزیع اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای سال آینده فصول حمل و نقل با سهم ۱۶ درصد منابع آب با سهم ۷ درصد، ارتباطات و فناوری اطلاعات با ۴/۶ درصد، کشاورزی با ۲/۲ درصد و آموزش و پرورش با ۴/۲ درصد اولویت برخوردار هستند. این پنج فصل در مجموع حدود ۳۴ درصد از اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای را به خود اختصاص داده اند.

با اعتبارات پیش بینی شده اقدامات زیر صورت خواهد گرفت:

- توسعه حمل و نقل ریلی و اتصال به شبکه ریلی بین المللی از طریق: برقی کردن راه آهن گرمسار، گرگان، اینچه برون برای اتصال به آسیای مرکزی و روسیه، احداث راه آهن خواف-هرات برای ارتباط به افغانستان، احداث راه آهن رشت-آستارا به منظور اتصال به جمهوری آذربایجان و متعاقباً روسیه و امکان اتصال به گرجستان و دسترسی به بنادر دریای سیاه، احداث راه آهن غرب کشور با هدف اتصال به عراق، راه آهن شلمچه-بصره برای اتصال به راه آهن عراق

اجرای طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای می‌تواند در دستیابی کشور به هدف رشد و اشتغال موثر باشد. اما بدون شک اینگونه طرح‌ها با مشکلاتی مواجه هستند که مهم ترین مشکلات پیش روی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به شرح زیر است:

- تعداد طرح‌های مندرج در پیوست شماره (۱) در ۱۳ سال گذشته از ۱۲۴۱ به ۵/۲۵۸ طرح رسیده است.

- تعداد طرح‌های مستمر از ۱۴۵ طرح در سال ۱۳۸۵ به ۷۸۴ طرح در سال ۱۳۹۸ رسیده است.

- طی دوره ۱۳۸۶، ۱۳۹۸، ۲۹۱۷ طرح و به طور میانگین سالانه ۲۲۲ طرح به طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای اضافه شده است. از این تعداد ۲۳۱۵ طرح تنها مربوط به ۶ سال (۱۳۸۶-۱۳۹۱) است.

- مجموع طرح‌های خاتمه یافته طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۷، ۱۴۴۸ طرح با میانگین سالانه ۱۱۱ طرح بوده است.

- اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به قیمت ثابت ۱۳۹۵ از ۷۶۹ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۵ به ۴۱۱ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۷ کاهش یافته است.

- میانگین رشد سالانه اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۹۸ به قیمت اسمی معادل ۱۷ درصد بوده است.

می‌دهد و در لایحه بودجه رقم آن از ۲۹۸ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده است که در مقایسه با رقم حدود ۱۷۵ هزار میلیارد ریال قانون بودجه سال ۱۳۹۹ حدود ۷۱ درصد رشد دارد. لایحه بودجه سال ۱۴۰۰، واگذاری دارایی‌های مالی دارای ۹ بند است که منابع حاصل از فروش و واگذاری اوراق مالی اسلامی ۱۲۵ هزار میلیارد تومان برآورد شده است که حدود ۴۲ درصد رقم واگذاری دارایی‌های مالی را به خود اختصاص داده است و هدف دولت از انتشار و فروش این اوراق تامین منابع مالی و بازپرداخت بدهی‌های ایجاد شده است. واگذاری سهام شرکت‌های دولتی بخش مهم دیگری از منابع مربوط به واگذاری دارایی‌های مالی در لایحه ۱۴۰۰ است که رقم آن ۹۵ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده است. این رقم در قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور که حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان بود. با این رقم در لایحه بودجه ۱۴۰۰ این رقم ۷۲۶ درصد رشد دارد.

- پیش بینی اتمام مترو پرند با مشارکت شهرداری تهران
- احداث مترو شهر جدید بهارستان اصفهان و احداث مترو مشهد-گلبهار
- پیش بینی و تامین اعتبار ۱۰۰۰ میلیارد تومان برای احداث زیرساخت‌های مسکن محرومین و ایثارگران
- تکمیل ۳۰ تصفیه خانه فاضلاب کشور
- تامین اعتبار برای تکمیل ۳ سد و آبرگیری ۱۲ سد با حجم مخزن ۱۳۲۷ میلیون متر مکعب
- تامین آب برای ۲۸ هزار هکتار شبکه اصلی آبیاری و زهکشی
- اجرای کاداستر اراضی کشاورزی ۱۲۰ هزار هکتار
- بازسازی و احیا قنوت ۸۵۰ کیلومتر
- واگذاری دارایی‌های مالی که قسمت سوم از منابع عمومی دولت را تشکیل

جدول ۵: مقایسه خلاصه واگذاری و تملک دارایی‌های مالی لایحه بودجه ۱۴۰۰ و قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور

مبالغ به هزار میلیون ریال

رشد (درصد)	سهم (درصد)		لایحه بودجه ۱۴۰۰	قانون بودجه ۱۳۹۹	
	قانون ۱۳۹۹	لایحه ۱۴۰۰			
					واگذاری دارایی‌های مالی
۷۰٫۸٪	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٪	۲۹۸۴۷۴۹٫۶	۱۷۴۷۲۵۰	
۴۲٫۰٪	۴۱٫۹٪	۵۰٫۴٪	۱۲۵۰۰۰۰	۸۱۰۰۰۰	۱- فروش اوراق مشارکت، اسناد خزانه اسلامی و صکوک اجاره
۰٫۰٪	۰٫۰٪	۰٫۰٪	۵۰۰	۵۰۰	۲- استفاده از تسهیلات خارجی
۶٫۳٪	۰٫۴٪	۰٫۷٪	۱۲۲۴۲٫۸	۱۳۰۷۲٫۷	۳- درسافت اصل وام‌ها
۷۱۹٫۹٪	۳۱٫۸٪	۶۶٪	۹۵۰۰۰۰	۱۱۵۸۷۱٫۳	۴- وصولی از محل واگذاری شرکت‌های دولتی
۲۸٫۱٪	۰٫۵٪	۰٫۷٪	۱۶۰۰۶٫۸	۱۲۵۰۰	۵- برگشتی از پرداخت‌های سال‌های قبل
۴٫۷٪	۲۵٫۳٪	۴۱٫۳٪	۷۵۵۰۰۰	۷۲۱۳۰۶	۶- استفاده از صندوق توسعه ملی
۷۵٫۰٪	۰٫۰٪	۰٫۲٪	۱۰۰۰	۴۰۰۰	۷- درآمد حاصل از سایر واگذاری‌ها
۰٫۰٪	۰٫۰٪	۰٫۰٪	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۱	۸- منابع حاصل از تسویه مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی
					تملك دارایی‌های مالی
۱۱۳٫۴٪	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰٫۰٪	۱۰۰۳۰۰۰	۴۷۰۰۰۰	
۳۲٫۴٪	۳٫۷٪	۵٫۹٪	۳۶۷۵۰	۲۷۷۵۰	۱- اعتبارات موضوع واگذاری سهام
۱۰۱٫۵٪	۸۰٫۴٪	۸۵٫۱٪	۸۰۶۱۰۰	۴۰۰۱۰۰	۲- بازپرداخت اصل اوراق مشارکت
۱۲۴٫۵٪	۰٫۴٪	۰٫۳٪	۳۵۴۷	۱۵۸۰	۳- بازپرداخت اصل تسهیلات بانکی
۳۷۷٫۴٪	۰٫۵٪	۰٫۲٪	۵۰۶۰	۱۰۶۰	۴- تعهدات پرداخت نشده سال‌های قبل
۲۸۳٫۶٪	۱۵٫۱٪	۸٫۴٪	۱۵۱۵۴۳	۳۹۵۱۰	۵- بازپرداخت اصل وام‌های خارجی و تعهدات
۵۵٫۲٪			۱۹۸۱۷۴۹٫۶	۱۲۷۷۲۵۰	خالص دارایی‌های مالی

مأخذ: همان

سال ۱۳۹۹ به ترتیب از ۱۴/۷ و ۴۹ درصد افزایش برخوردار است. از رقم یاد شده ۶۳۷۰ هزار میلیارد ریال (۷۶ درصد) مربوط به اعتبارات هزینه‌ای ۱۰۴۰۰ هزار میلیارد ریال (۱۲ درصد) مربوط به اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و ۱۰۰۳ هزار میلیارد ریال (۱۲ درصد) مربوط به اعتبارات تملک دارایی‌های مالی می‌شود که نسبت به ارقام مصوب سال ۱۳۹۹، اعتبارات هزینه‌ای ۴۶/۱ درصد رشد، اعتبارات تملک دارایی‌های ۱۸/۲ درصد و اعتبارات تملک دارایی‌های مالی ۱۱۳ درصد افزایش دارند نسبت به پیش بینی ارقام عملکرد سال ۱۳۹۹ تغییرات به ترتیب ۴۴، ۴۱ و ۱۲۰ درصد است.

در سال‌های اخیر استفاده از منابع صندوق توسعه ملی در واگذاری دارایی‌های مالی افزایش یافته است و سهم آن در واگذاری دارایی‌های مالی سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به ترتیب حدود ۲۳ و ۳۸/۵ درصد بود، اما در ۶ ماهه اول سال ۱۳۹۹ به حدود ۴۰ درصد افزایش یافته است و این افزایش، بدلیل اعمال فشار حداکثری از سوی آمریکا و تشدید تحریم‌ها و پاندمی شدن ویروس کرونا و پوشش دادن هزینه‌های مربوط به مقابله با این ویروس و اعمال سیاست‌های حمایتی و پرداخت‌های انتقالی به بنگاه‌ها و خانوارها بود. مصارف عمومی دولت در سال ۱۴۰۰ معادل ۸۴۱۳ هزار میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به رقم مصوب و پیش بینی عملکرد

بررسی عملکرد منابع و مصارف عمومی دولت در ۷ ماهه اول سال ۱۳۹۹

بر اساس گزارش خزانه‌داری کل کشور، منابع عمومی دولت در هفت ماهه اول سال ۱۳۹۹ به ۲۸۹۸/۹ هزار میلیارد ریال بالغ گردیده است که نسبت به رقم مشابه سال قبل از رشد ۴۲/۴ درصد برخوردار بوده است و در مقایسه با رقم ۷ ماهه مصوب ۸۷ درصد تحقق داشته است. مصارف عمومی دولت در همین مدت با تحقق ۹۰/۸ درصد نسبت به رقم مصوب معادل ۳۰۲۴/۶ هزار میلیارد ریال بوده است که نسبت به رقم ۸ ماهه سال ۱۳۹۸ رشدی معادل ۳۱ درصد داشته است. بدین ترتیب طی دوره مورد بررسی بودجه عمومی دولت با ۱۲۵/۷ هزار میلیارد ریال ناترازی مواجه بوده است که با استفاده تنخواه گردان بانک مرکزی تامین شده است.

از منابع عمومی دولت در هفت ماهه اول سال ۱۳۹۹، ۵۰/۳ درصد را درآمدها، ۲/۲ درصد را واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و ۴۷/۵ درصد را واگذاری دارایی‌های مالی تشکیل داده است که نسبت به ارقام مشابه سال ۱۳۹۸ درآمدها و واگذاری دارایی‌های مالی به ترتیب ۲۰/۸ و ۲۴۲/۱ درصد افزایش و واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای ۲۲/۲ درصد کاهش داشته است. در مقایسه با سال ۱۳۹۸ سهم درآمدها از ۵۶/۶ درصد به ۵۰/۲ درصد کاهش و سهم واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای از ۱۲/۹ به ۲/۲ درصد کاهش و سهم واگذاری دارایی‌های مالی از ۳۰/۵ به ۴۷/۵ درصد افزایش یافته است.

از ۱۴۵۴/۶ هزار میلیارد ریال درآمدهای وصول شده طی دوره مورد بررسی ۷۷/۵ درصد را درآمدهای مالیاتی و ۲۲/۵ درصد را سایر درآمدها تشکیل می‌دهد که نسبت به ارقام متناظر سال ۱۳۹۸ به ترتیب ۳۱/۳ و ۶/۵ درصد افزایش داشته‌اند. ۶/۵ درصد از درآمدهای مالیاتی را مالیات بر واردات و ۹۳/۵ درصد را سایر درآمدهای مالیاتی تشکیل می‌دهد که به ترتیب نسبت به ارقام متناظر سال ۱۳۹۸، ۸ درصد کاهش و ۳۵/۳ درصد افزایش داشته‌اند.

از منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای، ۹۲/۴ درصد مربوط به صادرات نفت خام و میعانات گازی و بقیه مربوط به واگذاری اموال منقول و غیرمنقول بوده است و در مورد واگذاری طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مشابه سال‌های قبل مبلغ ناچیزی (۴ میلیارد ریال) وصول شده است. این نکته به رغم این است که زمینه‌های لازم (شامل آیین نامه و دستورالعمل تعیین طرح‌های موضوع واگذاری) برای این کار فراهم شده و از اولویت‌های مهم به شمار می‌رود. در خصوص منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های مالی، منابع حاصل از فروش و واگذاری انواع اوراق مالی اسلامی ۷۵/۸ درصد بیشتر از پیش بینی ۷ ماهه مصوب محقق شده، تحقق واگذاری شرکت‌های دولتی نیز ۴۸۵ درصد یعنی حدود ۵ برابر رقم مصوب بوده است. همچنین ۱۲۶۳۵۱ میلیارد ریال استفاده از منابع صندوق توسعه ملی به عمل آمده است.

از ۲۳۰۹/۲ هزار میلیارد ریال عملکرد مصارف عمومی در هفت ماهه اول سال ۱۳۹۹، ۷۹/۳ درصد را اعتبارات هزینه‌ای، ۱۳/۲ درصد را اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و ۷/۵ درصد را اعتبارات تملک دارایی‌های مالی تشکیل می‌دهد که نسبت به ارقام متناظر سال ۱۳۹۷، اعتبارات هزینه‌ای ۲۳/۷ درصد، اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ۳۱/۶ درصد و اعتبارات تملک دارایی‌های مالی ۶۰/۱ درصد افزایش داشته‌اند.

از اعتبارات هزینه‌ای پرداخت شده ۸۲/۱ درصد مربوط به اعتبارات هزینه‌ای ملی بوده که نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۹۸ معادل ۳۶/۸ درصد افزایش داشته است. ۳/۴ درصد مربوط به اعتبارات هزینه‌ای استانی بوده با رشد حدود یک درصد نسبت به سال قبل، ۱۰ درصد مربوط به اعتبارات متفرقه هزینه‌ای بوده با ۲۹/۷ درصد افزایش نسبت به رقم مشابه سال

۱۳۹۸ و همچنین ۲/۵ درصد مربوط به سایر اعتبارات هزینه‌ای بوده است با ۱/۶ درصد کاهش نسبت به ۷ ماهه اول سال ۱۳۹۸، از سایر اعتبارات هزینه‌ای، ۹۹/۹ هزار میلیارد ریال مربوط به تنخواه گردان این اعتبارات و ۱۱/۷ ریال مربوط به پرداختی موضوع مواد (۱۶) و (۱۷) قانون مدیریت بحران بوده است.

پرداخت اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در دوره مورد بررسی معادل ۳۹۸/۹ هزار میلیارد ریال بوده است که ۷۷/۷ درصد مصوب هفت ماهه می‌باشد و نسبت به مدت مشابه سال ۱۳۹۸، معادل ۲۹ درصد افزایش دارد. از مبلغ پرداخت شده ۲۸۳ هزار میلیارد ریال مربوط به طرح‌های ملی، ۴۷ هزار میلیارد ریال مربوط به طرح‌های استانی، ۶۱/۳ هزار میلیارد ریال مربوط به ردیف‌های متفرقه و ۷/۶ هزار میلیارد ریال مربوط به سایر پرداخت‌های سرمایه‌ای بوده است.

از ۲۲۸ هزار میلیارد ریال پرداخت تملک دارایی‌های مالی نیز ۲۰۶ هزار میلیارد ریال برای بازپرداخت سررسید اسناد خزانه اسلامی و ۲۲ هزار میلیارد ریال برای سایر اقلام اختصاص یافته در حالی که در خصوص اعتبارات مصوب موضوع واگذاری سهام موضوع ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و اوراق تسویه مبلغی پرداخت نگردیده است.

بررسی ترازهای اساسی بودجه در هفت ماهه اول سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که کسری تراز عملیاتی به حدود ۹۴۱/۱ هزار میلیارد ریال بالغ گردیده است که ۹/۶ درصد بیشتر از هفت ماهه مصوب بوده و ۴۱/۸ درصد نسبت به دوره مشابه سال گذشته افزایش نشان می‌دهد. تراز دارایی‌های سرمایه‌ای معادل ۳۳۴/۷- میلیارد ریال بوده است که به مفهوم این است که میزان واگذاری دارایی‌های موجود ۳۳۴/۷ هزار میلیارد ریال کمتر از تولید دارایی‌های جدید بوده است که این کسری بر کسری تراز عملیاتی افزوده است. تراز دارایی‌های سرمایه‌ای در ۷ ماهه سال ۱۳۹۸ با ۴۶/۲ هزار میلیارد ریال کسری روبه رو بود. تراز دارایی‌های مالی نیز با مبلغ ۱۱۵۰/۱ هزار میلیارد ریال، حدود ۱۵۰ درصد نسبت به رقم مشابه سال گذشته افزایش داشته است. بدین ترتیب مازاد دارایی‌های مالی معادل ۱۲۵/۷ هزار میلیارد ریال کمتر از کسری تراز عملیاتی و تراز دارایی سرمایه‌ای بوده که از محل تنخواه گردان بانک مرکزی تامین شده است.

بخش صنعت در لایحه بودجه ۱۴۰۰

صنعت در اقتصاد ایران از جمله بخش‌های مهم و پیشران محسوب می‌شود و سهم این بخش در ارزش افزوده (بدون نفت) در سال ۱۳۹۸ به میزان ۱۵ درصد اعلام شده است. در ایجاد اشتغال سهم بخش مذکور برجسته است و حدود ۳۰ درصد شاغلان کشور در بخش صنعت مشغول فعالیت هستند. بخش صنعت اگر رونق پیدا کند، این قابلیت را دارد که کشور را از حالت تک محصولی خارج کند و برای حصول به این موضوع در برنامه‌ها و برخی اسناد فرادستی اهدافی تصویب و در نظر گرفته شد. بدون شک دستیابی به این اهداف به همراهی سطوح مختلف اثرگذار نیاز دارد که ثبات متغیرهای اقتصادی، فضای کسب و کار مناسب و... از جمله آنهاست. بخش صنعت در سال ۱۳۹۸ به دلیل تحریم‌های بین‌المللی وضع شده فضای مناسبی برای فعالیت نداشت و از منظر تامین مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در شرایط نامناسبی قرار گرفت. از منظر قیمت گذاری، دولت در بازار برخی از کالاهای صنعتی دخالت کرد و مجموع این سیاست‌ها باعث شد بخش صنعت در سال ۱۳۹۸ با رشد منفی ۱/۸ درصدی مواجه شود. در سه ماهه اول سال ۱۳۹۹ نیز نرخ رشد بخش صنعت کشور منفی ۰/۴ درصد اعلام شده است. همان طوری که پیش‌تر ذکر شد، بخش صنعت با توجه به نقشی که در اقتصاد دارد به منظور خروج از این وضعیت به

برنامه‌ریزی و تعیین هدف مناسب نیاز دارد. قانون بودجه سالیانه از جمله ابزارهایی محسوب می‌شود که در تحقق این هدف می‌تواند مؤثر و مفید باشد. لذا در این قسمت از گزارش متغیرهایی که بر بخش صنعت اثرگذار هستند را احصاء و در مورد آن‌ها مباحثی ارائه می‌شود.

بند (الف) تبصره (۱۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور

مطابق برنامه‌ریزی به عمل آمده، دولت برای بند (الف) تبصره (۱۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۹ که در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ نیز مصوب شده بود، حوزه را با همکاری دستگاه‌های اجرایی تعیین کرد و به استانداردها ابلاغ شد. در قالب این برنامه قرار بود ۱۰۷۳۴۸ شغل ایجاد شود و سهم صنعت و معدن از این میزان اشتغال ۲۷۰ هزار نفر بود. بدین منظور مقرر گردید از محل منابع بانکی و منابع صندوق توسعه ملی حدود ۴۹۳ هزار میلیارد ریال

جدول ۶- برنامه‌های تولید و اشتغال وزارت صمت و نحوه تامین مالی آن (میلیارد ریال)

برنامه	تسهیلات از محل منابع بانکی	تسهیلات ریالی صندوق توسعه ملی	جمع کل تسهیلات	یارانه سود تسهیلات	کمک‌های فنی و اعتباری	اشتغال (نفر)
تسهیلات برنامه تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام	۲۰۱۰۹	۲۰۱۰۹	۴۰۲۱۸	۳۱۸۴	-	۱۳۹۸۶۱
تسهیلات برنامه بازسازی و نوسازی	۳۵۲۱۷۰۵	۳۵۲۱۷۰۵	۷۰۴۳۵	۵۵۷۷	-	۵۱۷۱۰
تامین سرمایه گردش واحدها	۴۵۳۲۳	۴۵۳۲۳	۹۰۶۴۶	۱۴۵۰	-	۸۷۴۲۹
توسعه خوشه‌های صنعت و خدمات کلینیکی	-	-	-	-	۴۶۶	۱۰۰۰
جمع کل	۵,۱۰۰,۶۴۹	۵,۱۰۰,۶۴۹	۲۰,۱۲۹,۹	۱۰,۲۱۱	۴۶۶	۲۷۰,۰۰۰

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه کشور. گزارش‌های برنامه‌های تولید و اشتغال بر پایه سیاست‌های کلی برنامه اقتصاد مقاومتی

ریال) توسط سازمان برنامه و بودجه کشور تخصیص داده شده است که بر اساس آخرین عملکرد دریافتی، میزان ۳۳۸۰ میلیارد ریال آن در قالب یارانه کاهش نرخ سود تسهیلات و حدود ۸۱ میلیارد ریال در قالب کمک بلاعوض جذب شده است. جزئیات آن در جدول زیر ارائه شده است.

مطابق آخرین گزارش عملکرد که در ۱۳۹۹/۸/۲۴ منتشر شده است در بخش صنعت در مجموع حدود ۶۵ هزار میلیارد تومان برای برنامه‌های تکمیل طرح‌های نیمه تمام، بازسازی و نوسازی و تامین سرمایه در گردش واحدها پرداخت شده است. علاوه بر این ۳۹ درصد از اعتبارات پیش بینی شده (معادل ۴۱۷۷ میلیارد

جدول ۷- خلاصه عملکرد پرداخت تسهیلات برنامه تولید و اشتغال در بخش صنعت ۱۳۹۹/۸/۲۴ (میلیارد ریال)

عنوان زیر برنامه	برنامه‌ریزی شده		منعقد شده		پرداخت شده		میزان اشتغال (نفر)	
	تعداد	مبلغ	تعداد	مبلغ	تعداد	مبلغ	برنامه‌ریزی شده	عملکرد
تسهیلات برنامه تکمیل طرح‌های نیمه تمام	۲۰۶۶	۴۰۲۱۸	۳۲۹	۲۵۱۷۰	۲۳۷	۱۱۳۷۱	۱۲۹۸۶۲	۱۰۱۷۱
تسهیلات برنامه بازسازی و نوسازی	۲۱۶۵	۷۰۴۳۵	۱۳۷	۸۳۹۳	۹۸	۴۶۰۱	۵۱۷۱۰	۶۳۰۱
تامین سرمایه گردش واحدها	-	۹۰۶۴۶	۹۷۹	۷۳۶۸۷	۸۲۹	۴۸۹۸۹	۸۷۴۲۹	۱۱۰۰۴۹
مجموع	۴۲۳۱	۲۰,۱۲۹,۹	۱۴۴۵	۱۰,۷۲۵,۰	۱۱۶۴	۶۴۹۶۰	۲۶۹,۰۰۱	۱۲۶۵۱۸

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه کشور. گزارش عملکرد تبصره (۱۸)

جدول زیر عملکرد پرداخت تسهیلات برنامه‌های بخش صنعت را تا تاریخ ۱۳۹۹/۸/۱۴ نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات موجود تعداد ۴۴۸۸ پرونده درخواست تسهیلات در سامانه هماهنگ ثبت شده است. در مجموع از این تعداد بنگاه ثبت نام شده تا تاریخ مذکور، ۳۲۴۳ مورد با مبلغ ۲۱۹۱۳۵ میلیارد ریال در حال بررسی در کمیته بررسی، ۲۹۹۱ مورد با مبلغ ۱۷۲۹۵۵ میلیارد ریال در حال بررسی در کمیته استانی است، ۲۰۵۶ پرونده با مبلغ ۱۵۷۰۲۲ میلیارد ریال به شعبه بانک ارجاع شده است، ۱۵۶۷ پرونده با مبلغ ۱۲۳۴۶۳ میلیارد ریال در حال تکمیل مدارک، ۱۴۳۵ مورد با مبلغ ۱۰۵۸۵۶ میلیارد ریال در مرحله پرداخت تسهیلات است و در مجموع ۱۲۵۹ مورد تسهیلات به مبلغ ۷۱۵۰۹ میلیارد ریال تسهیلات پرداخت شده است.

عملکرد منابع برنامه‌های رونق تولید و اشتغال بخش صنعت نشان می‌دهد در مجموع ۲۰۱۲۹۹ میلیارد ریال تسهیلات برای زیر برنامه‌های تسهیلات برنامه تکمیل طرح‌های نیمه تمام، تسهیلات برنامه بازسازی و نوسازی و تامین سرمایه در گردش واحدها در نظر گرفته شده است و برای پرداخت این تسهیلات مبلغ ۱۰۲۱۱ میلیارد ریال یارانه سود تسهیلات در نظر گرفته شده است که ۴۰ درصد از کل مبلغ یارانه در دو مرحله پرداخت شده است. دیگر برنامه این بخش توسعه خوشه‌های صنعت و خدمات کلینیکی با ۴۶۶ میلیارد ریال کمک‌ها فنی و اعتباری است که ۲۰ درصد اعتبار اجرای آن پرداخت شده که مبلغ حدود ۸۱ میلیارد ریال منابع مزبور جذب شده است.

جدول ۸- عملکرد اجرای برنامه‌های بخش صنعت و معدن

ردیف	عنوان مرحله	تعداد پرونده	مبلغ (میلیارد ریال)
۱	تشکیل پرونده	۴۴۸۸	۳۲۹۹۵۶
۲	کمیته بررسی	۳۲۴۳	۲۱۹۱۳۵
۳	کارگروه استانی	۲۹۹۱	۱۷۲۹۵۵
۴	ارجاع به شعبه بانک	۲۰۵۶	۱۵۷۰۲۲
۵	تکمیل مدارک	۱۵۶۷	۱۲۳۴۶۳
۶	بررسی و تصویب	۱۴۳۵	۱۰۵۸۵۶
۷	پرداخت تسهیلات	۱۲۵۹	۷۱۵۰۹
۸	نظارت	۹۱	۸۲۵۶

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه کشور. گزارش‌های برنامه‌های تولید و اشتغال برپایه سیاست‌های کلی برنامه اقتصاد مقاومتی

■ بررسی تبصره‌های لایحه بودجه ۱۴۰۰

در بین تبصره‌های تجویزی احکام متنوعی وجود دارد که در صورت اجرا می‌تواند اثر مناسبی در بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله حوزه تولید بر جای بگذارد که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

● در تبصره ۱ تخصیص صرفاً ۱۴,۵ درصد از درآمدهای نفتی و میعانات گازی و صادرات خالص گازی به شرکت ملی نفت و شرکت ملی گاز علیرغم تحریم‌ها و عدم سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در ایران آینده سرمایه‌گذاری در این حوزه را با محدودیت جدی مواجه می‌کند. و در بند و تبصره ۱ استفاده از اعتبارات اسنادی داخلی صرفاً به شرکت‌های دولتی مرتبط با وزارت نفت محدود شده است در صورتیکه باید در بخش‌های مختلف این امکان باید فراهم شود.

● در راستای تسهیل واگذاری‌های شرکت‌های دولتی سهام این نوع شرکت‌ها نزد بانک‌ها و موسسات مالی ممنوع شده است. که می‌تواند مسیر خصوصی سازی را تسهیل کند

● اجازه اعطای تسهیلات ارزی - ریالی به میزان ۳ میلیارد دلار توسط بانک‌ها به طرح‌های توسعه ای و زیربنایی بخش صنعت و معدن و بخش برق در تبصره ۴ در صورت تحقق فرصت مناسبی را می‌تواند برای اقتصاد فراهم آورد.

● برداشت ۲,۸ میلیارد یورو از صندوق توسعه برای طرح‌های آبیاری، نیروی مسلح، طرح‌های نوآورانه در تبصره ۴ پیش بینی شده است.

● تاکید بر رعایت قانون حداکثر استفاده از توان داخلی برای حمایت از ساخت داخل در این تبصره به تخصیص اعتبارات در راستای ارتقا توان داخل می‌تواند اثر فراوانی داشته باشد.

● اجازه به شرکت‌های دولتی جهت انتشار اوراق مالی به میزان ۶,۵ هزار میلیارد تومان جهت اجرای طرح‌های دارای توجیه فنی و اقتصادی در اجازه واگذاری ۲۳ هزار میلیارد تومان از اوراق فروش نرفته به طلبکاران از جمله پیمانکاران، مشاوران

● صدور اسناد خزانه به میزان ۲۰ هزار میلیارد تومان تا سررسید ۱۴۰۳ جهت پرداخت بدهی‌های قطعی شده دستگاه‌های اجرایی و طلبکاران بخش خصوصی، تعاونی و نهادهای عمومی

● امکان تهاتر بدهی دولت به پیمانکاران با بدهی آنها به بانک‌ها که به عنوان افزایش سرمایه دولت در این بانک‌ها منظور می‌شود

● انتشار هزار میلیارد تومان اوراق مالی توسط بیمه مرکزی و بیمه بازرگانی جهت پوشش در بیمه حوزه خطرپذیر

● انتشار ۳۵۰ میلیارد تومان اوراق توسط شرکت‌های تابعه وزارت خانه صمت، نفت و نیرو جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های میدانی مشترک نفت و گاز

● انتشار ۳ میلیارد دلار اوراق ارزی - ریالی توسط وزارت نفت برای بازپرداخت بدهی‌های سررسید شده قراردادهای بیع متقابل

● اجازه به وزارت امور اقتصادی و دارایی جهت تاسیس نهادهای واسط ناشر برای انتشار اوراق بهادار ارزی و مولدسازی دارایی‌های دولت برای انتشار اوراق مالی اسلامی در بند ک تبصره ۵

● قطعی کردن اظهارنامه‌های مودیان مالیاتی که پرونده خود را بین ۹۷-۱۳۸۷ در زمان مقرر تسلیم کرده اند در تبصره ۶ فرصت مناسبی برای بسته شدن انبوه پرونده‌های در دست بررسی خواهد بود.

● در بند ل تبصره ۶ مقرر گردیده است تا زمانی که دستگاه کارفرما مالیات بر ارزش افزوده پیمانکار را نپرداخته باشد سازمان امور مالیاتی حق درخواست مالیات بر ارزش افزوده را ندارد.

● اختصاص ۸۰۰ میلیارد تومان توسط وزارت نفت برای حمایت از ساخت داخل در قالب کمک‌های بلاعوض و جوه اداره شده و یا تسهیلات ترجیحی در تبصره ۱۸

■ نتیجه‌گیری و پیشنهادها

لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور براساس یک سلسله فروزی تنظیم شد که با توجه به فضای سیاسی و بین‌المللی موجود امکان عدم قطعیت آن زیاد است. یکی از فروض در نظر گرفته شده در لایحه لحاظ کردن صادرات نفت خام به میزان ۲/۳ میلیون بشکه در روز است که با توجه به پایین بودن نرخ رشد اقتصادی پیش‌بینی شده برای دنیا و مازاد تقاضایی که در بازار جهانی نفت وجود دارد احتمال حصول آن کار چندان راحتی نیست. علاوه بر این در حال حاضر تحریم‌هایی که به کشور تحمیل شده است، یکی از موانع بسیار جدی برای دستیابی به این هدف است که به شرط گشایش‌های سیاسی در عرصه بین‌المللی کم‌کم این فضا برای ایران فراهم خواهد شد که این هم به نظر می‌آید به بودجه سال ۱۴۰۰ نخواهد رسید و اگر هم این خوش‌بینی وجود داشته باشد اجرای آن برای نیمه دوم سال خواهد بود.

در راستای استفاده بهینه از منابع بودجه پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

با توجه به کاهش اعتبارات واقعی طرح‌های سرمایه‌گذاری نسبت به سال قبل سازمان برنامه و بودجه گزارشی از وضعیت طرح‌های عمرانی که تکمیل‌کننده زنجیره ارزش در بخشی از صنایع ارائه کند تا تخصیص اعتبار بر اساس اولویت تخصیص یابد.

با توجه به شرایط ناشی از شرایط کرونا زمان قراردادهای و تسهیلات اعطاشده توسط بانک‌ها براساس تعداد روزهای قرمز و نارنجی تعدیل شود و تعدیل قراردادهای نیز براساس میانگین تورم سه سال گذشته بصورت گیرد.

در راستای تحرک بخشی امکان تهاتر بدهی‌های مالیاتی شرکت‌ها را با طلب قطعی شده آنها از شرکت‌ها و موسسات دولتی را فراهم و با تضمین نهادهای توسعه ای مرتبط امکان انتشار اوراق مالی توسط شرکت‌های بخش خصوصی مورد تایید توسط تشکل مربوطه را فراهم آورد.



چرا دولت روحانی بی‌اثر شد

از نظر ابعاد اثرگذاری و پیشینه در استقرار نظام جمهوری اسلامی و در مقام ریاست جمهوری نیز شخص دوم اجرایی کشور بود. رئیس دولت‌های اصلاحات اگرچه هرگز از نظر ابعاد قدرت و شخصیت اثربخش بر انقلاب و نظام با آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی قابل مقایسه نبود اما گروه بزرگی از روشنفکران، تکنوکرات‌ها و کادرهای سیاسی مشهور به جناح چپ که در ۱۰ سال نخست انقلاب قدرت فوق‌العاده‌ای داشتند در زمره یاران او بودند و هزاران تکنوکرات و نیز طبقه متوسط او را قبول داشتند.

محمود احمدی‌نژاد یک تکنوکرات درجه دوم در نظام جمهوری اسلامی بود که در دهه ۱۳۷۰ توانسته بود خود را به مقام استاندار در یک استان تازه تاسیس برساند. او اما بر موجی از بی‌تفاوتی و غرور اصلاح‌طلبان و شهروندان سوار شد و با استفاده از نیروهای سازمان‌یافته ناشناخته تا آن روز، به شهرداری تهران رسید و آنجا را سکوی پرتاب خود کرد. او به هر دلیل توانست در انتخابات سال ۱۳۸۴ به‌ویژه در دور دوم در کانون توجه نیروهای سیاسی اصولگرای تازه رشد یافته قرار گیرد و نیز در جریان فعالیت‌های خود با حمایت‌های نهادهای حکومتی مواجه شود.

از پایان جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، هشت دولت با ریاست چهار سیاستمدار با پیشینه و برنامه و دیدگاه‌های گوناگون در ایران تاسیس شده‌اند. دولت‌های یازدهم و دوازدهم یا دولت‌های هفتم و هشتم پس از جنگ با انتخاب شهروندان از سوی حسن روحانی تاسیس شده‌اند.

اکنون و در سومین ماه از پاییز سال ۱۳۹۹ دولت دوازدهم در یکی از سخت‌ترین دوره‌های پس از جنگ در حال انجام فعالیت است، اما به نظر می‌رسد این دولت زودتر از بقیه دولت‌ها در سال آخر فعالیت خود در نقطه بخارشیدن قرار گرفته و در شرایط جریان‌های عجیب داخلی و خارجی تغییر شکل داده است.

■ یک مقایسه کوتاه

واقعیت این است که شخصیت، کارنامه و برنامه شخص حسن روحانی در اینکه زودتر از دولت‌های پیشین به نقطه بخارشدگی برسد موثر بوده است. آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی هنگامی به ریاست جمهوری رسید که در واقعیت نفر دوم کشور



تصمیم‌گیری در این باره را نداشت و هنوز نیز ندارد. به این ترتیب از سال ۱۳۹۷ به بعد تحریم‌های فزاینده و محاصره اقتصاد ایران شروع شد.

در دو سال تازه‌سپری‌شده ایران در محاصره اقتصادی بود و سال گذشته و امسال نیز درآمد دست‌کم ۳۰ میلیارد دلاری صادرات نفت‌خام در هر سال را از دست داده است. تشدید تحریم‌های ایران و دامنه گسترده و ژرفای آن، کشور را در بدترین موقعیت اقتصادی قرار داد و تب بدن دولت را فرا گرفت و آرام‌آرام تخییر شدن را آغاز کرد تا اینکه اکنون به نقطه بخارشدگی کامل نزدیک شده است. دولت ارزی ندارد تا با آن واردات ارزان انجام دهد و با آن گوشت و مرغ و تخم مرغ وارد کند و به شهروندان بدهد. تحریم‌ها در وضعیتی تشدید فزاینده می‌شد که در داخل نیز برخی تصمیم‌ها مثل اجازه ندادن به دولت برای پذیرفتن FATF نیز بر بدتر شدن موقعیت می‌افزود.

■ از دست رفتن سرمایه اجتماعی

رئیس‌جمهور ایران در مجموع در دولت دوم خود رفتاری را در دستور کار قرار داد که سرمایه اجتماعی گردآمده برایش را به مرور در میان قشرهای گوناگون از دست داد. روشنفکران و طبقه متوسط ایران زودتر از دیگران فهمیدند روحانی خود را در تله اصولگرایان انداخته است و از تلاش برای اصلاح‌طلبی دست برداشته است. کارگران و کارمندان مزد و حقوق‌بگیر نیز به چشم دیدند دولت نتوانست مطابق قانون در عمل قدرت خرید آنها را صیانت کند. بخش خصوصی و اصناف نیز از بدعهدی و سرسختی دولت رنجیدند. از دست دادن سرمایه اجتماعی نیز راه را برای بخارشدگی در کوره رخدادهای ناشناس بازتر کرده است.

به منتقدان را ندارند. توجه داشته باشیم دو وزیر بسیار بااهمیت در تامین منابع اصلی کالاهای صنعتی و غذایی تازه کارند و با فضای کار در روزهای سخت در این سطح ناآشنا هستند و نیز می‌دانند چند ماه دیگر بیشتر در کابینه نخواهند بود و به نظر می‌رسد زودتر از شرایط فعالیت با انگیزه‌های بالا دور می‌شوند. وزیر بهداشت کابینه نیز در این روزهای سخت دولت به جای همکاری بسیار نزدیک با دولت و رئیس‌جمهور، شاید تمایل داشته باشد خود را در مسیر بادهایی که از آسمان سیاست می‌آیند، قرار دهد. رئیس کل بانک مرکزی نیز با نافرمانی آشکار و پنهان و با نوشتن یک نامه انتقادی نشان داد می‌تواند زودتر از هر زمان دیگر از شور و حرارت کارش بکاهد. وزیر نفت ایران در وضعیتی که نفتی برای فروش نیست و در حالتی که با بیشترین مخالفت‌ها مواجه است بردباری و پشتکار پیشین را ندارد. به نظر می‌رسد وزیر اقتصاد نیز در وضعیت بسیار سخت ترجیح می‌دهد آهسته‌تر حرکت کند. مجموعه رفتار و گفتار اعضای کابینه نشان می‌دهد دولت دوازدهم زودتر از دولت‌های پیشین در نقطه بخارشدگی قرار گرفته است.

■ تشدید تحریم‌ها

یکی از بدشانسی‌های حسن روحانی این بود که در جریان انتخابات سال ۲۰۱۶ در ایالات متحده آمریکا فردی برنده شد که در جریان مبارزه انتخاباتی تاکید کرده بود اگر برنده شود قرارداد برجام را پاره می‌کند و اینگونه نیز شد. دونالد ترامپ و نیروهای سیاسی پشتیبان فکری او از همان روزهای نخست به ایران فشار آوردند باید با آمریکا گفت‌وگو کند و قراردادی تازه منعقد و قبول کند که از ساخت و تولید انبوه موشک دست بردارد و معلوم بود دولت روحانی قدرت

اما حسن روحانی به دلیل اینکه در میانه جناح‌ها ایستاده بود در جریان انتخابات سال ۱۳۹۲ تنها به این دلیل که نیرویی از اصلاح‌طلبان در میان کاندیداها نبود با نمره ناپلئونی از سوی احزاب و جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب و نیز بخشی از تکنوکرات‌ها توانست رقبا را شکست دهد. او در این سال‌ها به‌ویژه در دولت دوم خود به سمت اصولگرایان لغزید اما اعتماد آنها را به خود جلب نکرد و نیز اعتماد اصلاح‌طلبان را از دست داد. به همین دلیل در سه سال تازه‌سپری‌شده هر روز بیشتر از روز پیش در مسیر بخارشدگی قرار گرفت.

■ مجلس یازدهم و تیر خلاص

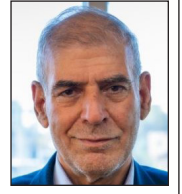
یکی از دلایل بخارشدن دولت دوازدهم و تغییر شکل آن و نیز دگرگونی در ماهیتش روی کار آمدن مجلسی است که حالا نزدیک به شش ماه فعالیت را در کارنامه‌اش دارد. روزهایی که رسانه‌های هوادار سرسخت مجلس فعلی پشت سر هم از این دوره تازه شروع به کار کرده حمایت سفت و سخت می‌کردند و هنوز نیز می‌کنند معلوم بود که انتظارات پرشمار و قابل‌اعتنایی از این مجلس دارند.

به نظر می‌رسد بزرگترین هدف از کارکرد این مجلس تسخیر گام به گام دولت با مصوبه‌های عجیب بوده و هست؛ پس از آنکه داستان نظارت میدانی از سوی رئیس‌مجلس در گام اول در مسیر دور کردن تدریجی دولت‌های استانی از دولت مرکزی راه افتاد و حالا نایب‌رئیس مجلس نیز آن را ادامه می‌دهد و کار به روسای کمیسیون‌ها نیز رسیده است. مصوبه‌هایی مثل دادن ۳۰ هزار میلیارد تومان یارانه سوم در مدت نیم‌سال به شهروندان که از سوی دولت باید اجرا شود حالا طرحی به نام «طرح نحوه اعمال نظارت مجلس بر مصوبات شوراهای عالی کشور» تهیه شده که اختیار دخالت آشکار در کار دولت را به مجلس می‌دهد. بر اساس این طرح کلیه دبیران شوراهای عالی به جز شورای عالی امنیت ملی مکلف هستند مصوبات خود را پس از تصویب و قبل از امضای بالاترین مرجع به هیات تطبیق مصوبات مجلس ارسال کنند. دیروز مجلس، دولت را موظف به کاری کرد که سال‌ها برای دور شدن از آن سختی کشیده بود. واقعیت این است که مجلس یازدهم به ریاست یکی از سرسخت‌ترین رقبای انتخاباتی روحانی که شاید هنوز سوادای رفتن به کاخ ریاست‌جمهوری را در سر دارد در بخارشدن دولت نقش اساسی داشته و خواهد داشت.

■ بی‌انگیزه شدن کابینه

فشار بی‌تاب‌کننده سیاست‌ورزان منتقد دولت که در مجلس و در برخی نهادهای قانونی و به‌ویژه در سازمان‌های اصلی سیاستگذاری و امکانات تبلیغاتی قرار دارند و هر رخدادی را از سوی دولت نقد می‌کنند اعضای کابینه را بی‌انگیزه کرده است و آنها در این فشار بیش از اندازه توانایی تصمیم‌گیری دقیق و فرصت‌جواب دادن

بخش خصوصی نگران منابع بودجه ۱۴۰۰



ابراهیم بهادرانی
مشاور عالی
رئیس اتاق بازرگانی تهران

مهم‌ترین اهداف بودجه شامل مبنا قرار دادن اقتصاد مقاومتی در اتخاذ سیاست‌ها، افزایش رشد جمعیت، مقابله با شیوع ویروس کرونا و کاهش آثار اقتصادی ناشی از آن، توجه به معیشت مردم، رشد بلندمدت با تمرکز بر صادرات غیرنفتی، مهار تورم و رفع موانع تولید و تسهیل کسب و کار، ایجاد اشتغال و رفع رکود تورمی است. بودجه سال ۱۴۰۰ با رقم ۲۴۳۵ هزار میلیارد تومان بسته شده است که نسبت به بودجه سال جاری ۱۸،۵ درصد رشد دارد. بر این اساس، بودجه عمومی دولت، با محاسبه تبصره ۴ که معادل ۵۹ درصد است، ۸۴۱ هزار میلیارد تومان لحاظ شده که حاکی از رشد ۴۷،۳ درصدی (منهای بخش‌های فرابودجه‌ای) در این بخش است. از بودجه عمومی کشور که برای سال آینده که معادل ۸۴۱ هزار میلیارد تومان است، تنها نزدیک به ۳۸ درصد آن، معادل ۳۱۸ هزار میلیارد تومان شامل درآمدها می‌شود. برای تامین مابقی بودجه عمومی ۲۲۵ هزار میلیارد تومان فروش دارایی (شامل نفت و اموال منقول و غیرمنقول) در نظر گرفته شده و ۲۹۸ هزار میلیارد تومان هم از طریق استقراض یا فروش شرکت‌های دولتی تامین می‌شود. این بسیار آزردهنده است که دولت فقط به اندازه ۳۸ درصد از هزینه‌هایش درآمد دارد و برای تامین بقیه یا باید دارایی بفروشد یا قرض بگیرد. درآمدها در لایحه بودجه سال بعد نسبت به بودجه سال جاری ۱۰ درصد رشد داده شده، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای که شامل فروش نفت و دارایی می‌شود نسبت به بودجه امسال، ۱۱۰ درصد برابر رشد یافته و تملک دارایی‌های مالی که همان استقراض از صندوق توسعه ملی، فروش اوراق یا شرکت‌هاست ۷۰ درصد رشد پیدا کرده است.

■ وابستگی ۴۱ درصد بودجه ۱۴۰۰ به نفت

در بودجه سال آینده، هزینه‌های جاری نسبت به بودجه امسال ۴۶ درصد افزایش نشان می‌دهد که برای اقتصادی در وضعیت کنونی کشور اصلاً قابل توجیه نیست. هزینه‌های عمرانی ۱۸،۳ درصد رشد کرده و تملک دارایی‌های مالی هم که استقراض است و باید پرداخت شود ۱۱۲ درصد رشد یافته است. متأسفانه دین پرداخت اوراق هر سال بیشتر و سنگین‌تر می‌شود.

در سال ۱۴۰۰ کسری تراز عملیاتی که در حقیقت کسر بودجه واقعی است، حدود ۳۱۹ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود که ۱۲۱ هزار میلیارد تومان آن از محل واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و عمدتاً فروش نفت است و ۱۹۸ هزار میلیارد تومان دیگر آن هم از محل واگذاری دارایی‌های مالی شامل فروش اوراق و سهام شرکت‌ها قرار است تامین شود. به این ترتیب برای سال آینده، از ۶۳۷ هزار میلیارد تومان هزینه‌های جاری، ۵۰ درصد از طریق درآمدها و ۳۱ درصد از طریق استقراض و ۱۹ درصد نیز از محل فروش دارایی‌های تامین می‌شود.

با توجه به اعداد و ارقام لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ تاکید می‌کنم که وابستگی این بودجه به نفت ۴۱ درصد است که برخلاف سیاست‌های مقاومتی و به‌غیر از سال ۱۳۹۲ که این رقم ۴۲،۴ درصد بود بیشتر از تمام سال‌های دیگر دهه ۱۳۹۰ است. با توجه به پیش‌بینی تورم ۳۰ درصدی سال آینده و رشد تولید ناخالص داخلی ۳،۲ درصد که از سوی سازمان‌های بین‌المللی برای سال بعد پیش‌بینی شده، باید درآمدهای مالیاتی دست‌کم ۳۳،۲ درصد افزایش داده شود که در این صورت، حدود ۳۲ هزار میلیارد تومان به درآمد مالیاتی کشور اضافه می‌شود. باید برای سال آینده، راهکارهایی برای حذف معافیت‌های مالیاتی و فرارهای مالیاتی که به گفته مسئولان، حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان است، لحاظ شود.

■ درآمدهای نفتی محقق نمی‌شود

درآمدهای پیش‌بینی شده در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ از محل صادرات نفت و گاز که معادل ۲،۳ میلیون بشکه در روز در نظر گرفته شده جای تامل دارد. با توجه به پیش‌بینی

قیمت نفت برای سال آتی که ۴۰ دلار لحاظ شده و اینکه قیمت هر دلار نیز ۱۱ هزار ۵۰۰ تومان در نظر گرفته شده، حدود ۱۹۹ هزار میلیارد تومان از محل صادرات نفت برای سال آینده پیش‌بینی شده است که با توجه به عدم تعیین تکلیف تحریم‌ها و اینکه عرضه نفت در جهان در شرایط فعلی روزانه معادل ۹ میلیون بشکه در روز بیش از تقاضا وجود دارد، بعید است که کشور بتواند از پول نفت پیش‌بینی شده در این لایحه بهره‌مند شود.

با این شرایط، صادرات نفت خام در لایحه بودجه سال آینده باید به ۸۰۰ هزار بشکه در روز تعدیل شود. بر اساس لایحه بودجه سال آینده، قرار است حدود ۸ میلیارد دلار از درآمد نفتی کشور به نرخ ۴۲۰۰ تومان به کالاهای اساسی، خوراک دام و تجهیزات اختصاص یابد که این تخصیص به فساد بیشتر دامن خواهد زد، ضمن آنکه درآمد دولت را نیز به میزان ۱۷۶ هزار میلیارد تومان کاهش می‌دهد، بنابراین پیشنهاد می‌شود که دولت ارز ۴۲۰۰ تومانی را به‌طور کامل حذف کند و این میزان درآمد نفتی را به نرخ نیمایی بفروش برساند و از این محل، ۱۱۰ هزار میلیارد تومان صرفه‌جویی شده و ۶۰ هزار میلیارد تومان دیگر نیز می‌تواند به بخش فقیر جامعه تخصیص یابد.

■ پیشنهادهایی برای تناسب دخل و خرج

بودجه عمرانی کشور حداقل به میزان نرخ تورم رشد باید و تخصیص بودجه این بخش فدای کسری بودجه نشود. جلوگیری از قاچاق کالا و افزایش صادرات در شرایط حساس کنونی در اولویت قرار گیرد و از فروش اوراق برای تامین هزینه جاری خودداری شود. با توجه به هزینه ۱۵۶۲ هزار میلیارد تومانی بودجه شرکت‌های دولتی که دو برابر بودجه عمومی کشور است، صرفه‌جویی در هزینه این شرکت‌ها و استفاده از آن به جای درآمدهای نفتی، می‌تواند راهگشای تنظیم بهینه بودجه کشور باشد.

باید بر حذف مجوز دولت برای برداشت از صندوق توسعه ملی تاکید کنیم. منابع این صندوق را بر اساس قانون، مختص بخش‌های غیردولتی دانست که تعرض به آن خلاف قانون است.

بودجه ۱۴۰۰ سیاسی‌ترین بودجه قرن



ایران را فراهم کرده‌اند. اما رئیس دولت‌های یادشده و نیز اعضای دولت و شمار قابل اعتنایی از کارشناسان و فعالان اقتصادی می‌گویند بسته شدن راه تعامل اقتصاد ایران با بیرون از مرزهای ملی و نیز تشدید تحریم‌ها و کوچ سرمایه‌گذاران خارجی و بی‌انگیزگی سرمایه‌داران داخلی و از همه مهم‌تر کاهش درآمدهای نفت که در سه سال اخیر شاید روی هم رفته به ۱۰۰ میلیارد دلار می‌رسید دلیل اصلی اقتصاد ضعیف‌شده ایران است.

■ رسیدیم به سیاسی‌ترین بودجه قرن

به نظر می‌رسد محمدباقر نوبخت معتمدترین نفر روحانی در دولت در جایی نشسته است که باید بنشیند یعنی در جایی که از آنجا ریال و دلار تخصیص داده می‌شود و خرج کشور را تنظیم می‌کند. نوبخت در یک وضعیت شانس و بادآورده توانست یکی از مدیران ارشدش در سازمان برنامه را به وزارت اقتصاد برساند. بنابراین دو نفری که دخل و خرج دولت را تنظیم می‌کنند دست کم تا امروز هماهنگ بوده و هستند. نوبخت در این هشت بودجه‌ای که تنظیم کرده، نشان داده است که حضورش در کمیسیون تلفیق مجلس در دوره‌ای که مجلس در اختیار اصولگرایان قدیمی بود را خوب یاد گرفته است و با پشتکار و راهنمایی آقای کردبچه

آن هم وجود خارجی ندارد به نزدیک ۰/۲ درصد رسیده است یعنی ۶۰ درصد کمتر از ۰/۵ درصد دهه ۱۳۸۰ از نظر سیاست خارجی نیز ایران در سوریه و در قره‌باغ و در لبنان اقتدار دهه قبل را ندارد و حتی در عراق نیز وضعیت ایران نسبت به پنج سال پیش بسیار تضعیف شده است. ایرانیان به این دولت اعتماد ندارند و این همان دولتی است که در سال ۱۳۹۶ رئیس آن ۲۴ میلیون رای گرفت. سقوط رای در انتخابات مجلس در زمستان ۱۳۹۸ و انتخاب رئیس مجلس با ۲۰ درصد واجدان شرایط رای دادن نشان می‌دهد اعتماد شهروندان به نهاد انتخابات کاهش یافته است. درباره دلایل تضعیف نظام سیاسی ایران در درون مرزهای ملی با شاخص‌هایی مثل سقوط سطح رفاه مادی، سقوط مشارکت در نهاد انتخابات و در بیرون از مرزهای ملی با نشانه‌های کوچک‌تر شدن سهم ایران از تجارت جهانی و نیز در موثر بودن در مسائل منطقه‌ای دو دیدگاه وجود دارد؛ یک دیدگاه که اکنون با اسم رمز «سوءمدیریت» از سوی طیف‌های گوناگون جناح سیاسی اصولگرایان در کانون تبلیغ و بزرگ‌نمایی قرار گرفته است تا نشانه‌های دیگر از جمله تحریم ایران در سایه قرار گیرد باور خود را به مردم اینگونه نشان می‌دهد که دو دولت یازدهم و دوازدهم بوده و هستند که راه تضعیف نظام سیاسی

این روزها بودجه ۱۴۰۰ به سیاسی‌ترین موضوع سیاست داخلی تبدیل شده و سیاست ورزان به‌ویژه در جناح اصولگرایان آن را تیسری می‌دانند که می‌خواهد به سوی آشتی و مذاکره ایران و آمریکای تحت رهبری بایدن پرتاب شود.

این باور راسخ به اندازه‌ای است که آنها به این نتیجه رسیده‌اند برای اینکه این تیر پرتاب نشود کلیات لایحه بودجه را برگردانند. کانون هراس آنها از لایحه بودجه این است که روحانی با آن بخواهد پلی بسازد تا علاقه‌مندان و رهبران گروه کشورهای خواستار ادامه حیات برجام از آن بگذرند. گزارش حاضر ابعاد گوناگون این موضوع را کالبدشکافی کرده است.

■ نشانه‌ها و دلایل ضعف ایران

تجربه‌های جوامع انسانی و نیز تجربه ایران در دهه تازه‌سپری شده نشان می‌دهد ایران در حال حاضر نسبت به ۱۰ سال پیش از ابعاد گوناگون نه تنها نیرومندتر نشده است بلکه در شرایط مادی و روحی قابل قبولی قرار ندارد. برای نشان دادن اینکه ایران از ابعاد گوناگون کوچک‌تر شده است می‌توان به سهم ایران از تجارت جهانی اشاره کرد. سهم ایران از تجارت جهانی بدون احتساب نفت که حالا

روحانی فراموش کرده که یک بار حرف از «خزانه خالی» زد و همان مساله باعث تشدید فشارها و از دست دادن امتیازها در میز مذاکرات شد؟ روحانی می‌گوید «فروش این میزان نفت «در یک شرایطی» شدنی است!» کدام شرایط؟ آمدن بایدن و امیدواری به دولت آتی آمریکا؟ آیا نفتی شدن بودجه ۱۴۰۰ و تاکید و اصرار دولت بر میزان فروش دو میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت جز اصرار برای مذاکره با آمریکا است؟ «آیا نتیجه این کار مشابه به کارگیری عبارت خزانه خالی توسط رئیس‌جمهور در سال‌های پیش از برجام نیست؟ آیا این به معنای بالا بردن دست‌ها به نشانه تسلیم در برابر تیم جدید کاخ سفید نخواهد بود؟ چه شده که دولت به این نتیجه رسیده است که سال آینده فروش نفت یک‌باره به بیش از دو میلیون بشکه خواهد رسید تا این میزان فروش نفت- آن هم با قیمت ۴۰ دلار به‌ازای هر بشکه- بتواند بیش از ۲۰ میلیارد دلار برای کشور ارزآوری داشته باشد؟ حال آنکه دولت نتوانست حتی بودجه سال گذشته خود را هم محقق کند. آنچه در بودجه ۱۴۰۰ آمده، همانطور که روحانی هم در سخنان اخیرش به آن اشاره کرد، یک پیام برای خارج از کشور دارد و آن شاید این باشد که به طرف مقابل صراحتاً بگوییم تحقق بودجه ما در گرو فروش نفتی است که آنها به راحتی می‌توانند آن را تحریم کنند و بنابراین بهترین اهرم فشار را این‌بار با دست خودمان در اختیار دولت آینده آمریکا قرار می‌دهیم.»

■ معمای روحانی

در انتهای این گزارش باید در کوتاه‌ترین عبارات یادآور شویم حسن روحانی در سپهر سیاست ایران یک معماست. او سال‌های طولانی با راستگرایان ایران یا همین اصولگرایان امروز همزیستی مسالمت‌آمیز داشت اما امروز از نظر طیف‌های جوان و تند این جناح یک غرب‌گرا به حساب می‌آید که می‌خواهد با استفاده از روزگار نامساعد اقتصاد ایران راه سنجاق شدن کشور به غرب و آمریکا را از مسیر بودجه ۱۴۰۰ هموار کند. از نظر آنها حسن روحانی یک عنصر مرموز است. از سوی دیگر اما طبقه متوسط ایران و نیز اصلاح‌طلبان دهه ۱۳۷۰ به او ایمان ندارند و او را دارای ذات اصلاح‌طلبی نمی‌دانند اما از آخرین تیری که او می‌خواهد پرتاب کند راضی هستند.

شکلی قرار است به یک‌باره فروش نفت برای ایران آزاد شود. البته با ملاحظه لایحه بودجه ۱۴۰۰ به این مهم می‌رسیم که دولت از محل فروش نفت در حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان درآمد پیش‌بینی کرده است، حال این درآمد می‌تواند از محل صادرات نفت به خارج از کشور درآمد ارزی برای کشور ایجاد کند یا اینکه می‌تواند در قالب فروش اوراق مالی مبتنی بر نفت در بازار داخلی برای کشور درآمد ریالی ایجاد کند.»

نقیسه امامی نیز در روزنامه رسالت می‌نویسد «در لایحه بودجه سال آتی، ۱۵۰ هزار میلیارد تومان از محل فروش نفت در نظر گرفته شده که این میزان برابر است با فروش بیش از دو میلیون بشکه نفت در روز. این مقدار فروش در قیاس با میانگین فروش روزانه ۷۰۰ هزار بشکه نفت در سال ۹۹، فاصله ۳۰۰ درصدی دارد که نشان‌دهنده نگاه غیرواقع‌بینانه به درآمدهای نفتی و وابستگی ۴۰ درصدی به فروش نفت است. این میزان وابستگی بودجه به نفت می‌تواند سیگنال ضعف کشور را در عرصه بین‌المللی مخابره کند و به معنای وابستگی ایران به انجام مذاکره به عنوان راهی برای درآمدزایی تعبیر شود. چنین رویکردی در شرایطی که همه از ضرورت قطع وابستگی به نفت و خام‌فروشی سخن می‌گویند، با الزامات اقتصاد مقاومتی و قطع وابستگی به خارج همخوانی ندارد.»

محمد رضا سبزی‌علیپور اقتصاددان و رئیس مرکز تجارت جهانی ایران نیز در گفت‌وگو با «رسالت» گفته است: «بودجه ۱۴۰۰ مغایر با چشم‌انداز اقتصاد مقاومتی است. با توجه به اعداد و ارقام در بودجه متاسفانه وابستگی شدیدی به فروش نفت برای سال آینده در نظر گرفته شده، بدون آنکه مشخص شود نفت به چه شکلی به فروش می‌رسد و چه دورنمایی برای آن در نظر گرفته شده است. بودجه ۱۴۰۰ با امید به آمدن بایدن و برداشته شدن تحریم‌ها تنظیم شده است.»

گروه سیاسی خبرگزاری تسنیم ۲۲ آذر با تیتراژ «فانتزی فروش ۲/۳ میلیون بشکه نفت و تکرار یک غلط بزرگ در سیاست خارجی» بدون تعارف و ترس می‌نویسد: آقای روحانی! بودجه را برای بایدن بستی یا برای مردم ایران؟»

حالا با توجه به همه این گزاره‌ها چرا در بودجه ۱۴۰۰ بر فروش دو میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت تاکید شده و چرا رئیس‌جمهور در مقام دفاع از آن سخن می‌گوید؟ آیا آقای

در به هم دوختن سر و ته بودجه روی کاغذ مهارت دارد. در بودجه‌های هفت‌گانه پیشین نیز بدون تردید تنگناها و کاستی‌های ساختاری و کارکردی دیده می‌شد اما بودجه ۱۳۹۹ سیاسی‌ترین بودجه قری است که امسال تمام می‌شود. چرا چنین استنباطی وجود دارد؟ این بودجه از یک سو با انتخابات برگزار شده در آمریکا گره خورده و از سوی دیگر می‌تواند با انتخابات بهار ۱۴۰۰ ایران گره بخورد. به عبارت دیگر بودجه سیاسی آخرین سال قرن هم تکلیف سیاست داخلی را روشن می‌کند و هم نگاهی دارد به سیاست خارجی.

■ مذاکره بودجه و نفت

اصولگرایان و طیف‌های تندتر این جناح برای تسخیر کاخ ریاست‌جمهوری تردیدی ندارند و باور دارند اگر با همین دست‌فرمان جلو بروند و رقبا را با یورش سهمگین به دولت به‌ویژه در حوزه اقتصاد تضعیف کنند در انتخابات بهار با هر میزان مشارکت برنده‌اند. از سوی دیگر این جریان سیاسی نیک می‌داند اگر دست دولت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت برسد می‌تواند در یک دوره کوتاه بازارها را به گونه‌ای سامان دهد که از سطح نارضایتی شهروندان به‌شدت کاسته شود و این ممکن نیست جز اینکه راه مذاکره با بایدن باز شود. به همین دلیل است که رئیس دولت اصرار دارد با صدای بلند بگوید هرگز نباید راه مذاکره برای برداشتن تحریم بسته شود. نکته بسیار بااهمیت این است که اصولگرایان استخوان‌دارتر و قدیمی‌تر این سخنان روحانی را قبول دارند و در مخالفت با آن چیزی نمی‌گویند چون می‌دانند شاید در بالاترین نقاط قدرت تمایلی از سر ناگزیری برای رهایی از بن‌بست وجود داشته باشد. اما طیف‌های رادیکال‌تر اصولگرایان که تجربه زمستان ۱۳۹۱ و بهار سال بعد را در ذهن دارند نیز این را فهمیده‌اند و حالا همه حواس‌شان به این است که این عنصر مهم در بودجه را از لایحه بیرون کنند. برخی نشانه‌های آشکار را در رسانه‌های این دلوپاسان می‌بینیم.

به‌طور مثال هادی غلامحسینی در روزنامه جوان در ۱۹ آذر ماه نوشته است: «علاوه بر موضوع دلار ۱۱ هزار تومان در سال آتی، آقای روحانی به فروش دو میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز نفت اشاره داشت. درباره این موضوع باید شفاف‌سازی شود، زیرا هم‌اکنون در تحریم نفتی قرار داریم و باید دید به چه



خاموشی چراغ سرمایه‌گذاری در ایران

آمارهای ارائه شده از سوی نهادها گوناگون نشان می‌دهد از سال ۱۳۸۸ به این سو چراغ سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران خاموش شده است و در این دو سال اخیر حتی از میزان استهلاک سرمایه‌های موجود نیز کمتر شده است. کارشناسان و فعالان اقتصادی خوب می‌دانند اگر نور و گرمای سرمایه‌گذاری به تن و بدن اقتصاد نرسد کل اقتصاد به آرامی با یخبندان مواجه شده و اگر بر حجم یخ‌ها اضافه شود جاری ساختن آن ناممکن می‌شود. کارآفرین در این باره با استناد به آمارها گزارشی تهیه کرده است که در ادامه می‌خوانید.

سرمایه‌گذاری در هر اقتصادی از سه محل می‌تواند صورت پذیرد. سرمایه‌گذاری از سوی بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری دولتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فاینانس و سایر روش‌های تامین سرمایه. واقعیت تلخ این است که در دهه ۱۳۹۰ جریان سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران از هر سه محل با انجماد مواجه شده و دیری نمی‌باید که سرمایه‌های مادی و فیزیکی انجام شده در دهه‌های تازه‌سپری شده به دلیل نوسازی نشدن و عدم جایگزینی و افزایش ضریب استهلاک، نیست و نابود شوند.

در روزهای اخیر سه گزارش نگران‌کننده

از دو مرکز گوناگون درباره وضعیت سرمایه‌گذاری در ایران منتشر شده که هر دو گزارش نگران‌کننده است.

■ گزارش پژوهشکده امنیت اقتصادی

در تازه‌ترین گزارش پژوهشکده امنیت اقتصادی آمده است: «تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ۱۰ سال گذشته روند کاهشی داشته است. سرمایه‌گذاری خصوصی در یک سال اخیر از ۱۱۴/۴ هزار میلیارد تومان به ۷۵/۷ هزار میلیارد تومان رسیده و افت محسوسی را تجربه کرده است. سرمایه‌گذاری دولتی نیز در سال ۱۳۸۸ معادل ۴۱/۴ هزار میلیارد تومان بوده که در سال ۱۳۹۸ به ۲۲ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است. عدم تحقق مخارج عمرانی دولت، کسری بودجه دولت و محدود شدن اعتبارات در دسترس بخش خصوصی، بی‌ثباتی اقتصادی و بالا بردن میزان ریسک و نااطمینانی در اقتصاد کشور، فقدان نگاه بلندمدت و دخالت عوامل سیاسی در مقوله سرمایه‌گذاری، افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و نداشتن استراتژی مشخص در سرمایه‌گذاری را می‌توان از مهم‌ترین دلایل افت سرمایه‌گذاری داخلی در سال‌های گذشته دانست.»

در این گزارش اضافه شده است: «میزان سرمایه‌گذاری کل در سال ۱۳۸۸ معادل ۱۵۸/۴ هزار میلیارد تومان بوده، اما این

رقم در سال ۱۳۹۸ به ۹۷/۷ هزار میلیارد تومان رسیده است. با وجود روند نزولی سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در این سال‌ها، اما میزان کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی بسیار محسوس است و با توجه به سهم بالای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، دلیل عمده کاهش سرمایه‌گذاری کل به این بخش مربوط می‌شود.»

در گزارش این پژوهشکده تاکید شده است: «بی‌ثباتی در سطح کلان و نااطمینانی ناشی از آنکه از ویژگی‌های اقتصادهای در حال توسعه است می‌تواند آثار منفی بر سرمایه‌گذاری خصوصی داشته باشد. نرخ تورم بالا و نوسان‌های نرخ ارز از مهم‌ترین مشخصه‌های بی‌ثباتی اقتصادی و نااطمینانی در اقتصاد هستند.»

در این گزارش تصریح شده است: «در سال‌های اخیر در اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری به ضرورت عدم دخالت عوامل سیاسی بی‌توجهی شده است. در بسیاری از طرح‌ها شاهد دخالت عوامل سیاسی و منطقه‌ای از جمله دخالت نمایندگان مجلس بوده‌ایم که برای کسب محبوبیت بین عموم مردم به اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری اقدام کرده‌اند.»

تهیه‌کنندگان گزارش برای پژوهشکده امنیت اقتصادی نوشته‌اند: «کاهش

تشدید افت موجودی سرمایه ماشین‌آلات در دو سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ و افت سرمایه‌گذاری جدید، فرسودگی بالا و عدم به‌روزرسانی خطوط تولید، تشدید محدودیت و ممنوعیت واردات تجهیزات و ماشین‌آلات و تشدید شکاف با فناوری‌های نوین نیز قابل توجه است. روند رشد منفی واقعی سرمایه سالانه موجودی سرمایه ماشین‌آلات از منفی ۰/۷ درصد به منفی ۳/۹ درصد نگران‌کننده است. آغاز روند کاهشی موجودی واقعی سرمایه ماشین‌آلات در بخش معدن از ۱۵/۴ هزار میلیارد تومان به ۱۲ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸ نیز عینیت دارد. هشت سال متوالی رشد منفی موجودی سرمایه ماشین‌آلات معدنی و تشدید آن در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ نیز از واقعیت‌های موجود است. در گزارش اتاق تهران درباره سرمایه‌گذاری خارجی نیز آمده است: «در حالیکه در سال ۲۰۱۷ شاهد جذب سرمایه‌گذاری مستقیم به میزان پنج میلیارد دلار بودیم، این رقم در سال ۲۰۱۹ به عدد ۱/۵ میلیارد دلار سقوط کرده است. این رقم کمتر از میانگین جذب سرمایه در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ است که معادل ۲/۴ میلیارد دلار بوده است.» در این گزارش نیز «نبود ثبات اقتصادی، فقدان تصویری شفاف از وضعیت فعلی اقتصاد و مبهم بودن آینده اقتصاد، عدم قطعیت، ناطمینانی و ریسک بالای شروع کار، نبود محیط رقابتی، انحصار در بازارها، تنگنای اعتباری و عدم سهولت تامین مالی، غیرواقعی بودن متغیرهای کلیدی مثل نرخ ارز، نرخ بهره و حامل‌های انرژی و عدم رویکرد برون‌گرایی از جمله چالش‌های حوزه سرمایه‌گذاری ذکر شده است.

دهه ۱۳۹۰ همزمان با تحریم (۴ سال) و بعد از آن (۲ سال) را تجربه کرده‌ایم. فقط در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ سرمایه‌گذاری رشد قیمت داشته است. در حالیکه در دوره اجرای برنامه سوم توسعه رشد ۱۰ درصدی در سرمایه‌گذاری داشتیم در دهه ۱۳۹۰ به رشد منفی رسیده‌ایم. در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ بطور متوسط شاهد رشد منفی ۴/۲ درصدی و در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ شاهد رشد منفی متوسط سالانه ۴/۹ درصدی بوده‌ایم. میانگین رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ حدود ۶ درصد منفی بوده است. در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۸ شاهد رشد منفی چهار درصدی سالانه سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات بوده‌ایم. سرمایه‌گذاری ۲۷ هزار میلیارد تومانی در ماشین‌آلات در سال ۱۳۹۸ کمترین رقم در ۱۵ سال اخیر است. در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ شاهد میانگین رشد سالانه منفی ۹/۷ درصدی سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات بوده‌ایم. افت ۲۸ درصدی سرمایه‌گذاری واقعی ماشین‌آلات بخش خصوصی در هشت سال اخیر در مقایسه با دوره مشابه و رشد منفی ۱۰ درصدی در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ اتفاق افتاده است. در سال ۱۳۹۸ برای نخستین بار از سال ۱۳۸۸ تا امروز با افت رقم موجودی سرمایه خالص واقعی مواجه شده‌ایم که معنایش این است که سرمایه‌گذاری جدید کمتر از رقم استهلاک سرمایه قبلی است. روند نزولی با شتاب رشد واقعی موجودی سرمایه خالص در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ نیز به چشم می‌آید. هفت سال متوالی رشد منفی موجودی سرمایه ماشین‌آلات،

سرمایه‌گذاری داخلی موجب می‌شود بخشی از ظرفیت تولید بالقوه مورد استفاده قرار نگیرد و از این رو به بیکار ماندن بخشی از عوامل تولید از جمله نیروی کار منجر می‌شود. بیکاری نیروی کار علاوه بر هزینه‌های اقتصادی پیامدهای اجتماعی سنگینی نیز به دنبال خواهد داشت که این موضوع می‌تواند موجب تشدید پیامدهای اقتصادی شده و امنیت اقتصادی را به خطر بیندازد. این وضعیت پیامدهای نامطلوبی مثل افزایش جرم و جنایت، افزایش نارضایتی عمومی و اعتراض‌های سیاسی را به دنبال خواهد داشت.»

■ گزارش اتاق تهران

معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران نیز در گزارشی با عنوان «موتور خاموش سرمایه‌گذاری» نوشته است: «سرمایه‌گذاری کل اسمی در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۸۳ حدود ۱۱ برابر شده است که شامل ۱۳ برابر شدن سرمایه‌گذاری اسمی در حوزه ساختمان و ۹ برابر شدن سرمایه‌گذاری در حوزه ماشین‌آلات است. اما سرمایه‌گذاری واقعی در سال ۱۳۹۸ به ۹۸ هزار میلیارد تومان رسیده که کمترین میزان سرمایه‌گذاری در ۱۵ سال اخیر است.»

براساس گزارش معاونت اقتصادی اتاق تهران روند کاهشی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از ۱۳۹۱ آغاز شده است. در این سال سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ۱۲۶ هزار میلیارد تومان بوده که به ۷۶ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸ سقوط کرده است. رشد عمومی منفی سرمایه‌گذاری در



ثروت‌های مان را هدر دادیم

شوربختانه ایران به دلایل گوناگون همان ثروت‌هایی که داشت را یا از دست داده یا در حال از دست دادن آنهاست. ایران هنوز البته می‌تواند اگر از راه سپری شده در دهه‌های نزدیک به جایی نرسیده است بازگردد و در راهی بیفتد که آنچه دارد را از دست ندهد. نوشته حاضر تنها برای تلنگر زدن به ذهنیت‌ها و در کوتاه‌ترین عبارات تهیه شده تا اگر می‌توانیم کاری کنیم و سرزمینی تهیدست نشویم و زودتر دست به کار شویم. واقعیت این است که ایران در دهه‌های تازه سپری‌شده ثروت‌ها و سرچشمه‌های درآمدی بسیاری را از دست داده که شاید به دست آوردن دوباره آنها سخت باشد.

یک تصور عمومی در ذهنیت ایرانیان از اوایل سده‌ای که آخرین سال آن را سپری می‌کنیم نهادینه شده که ایران یک کشور ثروتمند است و این تصور که از سوی ناسیونالیست‌های افراطی پدیدار و به آن دامن زده شد انتظارهای عجیبی در میان شهروندان و نیز نخبگان درست کرده است که می‌خواهند بهترین‌ها را داشته باشند و آن را حق خود می‌دانند. این نوشته نمی‌خواهد توانایی‌های پیدا و پنهان ایران را انکار کند و نمی‌خواهد به شهروندان بگوید چرا چنین تصویری دارند که باید از نظر سطح رفاه مادی در پله‌های بالای رتبه‌بندی جهانی بایستید، اما می‌خواهد یادآور شود

■ خاویار و فرش دستباف و پسته

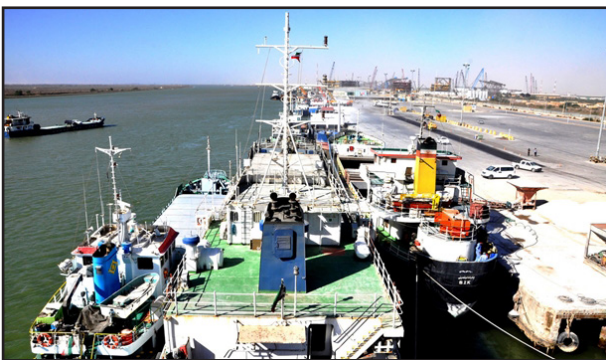


اوپیک آن هم با فاصله‌ای بسیار زیاد نسبت به عربستان قرار دارد. در حال حاضر در اوپک سهم عراق و امارات و کویت از ایران بیشتر است و صادرات نفت ایران در اندازه‌های بسیار پایین اتفاق می‌افتد. ایران اکنون نمی‌داند با وجود تولید روزانه بیش از ۳۰ میلیون بشکه نفت از سوی سه کشور عربستان، روسیه و حتی عراق بتواند سهم خود را از بازارهای جهانی به دست آورد.

آمارهای ارائه شده از سوی منابع معتبر جهانی نشان می‌دهد ایران از نظر ذخایر گاز طبیعی شناخته شده دومین کشور دارای ذخایر گاز طبیعی است. با این همه اما ایران سهمش از کل صادرات گاز در جهان بسیار اندک است و شاید حتی راز گازی صفر در اوج مصرف داشته باشد. کشور کوچک قطر و آمریکا و روسیه و الجزایر و برخی کشورهای دیگر با سرمایه‌گذاری‌های کلان روی زنجیره تولید تا صادرات و نیز تبدیل گاز طبیعی به فرآورده‌های نو مثل آلان‌جی و ال‌بی‌جی بازارهای اصلی مصرف را تسخیر کرده‌اند و ایران شاید به سختی بتواند راهی به بازارهای تسخیر شده پیدا کند.

ایران در همه دهه‌هایی که به دلیل درآمد افسانه‌ای صادرات نفت به منابع ارزی قابل اعتنایی دسترسی داشت از صادرات صنعتی دور ماند، اما بازرگانان سنتی ایران با شناختی که از بازارهای پرمشتری برای کالاهای سنتی ایران داشتند توانستند بازارهای مهمی در اروپا و آمریکا برای کالاهایی مثل خاویار، فرش دستباف و پسته ایران تدارک ببینند. سال‌هایی بوده که ارزش صادرات فرش دستباف به یک میلیارد، خاویار به ۵۰۰ میلیون دلار و پسته تا یک میلیارد دلار می‌رسیده است. این یک سرچشمه ثروت بود و تبدیل آن به درآمد بود که به هر دلیل که در این نوشته قصد پرداختن به آنها را نداریم از دست رفته است. اکنون بازارهای جهانی لبریز از فرش‌های دستباف با طرح و رنگ ایرانی است که در کشورهای دیگر بافته و به جهان عرضه می‌شود. صادرات خاویار ایران نیز به دلیل اینکه رقبا تازه‌نفس به میدان آمدند از دست رفته و این در حالی است که ایران می‌توانست با صیانت از کیفیت و فرآوری بهتر بازارهای قدیمی خود را از دست ندهد. برای صادرات پسته ایران نیز به دلیل اینکه صادرات آمریکا تشدید شده و تبلیغات قابل اعتنایی دارد و نیز به دلیل اینکه پسته ایران فاقد بسته‌بندی چشمگیر است و نیز به شکل‌های حتی ناراحت‌کننده صادر می‌شود روندی کاهنده را تجربه می‌کند.

■ بی‌اعتنایی به بخشندگی طبیعت



سرزمین و کشور ایران جدای از کینه‌ورزی‌هایی که حالا در خاورمیانه زاد و رشد کرده اما از نظر استقرار روی کره خاکی در موقعیت ممتازی قرار دارد. ایران در حاشیه دریای عمان و خلیج فارس و خزر هزاران کیلومتر ساحل دارد و از دیرباز دارای بندرهای نیرومند و شناخته شده بوده و هست. بندرعباس، بندر بوشهر، بندر انزلی و بندر خرمشهر و ده‌ها بندر کوچک و بزرگ راه را برای ترانزیت کالاها آسان و اقتصادی کرده، اما متأسفانه استفاده نکردن از این مزیت طبیعی و عقب ماندن از کشورهای کوچک در زمینه ساخت و تجهیز بندرهای با ظرفیت‌های بالا و نوآوری‌های نوین ایران را از این ثروت با محدودیت مواجه کرده است.

کارشناسان و ناظران آگاه باور دارند جزیره قشم در جنوب ایران با وسعتی دو برابر جزیره بحرین و بزرگتر از بندر دومی می‌توانست

■ نفت و گاز

ارزشمندترین ثروت خدادادی ایران بدون تردید نفت خام بود و هنوز نیز هست. ایران یکی از نیرومندترین کشورهای صادرکننده نفت در دهه ۱۳۴۰ به بعد بود. آمارهای در دسترس نشان می‌دهند در آستانه انقلاب اسلامی ظرفیت تولید ایران سالانه به ۶/۵ میلیون بشکه رسیده بود. سال‌های تثبیت انقلاب و جنگ و سپس تحریم سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران در دهه ۱۳۷۰ و تشدید تحریم‌ها در دهه ۱۳۹۰ نفت ایران را از بازار جهانی دور کرده است. نفت ایران در شرایطی قرار دارد که در اوپک از کشور دوم به کشور پنجم از نظر سهم آن در صادرات

■ سرمایه اجتماعی و اعتماد از دست رفته

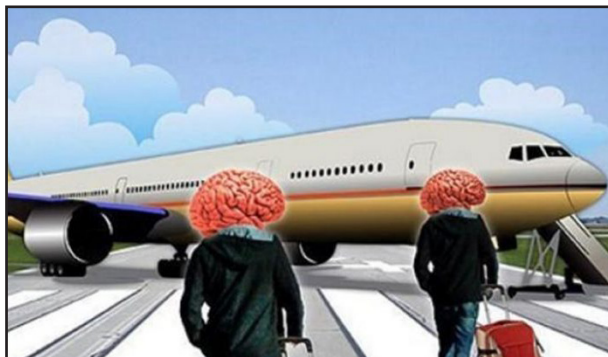


اکنون دیگر آشکار شده است سرمایه اجتماعی که در کانون آن اعتماد شهروندان به کارآمدی، دلسوزی و تعامل و گفت‌وگوی انتقادی نهادهای حاکمیتی با شهروندان است از اصلی‌ترین ثروت‌های هر جامعه به حساب می‌آید. شوربختانه در ایران به گواه سیاستمداران هر دو جناح سیاسی، اعتماد میان شهروندان و دولت و سایر قوا در حداقل‌ها قرار دارد.

واقعیت این است که در همین سال‌های تازه سپری شده و در جریان خواسته دولت از مردم که اگر نیاز ندارند، از گرفتن بارانه خودداری کنند و شهروندان توجه نکردند، معلوم شد اعتماد از دست رفته است.

مردم به دولت اعتماد ندارند و هنگامی که رئیس بانک مرکزی می‌گوید دلار ارزان خواهد شد کسی توجه نمی‌کند. این روزها و با فرسایش پدیدار شده در بازار سرمایه از میزان اعتماد مردم به دولت باز هم کاسته شده است. در ایران دولت به بخش خصوصی اعتماد ندارد و بخش خصوصی نیز به وعده‌ها و قول‌های دولت اعتماد ندارد و ترکش این بی‌اعتمادی به تن مردم می‌خورد.

■ ثروت انسانی از دست رفته



تجربه و کارنامه کشورهای پیشرفته صنعتی و بزرگ اقتصادی نشان می‌دهد بیشترین عامل در تولید ثروت و درآمد در این کشورها نیروی انسانی ورزیده و متخصص در رشته‌های فنی و انسانی و علوم پایه بوده و هست. در ایران متأسفانه به دانش و نیروی ورزیده و نخبگان توجه نمی‌شود و مهاجرت ایرانیان نخبه به اروپا و آمریکا یک داستان درس‌آموز و تلخ شده است.

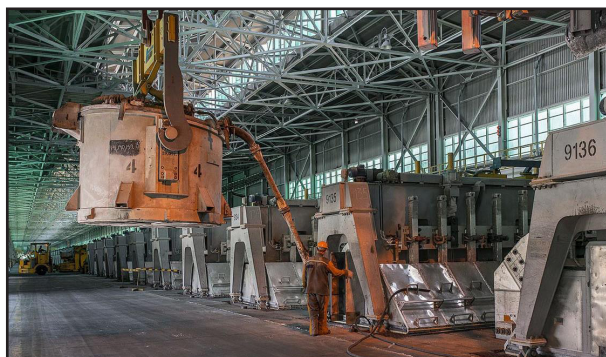
در حال حاضر و در دو دهه تازه‌سپری شده مهاجرت برای تحصیل و برنگشتن و مهاجرت برای کار و بردن سرمایه از ایران اوج گرفته است و این یعنی ثروتی که از دست می‌رود.

روزنامه جهان صنعت

میلیاردها دلار درآمد برای ایران به دست آورد و یکی از بندرهای بزرگ منطقه باشد. در کنار و در نزدیکی قشم بندر زیبای کیش قرار دارد که در صورت سرمایه‌گذاری کافی و لازم می‌توانست سالانه میلیون‌ها توریست از همه دنیا را به این جزیره زیبا بکشاند. شوربختانه ایران با سیاست‌های سختگیرانه از نظر جذب توریست و نیز سرمایه‌گذاری ناکافی در نبرد کیش و دومی به این بندر واقع در امارات باخت. در استان پهناور سیستان و بلوچستان و هزاران کیلومتر ساحل که بندر چابهار یکی از محل‌های شناخته شده آن است ایران گنجی بزرگ داشت که به دلیل عدم توجه کافی و سرمایه‌گذاری ناکافی و سرسختی‌های سیاسی در مسابقه با بندر گوادر پاکستان کم آوردیم. در وضعیتی که ایران می‌توانست با سرمایه‌گذاری در توسعه شرق میلیاردها دلار درآمد ارزی به دست آورد و ده‌ها هزار شغل مفید ایجاد کند اما امروز هنوز در نخستین گام‌ها در مسیر توسعه قرار داریم.

طبیعت ایران بخشنده بود و هست و ایران می‌توانست در شرایط تعامل مناسب با جهان از ترانزیت نفت و گاز کشورهای تازه‌رسته از اسارت شوروی به محل‌های مصرف درآمد و امنیت قابل اعتنا به دست آورد. اما به هر دلیل از این بخشندگی طبیعت استفاده نکرد و ترکیه که دور از این منطقه بود به‌هنگام انرژی منطقه تبدیل شد. اگرچه رهبران حزب کمونیست چین وعده می‌دهند ایران در جاده جدید ابریشم موقعیت مناسبی به دست می‌آورد اما به نظر می‌رسد ایران در متن و بطن این راه قرار نگرفته است.

■ سرمایه‌گذاری‌های صنعتی نابود شده



این درست است که توسعه صنعت کارخانه‌ای در ایران نسبت به اروپا با تاخیر انجام شد اما ایرانی‌ها در صنعتی شدن از شمار قابل اعتنایی از کشورهای منطقه و آسیایی زودتر دست به کار شده‌اند. در برنامه عمرانی سوم که در سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ طراحی و اجرا شد توسعه صنعتی ایران در دستور کار قرار گرفت. بزرگترین و تازه‌ترین کارخانه‌های بزرگ ماشین‌سازی در ایران از دهه ۱۳۴۰ از سوی دولت تالسیس و راه‌اندازی شد. سرمایه‌گذاری ایران در احداث کارخانه‌های تراکتور، ماشین‌آلات راه‌سازی مثل هیپکو، کارخانه‌های مس و آلومینیوم و لوازم خانگی و نیز اتومبیل‌سازی و نساجی و کفش در دهه ۱۳۴۰ با میلیاردها ریال و دلار ارزان سرمایه‌گذاری تاریخی صنعتی برای ایران فراهم کرده بودند. سیاست‌های ناکارآمد صنعتی - تجاری و دور ماندن از دنیای تکنولوژی و نیز محدودیت‌های اقتصادی در دهه تازه سپری شده، سرمایه‌های تاریخی این بنگاه‌های غول پیکر را نابود کرده است و از سه کارخانه بزرگ کفش ملی، کفش ویسن و کفش بلا اثری نیست و از کارخانه‌های ارج و آزمایش و نیز کارخانه‌های تلویزیون‌سازی و لوازم خانگی اثری باقی نمانده است.

اعتبار زدایی نظام آماری: فراموش کاری نوبخت و اصرار همتی

قانون، مرکز رسمی آمار را مرکز آمار ایران می‌داند. الان تصمیم این است که آمارهای رسمی از سوی مرکز آمار ایران تولید و اعلام شود که نافی توانایی‌ها و ظرفیت موجود بانک مرکزی به عنوان یک سرمایه و قوت نیست. بنابراین در کمیسیون تخصصی شورای عالی آمار مطرح شده و مورد تایید قرار گرفته و ما به دنبال مخالفت با آن نیستیم. البته این استدلال‌ها که آقای دکتر قربانی اشاره داشتند قبلا هم توسط روسای بانک مرکزی فعلی و قبلی مطرح شده است. ما به دنبال آن نیستیم که در شورای عالی آمار مخالف نظر رئیس‌جمهور محترم و تیم اقتصادی دولت عمل کنیم. بنابراین به نظر می‌رسد آنچه در کمیسیون تخصصی شورای عالی آمار مصوب شده را داشته باشیم بنابراین بیشتر وقت شورا را روی قانون و سند نظام آماری که بسیار مهم است صرف کنیم. بنابراین مصوبات کمیسیون تخصصی را به رای می‌گذاریم.»

■ نوبخت فراموشکار و همتی پیگیر

حالا و پس از ۴۸۰ روز مرکز آمار و نیز بانک مرکزی دو آمار متفاوت از نرخ رشد اقتصاد ایران را به فاصله چند روز اعلام کرده‌اند. این اتفاق نشان می‌دهد آقای نوبخت رئیس شورای عالی آمار به خود زحمت نمی‌دهد در سال حتی دو ساعت برای این شورا وقت بگذارد و در واقع آمارهای رشد و تورم برایش اهمیت ندارند. آیا او یک مدیر ارشد فراموشکار است و واقعا در یادش نمی‌ماند باید به عنوان رئیس شورای عالی آمار به این وضعیت ناراحت‌کننده که بدون تردید با شگفتی در سطح جهان روبرو شده در داخل نیز به سردرگمی منجر شده است پایان دهد؟ آیا این مساله فقط برای کارشناسان اهمیت دارد و برای رئیس شورای عالی آمار این موضوعی بی‌اهمیت است؟ کاش ایشان جواب می‌داد. از سوی دیگر اگر نوبخت فراموشکار یا بی‌تفاوت است و برایش اصولا اهمیتی ندارد که چه نهادی با چه میزان اختلاف آمارهای اصلی اقتصاد را بر ملا کند برای همتی این مساله اهمیت دارد و پیگیر است. به نظر می‌رسد با توجه به صراحت مقررات که تاکید می‌کند بانک مرکزی باید در ارائه آمارهای کلان اقتصادی تابعیت مرکز آمار را قبول کند اما هرگز این را در عمل قبول نکرده است. پیگیری و ارائه و اعلام آمارهای اقتصاد کلان از سوی بانک مرکزی توجیه قانونی ندارد اما پیگیری و خالی نکردن سنگر نیز قابل اعتناست.

■ مخدوش سازی نهاد آمار

اعتماد، ریسمانی را می‌ماند که یک سر آن در دست‌های شهروندان و سر دیگر آن در اختیار نهادهای

۴۸۵ روز از آخرین نشست شورای عالی آمار که در ۲۲ مرداد با حضور اعضای این شورا و رئیس شورای عالی آمار و رئیس سازمان برنامه‌بودجه یعنی آقای محمدباقر نوبخت برگزار شد، سپری شده است درحالی‌که در همین مدت چندین بار اطلاعات مربوط به دو شاخص اصلی اقتصاد یعنی نرخ رشد اقتصادی و نرخ تورم از سوی بانک مرکزی و نیز مرکز آمار ایران به اطلاع افکار عمومی رسیده است.

روز ۲۲ مردادماه ۱۳۹۸ و درحالی‌که ماه‌ها از برگزاری نشست قبلی می‌گذشت، رئیس شورای عالی آمار در جواب نقد و داوری معاون اقتصادی بانک مرکزی که از سوی این بانک در نشست حاضر بود با صراحت و نوعی فرمان دادن از مقام ریاست شورا گفت: «موضوع مورد نظر به قدری روشن است که تکرار آن توضیح واضح است. در دو سه سال اخیر نوعی انتقاد و تشکیک در صحت آمارهای رسمی به وجود آمده است. بسیار متأسف هستیم که آمار رسمی کشور صرفا به دلیل اینکه با آمار دیگری از سوی دولت متفاوت است، مورد تردید و تشکیک در صحت قرار می‌گیرد. مرکز آمار ایران دقیقا روز اول هر ماه آمار شاخص قیمت‌ها و تورم را منتشر می‌کند و بانک مرکزی نیز با تاخیر دو سه روزه آمار تورم را اعلام می‌کند. بنابراین در یک ماه دو عدد ارائه می‌شود که این تفاوت قابل ملاحظه است و به اصطلاح آماری بسیار معنی‌دار است. مطلع باشید این بحث در دولت بارها مطرح شده و باعث ناراحتی رئیس‌جمهور هم شده است. در تیم اقتصادی تصمیم‌گیری شد که آمار نرخ تورم و رشد اقتصادی صرفا از سوی مرکز آمار ایران تهیه و اعلام شود که متفاوت با قانون نیست.



رسمی به‌ویژه دولت است. این دو پدیده، با نگهداری این ریسمان، ضمن حفظ پیوند و اتصال، از افتادن دیگری جلوگیری می‌کنند. هر اقدام نامتوازن، غیرمتعادل و غیرمسئولانه از هر طرف به سست و پاره شدن این ریسمان منجر شده و احتمال عدم تعادل کلی را بیشتر می‌کند. از سوی دیگر با توجه به سهم، نقش و اندازه قدرت دولت در مقابل شهروندان به‌ویژه در جوامعی مثل ایران، این نهاد دولت است که باید در حفظ ریسمان اعتماد تلاش کند و به شهروندان اطمینان دهد. یکی از نشانه‌های رفتار مسئولانه و دلسوزانه که البته جزئی از وظایف دولت است، ارائه آمارهای

مربوط به شاخص‌های کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به شهروندان است.

اگر دولت‌ها به هر دلیل از ارائه آمار در زمان مناسب و بهنگام خودداری کنند، ریسمان اعتماد خدشه‌دار و سست خواهد شد و هر چه در ارائه آمار تاخیر صورت گیرد یا آمارهای ارائه‌شده درباره یک موضوع مشخص از طرف اجزای دولت چندپاره و چندگونه و دارای اختلاف معنادار باشد، ریسمان اعتماد سست‌تر و به مرز پاره شدن می‌رسد. واقعیت این است که ارائه آمارهای مربوط به برخی شاخص‌های کلان از سوی دولت در سال‌های اخیر با تاخیر انجام می‌شود و به همین دلیل است که اعتماد مخاطبان به عددهای ارائه‌شده قوت و دوام ندارد. از سوی دیگر با وجود صراحت قانون هنوز ارائه آمارهای دوگانه با تفاوت‌های معنادار ادامه دارد؛ اتفاقی که اکنون رخ داده و آمارهای دوگانه از رشد تولید ناخالص داخلی ارائه شده است بدون تردید با شگفتی از سوی مراکز معتبر پژوهشی - علمی در جهان روبرو شده و اعتبار دو نهاد قدیمی کارشناسی ایران خدشه‌دار خواهد شد. آیا این دو نهاد قدیمی را باید تنها و تنها به این دلیل که فراموشکار هستیم یا به این مقوله بسیار بااهمیت بی‌حس شده‌ایم و برایمان فایده‌آنی و تبلیغاتی ندارد در معرض بی‌اعتمادسازی جهانی قرار دهیم؟ آیا سزاوار است یک نهاد تنها برای اینکه کارکنان و مدیران خود را صیانت کند و با وجود صراحت قانون و مقررات با ارائه اطلاعات مغایر و اصرار بر این کار اعتمادزایی جهان را نسبت به آمارهای اصلی کشور در دستور کار قرار دهد؟ اگر رئیس‌جمهور، رئیس سازمان برنامه و بودجه و رئیس کل بانک مرکزی نسبت به این اعتمادزایی بی‌اعتنایند و با دادن آمارهای به‌شدت متفاوت می‌خواهند به منفعت سازمانی خود توجه کنند مدیران ارشد نهادهای پژوهشی - علمی و موسسه‌های معتبر رتبه‌بندی در جهان چرا اصرار کنند باز هم نام ایران را در گزارش‌های جهانی بیابوند در حالیکه نمی‌دانند باید به دوری و آمار کدام نهاد اعتماد کنند. باید بدانیم در دنیای امروز هیچ سازمانی خود را ملزم نمی‌کند وقتی مدیران ارشد یک کشور با بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی آمارهای مخدوش و دوگانه با تفاوت‌های معنادار می‌دهند، باز هم به آمارها اعتماد کند و دیر یا زود ترجیح می‌دهد اعتبار خود را مخدوش نکند و نام ایران را حذف کند.

تکلیف چیست

پیامدهای منفی و مخرب این روش ناکارآمد و شگفت‌انگیز که از سر لج‌بازی بر سر نظام آماری کشور آمده و پنهان‌سازی آمارهای اقتصادی مربوط به مسائل با اهمیت و ارائه دوگانه‌های عجیب تا کی ادامه خواهد داشت؟ به نظر می‌رسد کمترین کار این است که رئیس‌جمهور اگر حوصله دارد و اگر برایش اهمیت دارد این دورویی دو سازمان مهم را فراخوانده و با استواری و قاطعیت بخواهد دست از این سرسختی سازمانی بردارد. اعتبار نظام آماری ایران را باید به همین سادگی از همین میزان اعتمادی که به آن مانده است با فراموشکاری و بی‌حسی و سرسختی از دست داد و هیچ نهاد و شخص و سازمانی هم به این مقوله توجه نکند؛ واقعیت تلخی روبروی این مرز و بوم قرار گرفته و انگار خاک بی‌حسی بر ذهن و جان گروهی که در وضعیت عادی هرگز تا اینجا بالا نمی‌آمدند نشسته است. نظام آماری یک کشور قدیمی را به رایگان مخدوش می‌کنند و چه زبانی بالاتر از این. مگر می‌شود یک سازمان نرخ رشد را تا ۲ درصد منفی اعلام کند و یک نهاد دیگر آن را یک درصد مثبت اعلام کند. اگر تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۵۰۰ میلیارد دلار باشد برای یک نیمه سال با کمی تسامح ۲۵۰ میلیارد دلار باشد مطابق با نرخ رشد اعلام شده بانک مرکزی، باید ۲/۵ میلیارد دلار بر آن اضافه شود و بر اساس اعلام مرکز آمار پنج میلیارد دلار از آن کاسته شود که تفاوت برای یک نیمه سال حدود هفت میلیارد دلار و برای یک سال ۱۴ میلیارد دلار اختلاف است. تکلیف چیست؟ برنامه هفتم توسعه را بر اساس آمارهای بانک مرکزی تدوین کنیم یا مرکز آمار؟ نرخ افزایش مزدها بر اساس نرخ تورم بانک مرکزی باشد یا مرکز آمار؟ عجب بلوایی است.

«کار آفرین» اقتصاد سیاسی بودجه ۱۴۰۰ را تحلیل کرد

اقتصاد سیاسی بودجه ۱۴۰۰ چگونه بودجه‌ای است



یک جا گرد می‌آورند؟ پاسخ آن چیزی است که دانش اقتصاد بر پایه آن ساخته و پرداخته شده است. پول به اندازه کافی نیست یا به عبارت دقیق‌تر پول به اندازه نیاز انسان‌ها و سازمان‌ها نیست. آدمی و سازمان‌هایی که آدمیان درست کرده‌اند هرگز چشم و دلشان از خرج کردن سیر نمی‌شود و هر چه بدهید باز هم می‌خواهند، اما آیا دولت عصای جادویی دارد که آن را به هر جسم جامدی بزند و آن را طلا کند و آن را به سازمان‌های خرج بدهد؟ اینگونه نیست و دولت‌ها و کارشناسانی که وسواس دارند درآمدها و هزینه‌ها را پیمانه پیمانه اندازه‌گیری کنند تا خرج از دخل بالاتر نرزد در برابر وسوسه سیاستمداران که می‌خواهند از جیب دولت و همه شهروندان برای خود محبوبیت سیاسی بخرند توان ایستادگی ندارند.

■ ۱۴۰۰ واویلاست

تا همین دو سال پیش و تا همین حتی زمستان پارسال مدیران سیاسی‌تر در سازمان برنامه و بودجه به کارشناسان فشار می‌آوردند که دست و دلشان نلرزد و وسواس و سخت‌گیری نشان ندهند چون امیدوار بودند

تیر و عنوان سنجاق شده است و این سند در کشوری همانند ایران یک سند تاریخی نیز به حساب می‌آید. این سند از آن رو تاریخی است که سازمان‌های امروزی از دوران سپری شده بازمانده‌اند و خود را به بودجه کل پیوند زده‌اند و بودجه نویسان دیگر نمی‌توانند آن سازمان را از بودجه بیرون کنند، چون پیرامون پولی که به آن سازمان و نهاد داده می‌شود گروهی دارای منفعت و میزانی از قدرت گردهم آمده‌اند که چشمشان به این پول دوخته شده و چشمداشت آنها این است که هر سال به پول سال پیش افزوده شود. در این نقطه است که سازمان‌های خرج زودتر از آذر ماه که لایحه بودجه آماده می‌شود راه‌های رسیدن به دفاتر مربوطه را می‌یابند و این روزها نیز دنبال این هستند که ببینند بودجه آنها در کدام کمیسیون تصویب می‌شود تا سری به آن کمیسیون بزنند.

■ چرا چانه‌زنی و مجادله

چرا سازمان‌های سیاسی و نهادهایی که کار اجتماعی یا فرهنگی و آموزشی می‌کنند هنگام تهیه و تصویب بودجه نیروهای خود را برای چانه‌زنی و شکست دادن کارشناسان

دولت سیاسی‌ترین نهادی است که انسان با سپری شدن روزهای بسیار دراز آن را ساخته است. این پدیده ساخت اندیشه انسانی که باید راه‌هایی برای آسان‌سازی زندگی آدمیان آماده کند اما توانست با نیرویی که از تک‌تک آدم‌های جامعه بگیرد بر انسان استیلا پیدا کند و بالای جان انسان‌ها شده است. اما اندیشه آدمی آرام ننشست و سازمان سیاسی دیگری به اسم نشست نمایندگان ساخت. این نهاد سیاسی تازه درست شده کارش این است که قانون‌هایی که دولت نیاز دارد یا خودش تشخیص می‌دهد را تصویب کند تا دولت تنها اجرای قانون را در اختیار داشته باشد. این دو سازمان سیاسی که هر کدام از ائتلاف‌های سیاسی دیگری درست می‌شوند در یک جا بیشترین چانه‌زنی را دارند و بیشترین شکست‌ها و پیروزی‌های سیاسی که خود را در پس یک عدد یا یک رقم پنهان کرده‌اند در همین نقطه به دست می‌آید و آن نقطه بودجه کل کشور است.

■ اوج چانه‌زنی

بودجه کل کشور یک سند سیاسی است که در آن هزاران عدد ریز و درشت به یک

■ دودش به چشم شهروندان می‌رود

آتشی که از چند روز پیش تدارک آن دیده شده است و مجلسی که این دولت را در هیچ بستری دارای کارآمدی نمی‌بیند چنان بلند شود که دودش مستقیم و غیرمستقیم به چشم شهروندان برود. اگر همین میزان درآمدهای ناپایدار موجود در لایحه که آن را به زلف درآمد ریالی از نفت زده است از سوی سیاسیون ناپایدارتر شده و خرج‌های ناشناس یا آشنایی که وسواس کارشناسان آنها را نادیده گرفته است از نو برپا شوند برآیندش کسری بودجه و تورم و رشد منفی خواهد بود. باید دید در هنگامه و نبرد سردی که این روزها در دو سازمان سیاسی ناسازگار می‌بینیم راهی برای حساب‌گری منطقی و تدارک دیدن یک بودجه سالم و با کمترین کسری تهیه و تصویب می‌شود. وسوسه‌های سیاستمداران اگر به نقطه جوش برسد و بخوانند با خیال‌پروری بودجه‌ای ناکارشناسانه آماده کنند وسواس کارشناسان را یکسره می‌سوزاند و بیچاره شهروندانی که هیچ راهی برای نشان دادن خشم و اندوه خود در این باره ندارند.

■ دو سازمان بسیار ناسازگار

سال‌های پرشماری بوده است که سازمان سیاسی به نام دولت راه و روش و راهبردهای خود را داشته و سازمان سیاسی مجلس نیز اصول و دیدگاه‌های خود را دنبال می‌کرده است. روزگاری بوده که بطور مثال اکبر ناطق نوری از سیدمحمد خاتمی در انتخابات شکست خورده است اما در مقام ریاست مجلس بودجه رقیب خود را با مدارا و بردباری تصویب کرده است. اما به نظر می‌رسد تا امروز مجلس و دولتی تا این میزان ناسازگار و با راهبردها و اندیشه‌های بسیار دور از هم را ندیده بودیم. دولت یازدهم چنان رفتار خشنی با دولت دوازدهم دارد که گویا دشمن گیر آورده و در این چند ماه بارها دولت را در تنگنا گذاشته است. به نظر می‌رسد با توجه به سخنان امروز و روزهای پیشین ریاست مجلس و نیز برخی از ذی‌نفعان این نهاد بودجه ۱۴۰۰ سیاسی‌ترین بودجه خواهد بود. سازمان سیاسی و آرزوها و آمال مجلس یازدهم با راهبردهای دولت به اندازه‌ای دورند که احساس می‌شود شاید لایحه ارائه شده را کنار بگذارند و وسوسه‌هایشان وسواس‌های کارشناسان را بطور کلی دور بزنند.

کاستی‌ها را با فروش و صادرات نفت جبران کنند، اما برای سال ۱۴۰۰ این روزنه امید نیز بسته شده است و معلوم نیست دولت تازه‌ای که در ایران می‌آید و دولت تازه‌ای که از بهمن ماه در آمریکا بر سر کار می‌آید چه در سر دارند.

با این همه در این باره واویلائی کارشناسان بلند است و نمی‌خواهند بر پایه خیال و آرزو درآمدی را در بودجه بگنجانند. از سوی دیگر همین کارشناسان که خود و دوستان و فامیلشان را در سختی می‌بینند نمی‌توانند نسبت به درآمد کارمندان بی‌تفاوت باشند و بخواهند آن را کاهش دهند یا اینکه کمتر از نرخ تورم آن را افزایش دهند. وسواس کارشناسی می‌گوید لابد با ناشناس بودن درآمدهای سال بعد باید از هزینه‌ها کاست اما آمارها نشان می‌دهد بیشترین میزان هزینه‌ها را حقوق و دستمزد و نیز هزینه‌های رفاهی تشکیل می‌دهند. سیاستمداران اما کاری به این وسواس کارشناسان ندارند و می‌خواهند به شهروندان بگویند به یاد آنها هستند و راه را بر هرگونه توازن بودجه که خواهد از حقوق آنها بکاهد یا آنها را از کار بیکار کند می‌بندند.



سال‌های دور از بودجه کار آمد



چنین اتفاقی افتاده باشد. البته محمدباقر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه خبر داده است در هفت ماه گذشته از رقم ۳۳۸ هزار میلیارد تومانی که باید مطابق قانون بودجه درآمد به دست می‌آمد ۲۹۰ هزار میلیارد تومان محقق شده که به این ترتیب ۴۸ هزار میلیارد تومان عدم تحقق منابع در هفت ماه بوده است. اما وی از سوی دیگر گفته است از ۳۳۸ هزار میلیارد تومانی هم که باید مطابق قانون در این هفت ماه هزینه می‌شد ۳۰۲ هزار میلیارد تومان هزینه شده و ۳۶ هزار میلیارد تومان به اجبار صرفه‌جویی شده است. به این ترتیب براساس این آمار و ارقام کسری بودجه در هفت ماه منتهی به آخر آبان ماه فقط ۱۲ هزار میلیارد تومان بوده است.

■ دلار ۱۱۰۰۰ تومانی

یکی از کابوس‌های بودجه ۱۴۰۰ عددی است که رئیس سازمان برنامه و بودجه برای قیمت دلار در نظر گرفته است تا با آن برخی هزینه‌های ارزی را پوشش دهد. نوبخت گفته است قیمت هر دلار در بودجه سال آینده ۱۱ هزار میلیارد تومان است. برخی کارشناسان باور دارند این عدد همان دلار ۴۲۰۰ تومانی بودجه ۱۳۹۹ است که با توجه به افزایش نرخ ارز در بازار آزاد به این رقم ارتقا یافته است.

درحالی‌که اکنون و در آذرماه ۱۳۹۹ قیمت هر دلار در بازار آزاد حدود ۲۴ هزار تومان است و اگر تا فروردین‌ماه در همین عدد بماند، تفاوت حدود ۱۰ درصدی خواهیم داشت که معنایش ادامه رانت و فساد بر سر کسب دلار ۱۱ هزار تومانی است. کارشناسان باور دارند که دولت باید قیمت دلار در بودجه سال بعد را آزاد کند و اگر می‌خواهد به تهیدستان کمک کند از محل فروش دلار با قیمت آزاد این کار را انجام دهد.

لطف و بخشش دولت و بانک مرکزی شامل شهروندان نشد و آمارهایی که پیش از این بطور مرتب درباره کارنامه دخل و خرج دولت منتشر می‌شد حذف شد. حالا فقط شمار اندکی از آگاهان درجه یک و سنجاق‌شده‌ها به این گروه کم‌شمار می‌دانند دولت در هشت ماه سپری‌شده چقدر و از کجا و کدام محل‌ها درآمد کسب کرده و چقدر و به کدام محل‌ها پرداخت داشته است. آیا آنگونه که گفته می‌شود، دولت با کسری بودجه ۵۰ درصدی روبرو است یا آنگونه که برخی حدس می‌زنند، دولت آنقدر از محل‌های مختلف و به شکل‌های گوناگون ریال جمع کرده است که برخلاف برخی تصورات، شاید مازاد بودجه هم داشته باشد. این گمانه‌زنی‌های معنادار از اینکه دولت تا ۲۵۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه دارد تا اینکه حتی مازاد درآمد ریالی هم داشته است نشان از غیرشفاف‌ترین کارنامه بودجه‌ای دولت در همه سال‌های تازه‌سپری‌شده است.

براساس اسناد بودجه‌ای ایران منابع عمومی دولت در بخش درآمدی شامل درآمدهای مالیاتی، درآمد حاصل از فروش دارایی‌های سرمایه‌ای (نفت، گاز، بنزین و سایر کالاهایی که در مالکیت دولت است) و نیز فروش سرمایه مالی به‌ویژه اوراق قرضه است.

گروهی باور دارند دولت از محل برداشت از منابع صندوق توسعه، فروش سهام شرکت‌های دولتی، استقرار پنهان از منابع بانک مرکزی و انتشار اوراق بدهی و تسعیر نرخ ارز و فروش سکه و مالیات بر عایدی از بازار سهام آنقدر ریال جمع کرده است که کسری ندارد. اگر چنین باشد که معلوم نیست، حالا دولت و سازمان برنامه و بودجه دیگر با کابوس کسری بودجه مواجه نیستند و نیک می‌دانند که می‌توانند سال بعد را نیز با همین روش‌ها بودجه را مدیریت کنند. اما برخی دیگر باور ندارند که

نیز با سد بلند مجلس مواجه شود. واقعیت این است که افزایش ارقام فروش اوراق قرضه با توجه به رقابت سنگین بازارهای موازی تنها با افزایش نرخ سود این اوراق ممکن است و به نظر می‌رسد این کار ایران را به یونانی شدن نزدیک می‌کند.

چالش هزینه‌ها

دولت و سازمان برنامه‌بودجه باور دارند در بخش هزینه‌های بیش از این نمی‌توانند صرفه‌جویی کنند چون بیشترین هزینه بودجه به هزینه‌های جاری و در دو بخش هزینه‌های مزد و حقوق و نیز هزینه‌های رفاه اجتماعی (پرداخت به سازمان‌ها و صندوق‌های بازنشستگی) انجام می‌شود که نمی‌توان از آنها کم کرد. تازه در سال ۱۴۰۰ با توجه به نرخ تورم امسال که دست‌کم ۳۰ درصد خواهد بود چالش بزرگی در پیش است. مجلس یازدهم تا امروز نشان داده در خرج کردن و هزینه‌تراشی هیچ ترس و بیمی به خود راه نمی‌دهد و شاید یارانه سوم را هم افزایش دهد. در چنین وضعیتی که اکنون وجود دارد و دولت سال‌هاست در بخش عمرانی هزینه‌ای (سرمایه‌گذاری) ندارد روند کاهنده سرمایه‌گذاری ادامه خواهد داشت. یکی از چالش‌ها این است که دولت ندارد، مجلس می‌خواهد و شهروندان نیز انتظار دارند.

در خیال بودجه کار آمد



کارشناسان و فعالان اقتصادی باور دارند پنهانکاری‌های دولت در عدم ارائه آمارهای واقعی از دخل و خرج خود در این ماه‌های سپری‌شده و با توجه به عدم قطعیت‌های سیاسی داخلی و سیاست خارجی باید در رویا و خیال تدوین بودجه کارآمد در سال ۱۴۰۰ و حتی سال‌های بعد از آن نیز بماند.

آدمیان در پویش تاریخ به این نتیجه رسیدند که بخشی از آزادی طبیعی خود و سهمی از دارایی‌های خود را به نهادی مشهور به دولت واگذار کنند. در برابر این اخذ بخشی از دارایی شهروندان و نیز آزادی مردم، دولت‌ها نیز وظیفه دارند آسایش ذهنی و آرامش و راحتی برای مردم تامین کنند و امنیت آنها را در برابر زورگویان و اجحاف‌کنندگان در درون سرزمین و نیز یورش خارجی فراهم کنند. به مرور زمان اما دولت‌ها وظایف دیگری برعهده گرفتند که در صدر آنها تامین منابع لازم برای آموزش و بهداشت و درمان عمومی است. اما تامین امنیت و تامین آموزش و بهداشت نیازمند منابع مالی است که باید برای دولت‌ها فراهم شود یا دولت‌ها این منابع را شناسایی کنند و به دست آورند. آیا ایرانیان می‌توانند روزی را ببینند که همه ارقام و اقلام بودجه سالانه که از جیب آنها یا از ثروت تاریخی و طبیعی آنها و نسل‌های آتی تامین می‌شود، ساده، شفاف و قابل دیدن باشد و به جای رانت و فساد، درستی و پاکی بیاورد.

چقدر صادرات؟



یکی از عدم قطعیت‌های لایحه بودجه ۱۴۰۰ بدون تردید میزان صادرات نفت در طول سال ۱۴۰۰ است. درحالی‌که هنوز معلوم نیست تحریم نفت ایران تا شروع اجرای بودجه حذف خواهد شد یا نه و از طرف دیگر با توجه به اینکه معلوم نیست حتی اگر نفت ایران از تحریم درآمد ایران بتواند سهم خود را در بازار به دست آورد درآمدهای دولت در این بخش روی هواست. این محل درآمد دولت بدون تردید پاشنه آشیل بودجه ۱۴۰۰ خواهد بود.

بودجه نفتی - ریالی

سازمان برنامه‌بودجه قصد دارد بخشی از درآمد دولت در سال آینده را از محل پیش‌فروش نفت به شهروندان و خریداران اختصاص دهد. اگرچه هنوز عدد و رقم دقیقی از محل درآمد پیش‌فروش نفت ارائه نشده است اما برخی باور دارند این روش پیش‌بینی شده ادامه وابستگی بودجه نفت اما این بار از محل تامین ریال است که آسان‌تر است. در سال‌های قبل دولت باید سهم خود از محل صادرات نفت را با زحمت به دست می‌آورد اما با این کار می‌خواهد به یک درآمد آسان برسد.

در همین چند روز گذشته که سازمان برنامه‌بودجه اعلام کرده می‌خواهد بخشی از درآمدهای سال آینده را از این محل به دست آورد موجی از مخالفت‌ها به‌ویژه از سوی مخالفان سیاسی دولت برخاسته است و به نظر می‌رسد در زمان تصویب در مجلس با مخالفت جدی مواجه باشد.

فروش اوراق



مخالفان دولت به‌ویژه در مجلس در روزهای گذشته در اظهارنظرهای گوناگون به دولت اعتراض کرده‌اند که همین امسال نیز آنقدر اوراق قرضه فروخته است که دولت‌های بعدی در بدهی غرق خواهند شد. به نظر می‌رسد دولت برای تصویب این بخش از درآمد در سال ۱۴۰۰



سرانجام بی فرجام وام‌های ارزی

در سال‌هایی که اقتصاد ایران گرفتار تحریم‌ها و سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی در سطح کلان بود، بیشترین مشکل واحدهای تولیدی این بود که منابع مالی مورد نیاز را از کجا تأمین کنند. از سوی دیگر برخی فشارها از ناحیه بانک‌های عامل درگیر در پرداخت وام ارزی و نیز مطالبات معوقه ریالی به واحدهای تولیدی شروع شده بود. دولت و مجلس وقت سرانجام به این نتیجه رسیدند که یک قانون جامع برای این کار تدوین و تصویب کنند. قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور همان قانونی بود که با عنوان لایحه یک فوریتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود و با تصویب در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۴/۲/۱ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ شد. این قانون مواد گوناگونی به‌ویژه در ماده ۲۰ داشت. در این ماده قانونی که بعدها در برنامه ششم توسعه نیز به شکلی گنجانده شد، باید موضوع‌های متفاوتی را حل می‌کرد که یکی از آنها نیز تعیین تکلیف وام‌های ارزی بود. از دل این قانون ستادی برای کمک به واحدهای تولیدی در وزارت صمت تأسیس شد که راهبرد آن برطرف کردن نیازهای مالی واحدهای تولیدی و نیز برطرف کردن گرفتاری‌های آنها بود. یکی از این گرفتاری‌ها نیز همین داستان بدهی ارزی بود.

میثم زالی دبیر ستاد تسهیل و رفع موانع تولید در گفت‌وگو با «کارآفرین» درباره تازه‌ترین تحولات در مورد پرداخت وام‌های ارزی به صندوق به‌ویژه از سوی بدهکاران ارزی می‌گوید: بر اساس تصمیمی که اتخاذ شده و با دریافت اجازه از مقام معظم رهبری، بدهکاران وام ارزی به صندوق موظف شده‌اند تا پایان امسال برای پرداخت بدهی‌های خود اقدام کنند و وضعیت‌شان روشن شود. مشروح این گفت‌وگو در ادامه می‌آید.

تداوم سیاست تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی تأکید کرده‌اند. با توجه به تجربه سال‌های اخیر، پیشنهاد مشخص درباره این موضوع آن است که با مابه التفاوت قیمت ارزی این کالاها به شکل یرانه نقدی به مردم پرداخت شود (ارز این کالاها نیز به قیمت مثلاً سامانه نیما تخصیص داد و مابه التفاوت آن با ارز ۴۲۰۰ را به مردم پرداخت) یا سبد کالای مشخصی تعیین و دسترسی مردم به این سبد با قیمت‌های یرانه‌ای تضمین شود.

۴- اگرچه در میان مدت و به‌ویژه با استفاده از فرصت تهیه و تصویب برنامه هفتم باید طرحی نو برای استفاده از منابع نفت و گاز در کشور در انداخت اما حداقل در چارچوب احکام برنامه ششم توسعه، حفاظت از کبان صندوق توسعه ملی از طریق واریز کامل منابع سهم صندوق توسعه ملی از محل منابع حاصل از صادرات نفت و خالص صادرات گاز و اختصاص سریع آن به طرح‌های سرمایه‌گذاری دارای توجیه اقتصادی بخش خصوصی و تعاونی قابل توصیه اکید است. لذا پیشنهاد می‌شود در لایحه بودجه ۱۴۰۰ هرگونه استفاده بودجه‌ای از این منابع حذف شود.

۵- اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران به نمایندگی از بخش خصوصی که به شکل رسمی در اقتصاد ایران فعالیت می‌کنند، همواره معتقد بود است که عمده‌ترین مسیر کمک بخش خصوصی به توسعه کشور پرداخت مالیات حقه دولت است و همزمان خواهان آن است که دولت با تکمیل سامانه جامع مالیاتی و گسترش پایه‌های مالیاتی از فشار مالیاتی بر کسب و کارهای رسمی بکاهد. لذا انتشار گزارش مستقلی درباره دلایل توجیهی پیش‌بینی رشد ۵۵ درصدی مالیات بر اشخاص حقوقی خصوصی و درعین حال رشد منفی اشخاص حقوقی دولتی موردنیاز است به گونه‌ای که نشان دهد هر یک از متغیرهایی مانند تورم و نرخ ارز چه تأثیری بر سود شرکت‌ها در بخش‌های مختلف (از قبیل پتروشیمی، فولاد، معدن و غیره) گذاشته‌اند و چه سهمی در این پیش‌بینی دارد. همچنین چه سهمی از این افزایش مربوط به مقابله با فرارهای مالیاتی یا کاهش معافیت‌ها و امتیازهای مالیاتی است.

۶- با توجه نکات بیان شده درباره حجم منابع طرح‌های عمرانی و تخصیص منابع به این طرح‌ها، پیشنهاد می‌شود مجلس شورای اسلامی در تصویب بودجه طی حکمی دقیق روند نامطلوب ۲۰ سال اخیر را تغییر دهد و تخصیص حداقلی از منابع حاصل از نفت و گاز به طرح‌های عمرانی را تضمین کند و دولت تنها مجاز باشد که پس از تخصیص اعتبارات عمرانی و در صورت مازاد منابع حاصل از نفت و گاز بر اعتبارات طرح‌های عمرانی، منابع اضافی را صرف پرداخت هزینه‌های جاری نماید. علاوه بر این تجربه ۴ سال اخیر نشان داد که از طریق یک تبصره بودجه‌ای نمی‌توان به گسترش ایده مشارکت عمومی - خصوصی در احداث زیرساخت‌های موردنیاز کشور امید بست. ضمن آنکه لایحه تقدیمی دولت درباره این موضوع نیز نیازمند اصلاحات اساسی است. امید است مجلس شورای اسلامی با توافق دولت بتواند قانون منسجم و دقیقی را تصویب کند که زمینه ساز انعقاد قراردادهای بلندمدت بین سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و دولت باشد و با استفاده اتکالی از منابعی مانند منابع صندوق توسعه ملی سرمایه‌های داخلی و خارجی برای توسعه سریع زیرساخت‌های کشور و تحرک هرچه بیشتر بخش پیمانکاری ارزشمند کشور فراهم شود.

۷- حمایت از تولید ملی و تشویق سرمایه‌گذاری و تولید می‌تواند مهم‌ترین معیار هر نوع تصمیم‌گیری درباره احکام و ردیف‌های بودجه‌ای قرار گیرد. تشویق صادرات غیرنفتی و حمایت از صادرکنندگان شناسنامه‌دار و قوی می‌تواند راز نجات اقتصاد کشور از وابستگی به منابع حاصل از نفت باشد.

۸- تجربه نشان داده است که در بودجه‌های سالانه می‌توان تصمیمات خلق الساعه مالیاتی و ارزی و تعرفه‌ای و پولی گرفت اما بخش عمده‌ای از این تصمیمات به دلیل ماهیت یکساله بودجه امکان اجرا نمی‌یابند و اگر هم اجرا شوند نه درآمد چندانی برای دولت ایجاد می‌کنند و نه به اهداف از پیش تعیین شده دست پیدا می‌کنند. اما اینگونه تصمیمات مهم‌ترین اثر را بر نامن کردن محیط کسب و کار و عدم اطمینان فعالان اقتصادی دارند. از این حیث انتظار می‌رود مجلس شورای اسلامی به این موضوع مهم در همه تصمیم‌گیری‌ها توجه کند.



که بیشترین دریافت ارزی را دارند، آسوده‌ترند. نکته بسیار بااهمیت این است که نباید نگاه ما به بخش خصوصی این باشد که اینها خدای ناکرده یک گروه هستند که می‌خواهند فقط جیبشان را پر کنند و بروند. این نگاه به بخش خصوصی در این داستان وام‌های ارزی متأسفانه رسوخ کرده است. می‌دانم برخی از واحدهای تولیدی حاضرند کلید کارخانه‌هایشان را به بانک‌های عامل بدهند تا هر کاری که با ماشین‌آلات نصب‌شده می‌خواهند، انجام دهند. بر خورد با مدیران نباید انجام شود بلکه با واحدهای تولیدی باید برخورد شود. می‌توان آنها را خواباند و تولید را تعطیل کرد. برخورد قهرآمیز با صاحبان کارخانه‌هایی که وام ارزی دارند، انگیزه سرمایه‌گذاری را در افراد از بین می‌برد و این خسارت جبران‌ناپذیری است.

● **به نظر می‌رسد به هر حال باید این معضل برطرف شود. پیشنهاد اجرایی که از یک سو به تعطیلی کارخانه‌ها نرسد و از سوی دیگر منابع صندوق نیز معطل نمانند، چیست؟**

این‌طور که نمی‌شود. وزارت اقتصاد از سال ۱۳۹۴ باید این مساله را حل می‌کرد که نکرده است. از طرف دیگر اگر بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، صندوق توسعه ملی و سایر نهادها نمی‌توانستند نرخ ارز و دامنه تغییر آن را پیش‌بینی کنند که در یک دوره از ۱۳۹۰ تا حالا ۲۵ برابر شده است، بنگاه‌های خصوصی چگونه می‌توانستند این کار را انجام دهند. پیشنهاد این است که بنگاه‌های وام‌گیرنده به نرخ روز دریافت وام، بدهی خود را به صورت علی‌الحساب پرداخت کنند و منتظر بمانیم تا یک تصمیم دقیق و کارشناسانه و سازگار با منافع ملی اتخاذ شود. از طرف دیگر بانک‌های عامل یا وزارت اقتصاد یا صندوق باید بنگاه‌ها را از نظر اینکه کدام بنگاه‌ها صادرات دارند و صادرات آنها آزاد است و کدام بنگاه‌ها توانایی صادرات دارند، تفکیک کنند اما بر اساس دستور دولت و برای تنظیم بازار داخلی باید صادرات انجام ندهند و نیز برندهایی که به هر حال باید قیمت دستوری را اجرا کنند نیز تفکیک شوند و بر خوردها با روش‌های گوناگون انجام شود.

این وام‌های دریافت‌شده را برنگردانند. اما این تغییرات شگفت‌انگیز نرخ ارز را هیچ سازمان و نهاد و بنگاهی پیش‌بینی نمی‌کردند بطوری که در برنامه ششم توسعه تا ۱۰ درصد افزایش را یک اتفاق عادی می‌دانستند و دولت موظف است افزایش بیش از ۱۰ درصد را به نوعی بیمه کند. حالا با ۲۵ برابر شدن نرخ‌های ارز دریافت‌کنندگان ارزی، واقعا توانایی پرداخت را ندارند. نکته دوم این است که باید روشن‌گری شود و صندوق توسعه یا هر سازمان و نهاد دیگری درباره تفکیک وام‌های پرداخت‌شده به بخش خصوصی و بخش دولتی و نیز میزان پرداخت‌ها به هر بخش را به اطلاع افکار عمومی برساند تا در میان مردم این استنباط پدیدار نشود که بخش خصوصی نمی‌خواهد وام‌ها را پس بدهد.

● **پیش از اینکه ادامه دهید، یک پرسش را مطرح کنیم. آخرین ارقام در این بستر چقدر است و سهم هر کدام از بخش دولتی و بخش خصوصی چقدر است؟**

آمارها و اطلاعات نشان می‌دهد که وام‌های پرداخت‌شده و مطالبات صندوق یا همان بانک‌های عامل ۲۸ میلیارد دلار است که نزدیک ۲۰ درصد آن به بخش خصوصی داده شده است.

● **این استدلال که ارزش دارایی‌های بخش خصوصی نیز با دریافت این وام‌ها چند برابر شده است بنابراین باید به همان نسبت بتوانند وام‌های خود را برگردانند را تا چه میزان نیرومندی داند؟**

منابع تخصیص‌یافته به بنگاه‌های خصوصی بیشتر برای خرید ماشین‌آلات و تجهیزات تولید بوده که این ماشین‌آلات و تجهیزات در کارخانه‌ها نصب شده‌اند و بدون تولید برای صاحب آن ارزش درآمدزایی ندارند. نباید داستان اینگونه دیده شود بلکه باید از زاویه تولید و درآمدزایی به داستان نگاه شود. در اینجا نیز نکاتی هست که یادآور می‌شوم. در همه سال‌های پس از ۱۳۹۸ که شروع کار پرداخت یارانه نقدی بود و پس از آن تحریم سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ و نیز از ۱۳۹۷ تا امروز واحدهای تولیدی زیر فشار قرار دارند که نباید قیمت محصولات را بدون اجازه نهادهای نظارتی افزایش دهند. در این وضعیت دریافت‌کنندگان وام‌های ارزی چگونه باید درآمدشان را به اندازه تغییرات نرخ ارز افزایش دهند. از سوی دیگر در همه این سال‌ها دولت هر گاه بازار داخل با تنگنا مواجه بوده، اجازه صادرات را از واحدهای تولیدی سلب کرده و درآمد ارزی آنها را در تنگنا قرار داده است. شاید اگر این محدودیت‌ها و قید و بندها نبود، پرداخت‌ها آسان‌تر انجام می‌شد. نکته دیگر این است که صندوق توسعه باید تا جایی که می‌تواند در برخورد با بخش خصوصی و بخش دولتی و نیمه‌دولتی دریافت‌کننده وام ارزی برخورد یکسانی داشته باشد. آیا برای بنگاه‌های بزرگ نیز این همه فشار وجود دارد یا آنها



● **یکی از مشکلات این بوده و هست که این پرداخت به نرخ زمان دریافت وام باشد یا اینکه باید به نرخ روز پرداخت شود. تصمیم تازه چه حکمی در این باره داده است؟**

تازه‌ترین تصمیم حکم داده است که پرداخت‌ها با محاسبه نرخ نیمایی ارز باشد.

● **با توجه به اینکه نرخ ارز نیمایی حالا فاصله قابل‌اعتنایی با بازار ارز آزاد ندارد آیا وام‌گیرندگان توانایی دارند این میزان شکاف نرخ ارز در زمان دریافت با این نرخ را تامین کنند؟ بطور مثال کسانی که قبل از ۱۳۹۱ وام ارزی گرفته بودند، در آن روزها هر دلار ۱۰۰۰ تومان بود و کسانی که در سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ وام گرفته بودند، قیمت هر دلار در آن سال‌ها حداکثر ۳۵۰۰ تومان بود درحالی‌که الان دلار نیمایی نیز نزدیک به ۲۲ هزار تومان است. دریافت‌کنندگان وام‌های ارزی چه باید کنند و آیا توانایی پرداخت دارند؟**

درباره این داستان نکته‌ها و مسائل قابل‌اعتنایی وجود دارد که من تلاش می‌کنم بطور خلاصه آنها را یادآوری کنم. نکته نخست این است که دریافت‌کنندگان وام‌های ارزی باید بدانند که این منابع متعلق به همه ایرانیان است و آنها باید این بدهی را به صندوق یا بانک‌های عامل بپردازند و کسی در این باره تردید ندارد. دریافت‌کنندگان وام‌های ارزی نیز هرگز نمی‌گویند و قصد ندارند

نرسی قربان تشریح کرد

نفت و گاز ایران: از ماندن در زیر زمین تا ثروتمند کردن ایرانیان



ایران دارای بزرگترین ذخایر هیدروکربور جهان است و باید با بررسی شرایط روز از این ثروت خدا داد استفاده بهینه کند و کشور را به جایگاه واقعی خود در معادلات انرژی جهان برساند. در ۴۰ سال گذشته اولویت‌های وزارت نفت و تحلیلگران همه بر دور زدن تحریم‌ها بوده و کمتر به نفت و گاز بر مولفه منافع ملی در دراز مدت پرداخته اند.

عدم توجه به این بررسی می‌تواند نسل‌های آینده را از یک امتیاز و برتری اقتصادی محروم و سیاست انرژی کشور را به دلیل چالش‌های روزبرپایه نا درست جلو ببرد.

در دنیای پیش رو بطور کلی شاهد جایگزینی تقاضا برای هیدروکربن به الکتریسیته خواهیم بود. دو سناریو در دهه آینده: الف- تسریع در روند جایگزینی سوخت‌های فسیلی، ب- ادامه روند جایگزینی سوخت‌های فسیلی با انرژی‌های تجدید پذیر ولی به تدریج قابل رویت است. در این رابطه روند جایگزینی نفت در هر دو سناریو نسبت به گاز به مراتب شدیدتر است.

تحولات دهه گذشته و آتی

سرعت تحولات آتی انرژی بستگی دارد به ۱- کاهش هزینه‌های تولید انرژی‌های

تجدید پذیر

- ۲- افزایش کارایی خودروهای الکتریکی
- ۳- توسعه تکنولوژی باتری‌ها و سیستم روشنایی بهینه
- ۴- تحولات سیاسی و اقتصادی در چین (موتور تقاضا برای نفت و گاز) و آمریکا (موتور عرضه نفت و گاز در دهه گذشته)

تقاضا برای نفت

در یک سال گذشته بیماری کرونا تاثیر زیادی در اقتصاد، سیاست و روابط اجتماعی جهان داشته و بیشترین ضربه را به تقاضا برای انرژی و به‌ویژه نفت زده است. تقاضا برای نفت که در سال ۲۰۱۹ به حدود ۱۰۰ میلیون بشکه در روز رسیده بود در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۰ به ۸۵ میلیون بشکه در روز رسید. تقاضا برای نفت در دهه آینده بین ۱۰۰ تا ۱۰۵ میلیون بشکه در روز پیش بینی می‌شود. تقاضا برای نفت هم در اواخر دهه ۲۰۲۰ و یا اوایل دهه ۲۰۳۰ برآورد شده است.

تولید و مصرف نفت

بیشترین افزایش تولید نفت در دهه گذشته در آمریکا و از لایه شیل بوده است.

تولید نفت آمریکا از ۶,۸ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۸ به ۱۵,۳ میلیون بشکه در روز افزایش یافته است. اگر متوسط قیمت نفت حدود ۵۰ تا ۶۰ دلار برای هر بشکه باشد تولید از لایه شیل در آمریکا ادامه و افزایش خواهد داشت ولی به تدریج در دهه آینده کاهش می‌یابد. سهم اوپک از کل تولید نفت جهان در چند سال آینده کمتر خواهد شد ولی در آینده چون این کشورها هزینه تولید کمتری را دارند سهمشان بیشتر خواهد شد و سهم غیر اوپکی‌ها کم می‌شود. در آینده بیشتر کاهش تولید نفت از غیر اوپکی‌ها که هزینه تولید بیشتری دارند خواهد بود.

تقاضا برای گاز

گاز به دلیل امتیازات محیط زیستی در آینده به مقدار بیشتری در صنعت و تولید برق مصرف خواهد داشت. افزایش تولید و مصرف گاز بیشتر به علت کاهش مصرف زغال سنگ و نفت در رابطه با مسائل محیط زیستی است. تقاضا برای گاز تا چند دهه آینده ادامه خواهد داشت و در این رابطه ایران با ذخایر عظیم گاز از امتیاز ویژه‌ای برخوردار است.

■ دو اولویت اصلی ایران در شرایط موجود

۱- جذب سرمایه برای توسعه و بهره‌برداری بهینه از حوزه‌های قدیمی نفت که چون در زمان نسبتاً کوتاه‌تر به نتیجه می‌رسد مورد نظر شرکت‌های بین‌المللی انرژی است.

۲- توسعه صنعت گاز ایران که بیشترین ذخایر گازی پس از روسیه را دارد. تقاضا برای گاز تا چند دهه دیگر وجود خواهد داشت. از گاز می‌توان برای خوراک صنعت پتروشیمی، تزریق به چاه‌های نفت، تبدیل گاز به، راوردهای نفتی و صادرات به صورت گاز مایع یا خطوط انتقال گاز استفاده کرد.

■ دورنمای آینده

اقداماتی که می‌تواند ایران را در آینده به یکی از مهم‌ترین عرصه کنندگان انرژی در جهان تبدیل کند و اقتصاد ایران را از رکود تومی فعلی نجات دهد

۱- حل مسائل سیاسی به نحوی که همه تحریم‌های موجود خاتمه یابد و تعامل اقتصادی با جهان شکل گیرد.

۲- تقویت بخش خصوصی و اجازه دادن سرمایه‌گذاری در همه بخش‌های انرژی کشور با همکاری شرکت‌های بین‌المللی انرژی

۳- تدوین یک فرمول جامع برای قیمت‌دراز مدت گاز طبیعی که سرمایه‌گذاری در صنایع گاز بر را جذاب نماید.

۴- ایجاد سازمان رگولاتوری مستقل برای انرژی در کشور

۵- حذف سوبسیدهای انرژی به صورت فعلی

ارائه شده در موسسه عالی آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی و مدیریت

برای نفت ایران باشد و ۴ میلیون بشکه در روز تولید کنیم حدود ۴۰ میلیارد بشکه می‌شود و هنوز ۷۰ درصد ذخایر نفت ما زیر زمین می‌ماند. اگر می‌توانستیم ۸ میلیون بشکه در روز تولید کنیم هنوز پس از ۳۰ سال حدود ۵۰ درصد ذخایر زیر زمین می‌ماند ولی با نفت ۴۰ دلاری در ۳۰ سال حدود ۱۵۰۰ میلیارد دلار برای سرمایه‌گذاری نسل‌های آتی ایجاد می‌شد.

■ مقایسه آمریکا و ایران

آمریکا با ۴ درصد ذخایر نفت جهان ۱۷,۹ تولید نفت جهان را دارد. ایران با ۹ درصد ذخایر نفت جهان (۲,۲۵ ذخایر آمریکا) ۳,۷ تولید جهان را دارد (حدود یک پنجم آمریکا). آمریکا با ۶,۵ درصد ذخایر گاز جهان ۲۳ درصد تولید گاز جهان را دارد ایران با ۱۶ درصد ذخایر گاز جهان (۲,۵ برابر ذخایر آمریکا) ۵,۶ تولید جهان را دارد (حدود یک چهارم آمریکا).

■ امتیازات ایران

اگر مشکلات موجود بر طرف شود

۱- وجود نیروی کار جوان و تحصیل کرده در غرب آسیا که تخصص‌های لازم را برای مشارکت در توسعه کشورشان را دارند.

۲- وجود بخش خصوصی که به تدریج کارآمد شده است و می‌تواند روند تولید و توسعه اقتصادی کشور را تسریع کند.

۳- منابع طبیعی بسیار غنی و موقعیت جغرافیایی ممتاز برای تعامل با همسایگان و جهان.

■ تقاضا و تولید الکتریسیته

تقاضا برای الکتریسیته در آینده افزایش چشمگیری خواهد داشت این افزایش حدود ۲ درصد در سال پیش بینی می‌شود. سهم انرژی‌های تجدید پذیر در تولید الکتریسیته در سال ۲۰۱۹ از ۳,۳/۹ درصد به ۱۰,۴ درصد افزایش یافته و پیش بینی می‌شود سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و گاز در تولید الکتریسیته هر سال افزایش داشته باشد.

■ سرمایه‌گذاری در نفت و گاز

سرمایه‌گذاری در نفت و گاز در سال ۲۰۲۰ حدود ۲۰ درصد نسبت به سال ۲۰۱۹ کاهش داشته است.

طبق برآوردهای سازمان بین‌المللی انرژی سرمایه‌گذاری در بالا دستی نفت و گاز (اکتشاف و تولید) که در سال ۲۰۱۹ حدود ۴۸۰ میلیارد دلار بوده در سال ۲۰۲۰ به ۳۲۰ میلیارد دلار کاهش داشته است. سرمایه‌گذاری در لایه شیل در آمریکا نیز حدود ۵۰ درصد کاهش داشته است.

این روند در سال ۲۰۲۱ نیز با شرایط بیماری کرونا احتمالاً ادامه خواهد داشت ولی اگر مشکل بیماری کرونا حل و اقتصاد جهان به روند توسعه برگردد ممکن است با شوک کمبود نفت مواجه شود.

■ تحولات جهانی انرژی و ایران

نفت را زیر زمین برای نسل‌های بعدی بگذاریم یا قبل از گذشت از دوران نفت از آن استفاده کنیم؟ حتی اگر تا ۳۰ سال دیگر تقاضا



تازه‌ترین تحلیل طبیبیان از مساله هدایت نقدینگی به سوی تولید

دلایل آشفته‌گی ساختار اقتصاد ایران

■ پول و رابطه آن با فعالیت اقتصادی

پول به شکل مدرن آن به تدریج و در راستای پاسخ به نیازهای اولیه متأثر از شرایط اقتصادی ایجاد شد. بدون اینکه بخواهیم در تاریخ دور به کنکاش بپردازیم می‌توانیم اصل مطلب را از قرن نوزدهم و آن هم بطور عمده از نیمه دوم قرن نوزدهم شروع کنیم. بنگاه‌ها در هر زمان مجموعه‌ای هستند از حساب‌های بدهکار و بستانکار.

در بسیاری موارد آنچه در دفاتر یک شرکت به صورت بدهکار ثبت شده، همان رقم مانند بسیاری از حساب‌های دریافتنی یا پرداختنی در دفاتر یک شرکت دیگر به عنوان بستانکار ثبت شده است. بسیاری از معامله‌های بین شرکت‌ها براساس حساب‌های متقابل یا حساب‌های زنجیره‌ای قابل تسویه هستند. اما یک شرکت ممکن است مطالبات و تسویه کند. مثلاً بنگاه الف به بنگاه ب مواد اولیه فروخته و در نتیجه بنگاه ب به بنگاه الف بدهکار است. بنگاه ب نیز به بنگاه ج محصول فروخته و در نتیجه بنگاه ج به بنگاه ب بدهکار است. بنگاه ج بدهی خود به ب را با بدهی ب به الف و از طریق فروش ماشین‌آلات به بنگاه الف تسویه می‌کند. اگر این مقادیر برابر باشند این اقتصاد مفروض مانند یک اقتصاد تهاتری عمل می‌کند. اما اگر اقلام برابر نباشند مقدار مطالبه‌ای که در مجموع حساب‌ها و در یک زمان موجود است باید تسویه شود یعنی اگر طلب الف از ب صد ریال و طلب ب از ج ۸۰ ریال بود و ارزش ماشین‌آلات فروخته شده توسط ج به الف نیز ۸۰ ریال باشد، معادل ۲۰ ریال مطالبه از جانب الف در مقابل ب باقی می‌ماند. در اینجا بنگاه ب به بانک مراجعه می‌کند و در برابر درآمد آتی خود، ۲۰ ریال اعتبار دریافت کرده و طلب الف را تسویه می‌کند. بنابراین مشاهده می‌کنیم که در مواردی دادوستد بین بنگاه‌ها یا بنگاه‌ها و مصرف‌کنندگان از نظر زمانی تنظیم و قابل تسویه نیست و در این حالت وجود یک نهاد اعتباری ضرورت می‌یابد. این شیوه در واقع شیوه رایج و آشنای فعالیت اقتصادی در کشورهایی بود که نهادهای مالی همراه با نهادهای تولیدی و تجاری بعد از انقلاب صنعتی شکل گرفتند. در درجه اول بنگاه‌ها با اوراق تعهد (promissory note) و یا bill of exchange با هم معامله می‌کردند و این مهم وسیله‌ای بود برای تسویه حساب‌های معاملات که بعضاً این امکان نیز وجود داشت که اسناد برای



اول مرغ آمد یا اول تخم‌مرغ؟ بسیاری از افراد در مورد ضرورت «هدایت نقدینگی به سمت تولید» صحبت می‌کنند و این را علاج بسیاری دردهای اقتصاد می‌دانند و از این بابت که پول به سوی دلالی و واسطه‌گری و سکه و دلار می‌رود آزرده‌خاطر هستند. برایشان این ابهام مطرح است که چرا افراد صاحب مسئولیت جریان نقدینگی را به آن طرف بر نمی‌گردانند تا همه گرفتاری‌ها معکوس شود و «مصیبت به فرصت تبدیل شود». اینکه چنین معجزه‌ای اتفاق نمی‌افتد هم حتماً دلیلی دارد و آن دلیل هم قاعدتاً توجیه ساده‌انگارانه‌ای مثل توطئه و مانند آن باید باشد. برای پاسخ به ابهام هدایت نقدینگی به سمت تولید و معضل آن ابتدا ضروری است به نقش پول و مکانیسم خلق آن توجه کنیم، آنگاه چگونگی حرکت آن را دریابیم. درک این مطلب به پرسش ما پاسخ می‌دهد.

مثل چراغ راهنمای اقتصاد هستند و علامت‌دهی قیمت‌هاست که فعالان اقتصادی را راهنمایی و هدایت می‌کند. (چنانکه نشانه‌های راهنمایی ترافیک یک شهر را تنظیم می‌کنند). بنابراین آشفته‌گی قیمت‌ها باعث آشفته‌گی در چگونگی تحرک عوامل اقتصادی کشور می‌شود.

گرچه در ایران از گذشته‌های دور دولت‌ها در اکثر قیمت‌ها دخالت کرده و ایجاد آشفته‌گی کرده‌اند، اما به‌هم‌ریختگی ناشی از دخالت و سرکوب نرخ بهره در رده خاص خود قرار می‌گیرد.

در ایران از گذشته تا امروز نهادی مانند شورای پول و اعتبار نرخ بهره را به صورت اداری تعیین می‌کرده است. به این ترتیب این نرخ هرگز متناسب با شرایط اقتصادی نبوده و به همین دلیل هم معمولاً پایین‌تر از نرخ تورم تعیین می‌شده است.

در عین حال سازوکارهایی همچون تنزیل مجدد و بازار اوراق مطالبات هم در راستای شکل‌گیری نرخ بهره اقتصادی وجود نداشته است. علاوه بر این شورای پول و اعتبار سهمیه‌بندی اعتبارات بانک بین بخش‌ها را هم به صورت اداری انجام می‌داده و در نتیجه بدون توجه به واقعیت‌های اقتصادی سهمیه اعتبار برای بخش‌هایی مثل کشاورزی، صنعت، مسکن و خدمات تعیین می‌شده است. در نتیجه سهمیه اعتباری بخش کشاورزی (که معمولاً با نرخ‌های ترجیحی تعیین می‌شد)، منجر به اعطای اعتباراتی به نام کشاورزی می‌شد اما نهایتاً در ساخت‌وساز یا خرید املاک سرمایه‌گذاری می‌شد. شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی همواره نرخ‌های بهره را بدون توجه به واقعیت‌های ابتدایی اقتصاد از جمله ارتباط پولی بخش‌های مختلف با یکدیگر تعیین می‌کردند که نه تنها توجیه اقتصادی ندارد، بلکه فقط وجه اداری آن مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو مشاهده می‌شود که این شیوه سوءتخصیص منابع ده‌ها سال است ادامه داشته و به شکل‌گیری یک ساختار اقتصاد کج و معوج با درجه فزاینده‌ای از ناهنجاری‌ها کمک کرده است.

در خصوص اینکه منبای این سهمیه‌ها چیست و توجیه آن کدام است اطلاعاتی در دست نیست. تنها نکته‌ای که معلوم است این است که دستورالعمل‌ها به جز ایجاد ناهنجاری، زمینه‌سازی شیوه‌های فسادآمیز و سوءتخصیص منابع نتیجه‌ای نداشته، با این وجود هرگز هم به صورت اصولی مورد بررسی و تجدیدنظر قرار نگرفته است.

۲- پول ایران در غالب زمان‌ها بیش‌ارزش‌گذاری شده است؛ اینکه ساختار اقتصاد کشور کج و معوج و بطور مداوم در حال فرو ریختن است از عوامل دیگری هم ناشی می‌شود. یکی از آنها قیمت‌گذاری دستوری دولتی است. بیش از یک قرن نسبت قیمت‌ها کشور را آشفته و علامت‌دهی اقتصادی را

فعالیت بانک‌های تجاری امکان سیاست‌گذاری پولی و نظارت بر فعالیت بانک‌ها و ابعاد خلق پول فراهم آید. اگرچه بانک انگلستان طبق قانونی در سال ۱۶۹۴ برای تامین مالی دولت در جنگ با فرانسه ایجاد شد اما از سال ۱۸۳۳ به چاپ اسکناس و انجام وظیفه بانک مرکزی پرداخت و عملاً اولین بانکی بود که رسماً وظیفه کنترل بسط پول بانکی را بر عهده گرفت؛ کاری که امروزه یکی از وظایف اصلی بانک‌های مرکزی است.

اما پاسخ به پرسش اولیه در مورد مرغ و تخم‌مرغ لااقل در بحث سیاست پولی باید بگوییم که ابتدا مرغ باید موجود باشد تا تخم‌مرغ فراهم شود یعنی یک نظام اقتصادی کارکردی و استواری باید وجود داشته باشد و روابط بنگاه‌ها در دادوستد هماهنگ باشد تا سیستم بانکی هم به عنوان بخش ارگانیک این سیستم، دست به خدمت‌رسانی زده و کسب سود کند. مشخص است که در یک چنین سیستمی که افزایش نقدینگی متناسب با فعالیت اقتصادی بنگاه‌ها تنظیم می‌شود تورم در شرایط متعارف (به جز موارد جنگ‌ها و موارد مشابه) ناچیز و قابل هدف‌گذاری و نرخ بهره نیز متناسب با کمیت‌های اقتصادی از جمله نرخ رشد و نرخ رجحان زمانی تعیین می‌شود. برخلاف تصور رایج در ایران که بعضی افراد ادعا می‌کنند نرخ بهره در اروپا مثلاً ۳ درصد است و بانک مرکزی این سه درصد را تعیین می‌کند، مکانیسم تعیین نرخ بهره اینچنین نیست. نرخ بهره را کارکرد نظام اقتصادی تعیین می‌کند، بانک مرکزی با سیاست‌گذاری و تنظیم جریان پول و اعتبار نرخ بهره اصلی برای بانک‌های عمده را براساس نرخ بهره طبیعی محقق می‌سازد.

سایر بانک‌ها براساس ریسک مشتریان و فعالیت‌ها و هزینه‌های مربوط نرخ‌های خود را تعیین می‌کنند. این پارامتر وجه دیگر گره خوردن فعالیت بانکی با کارکرد نظام اقتصادی است که نشان می‌دهد فعالیت اعتباری باید با نرخ بهره طبیعی و ساختار ریسک در نظام اقتصادی همگون باشد.

■ مشکل اقتصاد دارای ساختار کج و معوج

به دلایل تاریخی که بعضاً به آن اشاره خواهد شد اقتصاد ایران از یک ساختار و شاکله ناهمساز برخوردار شده است. برخی از عوامل تعیین‌کننده و شکل‌دهنده این شاکله عبارتند از:

۱- عدم درک نقش اقتصادی نرخ بهره. نرخ بهره مهم‌ترین قیمت از مجموعه قیمت‌ها در یک نظام اقتصادی است و در حقیقت گذشته، حال و آینده یک نظام اقتصادی را به هم پیوند می‌زند.

عدم درک این رویکرد و دخالت در تعیین و سرکوب نرخ بهره آثار ناهنجار با وسعت و عمق شگرفی به همراه داشته است. می‌دانیم که قیمت‌ها

نقد شدن در موعد مقرر در اختیار بانک قرار گیرند. در کشور ما هم اسنادی مانند برات از دیرباز رایج بوده اما با توجه به اندازه اقتصاد و عقب‌ماندگی این شیوه‌ها در ابعادی که در کشورهای تازه‌صنعتی شده رواج داشت نهادینه نشدند. در انگلستان طی قانونی در سال ۱۸۸۲ این نوع اسناد، اعتبار قانونی یافت و تبدیل به ابزار پرداخت بسیار رایجی شد. در ایران قانون تجارت که مواردی در مورد برات نیز در آن ذکر شده در خرداد ۱۲۹۰ شمسی، یعنی حدوداً ۲۹ سال بعد تصویب شد.

بنابراین در انجام معامله از اسناد خاصی استفاده می‌شده که نیاز به بانک را به موارد خاص تقلیل می‌داده است؛ برای مثال زمانی که یک شرکت ورای گردش متعارف کار خود نیاز به افزایش خرید مواد اولیه و ماشین‌آلات و پرداخت به نیروی انسانی داشته مطابق برنامه تولید، تامین وثیقه یا تعهد، از بانک اعتبار دریافت می‌کرده است.

چنان که دانسته است انجام سرمایه‌گذاری‌ها بر اساس طرح‌های مشخص از طریق بانک‌های سرمایه‌گذاری و تامین مالی پشتیبانی می‌شده است. منظور این است که بانک اصولاً در یک چارچوب اقتصاد کارکردی که نهاد‌های آن در ارتباط با یکدیگر به فعالیت مشغول باشد معنی‌دار بوده و با اقتصاد پیوند داشته است.

■ خلق پول

زمانی که مسکوکات طلا و نقره پول رایج محسوب می‌شدند، کمپایی این مسکوکات مانع بزرگی بر راه توسعه و تولید بود. به همین دلیل نیز طی تاریخ ابزارهایی ایجاد شد تا نظام تولید و تجارت از این محدودیت‌هایی یابند (به برخی از اسناد قبلاً اشاره شد و بانک‌ها هم بر همین روال ایجاد شدند). ابتدا با دریافت مسکوک طلا و نقره به صدور رسیدهای قابل مبادله پرداخته و صد درصد مسکوکات نگهداری می‌شد. اما به تدریج با درک اینکه در اختیار داشتن کسری از این پشتوانه کفایت لازم را دارد، اقدام به ایجاد حساب دیداری و بسط اعتبار کردند. به این نحو شیوه fractional reserve banking ایجاد شد یعنی بانک‌ها آموختند چند برابر ذخایر خود که از نوع طلا و نقره بود اقدام به ایجاد حساب دیداری و بسط اعتبار یا خلق پول کنند که تاکنون ادامه داشته است. این شیوه خلق پول نیز علی‌الاصول در پیوند نزدیک با فعالیت اقتصادی انجام می‌شده و این امکان را داشته که حجم پول از طریق بانک متناسب با شرایط اقتصادی منقبض و منبسط شود.

به تدریج و پس از چند بار شکست و مشکلات ناشی از آن، بانکداری مرکزی نیز به این حیطه پیوست تا در کنار فعالیت‌های تولیدی و تجاری و

مخدوش کرده است. در نتیجه ساختاری متناسب با آن نیز در اقتصاد شکل گرفته است. عامل مهم و تاثیرگذار دیگر نرخ ارز است. از زمان تاسیس بانک شاهی در زمان ناصرالدین شاه این واقعیت که پول ایران فرارزش گذاری می شده به عنوان یک عامل مانع فعالیت اقتصادی نام برده شده است.

دخاله در نرخ ارز و عدم وجود بازار کارکردی برای آن و تلاش دولت های مختلف برای پایین نگه داشتن نرخ های مبادله ارزهای خارجی، یعنی بیش ارزش گذاری پول داخلی که سبب شده بخش های تولیدی داخلی امکان رقابت با تولیدات خارجی مشابه را نداشته باشند (یعنی واردات به صرفه باشد و صادرات صرف نکند). تلاش برای حمایت های دیگر مانند اعمال تعرفه گمرکی و کمک مستقیم و جایزه صادراتی و... هم جز ناکارآمدی و فساد نتیجه ای به بار نیاورده است. عامل دیگر در ایجاد این شاکله ناهنجار اقتصاد، نگرش دولت های مختلف به استفاده از ابزار خلق پول و سیستم بانکی بوده است. یک وجه این نگرش خلق پول برای هزینه های دولت و وجه دیگر برای خلق پول از طریق سیستم بانکی به تصور کمک به تولید و فعالیت اقتصادی بوده است. تجربه نشان می دهد که هر دوی این رویکردها زاینبار و پراسیب بوده اند.

■ مکانیسم خلق پول

نقدینگی همراه فعالیت اقتصادی ایجاد می شود و نرخ بهره نیز علی الصول در چارچوب کارکرد اقتصاد مثل یک قیمت تعیین می گردد.

هنگامی که نرخ بهره اصلی بر اساس واقعیات اقتصاد تعیین شد، نرخ های بهره مختلف نیز بر اساس انعکاس ریسک های متفاوت تعیین می شود و چنانکه مشتریان ویژگی های متفاوتی از نظر ریسک پذیری دارند، این نرخ ها نیز متفاوت تعیین می شوند. در این چارچوب نه تنها نیازی به هدایت نقدینگی نیست، بلکه اصولا هدایت نقدینگی بی معنی است، چراکه در یک نظام اقتصادی کارکردی نقدینگی و تولید مثل دو همزاد دست در دست هم حرکت می کنند.

نقدینگی بدون ارتباط با فعالیت اقتصادی، بی معنی است و این نقدینگی نیز درست همانجایی تولید می شود که تولید ایجاد می شود.

با مقایسه ارقام و اعداد مربوط به شاخص های اصلی به سادگی می توان دریافت که روابط پولی و رابطه بانک مرکزی و نظام بانک های تجاری که بخش عمده خلق نقدینگی را انجام می دهند مشابه ساز و کاری است که در تمام سیستم های بانکی کارکرد دارد. این ساز و کار بر اساس قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱ تنظیم شده که یکی از بهترین قوانین تخصصی کشور است.

■ چرا برخی بنگاه ها دچار کمبود نقدینگی می شوند؟

آدام اسمیت در قرن هجدهم این پرسش را مطرح و برای آن جوابی ارائه کرده است. بنگاه در دو حالت دچار کمبود نقدینگی است. نخست اینکه کالا یا خدمتی تولید می کند که خریدار ندارد. دوم سابقه اعتباری بدی دارد و هیچ بانکی حاضر به پرداخت وام به او نیست. علاوه بر دلایل نام برده موارد دیگری هم در ایران برای کمبود نقدینگی بنگاه ها قابل ذکر هستند:

۱- یکی از دلایل کمبود نقدینگی غارت بنگاه است.

در کشور ما یک بنگاه در زمان افتتاح بهترین حالت خود را دارد، اما از آن روز به بعد در تنزل قرار می گیرد (سرنوشت بسیاری از صنایع و بانک ها و سایر شرکت ها را به عنوان دلیل مرور کنید).

دلیل این تنزل این است که این واحدها توسط صاحبان، کارکنان و حکومت غارت می شوند.

۲- تخصیص بوروکراتیک اعتبار. در کشور ما بنگاه ها برای دسترسی به اعتبار طبق قوانین مختلف از جمله قانون بانکداری بدون ربه، باید فراگرد پیچیده غیرمستقیم، زمانبر، سرشار از کاغذ بازی، پرهزینه و در مواردی ناسالم را طی کنند. در مواردی که قبلا اشاره شد در یک نظام اقتصادی کارکردی فراگرد تامین اعتبار همراه و در پیوند با فراگرد تولید است.

۳- سرکوب مالی، سرمایه گذاری رانتهی و تصحیح برنامه سرمایه گذاری از طریق سرمایه برداری.

سرکوب مالی به معنی تعیین نرخ بهره پایین تر از نرخ تورم برای مدت زمانی طولانی است. این مکانیزم از ابتدای ایجاد سیستم بانکی در کشور ما وجود داشته و تاکنون نیز ادامه دارد. نتیجه ابتدایی این امر نیز وجود رانت در اخذ وام است.

بنابراین بسیاری از سرمایه گذاران به انگیزه استفاده از این رانت ها و معمولا برای اجرای پروژه هایی که دستگاه های دولتی مانند وزارت صنعت فهرست کرده اند وام می گرفته اند. یعنی روش معمول چنین نیست که سرمایه گذار زمینه فعالیت را تشخیص دهد و با قبول ریسک آن به بانک مراجعه کند و بانک نیز پس از بررسی لازم و اخذ وثیقه یا سایر تعهدات به او وام بدهد و سرمایه گذار نیز پس از فعالیت اقتصادی مولد وام را از محل درآمد و گردش نقدینگی خود باز پس بدهد. در عمل عکس آنچه

گفته شد اتفاق می افتاده است. بر اساس فهرست اداری وزارتخانه، یک طرح مثل تولید موکت، تولید لوله، تولید ماکارونی و... انتخاب می شده است. چنانچه طبق مصوبات وزارتخانه سهمیه ارزی، وام و زمین تخصیص داده می شد، دریافت کنندگان این سهمیه ها رقم های بزرگ رانتهی دریافت می کردند.

به این ترتیب سرمایه گذار به سرعت شروع به سرمایه برداری می کند و با تمهیدهای مختلف وجوه

نقدی را از رشته فعالیت بیرون می کشد. سپس مجددا در ردیف متقاضیان سرمایه در گردش و منابع نقدی جدید قرار می گیرد و فرآیندهای یاد شده را با منابع تازه دریافت شده انجام می دهد.

اگر در نظام سازمان یافته ای تنها راه کسب ثروت کارآفرینی، تقبل ریسک، نوآوری و تولید باشد، اکثر فعالان اقتصادی به این راه می روند. اما اگر راه کسب ثروت رانت جویی باشد، به سمت جمع آوری رانت می شتابند. این افراد پس از ایجاد واحد اقتصادی به سرعت اقدام به سرمایه برداری و انتقال رانت ها از شخصیت حقوقی به خودشان به عنوان یک شخصیت حقیقی می کنند.

البته چنانکه قبلا اشاره شد تنها صاحب شرکت نیست که منابع شرکت را بیرون می کشد، بلکه سایر ذی نفعان از جمله کارکنان (از طریق دریافت حقوق و مزایا)، حکومت (از طریق دستگاه مالیات، مالیات علی الراس و...) و سایر دستگاه ها (از طریق استخدام های

تحمیلی و فساد و رشوه خواهی های مختلف) دست به چپس کاری می زنند. این فراگرد نیز در ذات خود نیاز دایمی برای تزریق منابع دارد و این سازوکار نه تنها

به منظور تولید کالا و خدمات تنظیم نشده، بلکه تله رانت و تقسیم آن است. اینجاست که اول تخم مرغ می آید و بعد باید یک سیستم بانکی موجود باشد که بتواند آن را به مرغ تبدیل کند. برای همین است که این فراگرد پیوسته ناموفق بوده است.

■ موجودی نقدینگی ایجاد شده در سطح کلان چه ظرفیتی دارد؟

جابه جایی و به حرکت در آمدن نقدینگی به دلیل عوامل ذیل رخ می دهد:

- تغییر درآمد دائمی مردم

- تغییر انتظارات تورمی و تغییر در بازده نسبی دارایی ها

- تغییر در احساس عدم اطمینان نسبت به آینده هرگاه این عوامل در جهت منفی متحول شوند (مثلا مردم به این نتیجه برسند که درآمد دایمی آنان کاهش یافته یا انتظار افزایش سطح قیمت ها را داشته باشند یا افق دید آینده را تاریک ببینند) این امر سبب تلاش مردم برای جابه جایی نقدینگی با سایر دارایی ها

شده و تورمزا خواهد بود. این تحرک نقدینگی، قیمت دارایی های دیگر را افزایش می دهد اما این جابه جایی در بلندمدت اثری بر بخش واقعی، یعنی تولید و درآمد حقیقی ندارد. بنابراین دیده ایم که تصور ایجاد پول به نیت ترغیب فعالیت اقتصادی مانند طرح های زودبازده یا ایجاد صنایع جدید که در گذشته به دفعات تکرار شده نتیجه پایداری جز تورم نداشته است. بنابراین ابتدا باید سازمان تولید تدارک و کار کردهای آن تسهیل شود، آنگاه همپای آن یک سیستم اعتباری ایجاد شود تا تولید حقیقی را از طریق خلق اعتبار در مقابل ایجاد بدهی تامین مالی کند.

واکاوی بودجه ۱۴۰۰ زیر ذره‌بین توانایی‌ها سقف توانایی‌های ایران

برای ایرانیان و برای دولت ایران محدود شده است و باز هم بیشترین سقف را در درآمدها به نفت داده‌ایم. توانایی ایران همین است که در بودجه می‌بینیم. نفت بفروشیم. اگر در خارج نخریدند، در داخل بفروشیم. در داخل به کی بفروشیم؟ در تهر این فرآیند باز هم به بانک‌ها خواهیم رسید و بانک‌ها نیز به بانک مرکزی وصل خواهند شد.

■ سقف ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی سهام

محمدباقر نوبخت و وزیر اقتصاد در یک سال تازه سپری شده و پیش از آن هر جا کم آورده‌اند گفته‌اند دولت هفت هزار هزار میلیارد تومان دارایی دارد. حالا که در آستانه یکی از بدترین سال‌های مالی کشور هستیم سقف فروش سهام را با ارقام اعلام شده از دارایی‌های دولت مقایسه کنید انگار که در برابر کوه است. این چه چیزی را نشان می‌دهد؟ این عدد اندک و ناچیز در برابر دارایی‌های قابل فروش نشان می‌دهد سقف توانایی مردم ایران برای خرید دارایی تا چه اندازه کم است. آیا اگر روزگار گونه دیگری بود و سقف توانایی‌ها و آزادی‌های سیاسی گونه‌ای بود که می‌شد از ایرانیان خارج از کشور نیز خواست در خرید سهام شرکت‌های ایرانی حضور جدی داشته باشند باز هم همین مبلغ ناچیز باید لحاظ می‌شد و نمی‌شد از ارقام را بالاتر برد.

■ سقف کارشناسی بخش خصوصی

در روزهای تازه سپری‌شده و پس از اعلام ارقام لایحه بودجه و نیز سیاست‌های پنهان‌شده در ارقام این لایحه چشم‌ها به بخش خصوصی دوخته شده تا درباره ارقام و اقلام و سیاست‌ها اعلام نظر کلی و تخصصی داشته باشند. تا امروز که چیزی از سوی ده‌ها تشکل بزرگ و کوچک و اتاق‌های بازرگانی دیده نشده است. به نظر نمی‌رسد در آینده نزدیک یا دور دیدگاه‌های موثر بر روند بودجه از سوی بخش خصوصی بیرون آید.

■ اوج برون‌نگری

توانایی‌های ایران در بستر دنیا در ارقام و اعداد لایحه نیز نشان می‌دهد ایران توانایی‌های کمی در این باره دارد. ایران دوستان قابل‌اعتنایی از نظر اینکه بتواند منابعی را به شکل سرمایه‌گذاری خارجی جذب کند ندارد. منابع لحاظ شده برای فاینانس و سایر روش‌های تامین سرمایه از خارج نیز ناچیز است و نسبت به کشوری با ویژگی‌های ایران رقم‌های پایینی است. سقف توانایی‌های ایران در تعامل با خارج نیز نشان می‌دهد ایران توانایی‌هایش تحلیل رفته و از شمار دوستانش در جهان کاسته شده است.



تردید همه اوج چیزی است که اجازه داده شده است به کار گرفته شود.

■ اوج سیاستگذاری

این روزها بسیار می‌شنویم بودجه، درآمدهای خیالی دارد؛ بودجه درآمدهایش تکیه بر باد دارند، درآمدهای بودجه توهمی است و تورم‌ساز است... آیا اگر کسان دیگری بودند می‌شد به لحاظ دانش سیاستگذاری اقتصادی برای بازارها و نیز برای سیاست‌های ارزی، مالی و پولی کار دیگری کرد؟ واقعیت این است که نیروی کارشناسی موجود در سازمان بودجه‌ریزی با توانایی‌ها و ناتوانی‌های اقتصادی ایران از نظر اطلاعات و آمار آشنایی کافی دارند اما همه این اطلاعات و آمار در سیاستگذاری‌های محدود مالی و تا اندازه‌ای پولی دیده می‌شود. این در حالی است که سیاست‌های تجاری و سیاست‌های بازار کالا و بازار پول در این سند جایگاه شایسته ندارند و با همان دیدگاه‌های پیشین تدوین شده‌اند.

■ سقف نفتی

بیش از نیم قرن است ایران می‌خواهد بودجه سالانه را از دست نفت رها سازد و بودجه‌ای بنویسد که بخش درآمدی آن از منابع درآمد نفت ارتقا نکند اما در همه این نیم قرن شاهد شکست هر ساله هستیم. درحالی‌که نفت از اقتصاد ایران رفته است و بعید است دیگر بتوانیم شاهد صادرات نفت در اندازه ۲,۳ میلیون بشکه در روز باشیم. این روزها می‌بینیم که امارات و عربستان، روسیه با عربستان، عراق با بقیه کشورها بر سر سهمیه خود از صادرات سال ۲۰۲۱ جنگ بزرگی راه انداخته‌اند. آیا ایران می‌تواند در این هنگامه نبرد بشکه‌ها جایی برای خود بیابد؟ با این همه می‌خوانیم و می‌شنویم مردان مستاصل سازمان برنامه و بودجه با هم به نفت دل بسته‌اند و چاره‌ای ندارند. شمار محل‌های درآمد

این روزها رسانه‌های منتقد دولت و نیز تا اندازه‌ای رسانه‌های بی‌طرف و هوادار دولت خبرها، تفسیرها و گزارش‌های پرشماری را از ارقام و راهبردهای لایحه بودجه به نقل از کارشناسان و سیاست‌ورزان و نیز فعالان اقتصادی منتشر می‌کنند. دقت در این نوشته‌ها و گفته‌ها نشان می‌دهد سیاست با اقتصاد در بوجه پیوندی استوار دارند و هرگز نمی‌توان این دو مقوله را از هم در بودجه جدا کرد. آرون ویلدا و سکی نویسنده نامدار درباره بودجه در کتاب مشهورش الگوی از فرآیندهای بودجه‌ای را نشان می‌دهد که روش سیاسی را در هر کشور استوار می‌سازد. او از چهار کشور نام می‌برد و می‌نویسد در آمریکا در بودجه سالانه توازن بین اقتصاد و سیاست برقرار است، در فرانسه اقتصاد نیرومندتر از سیاست است، در ژاپن نیز اقتصاد نیرومندتر از سیاست است و سرانجام در بریتانیا سیاست از اقتصاد قوی‌تر است. البته در ایران مطالعه‌ای براساس آنچه از سوی این نویسندگان در این چهار کشور بازگویی شده انجام نشده اما می‌توان گفت برآیند کار این است که در ایران سیاست از اقتصاد نیرومندتر است و این را می‌توان در لایحه بودجه دولت و سپس دگرگونی‌هایی که از سوی مجلس انجام می‌شود دید.

■ سقف توانایی‌های کارشناسی

با یادآوری آنچه در بالا نگاشته شد می‌توان با قاطعیت گفت اوج و سقف توانایی ایران در سیاست و نیز در اقتصاد همین است که می‌بینیم. اگر در ایران روش‌های مبارزاتی و سازمان مبارزه برای کسب قدرت و توزیع قدرت سیاسی از مسیر احزاب شکل می‌گرفت شاید به جای مردان و زنان مستقر در سازمان برنامه و بودجه مردان و زنانی با اندیشه‌های سیاسی و دانش تخصصی تری بودند و بودجه‌های نوشته می‌شد تا این چیزی که هست نبود. واقعیت این است که با وجود تلاش شبانه‌روزی و سختکوشی‌هایی که در سازمان برنامه شاهد آن هستیم اما دانش بودجه‌ریزی چیز دیگری است که به دلایل گوناگون در این نهاد در حال حاضر دیده نمی‌شود. مدیران ارشد و مدیران میانی سازمان برنامه و بودجه همه بضاعت علمی است که نظام سیاسی ایران اجازه می‌دهد در این نهاد حاضر باشند. این کادرهای موجود و نیز سازمان‌ها و نهادهایی که از بیرون با این کادر همکاری داشته‌اند و دارند بدون

تغییر نکنیم تغییر مان می دهند

دولت و مجلس نیز به هر دو سوی مجادله حق می دهند و سردرگمی ادامه دارد.

■ باتلاق نهادهای دامی

رشد شتابان قیمت گوشت قرمز، لبنیات و گوشت مرغ و نیز تخم مرغ شهروندان را به ستوه آورده است. وقتی از وزیر اقتصاد می پرسند چرا تورم شتابان داریم می گوید هزینه های تولید افزایش یافته است. بیشترین هزینه تولید شیر و گوشت و مرغ به کنجاله، سویا، ذرت و جو بستگی دارد که باید تا ۹۰ درصد وارد شود. حالا بانک مرکزی و دولت دیگر منابع ارزی برای واردات این کالاها به دلار ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی ندارند و قیمت ها افزایش می یابد. در اینجا نیز باتلاق رانت و فساد درست شده و گفته می شود کارخانه ها و دامداران و مرغداران سویا، ذرت و کنجاله وارداتی با دلار ترجیحی را به هر ترتیب می گیرند و در بازار آزاد می فروشند.

■ ارتباط های پولی و بانکی

اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام در ایران باور دارند که عضویت ایران در نهادی به نام افای تی اف به دلیل اینکه مدیران

رقابت در هر امری یک پدیده ناب و مفید است و جامعه انسانی را در هر زمینه ای پیش می راند. رقابت سیاسی بطور مثال در همین ایران و در هفته های تازه سپری شده میان ریاست مجلس با ریاست دولت و مدیران دولت با اعضای مجلس قانونگذاری برای شهروندان ایرانی خیر و برکت کوتاه مدتی داشت.

به این معنی که این دو نهاد برای رقابت بر سر اینکه کدام یک بیشتر به فکر تهیدستان است کمک هایی به گروه های کم درآمد خواهند کرد. البته شاید در میان مدت این مساله به نفع ایرانیان نباشد اما به هر حال رقابت سیاسی این مزیت را داشت که منابعی در اختیار تهیدستان قرار گیرد. رقابت سیاسی همچنین این مزیت را دارد که برای مدیران ارشد سیاسی و رهبران احزاب و گروه های سیاسی روشن کرد اقتصاد ایران آنقدر وضعیت بدخیمی دارد که باید دست کم به ۶۰ میلیون از شهروندان پول نقد فوری برسد. از سوی دیگر رقابت برای کسب قدرت نهفته در نهاد ریاست جمهوری از سوی طیف های گوناگون اصولگرا و در غیاب احتمالی کاندیدهایی شاخص از اصلاح طلبان موجب شده است رسانه های این طیف ها هر روز بر بخشی از نقاط تاریک اقتصاد موجود نور بیفشانند و نشان دهند اقتصاد در بدترین وضعیت است. علاوه بر این طیف هایی که در بالا از آنها یاد شد، مدیران دولت نیز با اعتراف به وجود شاخص های منفی در اقتصاد دلیل آن را مهلت پیدا نکردن ایران برای استفاده از مزیت های اقتصادی برجام و نیز برگشت رژیم تحریم های تشدید شده معرفی کردند.

این رقابت سیاسی حالا بر ملاکننده روزگار سخت اقتصاد ایران و به ویژه بخش واقعی اقتصاد است. ضعف های ساختاری و رخداد های جاری به لحاظ سیاست گذاری و نیز رشدهای منفی دیگر بطور کامل برای همه آشکار شده و انکارناشدنی است. به برخی از نارسایی ها بطور خلاصه اشاره می شود.

■ دعوی بالادستی و پایین دستی

تولیدات فرآورده های پتروشیمی ایران و نیز فولاد و مس در حال حاضر امیدهای ایران برای درآمد ارزی هستند. اما صادرات به صخره تولیدکنندگان داخلی برخورده است که می گویند چرا باید درحالی که تولیدکنندگان پایین دست به این کالاها نیاز دارند صادرات صورت پذیرد. از طرف دیگر واحدهای تولیدکننده پتروشیمی و فلزات اساسی نیز می گویند شماری از متقاضیان داخلی تنها برای استفاده از تفاوت قیمت دستوری و آزاد تقاضا دارند و آنها بخشی یا همه سهمیه را به قیمت آزاد می فروشند.

و ارقام دقیقی از تامین کسری بودجه از هر محل داده نمی‌شود اما با استناد به راهبرد دولت در بودجه پیشنهادی سال ۱۴۰۰ که درآمدی بسیار بالا برای پیش‌فروش نفت در داخل در آن گنجانده شده است نشان می‌دهد حالا باز هم بودجه به نفت وابسته است اما این بار به شکل ریالی و لایه‌باز هم بانک‌ها باید این نفت‌ها را خریداری کنند و پول کم بیاورند و از بانک مرکزی قرض کنند و... .

■ پوست‌اندازی اقتصاد

آنچه در بالا به خلاصه‌ترین شکل نگاهشته آمد گوشه‌ای از ده‌ها گره کوری است که بر دست و پای اقتصاد ایران زده شده و اقتصاد را از راه رفتن بازداشته است. اقتصاد ایران دیگر نمی‌تواند این وضعیت را ادامه دهد و تعادل‌های نیم‌بند برپا شده دهه‌های اخیر از دست رفته‌اند. می‌توان به رونق و رکود در میان مدت خوش‌بین بود یا به کاهش دو هزار تومانی دلار در یک هفته یا باز شدن راه تهاتر ارزی و تسریع در تخلیه کالاهای دپوشده در بندرها، اما آیا اینها دردی را درمان می‌کنند؟ واقعیت این است که چنین نیست. اقتصاد ایران باید پوست بیندازد و چیز دیگری شود.

در غیر این صورت با تغییر این رئیس دولت و آمدن یک رئیس تازه برای دولت و تغییر رئیس مجلس با رئیس قبلی و نیز جابه‌جا کردن مدیران کار درست نمی‌شود. اقتصاد ایران باید پوست بیندازد و البته این کار آسانی نیست. باید امیدوار باشیم برآیند مدیران اصلی کشور به این نتیجه برسند که پوست‌اندازی اقتصاد ایران با اراده و خواست حاکمیت اتفاق بیفتد و تازه همین هم کلی دردسر دارد.

اگر مدیران اداره‌کننده کشور به این نتیجه برسند که اقتصاد مشکل ندارد و همه چیز سر جای خودش است باید به روزهایی بیندیشیم که پوست‌کنده شدن اقتصاد و به دنبال آن جامعه را ببینیم.

اقتصاد شوخی‌بردار نیست و نمی‌توان تا مدت‌های زیادی آن را بدون پوست‌اندازی واقعی اداره کرد. وقتی درد و زخم یک جسم بر بدن وارد می‌شود بیشترین و زودترین بخش بدن که درد می‌کشد پوست است و اگر کسی در این مرحله زخم را درمان نکند درد به گوشت و سپس به استخوان می‌رسد که در آن وقت از شدت درد بی‌جان می‌شود. مدیران اداره‌کننده کشور تا همین جای کار شاید اگر با چشم‌هایی باز و گوش‌هایی تیز به زخم شهروندان نگاه کنند می‌بینند که پوست‌شان دارد کنده می‌شود.

هر حزب، جمعیت و گروه سیاسی و نیز ذی‌نفعان و گروه‌های مرجع فکری اگر این را نمی‌بینند باید گفت در دنیای دیگری زندگی می‌کنند. باید منتظر باشند پوست شهروندان بر اثر زخم‌کننده شود و درد و عفونت به داخل بدن سرایت کند.

آن از سوی کشورهای متخاصم با ایران تعیین می‌شوند یا با آنها تعامل نزدیک دارند موجب می‌شود که اطلاعات ایران به کشورهای متخاصم داده شود و در دسرساز باشد. از سوی دیگر فعالان اقتصادی بارها و بارها گفته و می‌گویند عدم عضویت ایران در اف‌تی‌اف دادوستد و جابه‌جا کردن منابع را سخت کرده و هزینه فعالیت اقتصادی را افزایش می‌دهد.

■ دلار و سهام

مجادله بر سر اینکه باید دلار را در سطحی نگه داشت که شهروندان منابع خود را از بازار سهام به بازار دلار نبرند و نیز باید قیمت سهام آنقدر بالا باشد که شرکت‌های بورسی که ارزش سهام آنها به قیمت دلار بستگی دارد جاذبه داشته باشند و نیز انتقاد از قیمت بالای دلار چون راه تورم دیگر کالاها را باز می‌کند میان اعضای ارشد دولت و نیز منتقدان به گوش می‌رسد.

■ شاخص‌های نگران‌کننده

موتور رشد اقتصادی در ایران و هر کشور دیگر سرمایه‌گذاری واقعی برای تولید و تجارت است. این شاخص در ایران شوربختانه نزدیک به ۱۰ سال است رشد منفی دارد و موتور رشد اقتصادی را خوابانده است. رشد اقتصادی منفی و رشد تورم بالا، ابعاد فقر را گسترش داده است. توزیع بسیار نابرابر درآمدها نیز بر اندازه نابرابری‌ها اضافه کرده و جوانان ایرانی را در بهت و خشم فرو برده است.

■ داخلی کردن وابستگی بودجه به نفت

در حالیکه دولت و مجلس بر سر اینکه کسری بودجه از کدام محل‌ها تامین شده و می‌شود مجادله دارند و آمار

این بار اقتصاد مچ سیاست را می خواباند



بدون تردید در مچ اندازی سیاست و اقتصاد در آستانه سال ۱۴۰۰ و در شرایط بسیار پیچیده ایران، این بار اقتصاد برنده خواهد شد. واقعیت‌های زندگی ایران نشان می‌دهد سیاستمداران ایرانی و رهبران احزاب و جمعیت‌های سیاسی در نبرد با هم به اقتصاد پناه برده‌اند و برای جلب آرای شهروندان هر کدام از زاویه و نگاه خود وعده می‌دهند که باید مردم را از بدبختی نجات داد. حالا به نظر می‌رسد سیاستمداران ایران به مرور فهمیده‌اند یا خواهند فهمید که اقتصاد با هیچ قدرتی یا هیچ اندیشه برتری جویانه‌ای شوخی ندارد و بی‌اعتنایی به اقتصاد و متغیرهای آن سرانجام تلخ و نفرت‌انگیزی خواهد داشت که تر و خشک را با هم می‌سوزاند و خاکستر می‌کند.

■ سرنوشت‌های تلخ

تجربه همین چند دهه تازه‌سپری شده و سرشت و سرنوشت برخی از کشورها در همین روزها نشان می‌دهد سیاستمدارانی که با اقتصاد عناد ورزند و بخواهند برای همیشه متغیرهای اقتصادی را اسیر تمایلات و هوس‌های خود کنند سرنوشت‌های غم‌انگیز برای مردم به بار می‌آورند. وقتی سیاستمداران به اقتصاد بی‌اعتنا باشند در بلندمدت فشار آن بر دوش شهروندان می‌افتد و

شهروندان یا همانند مردم کره شمالی مثل برده‌ها زندگی می‌کنند و به مشتی برنج و کمی نان قناعت می‌کنند یا همانند شهروندان ونزوئلا جانشان را کف دست گرفته و در خیابان با رهبران می‌جنگند، یا از شهر و کشورشان به هر کشور دیگری پناه می‌برند. اقتصاد را می‌توان حتی چند دهه به اسارت کشید اما قانون‌های سفت و سخت اقتصاد هرگز تعطیل نمی‌شوند و فقط می‌توان آنها را کوچک و کوچک‌تر و مردم را بدبخت و مستاصل کرد. یادمان باشد حزب کمونیست شوروی بزرگترین قدرت مالی و سازمانی که جامعه بشری تاسیس کرده بود نتوانست بر اقتصاد غلبه کند و پس از ۷۰ سال پرچم تسلیم را بالا برد و رهبران حزب را تسلیم واقعیت‌ها کرد. شمار کشورهایی که نتوانند برای همیشه بر اقتصاد حکومت کنند اندک و اندک شده‌اند و حالا در کوبا می‌بینیم که مردمش در آرزوی فرار از کشورند.

■ ۶۰ میلیون نیازمند

خدا را باید شاکر بود که رقابت برای کسب قدرت به دست آمده و گسترش آن و صیانت از قدرت میان احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران موجب افشاگری شده است. در حالیکه طیف‌های سیاسی تندروتر وابسته به جبهه اصولگرایان در برابر خارجی‌ها از پیشرفت‌های ایران می‌گویند اما در مصاف با رقیب خود اعتراف می‌کنند ۶۰ میلیون ایرانی نیازمند کمک‌های ماهانه سرانه ۶۰ تا ۱۲۰ هزار تومان شده‌اند. نبرد بر سر اینکه

مجلس باید کاری برای تهیدستان انجام دهد به جایی رسیده است که معلوم می‌شود دیگر پولی در بساط نیست و برای مهیا کردن ۳۰ هزار میلیارد تومان (کمی بیشتر از یک میلیارد دلار با احتساب هر دلار ۲۵ هزار تومان) باید دارایی‌های تاریخی را فروخت یا بر میزان تعرفه‌های واردات اضافه کرد که خود تورم‌ساز است. حالا دیگر معلوم شده است برای اینکه شهروندان ایرانی را حتی برای دو هفته با پول دولت در خانه نگه داشت و هزینه زندگی آنها را داد پولی در بساط نیست و سیاستمداران رضایت داده‌اند که تهیدستان به محل کار خود بروند و روزانه ۵۰۰ نفر جان خود را از دست بدهند. اصرار بر دادن یارانه ۴۵ هزار تومانی به هر نفر که با آن حتی نیم کیلو گوشت نیز نمی‌توان خرید نشان می‌دهد تولید ثروت و درآمد آنقدر که برخی تصور می‌کردند کار ساده‌ای نیست. سیاستمداران منصف‌تر هر دو جناح سیاسی حالا به آرامی زبان باز کرده و از تغییر شرایط می‌گویند.

■ برخی واقعیت‌ها

تازه‌ترین گزارش ارائه‌شده از سوی سازمان برنامه‌بودجه با عنوان «بررسی تطبیقی موقعیت ایران در شاخص‌های بین‌المللی توسعه: مبتنی بر داده‌های نهادهای جهان» نشان می‌دهد ایران در شاخص رشد تولید ناخالص داخلی از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۸ در سال‌های متعددی رشد منفی را تجربه کرده است. به‌طوری که

و لپه و ماست و گوجه‌فرنگی با شتاب زیاد به سمت بالا می‌رود و ایران نمی‌تواند تولیدش را به همین میزان افزایش دهد. ارزش صادرات نفت خام به حداقل رسیده و دولت برای تامین کسری بودجه بدترین روش‌ها را اختیار و شهروندان را تهدید کرده است.

■ سیاست جواب نمی‌دهد

واقعیت را باید قبول کرد و پذیرفت که شهروندان ایرانی دیگر به احزاب و جمعیت‌های سیاسی و وعده‌های آنها اعتماد ندارند و تا روزی که وضعیت دخل و خرجشان چنین است که هست سطح اعتماد روند کاهنده پیدا خواهد کرد. به جایی رسیده‌ایم که ارکان حکومت باید وضعیت مادی شهروندان را از شرایط فعلی دور کرده و به سطح قابل قبولی برساند. مردم دیگر برایشان تفاوت نمی‌کند که دلیل بدبختی آنها آمریکاست یا بی‌تدبیری دولت و برایشان تفاوت نمی‌کند که در سال ۱۴۰۰ چه کسی از کدام جریان سیاسی رئیس‌جمهور خواهد شد. مردم می‌خواهند از فقر و تهیدستی دور شوند. آیا می‌توان در داخل آنقدر منابع پیدا کرد که وضعیت مردم را به سمت بهبود پیش برد. آیا باید تن به گفت‌وگو و مصالحه با دنیا داد تا از بدتر شدن شرایط دور شویم تفاوت نمی‌کند و در هر حالت باید قبول کنیم که تمایلات سیاسی و خواسته‌هایمان را باید دست‌کم تا بهتر شدن وضعیت تعدیل کنیم. بدتر شدن وضعیت اقتصادی قدرت چانه‌زنی سیاسی در برابر همسایه‌ها و منطقه را از ایران می‌گیرد و آرزوهای ما بر باد می‌رود. دیگر راهی برای سیاست نمانده که بیش از این اقتصاد را گروگان بگیرد.

بوده است. شاخص نرخ بیکاری در ایران نشان می‌دهد در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۸ همواره به جز دو سال ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ با نرخ بیکاری دورقمی مواجه بودیم. این در حالی است که در این سال‌ها نرخ بیکاری در جهان هرگز از ۵/۸ درصد تجاوز نکرده است. متغیرهای بالا در مجموع به این نتیجه منجر شده که درآمد سرانه در ایران با نوسان‌های شدید مواجه شده و با وجود اینکه ایران به ثروت و درآمد رویایی نفت دست داشته از متوسط جهان چندان بالاتر نبوده است. شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که از ۱۹۷۰ به این طرف به نوعی رقابت نفس‌گیر میان کشورها منجر شده است نیز برای ایران حال و روز خوبی را نشان نمی‌دهد. درحالی‌که کشورهای جهان از ۱۹۷۰ شروع به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کرده‌اند ایران از سال ۲۰۰۰ اقدام به این کار کرده است. ارقام ارائه شده نشان می‌دهد از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۸ ایران در سال ۲۰۱۲ رکورد ورود سرمایه مستقیم خارجی را با ۴/۶ میلیارد دلار شکسته است. درحالی‌که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان از سال ۲۰۰۴ به بعد همواره چهاررقمی بوده است.

■ حالا در بن‌بست هستیم

بیان این نکته که اقتصاد ایران اکنون به نوعی در بن‌بست قرار گرفته، تلخ و ناراحت‌کننده است اما محاصره اقتصادی ایران در سه سال اخیر موجب شده است ارزش پول ملی کشور به شدت سقوط و غرور و عزت ایرانیان را مخدوش کند و نیز نرخ تورم به بالاترین ارقام برسد. ایران در دهه گذشته با یکی از بدترین دهه‌های تاریخ معاصر به لحاظ میانگین رشد تولید ناخالص داخلی و رشد سرمایه‌گذاری مواجه شده است. در همین روزها می‌خوانیم و می‌شنویم که قیمت گوشت مرغ، گوشت قرمز، تخم‌مرغ، لوبیا، عدس، پنیر

در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ به ترتیب رشد منفی ۱۰/۵ درصد، ۲۷/۵ درصد و ۵/۱۷ درصد را داشته‌ایم. پس از دو سال رشد مثبت در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ بار دیگر در سال ۱۹۸۴ با رشد منفی ۸/۷ درصد روبرو شده‌ایم. در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۸ نیز اقتصاد ایران رشد منفی ۱۰/۲ درصد و ۵/۴ درصد را تجربه کرده است. پس از آن بار دیگر در سال ۱۹۹۴ رشد منفی ۱/۵ درصد را داشته‌ایم.

پس از رشدهای آهسته در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱ بار دیگر در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ رشدهای منفی ۷/۵ درصد و ۰/۲ درصد را تجربه کرده‌ایم و اکنون نیز از ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ رشد منفی داشته‌ایم. این در حالی است که در ترکیه از ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۸ فقط پنج سال رشد تولید ناخالص منفی داشته‌اند. در همه سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۸ رشد اقتصاد جهان همیشه مثبت بوده است. رشد میانگین ۲/۳ درصدی ایران در این دوره با لحاظ کردن رشد جمعیت نشان می‌دهد ایرانیان در سال ۲۰۲۰ از سال ۱۹۷۹ ثروتمندتر شده‌اند.

همین آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد از ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۸ به جز سال ۱۹۹۰ که تورم به ۷/۶ درصد رسیده است و به جز سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ که نرخ تورم به ترتیب ۸/۶ درصد و ۹/۹ درصد بوده در بقیه سال‌ها نرخ تورم ایران دورقمی بوده و در سال‌هایی حتی تا ۵۰ درصد (۱۹۹۵ معادل ۱۳۷۴) افزایش را تجربه کرده‌ایم. با توجه به اینکه تورم شتابان و دورقمی و نرخ رشد پایین در این سال‌ها با هم رخ داده، موجب شده است ایران در شاخص درآمد سرانه وضعیت نامناسبی را تجربه کند. مقایسه نرخ تورم ایران با عربستان و با متوسط نرخ تورم جهان نشان می‌دهد ایران یکی از ۱۰ کشور با بیشترین نرخ تورم



ایران عضو هیچ اتحادیه اقتصادی مهمی نیست



از جمله ضروریاتی است که دولتمردان باید به آن توجه کنند اما متأسفانه به دلایلی از جمله بی‌توجهی به فراهم کردن زیرساخت‌های لازم برای عضویت در سازمان‌هایی مثل سازمان تجارت جهانی و همچنین تلاش برای حفظ انحصار برخی صنایع، چنین اتفاقی نمی‌افتد.

مهرداد بازرگان تاکید کرد: نباید از ترس ضربه خوردن به برخی صنایع یا ترس از واردات کالا، از تلاش جدی برای پیوستن به پیمان‌های منطقه‌ای و سازمان‌های بین‌المللی تجارت جلوگیری کنیم چراکه در این صورت از قافله تجارت جهانی عقب می‌مانیم و مدام باید خسارت دهیم. بنابراین دولت باید شرایط لازم برای افزایش ارتباطات بین‌المللی را فراهم کند و صنایعی که با انحصار فعالیت می‌کنند نیز باید برای نجات خود برنامه‌ریزی کنند.

بازرگان با اشاره به کاهش صادرات غیرنفتی در سال جاری اظهار کرد: درحالی‌که با توجه به افزایش بی‌رویه نرخ ارز باید وضعیت صادرات بهبود پیدا کند اما با کاهش ارزش صادرات به دلیل تحریم‌ها و همچنین بی‌توجهی به افزایش ارتباطات تجاری با بسیاری از کشورها روبرو هستیم.

به گفته وی، ارتباطات صنعتی و تجاری از الزامات توسعه کشورها به حساب می‌آید اما متأسفانه در حال حاضر شاهد این هستیم که ایران نتوانسته در سازمان‌های تجاری و منطقه‌ای عضو شود یا حضور موثری داشته باشد. به عنوان مثال یکی از تجربه‌های ایران در همکاری‌های منطقه، عضویت در سازمان آکو است که بیشتر کشورهای همسایه و کشورهای اسلامی در این سازمان عضو هستند اما واقعیت این است که ارتباطات صنعتی و تجاری در این سازمان در سطح مطلوبی قرار ندارد. این در حالی است که بطور کلی ایران در هیچ‌کدام از پیمان‌های مشترک موثر جهانی عضویت ندارد.

هنگامی که آتش جنگ جهانی دوم فروکش کرد و برندگان و بازندگان جنگ به حساب و کتاب نشستند و دنبال این بودند بفهمند چرا جنگ شد به این نتیجه رسیدند که یکی از دلایل جنگ، سخت‌گیری‌های تجارت میان کشورها بوده است. رشد تکنولوژی به رشد تولید انبوه منجر شده بود و بازارهای داخلی جواب رشد شتابان را نمی‌داد. کشورهای پیشرفته‌تر با این اندیشه که اگر فقط صادر کنند، برنده‌اند، با وضع سنگین تعرفه واردات راه ورود کالای رقیب خود را مسدود می‌کردند یا با دامپینگ و ارزان‌فروشی می‌خواستند بازارهای رقیب را از چنگش بیرون بیاورند. این وضعیت به لجبازی سیاسی رسید و از آنجا بود که نهال جنگ کاشته شد.

پس از پایان جنگ کشورهای برنده و بازنده در نخستین نشست‌های خود برای ترسیم جهان آینده به تشکیل موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت فکر کردند و ۳۵۳ کشور جهان آن را امضا کردند.

از قضای روزگار ایران هم یکی از کشورهایی بود که در ۱۹۴۵ این پیمان را امضا کرد. اما حالا که ۷۵ سال از آن سال می‌گذرد و با وجودی که ۲۰۰ کشور در جهان عضو سازمان تجارت جهانی مشهور به «دبلیوتی‌او» شده‌اند ایران هنوز عضویت این سازمان را قبول نکرده و در سال ۱۹۸۴ پس از رفت و آمدهای پرشمار عضو ناظر شده است.

■ تلاش برای حفظ انحصار

در همین خصوص عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران با انتقاد از عدم ایجاد زیرساخت‌های لازم برای پیوستن ایران به پیمان‌های منطقه‌ای و تجاری بین‌المللی به «جهان‌صنعت» گفت: افزایش ارتباطات تجاری و عضویت در پیمان‌های منطقه‌ای

این هدف را به درستی دنبال کند و با استفاده از دیپلماسی اقتصادی و سیاسی، برای افزایش صادرات بسترسازی شود. به عبارت دیگر در صورتی که صادرات متولی داشته باشد، پیوستن به پیمان‌های منطقه‌ای و تجاری نیز بطور حتم پیگیری خواهد شد درحالیکه در شرایط فعلی همین بدون متولی بودن صادرات خود یکی از دلایل مهم بی‌توجهی به فراهم کردن توسعه زیرساخت‌های صادراتی است. وی با بیان اینکه در این خصوص تا امروز در حال پاک کردن صورت مساله بودیم، افزود: حتی اکنون نیز نباید از بازارهای جهانی غافل شویم بلکه باید سهم خود را در این بازارها افزایش دهیم. در این راستا باید روابط سیاسی خود را نیز با کشورها تقویت کنیم زیرا اگر روابط سیاسی خوب نباشد، نمی‌توان انتظار داشت کشورها بازار خود را در اختیار کالاهای ایرانی قرار دهند.

شرایط نابرابر

به گفته این فعال بخش خصوصی، شرایط صادرکنندگان ایرانی با هم‌تایان خارجی خود بسیار متفاوت است. این در حالی است که مشکلاتی مانند کمبود بودجه به عنوان بهانه‌ای برای معطل ماندن مشوق‌های صادراتی و... عنوان می‌شود درحالیکه به عقیده بنده، اراده دولت در این مساله بیشتر دخیل است تا میزان بودجه. در واقع در صورتی که به صادرکنندگان و بخش خصوصی توجه شود، می‌توان برای دستیابی به بازارهای جدید صادراتی دست به کار شد.

صالحی اظهار کرد: در شرایط فعلی بازارهای صادراتی ایران محدود است و ما باید نگاه خود را به بازارهای متفاوتی جز کشورهای همسایه متمرکز کنیم چرا که حتی افغانستان هم عضو سازمان تجارت جهانی شده و شرایط جدیدی را می‌تواند برای تجارت خود با کشورهای دیگر ایجاد کند.

وی با تاکید بر گسترش تعداد بازارهای صادراتی بیان کرد: اگر این کار انجام نشود، کل بازار صادراتی ایران با اندک تنشی در بازارهای منطقه و کشورهای همسایه، از دست خواهد رفت.

ایران درون‌گرا

اقتصاد ایران در دوران مدرن و از دهه ۱۳۴۰ به بعد که وضعیت صادرات نفت درآمد مناسبی برای کشور فراهم کرد با دوری از سیاست توسعه صادرات و پذیرش سیاست جایگزینی واردات، به سوی درون‌گرایی اقتصادی رانده شد. درآمد نفت به اندازه‌ای بود که ایران احساس کسب درآمد ارزی از مسیر صادرات کالاهای غیر از نفت نمی‌کرد. ایران تصور می‌کند آنقدر ثروتمند است که نیاز به کشور دیگری ندارد و می‌تواند تا ابد تنها و گوشه‌گیر باشد. واقعیت این است که این اندیشه‌ای ناصواب بود و برای آینده این سرزمین تهدید و تحدید به بار آورد و روزه‌های نفس کشیدن برای ایرانیان را تنگ و تاریک کرد. درحالیکه در تاریخ معاصر کشورهای دیگر با شتابی باورنکردنی به سوی بهره‌برداری همگانی از همه دنیا پیش می‌رفتند و از مسیر دادوستد کالا و سرمایه اقتصاد خود را با دنیا گسترش می‌دادند و اقتصادشان رونق می‌یافت اما ایران درون‌گرایی را در دستور کار داشت. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد ایران یکی از منزوی‌ترین اقتصادها را در دنیا دارد و برخلاف سایر کشورها که با برنامه‌ریزی و انعطاف در تجارت خارجی دنبال ورود به پیمان‌های جهانی، منطقه‌ای و دوجانبه هستند راه را برای خودش باریک کرده است.

کاهش هر چه بیشتر قدرت رقابت



رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان آریزان استان هرمزگان با بیان اینکه باید با فراهم کردن فضای آزاد اقتصادی و همچنین توجه به یکسری چارچوب‌ها به سرعت شرایط پیوستن به این پیمان‌ها را فراهم کرد، گفت: اگر چنین اقداماتی انجام شود، به مرور زمان می‌توان حتی فضا را برای عضویت در سازمان تجارت جهانی فراهم کرد.

وی ادامه داد: در شرایط فعلی باید نرخ ارز تثبیت شود تا صادرکنندگان و همچنین فعالان اقتصادی از وضعیت آینده مطمئن باشند و تکلیف خود را بدانند. اما متأسفانه با بلاتکلیفی و سردرگمی فعالان اقتصادی روبرو هستیم.

به گفته این فعال بخش خصوصی، این روزها وضعیت صادراتی کشور نگران‌کننده است و همانطور که همان چند سال پیش نیز پیش‌بینی می‌شد، نمی‌توانیم از لحاظ قیمت تمام‌شده و تعرفه‌ها با سایر کشورها رقابت کنیم. این در حالی است که در صورت بی‌توجهی به پیمان‌های منطقه‌ای و تجاری، قدرت رقابت ما بیش از حالا کاهش پیدا خواهد کرد و به کشوری منزوی‌تر از لحاظ تجاری تبدیل خواهیم شد.

بازارهای صادراتی از دست می‌رود



در این رابطه همچنین یکی از اعضای اتاق بازرگانی تهران با بیان اینکه ایران با سیاست‌هایی که در حال حاضر در پیش گرفته، آمادگی پیوستن به سازمان‌های تجارت جهانی و برخی پیمان‌ها را ندارد، گفت: این در حالی است که پیوستن به این سازمان‌ها و افزایش تنوع شرکای تجاری، امری اجباری است و در صورت بی‌توجهی به آن می‌توان گفت که بازارهای صادراتی محدودتر می‌شود و از دست خواهد رفت.

حمیدرضا صالحی با بیان اینکه ما هنوز در کشورمان متولی صادرات نداریم، اظهار کرد: برای افزایش صادرات باید نهادی تشکیل شود که

■ جای خالی ایران در پیمان‌های تجاری

علیرضا ساعدی پژوهشگر همکار با موسسه عالی آموزش و پژوهش برنامه‌ریزی و مدیریت که زیر نظر مسعود نیلی فعالیت می‌کند روز ۲۵ آذر در کنفرانس اقتصاد ایران در تهران درباره برون‌گرایی و تجارت خارجی و همچنین درباره استفاده کارآمد از مناطق تجاری و آزاد ایران سخن گفت و نتایج پژوهش انجام شده را بیان کرد. این پژوهش در کتاب کنفرانس اقتصاد ایران درج شده است. بر اساس یافته‌های این تحقیق برون‌گرایی بخشی از اصلاحات فراگیر در کشورهای گوناگون برای کمتر کردن اندازه فقر، دستیابی به رشد‌های بالا و استیلا یافتن بر بحران‌های اقتصادی بوده است. برون‌گرایی از سه مسیر برون‌گرایی تجاری، برون‌گرایی در تولید و برون‌گرایی مالی و سرمایه‌ای راه خود را باز می‌کند. در برون‌گرایی تجاری که رشد تجارت خارجی را به همراه دارد، نه تنها سهم واردات و صادرات در تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد بلکه ترکیب و تنوع محصولات صادراتی و وارداتی نیز دستخوش دگرگونی می‌شود. آسان‌سازی و شتاب بخشیدن به رشد تجارت منجر به عقد قراردادهای دوجانبه و چندجانبه و عضویت در بلوک‌های تجاری و سازمان تجارت جهانی می‌شود. این ترتیبات به کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای منجر می‌شود و شرایط را برای آسان شدن تجارت مهیا می‌کند. بهبود در تجارت به معنای دسترسی به بازار کشورهای دیگر با موانع مختلف است که البته رابطه‌ای دوسویه است. از زمان تاسیس سازمان تجارت جهانی که بزرگترین پیمان تجاری در دنیا به حساب می‌آید تاسیس ۴۰۰ پیمان جدید دوجانبه و چندجانبه منطقه‌ای به این سازمان گزارش شده است و شمار پیمان‌های منطقه‌ای فعال در جهان به ۴۲۳ پیمان افزایش یافته است. این پیمان‌های تجاری برای آسان و گسترده شدن تجارت میان کشورهای عضو اقدام به کاهش موانع در مسیر تجارت کرده‌اند. این آسان‌سازی راه را برای کاهش هزینه تجارت باز کرده و قراردادهای آسان‌سازی تجارت را رونق داده است. در حال حاضر ۸۰ کشور در جهان که عضو سازمان تجارت جهانی هستند این نوع قرارداد را اجرا می‌کنند. ایران تنها در پیمان گروه کشورهای هشت و سازمان همکاری‌های منطقه‌ای اکو عضویت دارد. پیمان اکو پیمانی منطقه‌ای است اما هم‌گرایی اندک میان کشورهای عضو موجب شده است در سال ۲۰۱۲ تجارت میان کشورهای عضو تنها ۹ درصد از کل تجارت کشورهای عضو اکو را تشکیل دهد و در فاصله ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ تنها سه درصد رشد را تجربه کرده است. از آنجایی که ایران عضو سازمان تجارت جهانی نشده، ورود به قراردادهای دوجانبه یا چندجانبه مشکل شده است. پس از سپری شدن دو دهه از عضویت کشورها در این سازمان همگرایی تعرفه‌ها بین کشورهای مختلف صورت می‌پذیرد و تعرفه تجاری کشورها نسبت به ایران کمتر است. این موضوع به چالش برای ایران تبدیل شده، زیرا بدون کاهش تعرفه‌ها انگیزه برای انعقاد پیمان تجاری با ایران کاهش می‌یابد.

■ انحصار چندجانبه

شورویختانه ایران در همین دهه‌های تازه‌سپری شده به دلیل تحریم‌های آمریکا به مرور سطح تجارت و نیز کیفیت تجارت خارجی کاهنده‌ای را تجربه کرده است. ایران دیگر با اروپا تجارت ندارد، سطح تجارت با هند به کمترین عدد رسیده، کره جنوبی نیز با ایران در بدترین موقعیت تجاری قرار گرفته و نیز با ژاپن دادوستدی ندارد.

■ انحصار امارات کوچک و چین بزرگ

واقعیت این است که تجارت خارجی یک خواست و اراده دلبخواه دولت‌ها و حکومت‌ها نیست و دنباله و ادامه منطقی اقتصاد ملی به حساب می‌آید و باید در شرایط کارآمدی باشد تا بتواند به اقتصاد داخلی کمک کند. یکی از شرایط این است که کشورها علاوه بر تنوع گروه‌های کالایی در صادرات به کشورهای گوناگونی نیز کالا صادر کنند تا در بزنگاه‌های تاریخی، سیاسی و

بین‌المللی با تنگناروبرو نشوند. از سوی دیگر کشورهای جهان راه واردات را گوناگون باز می‌کنند که کاروان کالاهای کشورهای گوناگون از آن راه‌ها به بازار داخلی بیایند و انحصاری شکل نگیرد. ایران اما شوربختانه فاقد تجارت خارجی باکیفیت است که شرایط بالا را داشته باشد.

■ چین خزنده

آمارهای ارائه شده از تجارت خارجی ایران نشان می‌دهد ایران در چهار ماه منتهی به پایان تیرماه امسال ۲۸،۴ درصد صادراتش را به کشور چین فرستاده است. به عبارت دیگر سهم چین از صادرات ایران بیش از ۲۵ درصد است و اگر روزی چینی‌ها در کوتاه‌مدت بخواهند به تجارت ایران آسیب وارد کنند به سادگی نزدیک به ۳۰ درصد صادرات ایران را فلج خواهند کرد. از سوی دیگر آمارها نشان می‌دهند سهم چین در واردات ایران نیز با رقم ۲۵،۷ درصد یک رقم بسیار بالا به حساب می‌آید و به نظر می‌رسد ایران یکی از وابسته‌ترین کشورها به چین از نظر تجارت خارجی به حساب می‌آید. درجه انحصار بالای چین و سایه سنگین این کشور بر تجارت خارجی ایران اتفاق خوبی از نظر سیاسی و اقتصادی نیست و می‌تواند در صورت هرگونه تغییر معنادار در چین از نظر راهبردهای سیاسی داخلی و سازش‌ها با جهان تجارت ایران را در فشار قرار دهد.

■ سهم بزرگ کشور کوچک

نظام سیاسی حاکم بر امارات عربی متحده در دهه‌های اخیر متحد درجه یک عربستان سعودی در مواجهه با ایران بوده و از این نظر یکی از کشورهای به‌شدت مخالف نظام سیاسی ایران به حساب می‌آید. اماراتی‌ها از نخستین کشورهایی بودند که در بستن راه‌های ورود ارزهای ایران به دلیل تحریم آمریکا اقدام کردند. به این ترتیب انتظار می‌رفت حجم تجارت ایران با این کشور محدود شود اما آمارهای تجارت خارجی چهار ماه نخست امسال ایران نشان می‌دهد سهم امارات از کل واردات ایران به ۲۲،۷ درصد رسیده است. این کشور کوچک حاشیه خلیج فارس در همین حال با سهمی معادل ۱۴ درصد سومین کشور مقصد صادرات ایران بوده است. یک محاسبه ساده نشان می‌دهد چین و امارات روی هم کمی کمتر از ۵۰ درصد واردات ایران و ۴۲ درصد صادرات ایران را در چهار ماه گذشته به خود اختصاص داده‌اند که از نظر تنوع بازارهای وارداتی ایران را در موقعیت دشواری قرار می‌دهد.

■ تجارت محدود

آمارهای ارائه شده از سوی نهادهای رسمی نشان می‌دهد در چهار ماه نخست امسال ارزش صادرات ایران با ۴۱ درصد و ارزش واردات نیز با کاهش ۲۴ درصدی مواجه شده است. در صورتی که تنگناهای برآمده از شیوع کرونا را عامل کاهش و کوچک شدن تجارت خارجی بدانیم و نیز توجه داشته باشیم این وضعیت به سرعت بهبود پیدا نمی‌کند باید روزهای پرکاری برای جبران صادرات و واردات کوچک شده در ماه‌های آتی در دستور کار باشد که البته یکی از اصلی‌ترین گره‌ها اصلاح نشدن سیاست‌های ارزی ایران است.

■ صلح و تجارت

تجربه نشان می‌دهد کشورهایی که آرامش و آسایش ذهنی و مادی شهروندانش به خاطر رفاه مادی مناسب در سطح بالاتری است احتمال وقوع منازعه با دیگر کشورها برایشان کمتر است. واقعیت این است که وقتی کشوری به کشور دیگر کالا صادر می‌کند یا از کشوری کالا وارد می‌کند علاقه دارد آن کشور در صلح باشد چون از تجارت منفعت می‌برد. ایران نیز باید با توسعه تجارت با همه کشورها بتواند راه صلح را هموار کند و این اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه ایران از انزوای تجاری خارج شود.



سابقه تاریخی آمریکا در استفاده از پول ملی اش به عنوان ابزار تحکم بر اقتصاد جهانی بررسی شد

راز عبور از هژمونی دلار

این گزارش می‌نویسد: در طول تاریخ بشر، مردم راه‌های مختلفی برای کسب ثروت مادی داشتند، اما از زمانی که دلار آمریکا به دلیل نداشتن پشتوانه در حکم یک تکه کاغذ درآمد، هزینه کسب پول و ثروت در جهان برای آمریکا بسیار کم و راحت‌تر شد.

طبیعی است وقتی آمریکا در چاپ اسکناس دلار هیچ محدودیتی برای خود قائل نیست، ابایی در چاپ پول ندارد و هر موقع بخواهد می‌تواند به هر میزان دلار چاپ کند. اما این محدودیت در چاپ پول برایش وجود خواهد داشت و آن این است که اگر اسکناس‌های چاپ‌شده وارد اقتصاد داخلی آمریکا شود می‌تواند تورم‌زا باشد، ولی اگر دلارها را به دنیای خارج صادر کند دیگر این مشکل برایش وجود نخواهد داشت و کشورهایی که دلار وارد چرخه اقتصادی آنها می‌شود در عمل به مهار تورم آمریکا کمک می‌کنند. به همین خاطر است که مشاهده می‌کنیم با وجود چاپ هنگفت دلار، تورم در آمریکا در سطح بالایی نیست.

آشنایی لازم نسبت به نظریه‌های تامین مالی بین‌المللی این نکته را بیان می‌دارد که آمریکا با چاپ دلار (پول ملی) و قبولاندن آن به جامعه جهانی به عنوان یک پول بین‌المللی، در راستای سیاست استقرار هژمونی قدرت اقتصادی خود در جهان استفاده می‌کند. آمریکا نشان داده هر کاری که برای تداوم حاکمیت دلار در عرصه مبادلات تجاری جهان لازم باشد، از جمله راه‌اندازی جنگ و اعمال تحریم‌های اقتصادی، انجام می‌دهد. یکی از اهرم‌های اصلی آمریکا در اعمال تحریم اقتصادی ایران به واسطه نقش مسلط دلار در بازارهای مالی دنیاست که از گذشته دور برای حفظ سلطه خود و اعمال فشار بر سایر کشورها حتی بلوک‌های اقتصادی قوی جهان مثل منطقه یورو استفاده می‌کند. بر همین اساس مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری در گزارشی مبسوط نقش دلار به عنوان ابزار سلطه آمریکا بر جهان را تبیین کرده و خواستار بهره‌گیری مقامات داخلی ایران از تجارب سایر کشورها در عبور از شرایط دشوار کنونی شده است.

یعنی یورو شدیداً آسیب دید. دلیلش این بود که با ایجاد یورو به عنوان یک واحد پولی بین‌المللی، آمریکا برای دلار احساس خطر کرد. قبل از ظهور یورو در عرصه مبادلات تجاری، دلار آمریکا حدود ۸۰ درصد مبادلات تجاری جهان را تشکیل می‌داد اما با ظهور یورو سهم دلار به ۶۰ درصد کاهش یافت.

زمانی که اتحادیه اروپا یک اقتصاد بزرگ به اندازه ۲۷ تریلیون دلار را به وجود آورد، زنگ هشدار برای آمریکا به صدا درآمد که یورو تهدیدی جدی برای دلار آمریکا است. اندازه اقتصاد اروپا از اندازه اقتصاد منطقه آزاد تجاری آمریکای شمالی (بزرگترین منطقه اقتصادی جهان با اندازه ۲۵-۲۴ تریلیون دلار) پیشی گرفت. طبیعی است که اقتصاد اتحادیه اروپا با چنین اندازه بزرگی هرگز مایل نبوده که از دلار برای مبادلات اقتصادی منطقه خود استفاده کند، بنابراین اروپایی‌ها یورو را انتخاب کردند. بعد از این بود که یک سوم از سهم دلار در انجام تسویه حساب‌های مالی و تجاری کاسته شد و امروز ۲۳ درصد تجارت جهانی با یورو انجام می‌شود.

■ ظهور چین به عنوان رقیب آمریکا

آمریکا در راهبرد خود جهت ایجاد توازن مجدد در منطقه آسیا و اقیانوسیه، اکنون در فکر چه تلاش و اقدامی است؟ ظهور چین به عنوان یک اقتصاد بزرگ جهانی باعث شده که آمریکا اکنون تهدید جدیدی را از ناحیه چین احساس کند که پایه‌های امپریالیسم دلار را هدف گرفته است. ایجاد مناقشه بر سر جزایر دیائو و هیونگایان از جمله تلاش‌های آمریکا برای ایجاد بحران در این منطقه است تا بتواند از طریق آن اقتصاد چین را متزلزل کند و آن را از رقابت با اقتصاد آمریکا بازدارد. هر چند آمریکا با ایجاد مناقشه در مرزهای چین در اطراف دو جزیره فوق‌الذکر موجب فرار چشمگیر سرمایه‌های بین‌المللی از چین نشده، ولی به هر حال آمریکا تا اندازه‌ای به اهداف خود رسید و توانست دو تلاش عمده چین را در راستای عادی‌سازی روابط خود با ژاپن و کره به شکست بکشاند.

در اوایل سال ۲۰۱۲ سه کشور چین، ژاپن و کره جنوبی در آستانه دستیابی به یک توافق پیرامون منطقه آزاد تجاری نزدیک شده بودند. در آوریل ۲۰۱۲ دو کشور چین و ژاپن به یک توافق اولیه در خصوص مبادله پولی و تسویه حساب بدهی ملی خود رسیدند، اما آمریکا با تحریک ژاپن و کره جنوبی، مناقشه بر سر جزایر دیائو و هیونگایان را زنده کرد و باعث شد که توافقنامه منطقه آزاد تجاری و مبادله ارز بین آنها به سرانجام نرسد. چند سال بعد، چین نهایتاً مذاکره در خصوص منطقه آزاد تجاری دوطرفه با کره را به پایان رساند، اما نکات قابل توجهی در این توافقنامه وجود نداشت. منطقه آزاد تجاری شمال شرق آسیا که تاسیس شد شامل کشورهایی مثل چین، ژاپن، کره جنوبی، هنگ کنگ، ماکائو و تایوان می‌شد. این منطقه آزاد تجاری به اندازه ۲۰ تریلیون دلار، سومین اقتصاد جهان محسوب می‌شد. به علاوه احتمال می‌رفت که این منطقه تا جنوب آسیا بسط پیدا کند

آمریکا با بین‌المللی کردن دلار و وارد کردن آن در گردش اقتصاد جهانی توانسته است تورم را از خود دور کند. از طرف دیگر، در چاپ اسکناس مواظب بوده که نگذارد ارزش دلار در بازار جهانی تنزل یابد بنابراین ممکن است این پرسش پیش آید که آمریکا در مواقع کمبود دلار در اقتصاد داخلی چه می‌کند؟ آمریکایی‌ها برای این پرسش راه‌حل پیدا کرده‌اند: با انتشار اوراق قرضه، دلار را از سایر کشورها وارد اقتصاد آمریکا می‌کنند. از این طریق، آمریکایی‌ها از یک طرف مبادرت به چاپ دلار می‌کنند و از طرف دیگر دلار از کشورهای دیگر استقراض می‌کنند. به این ترتیب آمریکا هم با چاپ دلار و هم با استقراض دلار، از دنیا پول به دست می‌آورد. این نحوه کسب پول و درآمد برای آمریکا در قالب مفهوم اقتصاد مالی عمل می‌کند. یعنی کسب پول از طریق پول که بسیار آسان‌تر از اقتصاد واقعی (از طریق تولید کالا و خدمات) است. به همین خاطر است که نظام حاکم بر اقتصاد آمریکا به صنایع تولیدی که دارای ارزش افزوده پایینی هستند واقعی نمی‌گذارد.

■ ظهور یورو و جنگ در منطقه اروپا



در اول ژانویه سال ۱۹۹۹، واحد پولی یورو بطور رسمی اعلام موجودیت کرد. سه ماه بعد از آن، ناتو جنگ علیه یوگسلاوی را شروع کرد. بسیاری از مردم فکر می‌کردند که آمریکا و ناتو این جنگ را به این بهانه شروع کردند که دولت میلوسویچ را از یک تراژدی هولناک انسانی، نسل‌کشی مردم آلبانی، بازدارند. دروغ آنها اما بلافاصله بعد از جنگ آشکار شد. آمریکایی‌ها اعلام کردند این برنامه‌ای بود که بطور مشترک توسط سی‌ای‌ای و رسانه‌های غربی طراحی شده بود و هدف از این فضا سازی این بود که به جمهوری یوگسلاوی حمله کنند. اما آیا جنگ کوزوو واقعاً برای این بود که به جمهوری فدرال یوگسلاوی حمله شود؟ اروپایی‌ها اولین کشورهایی بودند که اعتقاد شدیدی به این نظریه داشتند. به هر حال بعد از ۷۲ روز جنگ، اروپایی‌ها پی بردند که آمریکایی‌ها کلاه بزرگی بر سرشان گذاشته و آنها را فریب داده‌اند. جنگ کوزوو نشان داد که آمریکا یک جنگ مالی را بطور غیرمستقیم علیه اروپایی‌ها به راه انداخت. هر چند ظاهر امر نشان می‌داد که آمریکا علیه یوگسلاوی وارد جنگ شده است، ولی اروپا توان آن را پرداخت و به خاطر جنگ کوزوو، واحد پولی اروپا

■ جنگ عراق و نقش دلار به عنوان دلار نفتی



یک باور عمومی در جهان وجود دارد که قدرت آمریکا بر پایه سه ستون استوار است: دلار، فناوری و نیروی نظامی، اما امروز می‌بینیم که ستون فقرات قدرت واقعی آمریکا چیزی جز دلار و نیروی نظامی نیست. نیروی نظامی آمریکا هم به منزله ستون فقرات دلار ایفای نقش می‌کند.

هر کشوری در جهان اگر بخواهد درگیر یک جنگ شود به پول هنگفتی نیاز دارد، اما آمریکا از این قاعده مستثناست، زیرا خودش پول مورد نیاز جنگ را چاپ می‌کند که در دنیا خریدار و طرفدار دارد، از این رو هیچ کشوری مثل آمریکا از این امتیاز برخوردار نیست. اما چرا آمریکایی‌ها در عراق وارد جنگ شدند؟ خیلی از افراد ممکن است استدلال کنند که جنگ عراق به جهت این بود که به منابع نفتی عراق دسترسی پیدا کنند، آیا واقعا آمریکایی‌ها برای غارت نفت عراق با این کشور وارد جنگ شدند؟ جواب این پرسش خیر است، زیرا اگر آمریکایی‌ها برای نفت عراق جنگ را راه انداختند این سوال پیش می‌آید که چرا حتی یک بشکه از نفت عراق را به غارت نبردند و آن را مفت وارد بازار مصرف آمریکا نکردند؟ بعد از جنگ عراق، قیمت نفت خام در جهان از ۳۸ دلار در هر بشکه به ۱۴۹ دلار رسید، اما بعد از اشغال نظامی عراق، نفت ارزان نصیب مردم آمریکا نشد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آمریکا جنگ علیه عراق را شروع کرد نه به خاطر نفت بلکه به جهت حفظ ارزش دلار در بازار جهانی. دلیل این موضوع ساده است. برای کنترل جهان، آمریکا نیاز داشت که تمام کشورهای جهان از دلار در مبادلات بین‌المللی استفاده کنند. در این راستا، آمریکا یک اقدام بزرگ و تاریخی انجام داد و آن این بود که عربستان و سایر کشورهای عضو اوپک را مجبور کرد که تنها از دلار در تجارت نفت خود استفاده کنند. این اجبار امروز نیز وجود دارد. باید این نکته را به یاد داشت که جنگ آمریکا در عراق تنها برای هدف چاپ دلار انجام نشد، بلکه برای استمرار هژمونی دلار در جهان بوده است. صدام حسین از گروه القاعده یا تروریست‌ها حمایت نمی‌کرد و دارای تسلیحات کشتار جمعی هم نبود، اما چرا به‌دار آویخته شد؟ دلیلش این بود که صدام یک بازوی خطرناک را با آمریکا شروع کرد و آن این بود که می‌خواست یورو را به جای دلار در مبادلات نفت استفاده کند. بعد از معرفی یورو به عنوان یک پول

و با منطقه آزاد تجاری «آسه‌آن» یکپارچه شود و منطقه آزاد تجاری آسیای شرقی را به وجود آورد. در این صورت این منطقه می‌تواند با داشتن اندازه اقتصادی ۳۰ تریلیون دلاری به بزرگترین اقتصادهای جهان تبدیل شود.

بسیاری از افراد معتقدند که اگر قرار است منطقه آزاد تجاری به وجود آید در آن صورت باید پول کشور چین بطور موقت به عنوان پول آسیایی پذیرفته شود. اگر به سابقه کارکرد دلار هم نگاه کنیم متوجه می‌شویم که دلار ابتدا به عنوان پول رایج در آمریکای شمالی پذیرفته و سپس به پول بین‌المللی تبدیل شد. در این مسیر، پول چین هنوز راه درازی در پیش دارد که به این جایگاه برسد، اما تا آن زمان رنمینبی می‌تواند همراه با یورو به عنوان یک ابزار مبادله بین‌المللی، سهم قابل توجهی در مبادلات جهان برای خود کسب کند.

اگر این فکرها خوب به ذهن چینی‌ها می‌رسد آیا می‌توان تصور کرد که به ذهن و عقل آمریکایی‌ها نمی‌رسد که باید مواظب دلار باشند و نگذارند از نقش دلار در عرصه مبادلات جهانی کاسته شود؟ از آن زمانی که آمریکایی‌ها اعلام کردند تمرکز خود را متوجه شرق آسیا خواهند کرد، شروع به تحریک ژاپن کردند تا جزایر دیائو را از چین پس بگیرد و از فلیپین هم حمایت کردند که مساله پس‌گیری جزایر هیونگایان را با چین مطرح کند. به هر حال چین آنقدر هم ساده نیست که نفهمد چه کسانی پشت پرده این قضایا هستند. چین می‌داند که این آمریکا است که گروه راست‌افراطی در ژاپن یا آکینو رئیس‌جمهور فلیپین را به دامن زدن به این ماجراجویی‌ها در مرزهای چین تحریک می‌کند. به هر حال آمریکایی‌ها حواسشان هست که نگذارند پول چین در مقابل دلار آمریکا در عرصه مبادلات اقتصاد جهانی عرض اندام کند. اگر منطقه آزاد تجاری شمال شرق آسیا تحقق یابد و زنجیره ادغام‌های اقتصادی در آسیا اتفاق بیفتد، در آن صورت واحد پول چین، یورو اروپا و دلار آمریکا هر کدام سهم یک‌سومی از بازار تجارت جهانی را به خود اختصاص خواهند داد. آیا در این شرایط، اگر دلار تنها یک‌سوم بازار ارز دنیا را داشته باشد، آمریکا می‌تواند ادعا کند که هژمونی دلار بر اقتصاد جهان کماکان حاکم است؟ کشوری که دارای اقتصاد واقعی نباشد و از طرف دیگر هژمونی دلار را از دست داده باشد آیا دیگر می‌تواند ادعای استیلا بر جهان را داشته باشد؟ حال اگر به این نکته خوب توجه کنیم خواهیم دانست که چرا پشت هر سال‌های که برای چین پیش می‌آید دست آمریکا در آن دیده می‌شود. به همین خاطر آمریکا با هر چالش از ناحیه چین مقابله می‌کند و برای چین در هر نقطه از جهان مشکل ایجاد می‌کند. چرا آمریکا دوست دارد بین قدرت‌های منطقه آسیا-اقیانوسیه توازن برقرار کند؟ آیا واقعا این توازن را برای نفع کشور ژاپن، فلیپین و سایر کشورهای منطقه دنبال می‌کند؟ البته که جوابش خیر است. آمریکا با این کارها تنها دنبال یک هدف است: نفی روند ظهور چین به عنوان یک قدرت اقتصادی جهان.



نفت نداشت؛ بنابراین ممکن است نتیجه گرفت که جنگ افغانستان برای حفظ هژمونی دلار آمریکا نبوده است. به علاوه جنگ افغانستان بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر اتفاق افتاد. تمام دنیا فهمیدند که حمله به افغانستان به جهت انتقام گرفتن از القاعده و تنبیه طالبان بود که از القاعده حمایت می‌کرد. آیا این تحلیل درست است؟

جنگ افغانستان یک ماه بعد از حادثه سپتامبر ولی خیلی با دستپاچگی و عجله اتفاق افتاد. در اواسط این جنگ در افغانستان بود که آمریکایی‌ها از همه موشک‌های کروزر خود استفاده کردند. با ادامه جنگ، وزارت جنگ آمریکا مجبور بود که از موشک‌های اتمی خود استفاده کند؛ بنابراین ۱۰۰۰ موشک اتمی کروزر را از زرادخانه خود بیرون آورد و کلاهک‌های اتمی آنها را خارج ساخت و به جایش کلاهک‌های متعارف نصب کرد و بعد از تعویض کلاهک‌ها، ۹۰۰ کروزر به افغانستان شلیک کرد تا در جنگ افغانستان پیروز شود. روشن است که آمریکا برای جنگ در افغانستان آماده نبوده است؛ بنابراین این سوال پیش می‌آید که چرا آمریکا در راه‌اندازی جنگ افغانستان عجله نشان داد؟

دلیل عجله آمریکا این بود که دیگر نمی‌توانست بیش از این در راه‌اندازی جنگ صبر کند چون وضعیت اقتصادی آن به خصوص وضعیت مالی در شرایط خوبی قرار نداشت. در اوایل قرن بیست و یکم آمریکا به صورت کشوری درآمدی بود که اقتصاد تهمی از صنایع تولید داخلی را شاهد بود، بنابراین برای اینکه بتواند اقتصاد کشور را در وضعیت موجود حفظ کند لازم بود که سالانه جریان سرمایه به میزان ۷۰۰ میلیارد دلار را وارد اقتصاد آمریکا کند. بعد از یازده سپتامبر سرمایه‌گذاران بین‌المللی از وضعیت اقتصادی که آمریکا با آن مواجه بود بسیار نگران شدند در نتیجه به خروج سرمایه خود از آمریکا اقدام کردند و به میزان ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه از اقتصاد آمریکا خارج شد.

خروج سرمایه از آمریکا باعث شد که آمریکا سریع چاره‌ای برای آن بیندیشد، بنابراین سریع گزینه جنگ را انتخاب کرد.

بین‌المللی در سال ۱۹۹۹، صدام تصمیم گرفت محموله‌های نفتی خود را به یورو در بازار جهانی عرضه کند. این مساله شدیداً مورد خشم آمریکا قرار گرفت به خصوص وقتی که دید بسیاری دیگر از کشورها از صدام پیروی می‌کنند. پوتین رئیس‌جمهور روسیه، احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران و چاوز رئیس‌جمهور وقت ونزوئلا همین موضع را اعلام کردند. در این شرایط برای آمریکا قابل قبول نبود که ببیند نفت در بازار جهانی به دلار معامله نمی‌شود. شاید بسیاری فکر کنند حساسیتی که آمریکا نسبت به نقش دلار در جهان نشان می‌دهد یک مطلب ساختگی است. برای درک این حساسیت کافی است ببینیم که آمریکا بعد از پیروزی در جنگ عراق چه اقدامی را انجام داد. بعد از اینکه آمریکایی‌ها صدام را دستگیر کردند سریعاً درصد روی کار آوردن یک دولت موقت در عراق شدند. اولین دستوری که به این دولت موقت داده شد این بود که اعلام کند تجارت نفت عراق از یورو به دلار تغییر پیدا می‌کند؛ بنابراین معلوم می‌شود که آمریکایی‌ها در جنگ با عراق در واقع برای حفظ هژمونی دلار می‌جنگیدند.

■ جنگ افغانستان و ورود سرمایه به آمریکا



ممکن است گفته شود که آمریکا برای حفظ هژمونی دلار در اقتصاد جهان وارد جنگ عراق شد، اما افغانستان که چاه

نیست که سرمایه در کجای جهان جاخوش کرده باشد؛ تا زمانی که آمریکا نخواهد سرمایه در آن نقطه از جهان جا خوش کند، موشک‌های آن در ظرف ۲۸ دقیقه بر سرشان فرود می‌آید و سرمایه‌ها را از آنجا به جایی دیگر که او می‌خواهد، فراری می‌دهد. از این رو است که سیستم شلیک سریع موشکی آمریکا به ناچار باید جایگزین ناوهای هواپیمابر آمریکا شود.

منظور راهبردی از استقرار یک کمربند اقتصادی (جاده ابریشم) و یک راه دریایی ابریشم (قرن ۲۱) چیست؟ می‌دانیم که آمریکایی‌ها دوستدار ورزش بسکتبال و بوکس هستند. ورزش بوکس در آمریکا معرف این است که چقدر آمریکایی‌ها به ماهیت قدرت، ارزش و احترام قائل هستند. همه چیز در این بازی روشن و صریح است، یعنی هر مبارز می‌داند که می‌تواند با یک مشت سنگین رقیب را ضربه فنی کند و بازی تمام شود. در ورزش چینی‌ها حالت عکس حاکم است؛ یعنی چینی‌ها ترجیح می‌دهند بازی را کش و قوس دهند و حمله رقیب را خنثی کنند، بنابراین به نرمی وارد گود می‌شوند و نرم بازی می‌کنند تا قدرت خود را تا آخر بازی حفظ کنند. به فکر ضربه فنی کردن حریف نیستند، بلکه حمله حریف را خنثی می‌کنند که به این روش یا تاکتیک بازی اصطلاحاً «تای چی» می‌گویند؛ بنابراین هنر بازی «تای چی» یک سطح بالاتر از هنر بازی بوکس قرار دارد.

راهبرد ابریشم که در بالا به آن اشاره شده معرف این فلسفه در راهبرد دوجانبه جاده‌ای و دریایی برای توسعه مناسبات تجارت با دنیای خارج است. در طول تاریخ هرگاه یک قدرت بزرگ در جهان به وجود آمده است، متناسب با آن بشر شاهد نهضت جهانی شدن در قلمروی آن قدرت بزرگ بوده است. این به آن معناست که جهانی شدن پدیده‌ای نیست که از گذشته بطور مستمر ادامه داشته و تا امروز به ما رسیده باشد، بلکه پدیده مختص هر قدرت بزرگ است. به عنوان مثال، امپراتوری بزرگ رم باستان دارای گستره قلمروی (جهانی شدن) خاص خود بوده است.

راهبرد - «یک راه جاده‌ای و یک راه دریایی چین» این نیست که به همین سادگی کشور چین بخواهد به نظام اقتصادی جهان متصل شود، زیرا جهانی شدن در این حالت به معنای جهانی شدن تحت استیلای دلار آمریکاست. برای چین به عنوان یک ابرقدرت نوظهور، راهبرد «یک راه جاده‌ای و یک راه دریایی» ابتدای کار جهانی شدن از نوع چین است. این یک فرآیند لازم برای جهانی شدن است که یک ابرقدرت در مراحل مختلف ظهورش باید آن را طی کند. راهبرد «یک راه جاده‌ای و یک راه دریایی» بهترین راهبرد برای چین است که می‌تواند در این مقطع زمانی بر آن متمرکز شود، زیرا این راهبرد یک راهبرد مقابله‌گونه نسبت به راهبرد آمریکاست که می‌خواهد توسعه طلبی خود را به سمت شرق متمرکز سازد. راهبرد «یک راه جاده‌ای و یک راه دریایی» نیاز به این ندارد که دو مسیر حرکت به موازات یکدیگر انجام شود بلکه باید برای این دو مسیر حرکت، یک اولویت در نظر گرفته شود. گزینه راه جاده‌ای در اولویت اول چین قرار دارد؛

این جنگ را نه تنها برای تنبیه طالبان و القاعده بلکه جلب اعتماد سرمایه‌گذاران جهانی به راه انداخت. به محض اینکه اولین موشک کروز به کابل اصابت کرد، شاخص داوجونز آمریکا ۶۰۰ واحد در یک روز بالا رفت. سرمایه‌هایی که از آمریکا خارج شده بودند شروع به برگشت به آمریکا کردند. در پایان سال ۲۰۰۱ سرمایه‌های بین‌المللی به میزان ۴۰۰ میلیارد دلار وارد اقتصاد آمریکا شد؛ بنابراین راه‌اندازی جنگ در افغانستان نیز دوباره نشان می‌دهد که این جنگ برای حفظ ارزش دلار و جلب سرمایه‌های بین‌المللی به داخل اقتصاد آمریکا بوده است.

چرا سیستم شلیک سریع موشکی آمریکا جایگزین ناو هواپیمابر جنگی آمریکا خواهد شد؟ خیلی‌ها در چین چشم امید به ناو هواپیمابر ساخت چین دارند که از منافع ملی کشور دفاع کند. در گذشته چینی‌ها اهمیت داشتن ناو هواپیمابر را تجربه کرده‌اند و کشتی جنگی لیائونینگ نشان داد که چین می‌تواند در فهرست کشورهای دارای دانش ساخت ناو هواپیمابر قرار گیرد. اگر چه داشتن ناو هواپیمابر هنوز مظهر قدرت در عرصه جهانی تلقی می‌شود، اما اکنون برخورداری از این توانمندی تنها یک سمبل قدرت است، نه بیش از آن.

در عصر برخورداری از تولیدات لجستیکی، داشتن ناو هواپیمابر یک برتری نظامی تلقی می‌شود؛ بنابراین می‌بینیم زمانی که بریتانیای بزرگ در اوج قدرت قرار داشت، به سمت توسعه تجارت جهانی گام برداشت و توانست محصولات تولیدی خود را به جهان صادر و از آنجا نیز مواد اولیه را وارد کشور کند؛ برای این منظور به یک نیروی دریایی قوی نیاز داشت که بتواند در مسیر کشتیرانی تجاری، امنیت لازم را در آب‌های آزاد برقرار کند. تجهیز ناوگان هواپیمابر، مزایای دیگری برای این کشور داشت که می‌توانست بر اقیانوس‌ها کنترل اعمال کند و مسیرهای کشتیرانی را تحت نظر قرار دهد. در آن زمان شعار معروف این بود که برخورداری از امکانات لجستیکی، کلید موفقیت در مقابله با دشمن است. هر کسی که بر اقیانوس‌ها کنترل داشته باشد بر جریان انتقال ثروت در جهان کنترل خواهد داشت.

امروز داشتن سرمایه، کلید موفقیت است. با فشار دادن یک دکمه در رایانه می‌توان میلیاردها دلار یا حتی تریلیون دلار سرمایه را از یک نقطه جهان به نقطه دیگر انتقال داد. ناوهای هواپیمابر می‌توانند سرعت لجستیکی خود را حفظ کنند، اما نمی‌توانند به سرعت جریان جابه‌جایی سرمایه برسند. از این رو است که گفته می‌شود با ناو هواپیمابر نمی‌توان سرمایه جهانی را تحت کنترل درآورد. بنابراین، امروز چه چیزی می‌تواند خود را با سرعت، جهت و حجم جابه‌جایی سرمایه از طریق اینترنت تطبیق دهد؟ آمریکایی‌ها در صدد این هستند که با توسعه سیستم شلیک سریع موشکی خود بتوانند در هر لحظه که بخواهند تجمع سرمایه را در هر منطقه از جهان با موشک‌های بالستیک، هواپیماهای مافوق صوت و موشک‌های کروز (که پنج تا ۱۰ بار سریع‌تر از صوت حرکت می‌کنند)، هدف قرار دهند. آمریکا ادعا دارد که می‌تواند هر نقطه از جهان را در ۲۸ دقیقه هدف قرار دهد. مهم

■ درس‌های تجربی برای ایران در مواجهه با تحریم



همان‌طور که کشور چین در مقابله با سلطه آمریکا در عرصه‌های مختلف به تلاش و مبارزه خود ادامه می‌دهد و در این مسیر تاکنون پیروز بوده است، ایران هم می‌تواند با برخورداری از تجربیات سالیان طولانی در مقابله با دشمنی‌های آمریکا و تجربیات سایر کشورها از جمله چین از مرحله تحریم اقتصادی با صلابت عبور کند. برای برون‌رفت از شرایط سخت اقتصادی کشور باید یک برنامه‌گذار از شرایط تحریمی تهیه شود. بطور اصولی سازمان برنامه و بودجه جایگاه ویژه‌ای برای این امر خطیر خواهد داشت و می‌تواند با جلب همکاری تمامی دستگاه‌های اجرایی و نمایندگان بخش خصوصی ابتدا در تبیین شرایط فعلی اقتصاد کشور، گزارش مبسوطی از تهدیدها و فرصت‌های تحریم تهیه کرده و مردم را در جریان اقدامات خود قرار دهد تا بدین وسیله مشارکت هر چه بیشتر آحاد جامعه در اجرای برنامه‌گذار از شرایط تحریمی فراهم شده و اعتماد متقابل بین دولت و مردم بیش از پیش تقویت شود.

برگشت آرامش اقتصادی به جامعه یکی دیگر از پیش‌نیازهای استفاده موثر از امکانات موجود کشور در جهت خنثی کردن فشارهای روانی تحریم است. این آرامش زمانی در کشور ظهور، قوام و دوام پیدا می‌کند که دولت در اجرای سیاست‌ها و در چارچوب برنامه‌های مصوب، قاطع و باثبات عمل کند. عدم حضور فعالانه بخش خصوصی (در سطح خرد و کلان) در ریسک‌پذیری منابع مالی یکی دیگر از مشکلاتی است که اقتصاد کشور از آن رنج می‌برد. از گذشته دور بخش خصوصی بیشتر مترصد این بوده است که با استفاده از منابع عمومی دولت (رانت‌طلبی اقتصادی)، خطرپذیری کند. اکنون که این منابع به راحتی قابل دسترس نیست، سرمایه‌گذاران تمایل ندارند سرمایه‌های هنگفت خود را در سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت به کار گیرند، چون نسبت به آینده احساس نااطمینانی می‌کنند.

برای احیای فضای مطمئن سرمایه‌گذاری، لازم است دولت بنیه مالی کشور در شرایط تحریم در یک سطح مطمئن و پایدار در چارچوب برنامه‌گذار از تحریم را رسماً اعلان عمومی کند تا همه فعالان اقتصادی تکلیف خود را برای یک دوره مشخص بدانند و با طیب خاطر منابع سرمایه‌ای را که در اختیار دارند در فرصت‌های جدید دوره تحریم و تحت حمایت سیاست‌های رونق و جهش تولید، سرمایه‌گذاری کنند.

به علاوه دولت باید این تضمین را برای فعالان اقتصادی امروز بدهد که هر زمان موانع تحریم رفع شود، فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری یا واردات باعث تعطیلی و غیراقتصادی شدن سرمایه‌گذاری قبلی آنها نخواهد شد.

یعنی چین باید در شرایط موجود، اهمیت ارتش زمینی خود را مورد بازنگری قرار دهد.

برخی صاحب‌نظران می‌گویند که ارتش چین یکی از بهترین ارتش‌های جهان است. این حرف درستی است، ولی برای داخل کشور چین قابل مصرف است. قبلاً اشاره شد که آمریکا رقیب اشتباهی (چین) را برای خود برگزیده است و بر آن فشار می‌آورد. تهدید اصلی برای آمریکا در آینده، کشور چین نیست بلکه خود آمریکاست. زیرا آمریکا هنوز پی نبرده است که یک عصر جدید و بزرگ در حال ظهور است و سرمایه‌داری مالی که آمریکا پرچمدار آن است به نقطه اوج خود می‌رسد و سپس افول خواهد کرد. از یک طرف، آمریکا از همه امتیازات تولید سرمایه در جهان بهره برده است. از طرف دیگر، از طریق ابداعات فناوری که آمریکا پرچمدار آن است (اینترنت، داده‌های اطلاعاتی بزرگ و محاسبات ابری) او را به انتهای پیشرفت می‌کشاند و در نهایت ابزارهای نوآورانه به یک نیروی جدید تبدیل خواهند شد و ریشه سرمایه‌داری مالی را از بن خواهند کند.

به عنوان مثال، فروش اینترنتی دو شرکت مجازی (زیرمجموعه شرکت معروف علی‌بابا) در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۴ بالغ بر ۵۰/۷ میلیارد یوهان (معادل ۸/۲ میلیارد دلار) بوده است، درحالی‌که چند هفته بعد از این تاریخ و در طول سه روز جشن شکرگزاری در آمریکا، کل فروش اینترنتی به علاوه فروش فروشگاه‌های داخل آمریکا تنها ۴۰/۷ میلیارد یوهان (۶/۶ میلیارد دلار) بوده است. رقم ۵۰/۷ میلیارد یوهان تنها فروش یک روز شرکت علی‌بابا بوده است، درحالی‌که فروش ۱۶۳ شرکت مختلف اینترنتی و سایر فروشگاه‌های اینترنتی برخط در چین و فروش فروشگاه‌های حضوری، در این رقم منظور نشده است. تمام فروش شرکت علی‌بابا از طریق سیستم پرداخت الکترونیکی صورت گرفته است. معنای این سیستم چیست؟ معنای آن این است که پول در سکوی تجارت جهانی نقش خود را از دست خواهد داد و جایگاهی در آن نخواهد داشت و این در حالی است که هژمونی آمریکا کماکان بر دلار تکیه می‌کند.

سرمایه‌ای که امروز از آن صحبت می‌کنیم ممکن است با محو پول از صحنه اقتصاد نابود شود. وقتی روش تولید همراه با نوآوری چاپ سه‌بعدی تغییر کند، بشر وارد یک فضای اجتماعی جدید می‌شود. در آن زمان چین و آمریکا در یک نقطه جدید از تحولات فناوری (اینترنت، داده‌های بزرگ و محاسبات ابری) دوش به دوش یکدیگر قرار خواهند داشت. رقابت در این زمان بستگی به این خواهد داشت که چه کشوری ابتدا وارد فضای اجتماعی جدید خواهد شد، نه آن کشوری که بخواهد مثل گذشته با فشار گوی سبقت را از دیگری بگیرد. از این منظر است که می‌گوییم آمریکا اشتباهی چین را به عنوان رقیب خود برگزیده است. رقیب واقعی آمریکا خود آمریکا و تغییرات در عرصه دانش بشری است.

گره خوردگی اقتصاد ایران با دلار



منتقدان دولت روحانی در چند روز تازه‌سپری شده یکصدا و به صورتی هماهنگ و یکپارچه از برخی مردان دولت و نیز از اصلاح‌طلبان انتقاد کرده و می‌کنند که چرا اقتصاد ایران را به انتخابات آمریکا گره زده‌اند. این منتقدان چنین بحث‌هایی را نشانه وادادگی سیاسی به آمریکا می‌دانند و باور دارند که نباید گفت اگر بایدن بیاید، اقتصاد ایران بهتر می‌شود یا اگر ترامپ بماند اقتصاد ایران بدتر می‌شود. از سوی دیگر اما در داخل ایران شاهد هستیم که ده‌ها و صدها تحلیل از تاثیرات آمدن بایدن بر اقتصاد ایران در سطح کلان یا ماندن ترامپ در کاخ سفید بر بازارها منتشر شده است. بدون تردید روزهای آینده و پس از اعلام نتایج انتخابات اینگونه مجادله‌ها ادامه خواهد داشت.

■ شر دلار همچنان باقی است

کسانی که تاریخ اقتصاد پس از جنگ جهانی دوم را خوانده‌اند می‌دانند در ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۴ و در پایان نشست مشهور برتون‌وودز بود که نظام اقتصادی و به‌ویژه نظام مالی جهان با دگرگونی‌هایی روبرو شد که راه را برای برتری دلار به عنوان پول نخست جهان هموار کرد. در آن سال اقتصاد ژاپن و آلمان با نابودی کامل مواجه شده بود و فرانسه و انگلستان نیز جسد اقتصادشان را بر دوش می‌کشیدند و از چین و هند و کشورهای نوظهور خبری نبود. در چنین وضعیتی بود که در برتون‌وودز تصمیم‌ها به این سو رفت که نرخ برابری پول‌های ملی بر اساس دلار آمریکا سنجیده می‌شد و تنها دلار بود که ارزش آن با طلا سنجیده می‌شد. صندوق بین‌المللی پول نیز ناظر و ژاندارم نظم تازه پولی بود تا اینکه در اواخر ۱۹۶۰ به این نتیجه رسید که نمی‌تواند بر پیمان پیشین استوار بماند و در ۱۹۷۱ ریچارد نیکسون ختم نظام بر خاسته از برتون‌وودز را اعلام کرد. در شرایط تازه بود که برتری دلار بر سایر پول‌ها به دلایل گوناگون ادامه پیدا کرد و ارزش آن مثل ارزش طلا شد.

بسیاری از کشورهای جهان از نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ ذخایر ارزی خود را به دلار نگه داشته‌اند و بدون اینکه قانونی تصویب شود دلار در هر کشوری در جهان فرمانروایی داشته و دارد و هیچ سرزمینی را نمی‌توان دید که دلار را قبول نکنند. به این ترتیب شر دلار نیرومند بر جهان حاکم است و ایران نیز باید از این فرمانروایی اطاعت کند. با این همه به نظر می‌رسد در تحلیل‌های داخل کشور هم از تمام مواضع غیررسمی و اظهار نظرهای کارشناسی پیداست که میان ترامپ و بایدن، ترجیح بر حضور چهره‌های معقول‌تر و معتدل‌تر مثل بایدن است تا ترامپی که رفتارهای غیرعادی و غیرقابل پیش‌بینی است. اما پیروزی بایدن به این معنی نیست که شرایط اقتصادی ایران می‌تواند به زودی

منتقدان دولت روحانی در چند روز تازه‌سپری شده یکصدا و به صورتی هماهنگ و یکپارچه از برخی مردان دولت و نیز از اصلاح‌طلبان انتقاد کرده و می‌کنند که چرا اقتصاد ایران را به انتخابات آمریکا گره زده‌اند. این منتقدان چنین بحث‌هایی را نشانه وادادگی سیاسی به آمریکا می‌دانند و باور دارند که نباید گفت اگر بایدن بیاید، اقتصاد ایران بهتر می‌شود یا اگر ترامپ بماند اقتصاد ایران بدتر می‌شود. از سوی دیگر اما در داخل ایران شاهد هستیم که ده‌ها و صدها تحلیل از تاثیرات آمدن بایدن بر اقتصاد ایران در سطح کلان یا ماندن ترامپ در کاخ سفید بر بازارها منتشر شده است. بدون تردید روزهای آینده و پس از اعلام نتایج انتخابات اینگونه مجادله‌ها ادامه خواهد داشت.

■ دلار مهم است نه بایدن یا ترامپ

بدون تردید ایران رفتار سیاسی ثابت خود در برابر رهبری کاخ سفید را ادامه خواهد داد و تا زمانی که یک رخداد ناشناس اتفاق نیفتد رفتار سیاسی ایران و نظام سیاسی آمریکا بر پایه آشتی‌ناپذیری باقی می‌ماند. اما اقتصاد ایران جدا از سیاست خارجی و شوربختانه زیر ضرب دلار قرار دارد. تجربه دهه ۱۳۹۰ که هنوز ادامه دارد نشان می‌دهد کمبود درآمدهای دلاری در ایران زندگی شهروندان را دگرگون کرده است. همین منتقدان دولت که این همه بر طبل مخالفت با دلاری شدن اقتصاد ایران می‌کوبند نیک می‌دانند دلیل اصلی افزایش قیمت کالاها و خدمات درست یا نادرست به نرخ دلار گره خورده است. یادمان می‌آید قیمت هر دلار در سال ۱۳۹۰ حداکثر تا ۱۲۰۰ تومان در بازار آزاد دیده می‌شد و پس از آنکه ایران از سوی آمریکا تحریم شد نرخ تبدیل دلار به ریال ایران تا ۲/۵ برابر افزایش را تجربه کرد.

افزایش قیمت هر دلار اگر در بازار ارز بماند جای نگرانی نیست اما واقعیت این است که نرخ ارز به‌ویژه نرخ دلار در این بازار نمی‌ماند و با شتاب‌های کم یا زیاد به سایر بازارها به‌ویژه بازار کالاها کشیده می‌شود و در یک دوره معین قیمت نسبی همه کالاها حتی آنهایی که در داخل تولید می‌شوند نیز خود را با افزایش قیمت دلار به ریال تطبیق می‌دهند. افزایش قیمت دلار به ریال ایران و افزایش نرخ تورم اما تنها در حوزه اقتصاد باقی نمی‌ماند بلکه به سرعت تبدیل به منازعه‌های

بهبود یابد بلکه روزهایی از امید برای تعامل احتمالی در آینده باز می شود و خطر جنگ و درگیری کاهش خواهد یافت. با پیروزی بایدن یا ترامپ سیاست کلان آمریکا درباره ایران تغییر چندانی نخواهد کرد. در همین حال پیروزی بایدن یا ترامپ نمی تواند تغییرات محسوسی در سیاست های کلان آمریکا نسبت به ایران ایجاد کند.

تحلیل اخیر نشریه اکونومیست در مورد تاثیر حضور بایدن یا ترامپ بر اقتصاد ایران این موضوع را بیان می کند. اکونومیست نوشت که حضور بایدن یا ترامپ تاثیر شگرفی برای ایران ندارد چرا که سیاست کلان آمریکا، تضعیف ایران است و تنها شدت و ضعف آن با حضور روسای جمهوری مختلف تغییر می کند.

تاریخ تحریم های آمریکا علیه ایران بسیار طولانی تر از دوران ترامپ است. این تحریم ها عمری به درازای عمر جمهوری اسلامی دارند. این تحریم ها از زمان ریاست جمهوری کارتر و پس از ماجرای اشغال سفارت آمریکا آغاز شد. بعدها در دوران بیل کلینتون شکل مدرن تر و پیچیده تری گرفت، در زمان بوش شدت یافت، در دوران اوباما کمی سهل تر شد ولی همچنان وجود داشت و در زمان ترامپ باز هم پیچیده و سخت شد. رویارویی بین رژیم اسلامی و آمریکا، سابقه ای ۴۰ ساله دارد و نمی توان بدون تغییرات اساسی و بنیادی در راهبردهای کلان نظام اسلامی به بهبود سرنوشت ساز روابط بین دو کشور امید داشت. بدین ترتیب در صورت انتخاب مجدد ترامپ بسیار محتمل است که تنش ها بین ایران و آمریکا ادامه یافته و حتی بیشتر از گذشته شود و در صورت انتخاب جو بایدن، این احتمال وجود دارد که تنش ها بین دو کشور برای مدتی کاهش یابد.

در شرایطی که بخش اعظم ذخایر ارزی

کشورها با دلار نگهداری می شود و نزدیک به ۶۰ درصد از دادوستد جهانی تجارت به ویژه نفت با دلار است رها شدن ایران از شر دلار به سادگی ممکن نخواهد بود مگر اینکه رویای جایگزین شدن پول های ملی به جای دلار یا نیرومند شدن یک پول دیگر به جای دلار ممکن شود. چندی پیش عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد در جریان نشست سه جانبه روسای جمهور ایران، روسیه و ترکیه، گفت و گوهایی در خصوص گسترش روابط بانکی و اقتصادی انجام شده و یکی از محورهای مهم این گفت و گوها حذف دلار و به کارگیری مبادله با پول های ملی طرفین در بازرگانی میان سه کشور بوده است. البته طرح شعار حذف دلار از مناسبات بازرگانی ایران و جهان تازگی ندارد و رهبران کشورهایی که با آمریکا سازگاری ندارند همواره این اراده خود را بر زبان آورده اند و گام هایی هم برداشته اند. دولت روسیه در سال ۲۰۱۴ برای کاهش سهم دلار از مبادلات خود و کاهش تاثیر تحریم های آمریکا، به امضای پیمان پولی با چین اقدام کرد. اما این پیمان پولی به دلیل نوسان شدید و سقوط ارزش روبل با چالش جدی مواجه شد.

سال ها پیش دولت های نهم و دهم هم تلاش کردند با عقد قراردادی با دولت ترکیه، دلار را از رابطه بازرگانی دو کشور حذف کنند اما این اقدام هم موفقیتی در پی نداشت. دلایل گوناگونی، این عدم موفقیت ها را توضیح می دهد. به دلایل اقتصادی، پولی می تواند جایگزین دلار شود که دارای شرایطی از جمله سادگی به کارگیری، فراگیری استفاده در جهان و ثبات باشد. هر چند با ظهور پول اروپایی یورو، سهم دلار آمریکا از مناسبات بین المللی تا حدی کاهش یافت اما هنوز هم دلار پذیرفته شدگی و تسلط خود در عرصه جهانی را از دست نداده است. هنوز بیش از ۵۰ درصد مبادله جهانی با دلار انجام شده و بیش از کل ذخایر ارزی بانک های مرکزی جهان و حدود ۶۰ درصد است.

زندگی ایرانیان

اقتصاد ایران همانند اقتصاد همه کشورهای جهان بدون دادوستد با سایر کشورها امکان بقاء، رشد و توسعه را ندارد. بنابراین باید ارزش داشته باشد تا بتواند با جهان تجارت کند. دنیای امروز نیز دلار را ارزش پیروز می داند. ایرانیان اما در دهه ۱۳۹۰ و از روزی که دیدند و شنیدند وعده های مدیران دولت دهم بر این است که تحریم بر اقتصاد ایران اثر ندارد اما داشت و اثر مهم آن نیز افزایش قیمت دلار بود و وعده های دولت نیز اثر ندارد و نیز حالا که همین وضعیت را می بینند، با دلار رفتاری ویژه دارند به این معنی که گروه های گوناگون اجتماعی - اقتصادی به میزانی که توانایی دارند پس انداز خود را دلاری کرده اند. واقعیت این است که تولیدکنندگان ایرانی نیز قیمت تولیدات خود را بر اساس تغییرات قیمت دلار تعیین می کنند. از سوی دیگر دولت نیز برای اینکه بتواند درآمد کسب کند دلارهای در اختیار خود را با قیمت های بالاتر عرضه می کند. همین که رئیس کل بانک مرکزی در هر نوشته خود سخت شدن زندگی ایرانیان را به رفتار تحریمی و در نتیجه گران شدن دلار گره می زند نیز نشان می دهد چرا ایرانیان زندگی شان با دلار گره خورده است. برای اینکه بتوانیم مثال روزآمدی بزنیم می توانیم به روند فزاینده قیمت گوشت قرمز و گوشت مرغ و تخم مرغ و نیز مواد شوینده اشاره کنیم که با افزایش قیمت دلار روند فزاینده پیدا کرده اند و این عبارت که خرج ایرانیان دلاری و دخل شان ریالی است در هر کوی و برزن به گوش می رسد. از سوی دیگر بازار سهام ایران نیز به قیمت دلار گره خورده است و با کاهش قیمت دلار قیمت سهام شرکت ها کاهش می یابد و میلیون ها ایرانی را پریشان می کند. بازار سکه و اتموبیل نیز با تحولات قیمت دلار جابه جایی شود.





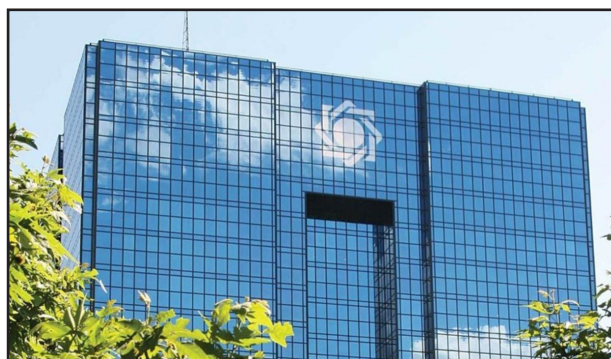
ذخایر ارزی در دسترس نیست امنیت تهدید می‌شود

تشدید مشکلات اقتصادی کشور و به دنبال آن، به تعارضات اجتماعی و سیاسی منجر شود بطوری که امنیت اقتصادی کشور را دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیری کند. از این رو باید سیاست‌های جایگزین برای جبران کاستی عدم دسترسی به ذخایر ارزی، مد نظر قرار گیرد. در این راستا کنترل حجم نقدینگی از طریق تشدید نظارت بر اضافه‌برداشت بانک‌ها، طراحی روش‌های تامین مالی بخش تولید بدون اتکا به صندوق توسعه ملی و کنترل و کاهش هزینه‌های جاری دولت پیشنهاد می‌شود.

ذخایر ارزی به عنوان سپری در مقابل شوک‌های اقتصادی و سیاسی به منظور ایجاد ثبات اقتصادی کشورها نقش کلیدی دارد. تحریم‌های اقتصادی دسترسی بانک مرکزی به این منابع مالی را با مشکلات زیادی مواجه کرده است. عدم دسترسی به منابع ارزی می‌تواند پیامدهای منفی شامل ناتوانی در حفظ ارزش پول ملی، ناتوانی در کنترل نقدینگی، ناتوانی در جذب سرمایه خارجی، ناتوانی در ادای تعهدات و ناتوانی در تامین مالی طرح‌های کلیدی ملی داشته باشد. بی‌توجهی به این موضوع می‌تواند موجب



■ نقش ذخایر ارزی در ترازنامه بانک مرکزی



باید توجه کرد حساب ذخیره ارزی یکی از حساب‌هایی است که در برنامه سوم توسعه در ایران طراحی شد تا مازاد درآمد نفتی بر مخارج در آن ذخیره و به عنوان یک ضربه‌گیر اقتصادی در مواقع بحرانی از آن استفاده شود. همچنین به دلیل اینکه ایران کشوری تقریباً متکی به صادرات نفت خام و محصولات پتروشیمی است، با احتمال بالایی در معرض ابتلا به بیماری هلندی بوده و یکی از مزیت‌های داشتن حساب ارزی، کنترل مشکلاتی از این دست است. فایده دیگر داشتن یک حساب مدیریت‌شده ارزی این است که

■ حجم ذخایر ارزی ایران

ذخایر ارزی در شرایط خاص و بحرانی، نقشی حیاتی در مدیریت سیاست‌های تجاری و پولی کشور دارد. ذخایر ارزی ایران ناشی از درآمد صادرات نفت، گاز و میعانات بوده و همواره در زمان‌هایی که این درآمدها افزایش یافته، ذخایر نیز افزایش یافته است.

بر اساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول ذخایر ارزی ایران در سال ۱۳۸۸ روند نزولی داشته است و در سال ۱۳۹۵ نیز کاهش خواهد یافت. دلیل اصلی آن، کاهش شدید درآمدهای نفتی و تشدید تحریم‌های اقتصادی حتی و نفتی آمریکاست. این موضوع در حالی بوده که تحریم‌های اقتصادی حتی امکان دسترسی به این منابع ارزی را بسیار دشوار کرده است. بخشی از ذخایر ارزی کشور که در ترازنامه بانک مرکزی وجود دارد، یکی از منابع پایه پولی است بدین معنا که بانک مرکزی در ازای به دست آوردن آن مقدار ارز خارجی، معادل ریالی آن را پول منتشر کرده زیرا داشتن ارز تنها در صورت انتشار معادل پولی آن امکان‌پذیر است. تغییرات مانده آن حساب در ترازنامه بانک مرکزی در نظام‌های ارزی مختلف، متفاوت است. مقدار ذخایر یادشده در نظام نرخ ارز ثابت درون‌زاست و بسته به وضعیت کسری یا مازاد تراز تجاری یا تراز پرداخت‌ها بطور درون‌زا تغییر می‌کند و مقدار پایه پولی و پول را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اما در نظام‌های نرخ ارز شناور، ذخایر ارزی حالت برون‌زا و تثبیت‌شده به خود می‌گیرد.

■ ناتوانی در کنترل نقدینگی

ذخایر ارزی می‌تواند در صورت بروز بحران اقتصادی در حفظ حجم نقدینگی نیز نقش داشته باشد. بروز مشکلات مقطعی مانند حوادث غیرمترقبه می‌تواند بطور موقت تولید صادرکنندگان محلی را متوقف کند. پیامد وقفه در فرآیند تولید به افت فروش و کاهش عرضه ارزهای خارجی منجر خواهد شد. در صورت بروز چنین مشکلاتی، بانک مرکزی هزینه‌های مربوط به واردات را با تبدیل ذخایر ارزی پوشش می‌دهد. حالت دیگری که به این کاربرد مربوط می‌شود، بروز ریسک‌های شدید سیاسی یا اقتصادی در فضای داخلی یک کشور مانند تحریم‌های اقتصادی و سیاسی است. در این حالت، سرمایه‌گذاران خارجی به سرعت سپرده‌های خود را از بانک‌های کشور خارج می‌کنند که در نهایت، به بروز کمبود ارز خارجی منجر می‌شود. به این ترتیب، ارزش پول ملی کشور به دلیل رشد جذابیت رقبای برون‌مرزی و افت تقاضا برای ارز داخلی کاهش می‌یابد. با این اوصاف، سطح قیمت کالاها و خدمات وارداتی رشد می‌کند و فضای تورمی در کشور ایجاد می‌شود. بانک‌های مرکزی به منظور برخورد با این نوع شوک‌ها، ارز خارجی را به پشتوانه ذخایر خود تامین می‌کنند تا تعادل بازار حفظ شود، بطوری که با فروش بخشی از ذخایر ارزی در بازار، حجم نقدینگی در گردش را کاهش می‌دهند کاهش دسترسی به ذخایر ارزی باعث می‌شود بانک مرکزی نتواند التهابات بازار ارز را کنترل کند. سپس، بخشی از نقدینگی کشور به سمت سوداگری در بازار ارز روانه می‌شود. در نهایت، بطور غیر قابل کنترل، بازار ارز دچار حباب قیمتی می‌شود و اثرات تورمی شدیدی بر سایر بازارها می‌گذارد، بطوری که نقدینگی مانند بنزینی در آتش، موجب کاهش ارزش پول ملی، کاهش قدرت تولید و مصرف کل اقتصاد ملی می‌شود.

■ ناتوانی در جذب سرمایه خارجی

حجم ذخایر ارزی یک کشور برای سرمایه‌گذاران خارجی معیاری اطمینان بخش تلقی می‌شود. حجم بالای ذخایر به‌طور معمول قدرت جذب سرمایه‌های برون‌مرزی را افزایش می‌دهد. عدم دسترسی نظام بانکی به ذخایر ارزی باعث می‌شود سرمایه‌گذاران خارجی اطمینانی به بازگشت سرمایه و انتقال سرمایه‌شان نداشته باشند. در نتیجه، حتی با وجود فرصت سودآوری زیاد در کشور، سرمایه‌گذار خارجی با توجه به ریسک عدم بازگشت اصل سرمایه، از سرمایه‌گذاری منصرف می‌شود. کاهش جذب سرمایه خارجی باعث کاهش رشد سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری‌های به‌روز در اقتصاد می‌شود.

■ ناتوانی در ادای تعهدات

حجم، کیفیت و تنوع ذخایر ارزی نشان‌دهنده توانایی کشورها در فرآیند پرداخت تعهدات مالی و جلوگیری از بروز شوک‌های اقتصادی است. با اعمال تحریم و عدم دسترسی دولت و بانک مرکزی به ذخایر مانند این است که ذخایر ارزی وجود ندارد، درحالی‌که تعهدات ارزی همچنان پابرجاست. این موضوع باعث می‌شود اعتبار حاکمیت دولت زیر سوال برود و دولت و حتی بخش خصوصی نتوانند به تعهدات خود مقابل شرکای خارجی عمل کنند.

■ ناتوانی در تامین مالی طرح‌های کلیدی ملی

بخش مهمی از ذخایر ارزی کشور در صندوق توسعه ملی نگهداری و در موارد اضطراری و تعیین شده در قانون، از محل منابع این صندوق برداشت می‌شود. در واقع، صندوق توسعه ملی موجب می‌شود بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های

می‌تواند در مباحث ژئوپلیتیک منطقه‌ای انعطاف بالایی را برای تصمیم‌گیری در اختیار مسئولان قرار دهد. در نتیجه، هر چه این حساب حجم بیشتری داشته باشد یعنی اقتصاد کشور پس از تامین مخارج، دارای منابع بیشتری با ماهیت پس‌انداز است و می‌تواند حتی برای تامین مالی بانک‌ها در موارد خاص از آن استفاده کند و در اصطلاح کارگشا باشد.

به منظور تبیین رابطه بین دسترسی به درآمدهای ارزی دولت و نظام پولی کشور، لازم است اجزای پایه پولی طرف دارایی‌های ترازنامه بانک مرکزی مورد بررسی قرار گیرد. پایه پولی، به حجم پول ملی منتشر شده توسط بانک مرکزی گفته می‌شود و همواره میزان آن کمتر از حجم نقدینگی کل کشور است.

■ پیامدهای کاهش دسترسی به ذخایر ارزی

ذخایر ارزی اهمیت زیادی در نظام پولی و ارزی کشور دارد و می‌تواند کاربردهای مختلفی در نظام ارزی و پولی هر کشوری داشته باشد و عدم دسترسی به این ذخایر می‌تواند پیامدهای منفی بر عملکرد بانک مرکزی و کل اقتصاد داشته باشد. در ادامه، پیامدهای اصلی کاهش ذخایر ارزی ارائه می‌شود.

■ ناتوانی در حفظ ارزش پول ملی و تثبیت نرخ ارز



نخستین کاربرد ذخایر ارزی برای بانک‌های مرکزی، تنظیم نرخ ارز به منظور حفظ ارزش پول ملی در محدوده مشخص است. نظام پولی چین بهترین مثال برای این کاربرد است؛ نهاد پولی این کشور، یوان را به دلار آمریکا به صورت میخکوب شده نگه می‌دارد. به این ترتیب، افزایش ذخیره دلار آمریکا در بانک‌های چینی، ارزش دلار را نسبت به یوان تقویت خواهد کرد و در نتیجه، کالاهای صادراتی این کشور برای خریداران خارجی ارزان‌تر از کالاهای مشابه آمریکایی می‌شود و رقابت‌پذیری آنها افزایش می‌یابد. این موضوع حتی می‌تواند در نظام ارزی شناور نیز توسط بانک مرکزی دنبال شود، بطوری که رشد ذخایر در صورت لزوم از تقویت پول ملی این کشورها در برابر ارزهای رقیب جلوگیری خواهد کرد؛ برای مثال، با اینکه بانک ژاپن از طریق سیستم شناور نرخ‌های برابرین را تنظیم می‌کند، اما این نهاد پولی، اوراق خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا را خریداری و ذخیره می‌کند تا ارزش ین را پایین‌تر از دلار نگه دارد. نمود این سیاست نیز مانند مثال چین، تقویت رقابت صادراتی کالاهای ژاپنی است. عدم دسترسی به ذخایر ارزی باعث می‌شود بانک مرکزی نتواند در مقابل شوک‌های ارزی و فشار تقاضای ارز به تنظیم و مدیریت بازار ارز بپردازد. در نتیجه، به سرعت ارزش پول ملی دچار کاهش و کل اقتصاد کشور متضرر می‌شود.

نفتی با هدف حفظ سهم نسل‌های آینده به ثروت‌های ماندگار تبدیل شود. این فرآیند ضمن اعطای تسهیلات به بخش‌های خصوصی، تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به موسسه‌های عمومی، غیردولتی یا حتی سرمایه‌گذاران خارجی می‌تواند به تقویت بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کند.

باید توجه کرد که موجودی این صندوق نزد دولت نیست، بلکه نزد حساب‌های ارزی خارجی در کشورهایی مانند چین، هند و کره است و به دلیل اعمال تحریم‌های مالی و اقتصادی توسط آمریکا، دسترسی و انتقال آن به بانک مرکزی ایران وجود ندارد. بر اساس توافقات تنها می‌توان از منابع حساب‌های صندوق توسعه ملی، برای خرید کالا از این کشورها اقدام کرد، در حالیکه از منابع صندوق توسعه ملی برای پرداخت تسهیلات به بخش‌های خصوصی، تعاونی، بنگاه‌های اقتصادی متعلق به نهاد‌های عمومی و غیردولتی استفاده می‌شود. برای مثال، در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ حدود سه میلیارد دلار به منظور پرداخت تسهیلات در بانک‌های عامل توسط بانک مرکزی سپرده‌گذاری شده بود. همچنین در سال ۱۳۹۶، رهبر معظم انقلاب اسلامی مجوز اختصاص چهار میلیارد دلار را برای تقویت بنیه نظامی و دفاعی کشور و اختصاص به صداوسیما و مقابله با ریزگردها صادر کردند. در شهریور ۱۳۸۷ صندوق توسعه ملی در گزارشی اعلام کرد از بدو تاسیس این صندوق بیش از ۷۰ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار برای سه هدف وام ارزی، پرداخت به دولت و سپرده‌گذاری ارزی برداشت صورت گرفته است. در قانون بودجه سال ۱۳۹۶ نیز بر اساس محاسبات مختلف، حدود ۷/۲ میلیارد دلار از منابع صندوق توسعه ملی برای تامین منابع بودجه ۱۳ استفاده خواهد شد. عدم دسترسی بانک مرکزی به منابع مالی این صندوق می‌تواند تامین مالی طرح‌ها و مسائل حیاتی کشور را دچار اختلال کند و این موضوع می‌تواند به تشدید مشکلات اقتصادی کشور منجر شود.

■ ملاحظات امنیت اقتصادی

به‌طور کلی عدم دسترسی به منابع ارزی می‌تواند بانک مرکزی را در مقابل شوک‌های اقتصادی و سیاسی شکننده کند و بانک مرکزی نمی‌تواند به وظایف اصلی خود، یعنی ایجاد و حفظ ثبات در سطح عمومی قیمت‌ها و رشد اقتصادی به درستی عمل کند. در این بین، در شرایط جنگ اقتصادی کنونی، دسترسی به ذخایر ارزی کشور بیش از پیش اهمیت دارد، زیرا تجارت خارجی کشور با محدودیت شدیدی مواجه و تامین کالاهای اساسی دچار مشکلات متعددی شده است. همچنین کانال تامین مالی خارجی در عمل از بین رفته است. این موضوع در حالی است که به دلیل جهش قیمت ارز، هزینه زندگی مردم دچار افزایش قابل توجهی شده است. در نتیجه، تامین کالاهای اساسی مردم با قیمت مناسب به اولویت مهم دولت تبدیل شده است. بخش بزرگی از تهیه اقلام اساسی کشور با تکیه بر ذخایر ارزی تامین مالی می‌شود و عدم دسترسی به ذخایر ارزی می‌تواند آسیب زیادی به امنیت اقتصادی کشور وارد کند. بخش مهمی از تسهیلات ترجیحی که به منظور حمایت از بخش‌های تولیدی و زیرساختی کشور اعطا می‌شود، با سپرده‌گذاری ذخایر ارزی در بانک مرکزی ارائه می‌شود. عدم دسترسی به ذخایر ارزی می‌تواند حمایت‌های اعتباری و تسهیلاتی بانک مرکزی را از بخش‌های تولیدی و زیرساختی دچار مشکل کند و به تشدید رکود اقتصادی منجر شود. تشدید رکود اقتصادی علاوه بر آثار منفی اقتصادی، می‌تواند به تشدید تعارضات اجتماعی نیز منجر شود، بطوری که امنیت اقتصادی و سیاسی کشور را متزلزل کند.

پژوهشکده امنیت اقتصادی

آیا مثل زمستان ۱۳۹۱ هستیم

چرا دولت به «سیم‌نفت» زده

این ضرب‌المثل که فلانی زده به «سیم آخر» از سوی ایرانی‌ها هنگامی به کار برده می‌شود که می‌خواهند تفهیم کنند فلانی برایش چاره‌ای نمانده و مثلاً زده به سیم آخر و رفته با درآمد اندک اتومبیلی بسیار گران‌بها خریداری کرده و خود را در گرداب بدهی انداخته است. گاه دیده و معلوم شده کسی که دیگران فکر می‌کردند به «سیم آخر» زده یعنی همه‌جانبه به موضوع نگاه نکرده و از نظر دیگران اشتباه اساسی کرده در حقیقت اطلاعات نادرست می‌داده و می‌دانسته چه می‌کند.

حالا و این روزها که اکثر کارشناسان و فعالان اقتصادی و نیز منتقدان دولت هر روز ده‌ها سخنرانی و نوشته منتشر می‌کنند و باور دارند دولت به «سیم‌نفت» زده و بودجه را به یک پیش‌بینی و عمل گیج‌کننده و ناشدنی سنجاق کرده، برخی تصورشان این است که نکند دولت اطلاعاتی دارد که کسی نمی‌داند و با استناد به آن ارقام هنگفتی از درآمدهای بودجه را به سیم‌نفت گره زده است.

■ واقعا چقدر نفت فروختیم

برای اینکه بتوانیم درباره رقم درآمدی پیش‌بینی شده از فروش نفت در بودجه ۱۴۰۰ راستی‌آزمایی کنیم بدون چون و چرا باید قبول کنیم یکی از الزام‌های این راستی‌آزمایی این است که بدانیم دولت امسال آشکار و پنهان و از روش‌های گوناگون روزانه چند بشکه نفت در بازارهای گوناگون فروخته است. در حالیکه وزیر نفت اصول بازی پنهان‌سازی کامل را می‌داند و هرگز زیر شدیدترین فشارها لب باز نمی‌کند و رازی را برملا نمی‌کند اما محمدباقر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه وقتی چند ماه پیش به مجلس رفت و با فشار شدید نمایندگان روبرو شد که از کجا پول می‌آورد و پخش می‌کند، گفت

برخی تحلیلگران باور دارند خشم و سراسیمگی منتقدان سرسخت دولت روحانی به مثابه نمادی از جناح سیاسی هوادار آشتی با آمریکا و غرب به این دلیل است که آنها نیز تصور می‌کنند احتمال وقوع رویدادهای در پیش گفته شده وجود دارد. ناسازگاری بسیار بالای مخالفان با دولت و تضعیف او با بیشترین حجم از نیروی سازمان‌یافته در روزهای پس از پیروزی جو بایدن از سوی تندروهای منتقد دولت این تحلیل سرمرزی را قوت بخشیده است. شاید این تصور و تحلیل هم وجود دارد که رهبران تازه کاخ سفید با روحانی و میانه‌روها بیشتر سازش دارند زیرا می‌توانند به افکار عمومی در کشورشان توضیح مناسب بدهند. تندروهای ایرانی از این قاطعیت روحانی به نتایج دیگری نیز ممکن است برسند و آن، سازش روحانی از بالای سر آنها با مقام‌های اصلی تصمیم‌گیر در کشور است چون این اتفاق یک بار در سال ۱۳۹۲ رخ داد و حالا وضعیت اقتصادی بدتر از سال ۱۳۹۲ است و روحانی آسان‌تر می‌تواند رضایت را از بالا بگیرد.

■ بزنی به سیم نفت و برو

گروهی از کسانی که با بالا و پایین سیاست در ایران آشنایی دارند، با رد فرضیه بالا و اینکه راه در پیش گرفته شده راه درازی است و منتقدان اکنون دست بالا را دارند و بطور مثال به مقایسه ویژگی‌ها و مناسبات ریاست مجلس نهم که علی لاریجانی بود و با دولت همراه با محمدباقر قالیباف که سرسختی‌اش در مخالفت با روحانی زبازد شده است اشاره می‌کنند و می‌گویند اتفاقی که در سال ۱۳۹۲ رخ داد، تکرار نخواهد شد. این گروه باور دارند به همین دلیل است که با توجه به تغییر حتمی دولت در سال آینده، رئیس دولت به رئیس سازمان برنامه و بودجه تاکید کرده بودجه را به «سیم نفت» ببندد. اگر سناریوی یک نادرست باشد می‌توان صحت این سناریو را نیز تایید کرد.

■ نکته آخر

واقعیت این است که اقتصاد ایران زور بیشتری ندارد که بیش از این بدون درآمد به دست آمده از فروش نفت به راه خود حتی با پای لنگ ادامه دهد یا دست کم با این دولت به جایی نمی‌رسد و بدون نفت زندگی ادامه ندارد. این چیزی است که در دهه ۱۳۹۰ تجربه کرده‌ایم و بدون نفت به بدترین دهه همه دوران در متغیرهای اقتصادی رسیدیم. باید منتظر باشیم و ببینیم دولت چرا بودجه ۱۴۰۰ را به «سیم نفت» بسته است.



شد و با وجود همه سینه چاک کردن‌های منتقدان سرسخت، دولت به برجام رسید.

اگرچه برجام به فرجام نیکویی نرسید اما به نظر می‌رسد الان دولت به این دلیل به «سیم نفت» زده و بودجه را براساس صادرات نفت تنظیم کرده است که می‌داند گفت‌وگو رخ می‌دهد و ایران نفت می‌فروشد. یک سناریوی سرمرزی درباره خوش‌بینی حسن روحانی درباره احتمال بالای صادرات روزانه ۲/۳ میلیون بشکه نفت در روز این است که وی اطلاعات بسیار پنهان از تغییر مناسبات ایران با آمریکا دارد و اطمینان کامل دارد که جو بایدن و تیم همراه او در مقام ریاست‌جمهوری آمریکا به هر شکل به او گفته‌اند به محض ورود به کاخ سفید در یک دستور قاطع تله تحریم صادرات ایران و سایر تحریم‌ها را از دست و پای ایران باز می‌کنند. در این صورت باید راهی باشد تا ایران با سرعت بتواند سهم قبلی از اوپک را در اختیار بگیرد و این نیز با مساعدت عربستان، امارات و عراق ممکن خواهد شد. در سمت دیگر نیز باید مشتریان اصلی نفت ایران شامل هند، چین، ژاپن و کره جنوبی نیز حاضر شوند از ایران نفت خریداری کنند. این اتفاق به معنای این است که در دنیای سیاست رخدادهای بزرگی باید روی دهد و در درون سرزمین ایران نیز تحولات شگفتی اتفاق بیفتد تا ریاض و بغداد و پکن و سئول دست به دست هم بدهند تا روحانی از چاه بیرون بیاید.

امسال و در چهار ماه نخست سال یک قطره نفت هم نفروخته‌ایم. این در حالی است که شرکت‌های دنبال‌کننده کشتی‌های نفت ایران در همان روزها از صادرات دست کم روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت خبر می‌دادند. از نوبخت که گذشت و به معاون اول که رسید، او عدد دیگری را برملا کرد و گفت ایران روزانه بطور میانگین ۷۰۰ هزار بشکه نفت فروخته است. با این اعداد و ارقام با تفاوت‌های معنادار نمی‌توان راستی‌آزمایی کرد و ای‌بسا دولت بیشتر از این ۷۰۰ هزار بشکه فروخته است و نمی‌خواهد کشور متخاصم چیزی در این باره بداند.

■ مثل زمستان ۱۳۹۱

برخی از کسانی که چشم‌هایی بازتر دارند و گوش‌هایشان تیزتر است و مزه و بوی حرف‌ها را از درون و ژرفای رفتار و گفتار مدیران کشور می‌چشند و می‌بویند، باور دارند در زمستان ۱۳۹۹ به شرایط زمستان ۱۳۹۱ رسیده‌ایم. در زمستان ۱۳۹۱ تصور می‌شد اقتصاد ایران زور لازم برای پیمودن راه به جلو را ندارد و الان است که بایستد و زمین گیر شود. در چنین تصویری بود که حسن روحانی توانست با دادن وعده تحول در تحریم‌ها از شهروندان رای بگیرد و نهادهای قدرت را متقاعد کند برای اینکه اقتصاد زمینگیر نشود. باید قفل‌های پرونده هسته‌ای باز شود و چنین نیز شد. پس از آن بود که داستان گفت‌وگو با گروه کشورهای ۵+۱ شروع

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران گزارش داد ۸ پیشنهاد اتاق ایران درباره بودجه ۱۴۰۰



اتاق بازرگانی، صنایع و معادن کشاورزی ایران پس از بررسی نقاط قوت و ضعف لایحه بودجه سال آینده، ۸ دیدگاه و ۸ پیشنهاد عملی درباره بودجه ۱۴۰۰ ارائه داده است.

دوازدهم آذرماه لایحه بودجه ۱۴۰۰ توسط دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد؛ همان زمان بخش خصوصی اعلام کرد که بودجه از دو منظر برای آنها اهمیت دارد: اثرگذاری بودجه بر متغیرهای کلان اقتصاد و اثرگذاری آن بر محیط کسب و کار. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران از عموم فعالان بخش خصوصی و کمیسیون‌های تخصصی خود و اتاق‌های شهرستان‌ها خواست تا نظرات کارشناسی خود را به مرکز پژوهش‌های اقتصادی اتاق ایران ارائه دهند. مرکز پژوهش‌های اتاق ایران بعد از بررسی دیدگاه‌ها، تحلیل و ارزیابی خود درباره لایحه بودجه ۱۴۰۰ ارائه داده است.

بر این اساس، تحلیل و دیدگاه نهایی اتاق ایران در ۸ محور زیر ارائه شده است:

۱- به دلیل ریسک‌های مربوط به تأمین منابع پیش‌بینی‌شده و عدم انعطاف هزینه‌های دولت، درباره آثار اقتصاد کلان بودجه ۱۴۰۰ بر ثبات اقتصادی سال آینده نگرانی وجود دارد. در صورتی که عدم تحقق منابع حاصل از صادرات نفت با این ترکیب مصارف، جهش ارزی و تورم فزاینده و افزایش زیاد در نرخ سود دور از انتظار نیست.

۲- دست‌اندازی بودجه‌ای به منابع صندوق توسعه

ملی یکی از دلایل مهم عدم توسعه متناسب بخش خصوصی است که در بودجه ۱۴۰۰ تکرار شده است.

۳- این نگرانی وجود دارد که رشد ارقام مالیات بر اشخاص حقوقی غیردولتی به میزان بیش از ۵۰ درصد، موجب فشار مضاعف عوامل وصول مالیات بر کسب و کارهای شناخته‌شده و رسمی شود.

۴- با وجود هدف دولت، کنترل قیمت کالاهای اساسی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر از طریق تخصیص ارز به قیمت ترجیحی بر اساس گزارش‌های متعدد کارشناسی به هدف خود نرسیده است. یکی از ویژگی‌های لایحه بودجه ۱۴۰۰، مبهم بودن سیاست ارزی و حمایتی دولت است.

۵- یکی از ضعف‌های نهادی بودجه‌ریزی در ایران، بی‌اعتبار بودن ترازهای بودجه‌ای مصوب مجلس شورای اسلامی است. در عمل با سازوکار تخصیص، بخش عمده عدم تحقق منابع نسبت به ارقام مصوب، از طریق عدم تخصیص اعتبارات مصوب به طرح‌های عمرانی جبران می‌شود که موجب طولانی شدن زمان انجام طرح، افزایش قیمت تمام‌شده طرح‌ها و عدم استفاده از ظرفیت پیمانکاری کشور شده است.

۶- مسائل ناظر بر فرآیند واگذاری پروژه‌ها و عدم شفافیت آن و همچنین مشکلات تأمین مالی این قراردادها از عمده چالش‌هایی است که سبب کاهش انگیزه بخش خصوصی برای مشارکت در اینگونه پروژه‌ها و توسعه مشارکت عمومی و خصوصی شده است.

۷- در دو سال اخیر سیاست افزایش حقوق و دستمزد برای جبران تورم انتخاب شده است. تجربه کشورهای مختلف اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد راه‌حل مقابله با فقر، افزایش سرمایه‌گذاری و تولید و همزمان کنترل تورم است. در غیر این صورت در مسابقه افزایش حقوق و دستمزد و تورم، تورم برنده و آحاد حقوق و دستمزد بگیران بخش عمومی و بخش خصوصی بازنده هستند.

۸- هنوز گزارش دقیق، علنی و روشنی درباره کیفیت بودجه شرکت‌های دولتی که حجم منابع و مصارف آن طبق لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان است، منتشر نشده است. سرمایه‌های این شرکت‌ها متعلق به عموم مردم است و مردم حق دارند تا علاوه بر گزارش‌های مالی دقیق، گزارش‌های کارشناسی درباره عملکرد سرمایه‌های در اختیار این شرکت‌ها را در اختیار داشته باشند.

پیشنهاد‌های ۸ گانه اتاق ایران نیز درباره لایحه بودجه در عناوین زیر ارائه شده است:

۱- بودجه ۱۴۰۰ استمرار سیاست‌های بودجه‌ریزی در ۵۰ سال گذشته است. قوه مجریه و قوه مقننه با درس‌آموزی از تجربه تحریم‌های اقتصادی که موجودیت و مقبولیت نظام سیاسی کشور را هدف گرفته بود، با دو هدف اساسی بازآفرینی ساختار اجرایی کشور و بازتعریف نحوه مدیریت و استفاده از منابع حاصل از تولید (نه فقط صادرات)

جنگ، قطع درآمدهای نفتی کشور و کاهش قابل توجه منابع در اختیار دولت بوده است و هزینه تأمین منابع را برای دولت افزایش داده است، اما هزینه‌های اختلال در صادرات غیرنفتی و دشوار کردن نقل و انتقال منابع عمدتاً به بخش خصوصی تحمیل شده است. در چنین شرایطی اداره امور توسط دولت هم دچار اختلال شده است و ترکیب منابع و مصارف کشور را نسبت به روندهای بلندمدت بر هم زده است. بخش خصوصی بر دشواری تنظیم بودجه در این شرایط واقف است و در حد توان خود سعی کرده است به دولت در انجام وظایف خطیر خود که تأمین و تدارک کالاها و خدمات عمومی برای آحاد مردم است کمک کند.

■ محورهای مهم بودجه ۱۴۰۰

اینک لایحه بودجه ۱۴۰۰ تقدیم مجلس شورای اسلامی شده است و طبعاً نمایندگان محترم و کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی باید نسبت به تصمیمات دولت بررسی‌های لازم را انجام دهند و بودجه سال ۱۴۰۰ را تصویب کنند. توجه به محورهای زیر می‌تواند به تصمیمات مجلس در بودجه در حوزه امور اقتصادی انتظام بیخشد:

۱- اولین و مهم‌ترین موضوع مورد توجه بخش خصوصی در بودجه سالانه اثر آن بر متغیرهای اقتصاد کلان است. متأسفانه انتشار رسمی و علنی آثار بودجه بر متغیرهای اقتصاد کلان در ایران و سپس پاسخگویی درباره دلایل انحراف ارقام محقق شده از پیش‌بینی‌ها، معمول نیست. بر اساس بررسی‌های کارشناسی درباره لایحه بودجه ۱۴۰۰، مهم‌ترین ریسک‌های بودجه‌ای عبارت‌اند از میزان صادرات نفت، انتشار اوراق و فروش سهام و اموال دولت و افزایش شدید هزینه‌های دولت. با توجه به مجموعه تصمیمات اتخاذ شده در چند سال گذشته و به‌ویژه در یک سال اخیر، حجم مخارج اجتناب ناپذیر دولت از جمله حقوق و دستمزد شاغلین و بازنشستگان و بازپرداخت اصل و سود بدهی‌های دولت بالغ بر ۷۰۰ هزار میلیارد تومان شده است. اگرچه کارشناسان درباره کارایی و لزوم انجام بخشی از این هزینه‌ها بحث‌های مهمی را مطرح می‌کنند اما واقعیت آن است که بدون انجام اصلاحات ساختاری درباره محدوده وظایف دولت و نحوه انجام این وظایف و مبتنی بر مفروضات لایحه بودجه ۱۴۰۰، باید در کوتاهمدت بخش مهمی از این مخارج را اجتناب ناپذیر دانست. این امر موجب این نگرانی در بخش خصوصی شده است که در صورت عدم تحقق منابع حاصل از صادرات نفت یا فروش سهام و اموال دولت، عدم امکان کاهش مخارج، موجب اجبار دولت به استقراض مستقیم یا نامستقیم از بانک مرکزی با انتشار اوراق خارج از ظرفیت اقتصاد ایران شده

و تعرفه‌های و پولی گرفت اما بخش عمده‌ای از این تصمیمات به دلیل ماهیت یک‌ساله بودجه امکان اجرا نمی‌یابند و اگر هم اجرا شوند نه درآمد چندانی برای دولت ایجاد می‌کنند و نه به اهداف از پیش تعیین شده دست پیدامی‌کنند. اما اینگونه تصمیمات مهم‌ترین اثر را بر ناامن کردن محیط کسب‌وکار و عدم اطمینان فعالان اقتصادی دارند. پیشنهاد می‌شود نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی از اتخاذ اینگونه تصمیمات خودداری کنند.

■ متن کامل تحلیل اتاق ایران

نظرات اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران درباره بودجه ۱۴۰۰

مقدمه

بودجه در عموم کشورها مهم‌ترین سند سیاست‌گذاری اقتصادی سالانه است که در آن دولت شناخت خود را درباره مهم‌ترین مسائل اقتصادی و اجتماعی، نحوه اولویت‌بندی مسائل و راه‌حل‌های پیشنهادی برای آنها مطرح می‌کند. بررسی و تصویب این سند توسط مجلس نیز علاوه بر اینکه تأمین‌کننده حقوق عموم مردم به عنوان پرداخت‌کنندگان مالیات و صاحبان منابع عمومی است، ضمانت کافی برای پاسخگویی‌های بعدی مقامات در خصوص منابع عمومی در اختیار را در قبال مجموعه تصمیمات فراهم می‌کند. از دیدگاه اقتصادی در عموم کشورهای پیشرفته، بودجه سالانه فقط محمل سیاست‌گذاری مالی است و از دیدگاه اقتصاد کلان عمدتاً در هنگام بروز چرخه‌های اقتصادی رکودی، سیاست‌های ضد چرخه‌های دولت که موجب خروج از رکود می‌شود مورد توجه فعالان اقتصادی قرار دارد. در این کشورها سیاست‌های مالیاتی و تعرفه‌ای و ارزی دولت‌ها تعریف شده، باثبات و پایدار است و فعالان اقتصادی چون می‌دانند دولت منطق تخصیص منابع توسط سازوکار بازار را پذیرفته است نگران اختلال در عملکرد بازار از طریق سیاست‌های بودجه‌ای نیز نیستند. واقعیت این است که سال‌هاست همه دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری در کشور دریافته‌اند که چارچوب‌های بودجه‌ریزی در ایران دارای ایرادهای ساختاری است و این ایرادها موجب شده است که بودجه سالانه نه تنها توان ایجاد ثبات در متغیرهای اقتصاد کلان مانند نرخ تورم و نرخ ارز و قیمت کالاها و خدمات را ندارد بلکه متأسفانه فعالان اقتصادی همواره نگران تصمیماتی هستند که در فرآیند تهیه و تصویب بودجه و عمدتاً خلق الساعه گرفته می‌شود و علاوه بر بی‌ثباتی متغیرهای اقتصاد کلان، بر محیط کسب و کار فعالان اقتصادی بخش خصوصی اثرات منفی می‌گذارد. علاوه بر این، کشور در چند سال گذشته درگیر یک جنگ اقتصادی بی‌امان بوده است. اگرچه یکی از پایه‌های اصلی این

نفت و گاز در کشور اصلاح ساختار بودجه‌ریزی در کشور را در دستور کار قرار دهند. چنین اصلاحاتی نیازمند استفاده از فرصت‌ها، تصمیم‌گیری‌های دشوار و حمایت گسترده آحاد مردم و کارشناسان است که زمینه‌های آن باید عمدتاً توسط سیاستمداران فراهم شود.

۲- با گفتم‌وگویی صادقانه و صریح با مردم، بخشی از مصارف دولت از طریق تعدیل درصد افزایش حقوق و دستمزد و فوق‌العاده‌های کارکنان، نظارت دقیق بر هزینه کرد بودجه دستگاه‌ها با روش‌هایی مانند پرداخت به ذینفع نهایی و اقداماتی از این قبیل کاهش یابد و متناسب با آن بخشی از منابع غیرقطعی تعدیل شود در صورت عدم پذیرش این پیشنهاد، توصیه می‌شود منابع و مصارف در دو سقف به تصویب برسد و انجام بخشی از مصارف منوط به تحقق منابع احتمالی شود.

۳- تعیین تکلیف سیاست ارزی و حمایتی دولت در بودجه ۱۴۰۰ ضروری است. پیشنهاد مشخص درباره این موضوع آن است که با مابه‌التفاوت قیمت حمایتی کالاها اساسی باقیمت‌ارز مثلاً سامانه نیما به شکل یارانه نقدی به مردم پرداخت شود یا سبد کالای مشخصی تعیین و دسترسی مردم به این سبد با قیمت‌های یارانه‌ای تضمین شود.

۴- در لایحه بودجه ۱۴۰۰ هر گونه استفاده بودجه‌ای از منابع صندوق توسعه ملی حذف شود.

۵- گزارش مستقلی درباره دلایل توجیهی پیش‌بینی رشد ۵۵ درصدی مالیات بر اشخاص حقوقی خصوصی و در عین حال رشد منفی اشخاص حقوقی دولتی مورد نیاز است به گونه‌ای که نشان دهد هر یک از متغیرهایی مانند تورم و نرخ ارز چه تأثیری بر سود شرکت‌ها در بخش‌های مختلف (از قبیل پتروشیمی، فولاد، معدن و غیره) گذاشته‌اند و چه سهمی در این پیش‌بینی دارد. همچنین چه سهمی از این افزایش مربوط به مقابله با فرارهای مالیاتی یا کاهش معافیت‌ها و امتیازهای مالیاتی است.

۶- مجلس شورای اسلامی در تصویب بودجه طی حکمی دقیق روند نامطلوب ۲۰ سال اخیر را تغییر دهد و تخصیص حداقلی از منابع حاصل از نفت و گاز به طرح‌های عمرانی را تضمین کند و دولت تنها مجاز باشد که پس از تخصیص اعتبارات عمرانی و در صورت مازاد منابع حاصل از نفت و گاز بر اعتبارات طرح‌های عمرانی، منابع اضافی را صرف پرداخت هزینه‌های جاری نماید.

۷- حمایت از تولید ملی و تشویق سرمایه‌گذاری و تولید به‌ویژه تولیدات صادرات محور، مهم‌ترین معیار هر نوع تصمیم‌گیرهای درباره احکام و ردیف‌های بودجه‌ای قرار گیرد.

۸- تجربه نشان داده است که در بودجه‌های سالانه می‌توان تصمیمات خلق الساعه مالیاتی و ارزی

و زمینه‌های بروز تورم‌های سطح بالا، جهش مجدد ارزی و افزایش شدید نرخ سود شود. همچنین اگر شرایط صادرات نفت فراهم نباشد، تأکید بر انتشار اوراق افزایش خواهد یافت که در عمل با کاهش منابع قابل تصمیم‌گیری در بازار و افزایش نرخ سود، موجب فشار بر تأمین منابع توسط بخش خصوصی خواهد شد (اثر واگشت).

۲- منابع حاصل از صادرات نفت بخش مهمی از منابع بودجه عمومی دولت در سال ۱۴۰۰ را تشکیل می‌دهد (برحسب فروض مختلف بین ۳۰ تا ۵۰ درصد). صرف نظر از این موضوع، همانند چند سال اخیر بار دیگر از منابع سهم صندوق توسعه ملی برای تأمین مالی مصارف بودجه‌ای استفاده شده است. بررسی عملکرد صندوق توسعه ملی در پرداخت تسهیلات ارزی، سپرده‌گذاری ارزی و تسهیلات ریالی نشان‌دهنده این موضوع است که با وجود صراحت اساسنامه صندوق بر مستقل بودن صندوق توسعه ملی از مصارف بودجه‌ای، در سال‌های اخیر مصارف صندوق توسعه ملی متأثر از قوانین بودجه‌ای بوده است. این اتفاق رویه نامناسبی است که تقریباً در حال از بین بردن ماهیت تشکیل صندوق توسعه ملی است. اساساً صندوق توسعه ملی با هدف تبدیل منابع حاصل از نفت به سرمایه‌های زاینده تشکیل شد و قرار بود که دولت منابع سهم خودش از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز را بردارد و بقیه را به این صندوق واریز کند تا از طریق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی تبدیل به ثروت‌های دارای بازده شود ضمن آنکه استفاده بخش دولتی به صراحت ممنوع شده است، حتی برای استفاده بخش عمومی غیردولتی نیز در اساسنامه قانونی صندوق توسعه ملی قید گذاشته شد. یعنی بیان شد که مجموع تسهیلات اختصاص یافته از منابع صندوق با عاملیت بانک‌ها به موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های تابعه و وابسته در هر حال نباید بیش از بیست درصد (۲۰٪) منابع صندوق باشد. متأسفانه همانند حساب ذخیره ارزی فلسفه وجودی این صندوق فراموش شد. یکی از سازوکارهای تقویت بخش خصوصی از طریق این

صندوق است و در عمل به چنین احکام قانونی است که دولت‌ها و مجالس باید نشان دهند که به گسترش بخش خصوصی اهتمام دارند.

۳- رقم مالیات‌های مستقیم در کل و رقم مالیات بر اشخاص حقوقی غیردولتی در لایحه بودجه ۱۴۰۰ نسبت به قانون بودجه ۱۳۹۹ به ترتیب حدود ۵۰ درصد و ۵۵ درصد افزایش یافته است. اگرچه بخشی از این افزایش به دلیل نرخ بالای تورم و در مواردی نرخ ارز است اما با توجه به آثار شیوع کرونا بر کسب و کارها در سال ۱۳۹۹ این نگرانی وجود دارد که رشد ارقام مالیاتی در چنین سطحی موجب فشار مضاعف عوامل وصول مالیات بر کسب و کارهای شناخته شده و رسمی شود.

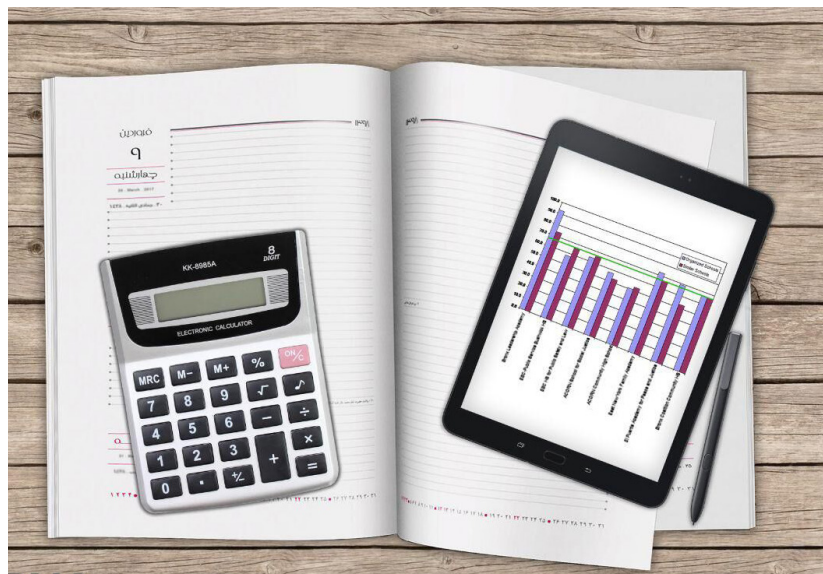
۴- شیوه ورود منابع ارزی حاصل از نفت و گاز به بودجه در ایران به گونه‌ای است که متغیرهایی مانند قیمت ارز، قیمت نفت و مقدار صادرات نفت را به متغیرهای سیاست مالی تبدیل کرده است و همین موضوع زمینه تورم پایدار دورقمی و گسترش بی‌رویه مخارج دولت را در پنج دهه اخیر فراهم کرده است. با وجود هدف‌گذاری چند برنامه پنج ساله توسعه برای کاهش وابستگی بودجه دولت به منابع حاصل از صادرات نفت، آنچه موجب کاهش اجباری سهم اینگونه منابع در بودجه در دو سال اخیر شد تحریم‌های اقتصادی و کاهش منابع در دسترس بوده است که یکی از آثار آن افزایش شدید قیمت ارز و چند نرخ شدن ارز شد. علاوه بر این یکی از اهداف مهم سیاست‌های ارزی دولت در سه سال اخیر، کنترل قیمت کالاهای اساسی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر از طریق تخصیص ارز به قیمت ترجیحی بوده است. سیاستی که بر اساس گزارش‌های متعدد کارشناسی به هدف خود نرسیده است. یکی از ویژگی‌های لایحه بودجه ۱۴۰۰، مبهم بودن سیاست ارزی و حمایتی دولت است.

۵- یکی از ضعف‌های نهادی بودجه‌ریزی در ایران، بی‌اعتبار بودن ترازهای بودجه‌ای مصوب مجلس شورای اسلامی است. بدان معنا که اگر چه به هنگام تهیه و تصویب بودجه با تعیین ارقام درآمدها، هزینه‌ها و واگذاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و

مالی، ترازهای عملیاتی و تملک سرمایه‌ای و مالی تعیین می‌شود اما در عمل با سازوکار تخصیص، بخش عمده عدم تحقق منابع نسبت به ارقام مصوب، از طریق عدم تخصیص اعتبارات مصوب به طرح‌های عمرانی جبران می‌شود. این امر در شرایطی که سهم اعتبارات هزینه‌ای و بازپرداخت بدهی‌های دولت از مصارف کشور در حال افزایش است در عمل موجب شده است تا سهم کمتری از منابع کشور صرف طرح‌های عمرانی شود، به گونه‌ای که طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۸ نسبت عملکرد اعتبارات عمرانی به اعتبارات هزینه‌ای با وجود نوسانی بودن، در مجموع سیر نزولی داشته است و به تدریج از ۴۵ درصد در سال ۱۳۷۶ به حدود ۱۴ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است. طبق ارقام لایحه بودجه- در صورتی که ۱۰۰ درصد اعتبارات عمرانی تخصیص داده شود که طبعاً دور از انتظار است - این نسبت حدود ۱۶ درصد خواهد بود. این موضوع در کنار افزایش قیمت فزاینده کالاها و مصالح و خدمات فنی و مهندسی مورد نیاز اجرای طرح‌های عمرانی در کشور، موجب کاهش شدید قدرت خرید اعتبارات عمرانی تخصیص یافته و افزایش قیمت تمام شده طرح‌های عمرانی شده است. این در حالی است که یکی از مزیت‌های ایران، توان فنی و مهندسی موجود در کشور است که در قالب بخش پیمانکاری کشور فعال هستند. عدم تخصیص به موقع و کافی اعتبارات عمرانی به معنای بیکار بودن قسمت مهمی از ظرفیت شرکت‌های فعال در این حوزه است.

۶- با وجود ایجاد ظرفیت‌های قانونی تسهیل‌گر امر مشارکت عمومی - خصوصی در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ تحرک قابل ملاحظه‌ای در واگذاری پروژه‌های تملک دارایی سرمایه‌ای به چشم نمی‌خورد که طبیعتاً بخشی از آن تحت تأثیر شرایط اقتصاد کلان کشور است. بررسی تجربیات جهانی در زمینه مشارکت عمومی - خصوصی این واقعیت را نشان می‌دهد که دولت‌ها در هنگام مواجهه با کاهش منابع عمومی به سمت مشارکت عمومی - خصوصی می‌روند و منابع جذب شده از بخش خصوصی در حوزه زیرساخت، عدم کاهش سرعت توسعه زیرساخت کشور در زمان مواجهه با تنگنای مالی دولت‌ها را ضمانت می‌کند. علاوه بر ملاحظات مربوط به پایش تعهدات قراردادهای مشارکت عمومی و خصوصی، مسائل ناظر بر فرآیند واگذاری پروژه‌ها و عدم شفافیت آن و همچنین مشکلات تأمین مالی این قراردادهای عمده چالش‌هایی است که سبب کاهش انگیزه بخش خصوصی برای مشارکت در اینگونه پروژه‌ها شده است.

۷. تصمیمات بودجه‌ای دولت بر فضای کسب و کار بخش خصوصی اثرگذار است. یکی از این موضوعات، تصمیمات مربوط به افزایش حقوق و دستمزد در





استفاده از منابع حاصل از تولید (نه فقط صادرات نفت و گاز در کشور است و اگر کارهایی تحت عنوان اصلاح نظام بودجه‌ریزی در دستور کار قرار گیرد به این دو موضوع نپردازد، فایده چندانی نخواهد داشت. اصلاحات مزبور نیازمند استفاده از فرصت‌ها، تصمیم‌گیری‌های دشوار و حمایت گسترده آحاد مردم و کارشناسان است که زمینه‌های آن باید عمدتاً توسط سیاستمداران فراهم شود.

۲- منابع و مصارف بودجه جنبه پیش بینی دارد و هر پیش بینی مبتنی بر درجه‌ای از عدم قطعیت است. این امر به معنای آن نیست که مقام تهیه یا تصویب‌کننده به دلخواه خود مجاز است منابع و مصارف را با هر درجه‌ای از عدم قطعیت در بودجه منظور کند. منابع بودجه ۱۴۰۰ ریسک‌های عمده‌ای را متوجه ثبات اقتصاد کلان می‌کند. دلیل تصمیم دولت برای انتخاب چنین ترکیبی از منابع برای بودجه ۱۴۰۰، حجم و ترکیب مصارف است. پیشنهاد اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران مبتنی بر توضیحات بندهای قبلی آن است که با گفت‌وگوی صادقانه و صریح با مردم، بخشی از مصارف دولت از طریق تعدیل درصد افزایش حقوق و دستمزد و فوق‌العاده‌های کارکنان، نظارت دقیق بر هزینه کرد بودجه دستگاه‌ها با روش‌هایی مانند پرداخت به ذینفع نهایی و اقداماتی از این قبیل کاهش یابد و متناسب با آن بخشی از منابع غیرقطعی تعدیل شود در صورت عدم پذیرش این پیشنهاد توصیه می‌شود منابع و مصارف در دو سقف به تصویب برسد و انجام بخشی از مصارف منوط به تحقق منابع احتمالی شود.

۳- تعیین تکلیف سیاست حمایتی دولت در بودجه ۱۴۰۰ ضروری است. همان‌گونه که ذکر شد ارقام بودجه در این باره دارای ابهامات زیادی است اما برخی مقامات سازمان برنامه و بودجه بر

مبنای آن اصول، قوانین بودجه‌ریزی جزئیات کار را تعیین می‌کنند. موضوعاتی از قبیل حق و شیوه وضع مالیات، حقوق هر یک از قوا در فرآیند بودجه، نحوه سازمان‌دهی دریافت‌ها و پرداخت‌های کشور توسط خزانه و وحدت خزانه، نحوه نظارت بر بودجه، ساختار اجرایی کشور و غیره از جمله مهم‌ترین موضوعات است. متأسفانه پس از انقلاب اسلامی اهتمام لازم برای ایجاد یک چارچوب حقوقی منسجم و شفاف و دقیق درباره موضوعات فوق منطبق بر ساختار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ساختن نظریه‌ای برای شکل‌دهی به کارکردهای دولت، وجود نداشته است. در کنار این امر، فقدان مبانی نظری روشن درباره موضوعاتی مانند عدالت، توسعه ملی و منطقه‌ای، نحوه سازگاری خواسته‌های محلی با اهداف و ظرفیت‌های ملی، نحوه ساماندهی امور اجرایی در قوه مجریه، تعریف جامع و مانع منابع عمومی و غیره موجب شده است که با وجود توسعه زیرساخت‌ها و گسترش آموزش و بهداشت، عوارضی مانند نظام اداری گسترده و پرهزینه در کشور و چند پارچه در کشور، اتلاف وسیع منابعی مانند آب و انرژی، تخریب محیط زیست و محیط کسب و کار نامناسب برای فعالیت بخش خصوصی بروز کند. مهم‌ترین توصیه بخش خصوصی آن است که قوه مجریه و مقننه با درک درست و کامل از اهمیت موضوع، نسبت به اصلاح ساختار بودجه‌ریزی در کشور اقدام کنند. تحریم‌های اخیر به‌ویژه ایجاد محدودیت گسترده برای صادرات نفت ایران، ضمن آنکه عمق وابستگی اقتصاد ایران و دولت به این منبع را به دلیل مدیریت‌های ناصحیح قبلی نشان داد، موجودیت و مقبولیت نظام سیاسی کشور را هدف گرفته بود. به عقیده بسیاری از کارشناسان، دو هدف اساسی اصلاحات ساختاری بودجه، بازآفرینی ساختار اجرایی کشور و بازتعریف نحوه مدیریت و

بودجه است که آثار خود را در میزان درخواستی برای افزایش دستمزدها برای سال ۱۴۰۰ نشان خواهد داد. همه دست اندرکاران به لحاظ کاهش خانوارهای کشور در چند سال اخیر به لحاظ کاهش سطح رفاه اذعان دارند و گزارش‌های رسمی از جمله گزارش «برنامه دوسالانه دولت» که سال گذشته توسط سازمان برنامه و بودجه منتشر شد اذعان دارد که درآمد به قیمت‌های ثابت از حدود ۷۴ میلیون ریال سال ۱۳۹۰ به حدود ۴۸ میلیون ریال در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است. بخشی از این کاهش به کم‌رشدی و حتی توقف رشد اقتصادی کشور در دهه ۹۰ مربوط است و بخشی به تورم. تجربه کشورهای مختلف اعم از توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد راه‌حل مقابله با فقر، افزایش سرمایه‌گذاری و تولید و همزمان کنترل تورم است. در غیر این صورت در مسابقه افزایش حقوق و دستمزد و تورم، تورم برنده بوده است. در حالی که مقامات محترم دولت و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی دایماً از تورم فزاینده در کشور گلایه دارند و به سمت کنترل دستوری قیمت‌ها حرکت کرده‌اند، افزایش فزاینده دستمزدها در بخش خصوصی با توجه به سهم قابل توجه هزینه‌های نیروی انسانی در قیمت تمام شده کالاها و خدمات موجب افزایش قیمت تمام شده می‌شود که در ترکیب با حجم نقدینگی موجود در کشور، تورم فزاینده را به دنبال خواهد داشت.

۸- با وجود ارسال زودتر بودجه شرکت‌های دولتی به مجلس شورای اسلامی در پی اصلاح آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در اواخر مجلس دهم، هنوز گزارش دقیق، علنی و روشنی درباره کیفیت بودجه این شرکت‌ها که حجم منابع و مصارف آن طبق لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومان است منتشر نشده است. سرمایه‌های این شرکت‌ها متعلق به عموم مردم است و مردم حق دارند تا علاوه بر گزارش‌های مالی دقیق، گزارش‌های کارشناسی درباره عملکرد سرمایه‌های در اختیار این شرکت‌ها را در اختیار داشته باشند. ترکیب هزینه‌های این شرکت‌ها، نسبت سود به سرمایه، هزینه تمام شده محصولات و سایر نسبت‌های مالی از جمله شاخص‌های مهمی است که مقایسه عملکرد آنها با شرکت‌های مشابه داخلی و خارجی را امکان پذیر می‌سازد و سنججهایی برای ارزیابی عملکرد آنها را فراهم می‌کند.

پیشنهادها

۱- بودجه، عالی‌ترین سند گفت‌وگوی قوه مقننه و مجریه با یکدیگر و همزمان با آحاد مردم یک کشور است. این گفت‌وگو به حدی اهمیت دارد که در اغلب کشورها چارچوب‌های حقوقی آن در اصول متعددی از قانون اساسی تعیین می‌شود و بر



وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرد

۱۶ میلیون ایرانی زیر خط فقر مطلق

دهک‌های کم‌برخوردار در حوزه معیشتی دارد. بر اساس گزارشی که از سوی معاونت رفاه اجتماعی وزارت رفاه و تعاون تهیه شده، ۲۰ درصد خانوارهای ایران زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند که با توجه به جمعیت ۸۳ میلیونی کشور می‌توان گفت حدود ۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از جمعیت ایران از استانداردهای لازم برای تامین حداقل نیازهای روزانه برخوردار نیستند. در بخشی از این گزارش آمده است: «فقر مسال‌های پیچیده و دارای ابعاد گوناگون است که همین پیچیدگی‌اش منجر به این می‌شود که راهکارهای از پیش مشخص شده برای از بین بردن یا کاهش آن کارایی لازم را نداشته باشند. عوامل گوناگونی هستند که منجر به ایجاد یا تشدید فقر و نابرابری می‌شوند و برای مبارزه با فقر، یکی از مهم‌ترین اقدامات، شناخت و جلوگیری از ایجاد این عوامل است. این عبارت معروف که پیشگیری مهم‌تر از درمان است، در خصوص مساله فقر و نابرابری نیز صدق می‌کند. در حال حاضر یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد فقر و نابرابری، تعارض منافع است که عملکرد دستگاه‌های گوناگونی را که وظیفه خدمت‌رسانی به مردم را دارند مختل می‌کند. اختلال در عملکرد سیستم خصوصاً سیستم‌های دولتی باعث می‌شود نتیجه و خروجی مورد انتظار به دست نیاید و از سوی دیگر زمینه و بستر لازم برای بروز انواع فسادهای بوروکراتیک و مالی

نسبی به حالتی گفته می‌شود که افراد سطح زندگی و معیشتی پایین‌تری را از سایرین تجربه می‌کنند. این در حالی است که فقر مطلق بر نداشتن حداقل‌های معیشتی، فارغ از جنبه مقایسه‌ای آن با سایر گروه‌های درآمدی تاکید دارد. بر اساس این تعریف فقر مطلق به گروهی اشاره دارد که درآمد لازم برای تامین یک سبد یکسان مصرفی که مشتمل بر حداقل‌های معیشتی همچون غذا، پوشاک و مسکن ... است را در اختیار ندارد. به این ترتیب این گروه از افراد جامعه ناچارند از تامین برخی نیازهای اساسی و ضروری زندگی خود دست بشویند و به کمترین استاندارد برای تداوم حیات مطابق یک زندگی حداقلی راضی شوند. در عین حال خط فقر خشن یا گرسنگی نیز پایین‌ترین رده‌های درآمدی یک جامعه را شامل می‌شود. این خط فقر هنگامی کاربرد دارد که معیارهای خط فقر نسبی و حتی فقر مطلق پاسخگو نباشد.

■ ۲۰ درصد خانوارها زیر خط فقر مطلق

با توجه به عدم اعلام رسمی خط فقر از سوی مقامات دولتی نمی‌توان تصویر دقیق و روشنی از وضعیت خانوارهای ایرانی زیر بار گرانی‌های اخیر ارائه داد. با این حال برآوردی که اخیراً انجام شده نشان از وضعیت نگران‌کننده و تکان‌دهنده

تازه‌ترین برآوردهای انجام‌شده نشان می‌دهد ۲۰ درصد ایرانیان زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند. به این ترتیب بیش از ۱۶ میلیون نفر از جمعیت کشور دسترسی کافی به حداقل‌های معیشتی را ندارند و سبد مصرفی آنها خالی از اقلام مصرفی و مورد نیاز روزانه است. توالی رشد قیمت کالاهای خوراکی که ضریب اهمیت بالایی در سبد معیشتی دهک‌های کم‌برخوردار دارد نیز خبر از عدم تکافوی درآمد این افراد برای تامین یک زندگی سالم می‌دهد. هر چند عوامل بسیاری در کاهش قدرت خرید خانوارهای ایرانی دخیل هستند اما روشن است که افزایش نرخ فقر در سایه عملکرد ضعیف اقتصاد اتفاق افتاده است. از میان معدود عواملی که به گسترده‌گی فقر در جامعه ایران منجر شده، ناکارآمدی سیاست‌های دولت نقش پررنگ‌تری دارد. اگرچه نهادهای تصمیم‌گیر همواره و در هر شرایطی شعار کاهش نابرابری را یدک می‌کشند اما این برنامه‌ها و سیاست‌ها هیچگاه در مسیر کاهش فقر و برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی نبوده است. برای آنکه بتوانیم تصویر دقیق و روشنی از وضعیت نابرابری در میان خانوارهای ایرانی ارائه دهیم لازم است بین مساله فقر مطلق و نسبی تفاوت قائل شویم. بر اساس دانسته‌های اقتصادی، فقر

هر کدام یکی از ابعاد فقر چندبعدی را تشکیل می‌دهند و عبارتند از حوزه مالی و بانکی، حوزه آموزش و پرورش، حوزه انرژی (گاز و برق)، حوزه مسکن و حوزه بهداشت. انجام پژوهش میدانی درباره تعارض منافع در حوزه آب: از آنجایی که دسترسی به آب در بخش‌های مختلف کشاورزی، صنعت و آب شرب یکی از مهم‌ترین فاکتورهای اندازه‌گیری فقر و نابرابری در کشور (خصوصاً با وجود آب و هوای خشک و نیمه‌خشک در کشور ما) محسوب می‌شود، تعارض منافع در حوزه آبرسانی می‌تواند موضوع قابل توجهی برای بررسی دلایل ساختاری و سازمانی نابرابری در دسترسی به آب محسوب شود. حمایت‌طلبی اجتماعی: مشکل تعارض منافع برای حل شدن نیاز به حمایت عمومی از طرف جامعه دارد. حساس کردن جامعه نسبت به این موضوع، ایجاد مطالبه‌گری از طریق نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی، مطبوعات و رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و... از جمله اقداماتی است که در آینده صورت خواهد گرفت. تعامل با دستگاه‌های اداری مختلف برای مدیریت تعارض منافع: دیگر اقدامی که در آینده در برنامه‌ریزی‌ها قرار خواهد گرفت، ایجاد بسترهای مختلف برای تعامل با وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و سایر نهادهایی است که به دلیل تعارض منافع دچار مشکل ناکارآمدی و فساد هستند و از این طریق می‌توان با عزم جدی‌تری برای مدیریت تعارض منافع، حمایت نهادهای مختلف اداری و سیاسی را نیز به دست آورد.

در کنار اهمیت مباحث اشاره شده عدم اعلام ارقام واقعی خط فقر از سوی نهادهای دولتی نیز به چالشی اساسی تبدیل شده است. درحالی‌که مراکز آماری نقش مهمی در ارائه آمار به روز و دقیق از وضعیت متغیرهای اقتصادی و همچنین وضعیت معیشتی و اقتصادی خانوارها دارند اما گزارش و آمار دقیقی از خط فقر ارائه نمی‌شود. این در حالی است که ارائه آمارهای دقیق و جامع از این مساله موجبات تغییر رویه سیاستگذاری را از سوی مقامات مسئول فراهم می‌آورد. بدیهی است اگر دولت به این مساله آگاه باشد که چه تعداد از افراد جامعه قادر به تامین حداقل‌های زندگی نیستند می‌تواند گام‌های بلندتری در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و حمایت از خانوارها بردارد. این تنها راهی است که می‌تواند باعث افزایش چانه‌زنی در خصوص وضعیت معیشت گروه‌های کم‌برخوردار شود تا شاید بتوان در مسیر درست کاهش نابرابری و برقراری عدالت حرکت کرد.

یک زندگی سالم را ندارند توانسته‌اند مسکن مناسب و نیازهای اساسی روزانه را برای خود تهیه کنند؟ به نظر می‌رسد پاسخ این پرسش نیازمند یک جامعه آماری کامل است که در آن نشان دهد چند درصد از این افراد به دلیل عدم برخورداری از درآمد کافی به ناچار به حاشیه شهرها مهاجرت کرده‌اند.

■ مقابله با فقر؛ چگونه

بدیهی است یارانه دریافتی از سوی دولت نیز با وجود افزایش لجام‌گسیخته قیمت‌ها نمی‌تواند جوابگوی نیازهای اساسی این خانوارها باشد. در بحبوحه گران‌ها و مشکلات معیشتی خانوارهای ایرانی اما نمایندگان مجلس در حال تدارک دیدن طرحی هستند که دولت را ناچار می‌کند ۳۰ هزار میلیارد تومان منابع درآمدی را برای حمایت از ۶۰ میلیون ایرانی اختصاص دهد. اگرچه مجلسی‌ها هدف غایی این طرح را حمایت از معیشت گروه‌های کم‌درآمد عنوان می‌کنند اما با توجه به اثرات مقطعی این طرح نمی‌توان به ریشه‌کن شدن فقر، به‌ویژه فقر مطلق امیدوار بود. ضمن آنکه به دلیل عدم تکافوی منابع درآمدی در دست دولت اجرای چنین طرحی می‌تواند به خودی خود پیامدهای توری جدیدی به همراه داشته باشد که در نهایت به زیان گروه‌های کم‌درآمد خواهد بود. در گزارش معاونت اجتماعی رفاه اجتماعی به مقابله با فقر به روش‌های گوناگون اشاره شده است. در بخش دیگری از این پژوهش آمده است «مقابله با فقر تنها در صورت مواجهه فعال با عوامل ایجاد آن در سطوح کلان و خرد ممکن است. تدوین سند مقابله با فقر به عنوان یک اولویت راهبردی می‌تواند مسیر تحولات آتی نه تنها در حوزه رفاه اجتماعی بلکه در سطوح کلان‌تر تصمیم‌گیری را نیز به دنبال داشته باشد. یک سند فقر در صورتی موثر خواهد بود که در سه سطح دلایل ایجاد فقر، شناسایی فقرا و حمایت از فقرا به موضوع بپردازد». با توجه به آنکه این مرکز پژوهشی تعارض منافع را یکی از دلایل روشن عدم توفیق در کاهش فقر می‌داند به اقداماتی اشاره کرده که پیگیری آن می‌تواند در این مسیر دولت را به موفقیت برساند.

■ چالش عدم اعلام خط فقر رسمی

این گزارش اشاره می‌کند «در شکل‌گیری یا بدین منظور، معاونت رفاه اجتماعی پروژه‌هایی را تعریف کرد که طی آنها در حوزه‌های مختلفی که مستقیماً تشدید فقر دخیل و موثر هستند مساله تعارض منافع را بررسی کند. این حوزه‌ها،

فراهم شود. فساد نیز به خودی خود یکی از مهم‌ترین عوامل تشدید فقر و نابرابری در جامعه است که پیامدهای دیگری از جمله بی‌اعتمادی به حاکمیت یا بروز اعتراض‌های اجتماعی و سیاسی را نیز به همراه خواهد داشت. در حال حاضر دست کم ۲۰ درصد جمعیت کشاورز زیر خط فقر مطلق قرار دارند. از طرفی با توجه به شرایط ناشی از کاهش رشد اقتصادی، تورم مزمن، تحریم و انواع بلایای طبیعی، فقدان وجود راهبرد مقابله با فقر در این شرایط خاص بر جمعیت فقرا اضافه خواهد شد. بالطبع این موضوع می‌تواند انواع تهدیدات اجتماعی، سیاسی و امنیتی بعدی را به دنبال داشته باشد.»

■ تعارض منافع در مقابله با فقر

این گزارش تلویحاً اعلام می‌دارد که فقر موضوعی ریشه‌دار در نظام اقتصادی ایران است که دستاویز منافع جناح‌ها و گروه‌های سیاسی شده است. این موضوع این معنا را می‌رساند که ریشه‌کنی فقر اگر با منافع گروه‌های قدرت همسو نباشد امکان تحقق شعار کاهش نابرابری که در تمام دولت‌های بعد از انقلاب به گوش رسیده وجود نخواهد داشت. برای درک بهتر وضعیت معیشتی خانوارهای ایرانی می‌توان به آمار گرانی‌های اخیر اشاره کرد. گزارش اخیر مرکز آمار نشان داده موتور رشد قیمت‌ها فعال شده و چنانچه سیاستگذار نتواند ترمز گرانی را بکشد در ماه‌های پیش رو شاهد دامنه‌دار شدن رشد قیمت‌ها و سقوط بیشتر خانوارها به زیر خط فقر خواهیم بود. مطابق آمارهای ارائه‌شده نرخ تورم نقطه به نقطه در مهر ماه به ۴۱/۴ درصد رسیده است. به این ترتیب خانوارهای ایرانی برای خرید یک مجموعه کالا و خدمات یکسان بیش از ۴۰ درصد نسبت به مهر سال گذشته هزینه کرده‌اند. بدیهی است این نرخ سبب مصرفی خانوارها را هدف گرفته و موجب شده درآمد افراد کفاف مخارج روزانه آنها را ندهد.

اگر سری به نرخ تورم کالاهای خوراکی و غیرخوراکی بزنیم متوجه می‌شویم که معیشت دهک‌های کم‌برخوردار بیش از سایر گروه‌ها تحت تاثیر گرانی‌های اخیر قرار گرفته است. بر اساس آمارهای این مرکز ضریب اهمیت مسکن و کالاهای خوراکی در سبد معیشتی خانوارها به ترتیب ۳۵ و ۲۶ درصد است. به این ترتیب بخش زیادی از درآمد خانوارها صرف تامین این دو نیاز ضروری می‌شود. اما رشد ۴۰/۵ درصدی قیمت کالاهای خوراکی و ۲۶ درصدی مسکن این سوال را ایجاد می‌کند که آیا ۱۶ میلیون نفری که درآمد کافی برای تامین

نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد

پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌های فساد



اقتصادی» را شناسیم و سرچشمه‌های آن را پیدا کنیم پیامدهای آن هر دو حالت گول و میکروب را پیدا می‌کنند. گول فساد اقتصادی با گام‌های سنگین و مهیب خویش جامعه را له کرده و ویران می‌سازد و از جسد آن عبور می‌کند. موربانه فساد اقتصادی نیز می‌تواند در چارچوب و پیکره جامعه و اقتصاد خانه بسازد و آرام آرام آن را از درون تهی کند. ریشه‌های فساد اقتصادی نیز در جایی دور در پشت ابرها یا در نوک کوه‌ها یا اعماق دریاها قرار ندارد که نتوان آن را دید.

■ بدتر شدن در عین اصرار و شعار

علی‌اصغر پورعزت، داود کیاکجوری و یوسف تقی‌پوریانی گیلانی در یک پژوهش انجام شده برای انتشار در یکی از نشریه‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام با مطالعه ۵۰ مقاله‌ای از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ و همچنین ۵۰ مقاله علمی-پژوهشی داخلی منتشر شده از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ عوامل و دلایل پدیدار شدن و بروز فساد (پیش‌ران‌ها) و مهار فساد (پس‌ران‌ها) را شناسایی و استخراج کرده‌اند. در چکیده این پژوهش آمده است: «هرچند جامعه ایران، جامعه‌ای همراه با گرایش‌های مذهبی و ملی است که همه جریان‌های مدعی در آن فساد را پدیده‌ای زشت دانسته و همواره بر مبارزه با آن تاکید کرده‌اند اما در

و شماری دیگر را به حبس‌های درازمدت محکوم کنیم. با این همه اما دقت در رفتار، گفتار و نتیجه‌ها و بحث‌ها، نوشته‌ها و گفته‌ها درباره مقوله مبارزه با فساد اقتصادی در ایران در سه دهه پس از پایان جنگ و مقایسه آن با کشورهایی مثل سنگاپور، هنگ کنگ، انگلستان و آمریکا نشان می‌دهد کشورهای نام‌برده در این مقوله پیشرفت داشته‌اند اما در ایران روندی معکوس طی شده است. واقعیت این است که روش و اهداف مبارزه با فساد اقتصادی در ایران نقص‌هایی دارد که اگر برطرف نشوند، همه شعارهای داده شده به ضد خودش تبدیل می‌شود و به نامیدی کامل شهروندان منجر خواهد شد.

■ کوه و اتم

برخی افراد و گروه‌ها و دیدگاه‌ها تصور می‌کنند «فساد اقتصادی» گول کوه‌پیکری است که وقتی ظاهر شود آدم و عالم آن را می‌بینند و فقط کافی است نیرویی مزاد بر نیروی آن گول فراهم شود تا آن را مهار کرده و به حبس بکشد. برخی دیگر اما تصور می‌کنند «فساد اقتصادی» میکروب بسیارریزی است که جز با چشم‌های مسلح به میکروسکوپ نمی‌توان آن را دید و بنابراین باید هزاران نفر با چشم‌های گرد شده و چسبیده به میکروسکوپ آن را رصد کرده و به محض دیدن، آن را در دام ببنداند. البته اگر «فساد

شاید در میان همه کشورهای منطقه و حتی در جهان مقام‌های سیاسی و اقتصادی، رهبران احزاب و گروه‌های سیاسی و نیز روشنفکران ایران رکورددار ضرورت طرح مبارزه با فساد و نیز مقابله با فساد اقتصادی باشند. مبارزه با فساد اقتصادی در ایران در سال‌های پس از پایان جنگ در کانون توجه بوده و هست. افشاگری پراکنده روزنامه‌های منتقد مانند کیهان و سلام در دهه ۱۳۷۰ و پس از آن، داغ شدن بحث مبارزه با ثروت‌های بادآورده اواسط دهه یادشده و بحث‌هایی که در دهه ۱۳۸۰ در سطوح گوناگون رخ داد و محمود احمدی‌نژاد با آویزان شدن از موضوع مبارزه با فساد، از آن بالا رفت راز یاد نمی‌بریم. علاقه‌مندان به اقتصاد سیاسی یادشان هست عباس پالیزدار در دهه ۱۳۸۰ چه موجی از داستان و زاویه‌های دیده نشده درباره فساد راه انداخت. در شرایطی که دست‌کم ۱۳ نهاد گوناگون در سه قوه اداره‌کننده کشور متولی نظارت بر اجرای قانون‌ها و مقررات جلوگیری از فساد در کشورند، اما دیدیم که در سه سال تازه‌سپری‌شده بیشترین دادگاه‌های فساد برگزار شده و مدیران ارشد قوه قضاییه تاکید دارند این مسیر را ادامه داده و اجازه نمی‌دهند فساد گسترش یابد. در سال‌های اخیر توانسته‌ایم سلطان قیر و سلطان سکه و سلطان قبر و سلطان‌های دیگر را شناسایی و به دادگاه کشانده و برخی از آنها را اعدام

در دست‌بندی سیاسی باید به ثبات سیاسی و توسعه دموکراسی و نیز تقویت جامعه مدنی اشاره کرد. همچنین باید در پس‌راندن فساد در حوزه سیاست عزم جدی و اراده سیاسی مسئولان برای مهار و مقابله با فساد، ایجاد نهاد مستقل مبارزه با فساد، اعتماد به نخبگان سیاسی، تقویت با نهادهای بین‌المللی، تقویت رسانه‌های مستقل در امر اطلاع‌رسانی در خصوص مبارزه با فساد، استقلال نسبی بخش اقتصادی از نهادهای سیاسی و سازمان‌ها، تقویت بخش خصوصی، آزادسازی تجارت و حذف نهادهای استثنا شده از نظارت توجه کافی صورت پذیرد.

پس‌ران‌های مدیریتی

به نظر پژوهشگران یاد شده در صورتی می‌توان فساد را به پس‌راند که در سرچشمه‌های مدیریتی به برخی از عوامل مهم توجه کافی صورت پذیرد. از نظر این پژوهش وجود رضایت شغلی و ایجاد اطمینان از

پیش‌ران‌های قانونی

نتایج بررسی این پژوهش درباره رشد فساد در ایران و مبارزه غیرموثر رخ داده با این پدیده همچنین نشان می‌دهد در بستر قانونی و مقررات وضع شده در ایران نیز عواملی هستند که فساد را به پیش می‌برند. کیفیت پایین قانون‌های مصوب در نهادهای قانونگذاری، حاکم نشدن همین قانون‌های مصوب در مناسبات میان نهادها و رفتارها، نبود حمایت کافی و لازم از گزارشگران و خبردهندگان و کسانی که فسادها را می‌بینند، نبود راهبرد یکپارچه و استقلال در سازمان‌های مبارزه با فساد از مهم‌ترین پیش‌ران‌های فساد در بخش قانونی است.

پیش‌ران‌های فرهنگی و اجتماعی

بخشی از فسادهای رخ داده در ایران به ناتوانی و ناکارآمدی مقوله‌های بسیار با اهمیت امور اجتماعی

عمل شاهد شیوع فساد هستیم که مسیر بسیاری از پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی را مسدود کرده و هزینه‌های هنگفتی بر دوش مردم گذاشته است. رتبه شاخص ادراک فساد اداری در ایران در سال ۲۰۱۹ از بین ۱۸۰ کشور، ۱۴۶ بوده و نمره ایران ۱۰۰ شده است. بررسی روندها و فرآیندها نشان می‌دهد وضعیت فساد در ایران بدتر شده است. با توجه به محاسبه‌های انجام شده در کشورهای جهان معلوم شده است هزینه فساد بر اقتصاد کشورها به‌طور میانگین معادل پنج درصد تولید ناخالص داخلی است و هزینه انجام کسب‌وکار را تا ۱۰ درصد افزایش می‌دهد. به این ترتیب اگر ارزش تولید ناخالص داخلی ایران را برابر با ۵۰۰ میلیارد دلار فرض کنیم فساد موجود در ایران ۲۵ میلیارد دلار بر اقتصاد ملی هزینه تحمیل می‌کند که برابر با ارزش صادرات کل فرآورده‌های پتروشیمی و فلزات اساسی است.

پیش‌ران‌های فساد

بر اساس مشاهده‌ها و بررسی‌های انجام شده درباره پیش‌ران‌های فساد و همچنین ملاحظه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، قانونی، فرهنگی و... در بروز فساد و با در نظر گرفتن شباهت‌های محتوایی پیش‌ران‌ها با یکدیگر با استفاده از کدگذاری محوری تلاش شد پیش‌ران‌های یاد شده در دسته‌های گوناگون دسته‌بندی شود. در ادامه به برخی از این دسته‌بندی‌ها اشاره می‌شود:

پیش‌ران‌های سیاسی

پژوهشگران نامبرده شده با بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که بی‌حرکتی تجارت خارجی ایران به سوی تجارت آزاد، نبود رسانه و مطبوعات آزاد و مستقل، بی‌اعتمادی به دولت و باور به ناکارآمدی آن، رانتی بودن اقتصاد ایران، دولتی بودن اقتصاد و تسلط دولت بر اغلب فعالیت‌های اقتصادی، رشد شتابان تورم و وجود نهادهای استثنا شده از حساسی و نبود شاخص‌های ملی سنجش فساد از جمله پیش‌ران‌های سیاسی در بروز و رشد پدیده فساد به حساب می‌آیند.

پیش‌ران‌های ساختاری

این گروه از پژوهشگران باور دارند شماری از دلایل و عوامل در بروز و ظهور فساد را می‌توان به ساختارهای اداره کشور مرتبط دانست. ساختارهای اداری فسادزا، بی‌اعتنایی به روش‌های پیشگیرانه، وجود ارتباطات فسادزا، قدرت بالاتر دیوان سالاران و دسترسی به منابع اقتصادی در اختیار آنها، نفوذ تدریجی فساد میان افراد و فقدان همکاری و سازگاری بین نهادهای دولتی شماری از دلایل ساختاری بروز فساد است.



تامین اقتصادی و آینده شغلی کارکنان دولت و نیز مهار انگیزه‌ها و رفتارهای منفی مثل قدرت طلبی و شهرت طلبی بازدارنده، تعامل و صمیمیت سازمانی و جلوگیری از سلطه‌جویی سازمانی و اطلاع‌رسانی به ارباب‌رجوع درباره حقوق خود از عوامل پس‌ران در مبارزه با فساد به حساب می‌آیند که در ذیل پس‌ران‌های مدیریتی جای می‌گیرند.

پس‌ران‌های قانونی

برخی از مهم‌ترین عوامل پس‌ران در مبارزه با فساد از نظر این پژوهش را نیز اصلاح و ایجاد قانون‌ها و رویه‌های کارآمدتر برای به دست آمدن بیشتر اعتماد عمومی، وضع مجازات‌های بازدارنده نیرومند برای مهار فساد، شفاف‌سازی جریان اطلاعات اقتصادی، ایجاد و حمایت از به کارگیری سازوکارهای تشویقی برای رفتارهای مناسب و حمایت از سوت‌زنان و اطلاع‌دهندگان موارد فساد رخ داده دانست.

و فرهنگی برمی‌گردد که از نظر این پژوهشگران فقدان اعتماد عمومی و وجود سرمایه اجتماعی منفی و تسلط هنجارهای منفی در مناسبات اجتماعی، شعارزدگی در مبارزه با فساد، عدم مشارکت، حمایت و نظارت عمومی و ناهنجاری‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی برخی از مهم‌ترین آنها به حساب می‌آیند.

پس‌ران‌های فساد

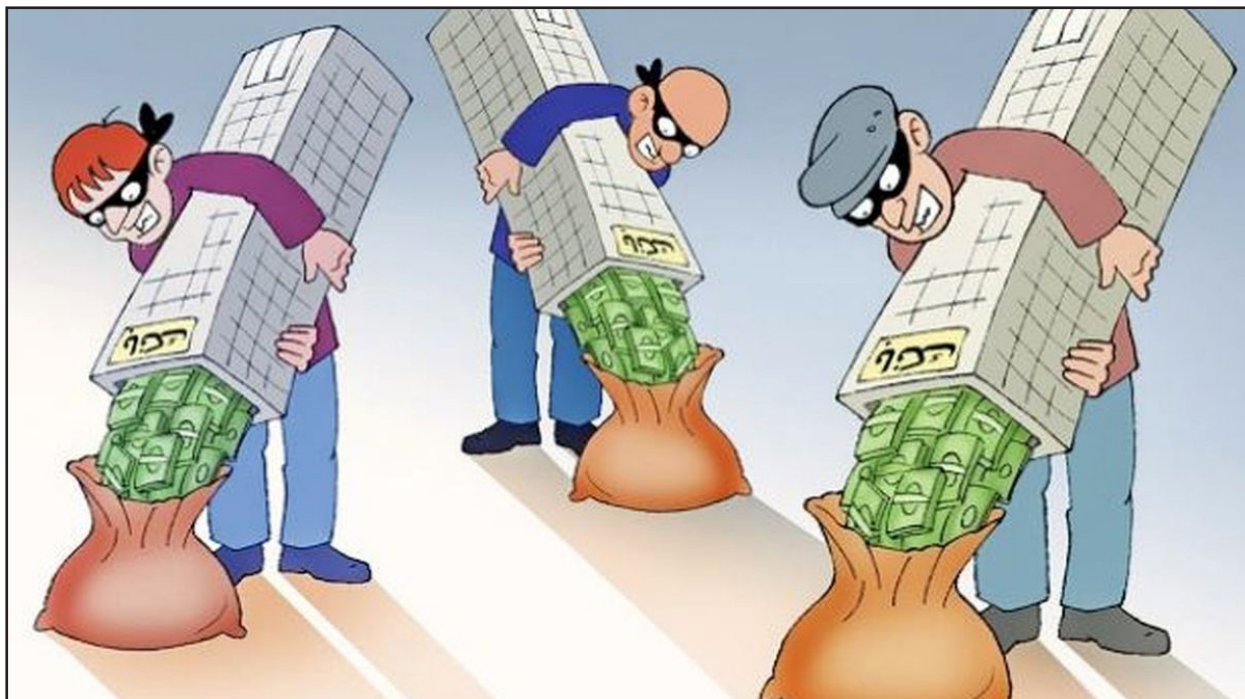
در این پژوهش تأکید شده است «براساس مشاهده و بررسی پس‌ران‌های فساد و همچنین زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، قانونی، فرهنگی و سایر موارد در بروز و ظهور فساد و همچنین شباهت‌های محتوایی این پس‌ران‌ها با یکدیگر، با استفاده از روش کدگذاری محوری، پس‌ران‌ها نیز دسته‌بندی شده‌اند که بطور خلاصه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

پس‌ران‌های سیاسی

از نظر این پژوهش برای پس‌راندن فساد در کشور

مروری بر ابر فسادهای ایران

بررسی فسادهای بزرگ از دهه ۷۰ تا امروز



و اضافی به جامعه) ممکن می‌سازد درحالی‌که نظام اداری فاسد با مصرف منابع مالی مختص توسعه جامعه، مانند باتلاقی عمل می‌کند که منابع را در خودش فرو می‌برد. در واقع فساد اقتصادی از طریق خدشه وارد کردن به سیاست‌های دولت باعث اتلاف منابع ملی می‌شود، آن هم درست زمانی که این منابع ملی باید در بخش‌های مختلف مورد بهره‌برداری قرار گیرند. از آنجا که فساد، منابع ملی را از اهداف خود منحرف می‌سازد، این منابع نمی‌توانند به اقتصاد کشور کمک کنند بنابراین فساد نه تنها موجب از بین رفتن بخشی از منابع ملی کشور می‌شود بلکه موجب انحراف منابع ملی از اهداف خود می‌شود. از سویی، دولت به منظور پیشگیری از فساد و مبارزه با آن ناچار به هزینه در بخش‌های مختلف اقتصادی است. هر زمان که اصطلاح فساد اقتصادی به گوش می‌رسد، تصور عموم مردم صرفاً دزدیده شدن پول است. در واقع عموم مردم فساد را مساوی دزدیدن حقوق جامعه با پوششی به نام پول می‌شناسند درحالی‌که فساد صرفاً به دزدیدن پول یا از بین رفتن پول ختم نمی‌شود. هر نوع فساد به انحراف منابع مالی دولت منجر می‌شود. جمله «دولت در این پروژه با کسری بودجه مواجه است» بارها و بارها به گوش رسیده است. شاید بتوان یکی از پیامدهای وجود فساد در جامعه را کمبود بودجه دولت برای اجرای پروژه‌ها دانست زیرا در بسیاری از پروژه‌های دولتی، اختلاس، دزدی، رشوه و... گزارش شده است. بنابراین دزدیدن پول در فعالیت‌های غیرقانونی ساده‌ترین پیامد فساد را به تصویر می‌کشد و وجود فساد در جامعه هزینه‌های بسیاری را فراتر از پول خارج شده از چرخه اقتصادی در فرآیندهای غیرقانونی موجب می‌شود.

■ هزینه‌های فساد اقتصادی

بر اساس تعریف بانک جهانی، فساد به معنای سوءاستفاده از قدرت و اختیار دولتی برای کسب منفعت شخصی است. بنابراین وجود فساد و فعالیت‌های

امروزه فساد به یک معضل جهانی تبدیل شده و جدا از در حال توسعه بودن یا توسعه یافته بودن کشورها، اشکال مختلفی از فساد در آنها مشاهده می‌شود. فساد و فعالیت‌های غیرقانونی برای به دست آوردن یک واقعیت اجتماعی بالاتر، به دست آوردن ثروت بیشتر و... شکل می‌گیرد و بر همین اساس از بودجه دولتی برای کسب منافع شخصی استفاده می‌شود. بخشی از بودجه دولت در راستای فعالیت‌های غیرقانونی از چرخه مولد اقتصادی خارج می‌شود که می‌توانست برای پیشرفت و ارتقای بخش‌های دیگر از جمله آموزش، بهداشت و... مورد استفاده قرار گیرد. بعد دیگر قضیه نیز به هزینه‌هایی مربوط است که دولت متحمل می‌شود تا از وقوع فساد جلوگیری کند. بنابراین هر فعالیت غیرقانونی، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیمی را بر اقتصاد کشور تحمیل می‌کند. از این رو ضروری است از هر نوع فساد جلوگیری به عمل آید تا از این طریق هزینه‌های فساد کاهش یابد. راهکارهای ارائه شده برای کاهش فساد عبارتند از: افزایش شفافیت از طریق دسترسی عمومی، کاهش بوروکراسی اداری و مراجعات حضوری، افزایش امکان مطالبه‌گری مردم از مسئولان از طریق رسانه‌ها و برخورد قاطع، سریع و شدید با پرونده‌های فساد اقتصادی. بر همین اساس پژوهشکده امنیت اقتصادی تدبیر در گزارشی تحت عنوان «تحلیل هزینه‌های مربوط به فساد اقتصادی» به تحلیل انواع هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم فساد اقتصادی می‌پردازد. از آنجا که آمار دقیقی در خصوص هزینه‌های مربوط به فسادهای اقتصادی وجود ندارد، گزارش حاضر با ارائه چند نمونه از فسادهای بزرگ از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۹۷ ارائه و نسبت به آمار گردآوری شده در این خصوص هزینه‌های فساد محاسبه می‌شود. در این گزارش می‌آید: فساد اقتصادی چالش اساسی بسیاری از جوامع توسعه یافته و در حال توسعه است که به اخلاص در فرآیندهای توسعه‌ای منجر می‌شود. یک نظام اداری عاری از فساد، زمینه دستیابی دولت‌ها را به توسعه و بهره‌مند شدن از تاثیرات مثبت آن (با کاستن از هزینه‌های سربار

رفاه، کاهش اشتغال و موجب آسیب دیدن نظام آموزشی کشور می‌شود. سالانه مبالغ زیادی در جریان فعالیت‌های غیرقانونی از چرخه مولد اقتصادی خارج می‌شوند و دولت برای جلوگیری از وقوع دوباره فساد و مبارزه با آن هزینه زیادی را متحمل می‌شود. در جدول شماره ۱، برخی فسادهای بزرگ از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۶ ارائه شده است.

جدول ۲- هزینه فرصت فساد در بازار کار

معادل ایجاد ۱۰۰۰ شغل در بخش صنعت بوده که در جریان گم شدن دکل نفتی از دست رفته است	۱۲۴ میلیون دلار	۱۳۹۴
معادل ایجاد ۱۶۰۰۰۰ شغل پایدار بوده که در جریان فساد صندوق ذخیره فرهنگیان از چرخه اقتصاد خارج شده است	۸۰۰۰ میلیارد تومان	۱۳۹۵
۲۳ میلیارد تومان از دست رفته که معادل ایجاد ۴۶۰ شغل پایدار بوده است	حقوق‌های نجومی	۱۳۹۵
در جریان فساد املاک نجومی ۲۲۰۰ میلیارد تومان از دست رفته که معادل ایجاد ۴۴۰۰۰ شغل پایدار بوده است	املاک نجومی	۱۳۹۵

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود طی سه دهه اخیر مبالغ زیادی در جریان فعالیت‌های غیرقانونی و فساد از چرخه اقتصاد خارج شده‌اند. بزرگترین فساد طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۶ مربوط به املاک نجومی در سال ۱۳۹۵ است که بالغ بر ۲۲۰۰ میلیارد تومان در این جریان از دست رفت. کمترین جریان مالی که در روند فساد از دست رفته است، فساد ۲۳ میلیارد تومانی مربوط به حقوق‌های نجومی است. با مشاهده دیگر فسادهای ارائه شده در جدول شماره ۱، این مطلب آشکار می‌شود که مبالغ بسیار هنگفتی در این جریان‌ها از چرخه اقتصادی خارج شده است در حالیکه این مبالغ می‌توانست در بخش‌هایی مانند تولید، آموزش و... هزینه شود و وضعیت کشور را بهبود بخشد اما اینگونه نشده و کشور علاوه بر تحمل هزینه‌های آشکار، متحمل هزینه پنهان فسادها نیز شده است. براساس این در ادامه هزینه فرصت فساد در بخش‌های مختلف اقتصادی ارائه می‌شود.

■ هزینه فرصت فساد در بخش اشتغال

بازار کار، یک بازار مهم در برابر سایر بازارهاست. به همین دلیل به لحاظ اهمیت شاید هیچ مساله‌ای به اندازه اشتغال در سرنوشت امروز و فردای کشور موثر نباشد.

یکی از راه‌های دستیابی به توسعه، استفاده از ظرفیت‌های انسانی است از این رو ایجاد اشتغال و استفاده از نیروی انسانی مهم است در سال ۱۳۹۵ ایجاد یک فرصت شغلی پایدار بطور میانگین نیازمند ۵۰ میلیون تومان هزینه بود که این مبلغ در سال ۱۳۹۸ بطور میانگین حداقل به ۱۵۰ میلیون تومان رسید. هزینه فرصت فساد در بازار کار براساس آمار بیان شده در جدول شماره ۱ محاسبه و در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

(براساس سخنان معاون امور تعاون وزارت تعاون، کار و رفاه

غیرقانونی در هر جامعه‌ای خالی از هزینه نیست. هزینه‌های وجود فساد در هر جامعه را می‌توان از دو بعد مورد بررسی قرار داد که در جدول شماره ۱ ابعاد هزینه فساد اقتصادی ارائه شده است.

جدول ۱- فسادهای بزرگ (سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۷۰)

سال وقوع	نوع فساد	مبلغ از دست رفته
۱۳۷۰	اختلاس بانکی	۱۲۳ میلیارد تومان
۱۳۸۱	جعل و رشوه و فساد مالی	۴ میلیارد تومان
۱۳۹۰	فساد مالی	۳۰۰۰ میلیارد تومان
۱۳۹۱	فساد مالی، رشوه، تبانی و سوءاستفاده از موقعیت شغلی	بیش از ۳۲۵۰ میلیارد تومان
۱۳۹۲	جعل و رشوه	بیش از ۱۸ هزار میلیارد تومان
۱۳۹۲	سوءمدیریت در بنیاد شهید	بیش از ۸۰۰۰ میلیارد تومان
۱۳۹۴	گم شدن دکل نفتی	۱۲۴ میلیون دلار
۱۳۹۵	اختلاس در صندوق ذخیره فرهنگیان و بانک سرمایه	۸۰۰۰ میلیارد تومان
۱۳۹۵	حقوق‌های نجومی	۲۳ میلیارد تومان
۱۳۹۵	املاک نجومی	۲۲۰۰ میلیارد تومان
۱۳۹۶	اختلاس در وزارت نفت	حدود ۱۰۰ میلیارد تومان

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، هزینه‌های مربوط به فساد اقتصادی به دو بخش هزینه فرصت (هزینه پنهان) و هزینه‌های حسابداری (هزینه آشکار) تقسیم می‌شوند که در علم اقتصاد، مجموع هزینه‌های حسابداری و هزینه فرصت را هزینه اقتصادی می‌گویند. وجود فساد در جامعه موجب از بین رفتن بخشی از بودجه کشور می‌شود که این بودجه یا در فرآیند فعالیت‌های غیرقانونی مانند اختلاس از دست رفته یا دولت برای تجهیز کردن سیستم‌های مبارزه با فساد (تجهیز مبادی گمرکی به ایکس‌ری، تهیه جی‌پی‌اس برای کامیون‌های حمل بار، ایجاد دولت الکترونیک و...) هزینه کرده است.

حال آنکه در صورت نبود فساد، آن بخش از پول از دست رفته یا هزینه شده



■ هزینه فرصت‌های (هزینه‌های پنهان) فساد اقتصادی

فساد علاوه بر مختل کردن فعالیت‌های اقتصادی، بلایا و آفت عمومی و اجتماعی برای کشور به دنبال دارد. فساد موجب کاهش تولید، کاهش

از دانش‌آموزان بیشتری حمایت و کلاس‌های درست بیشتری ساخته یا بازسازی شوند.

در جدول شماره ۳ هزینه فرصت فساد در بخش آموزش کشور براساس فسادهای مالی بیان شده در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۳۰ هزینه فرصت فساد در بخش آموزش و پرورش

هزینه فرصت فساد در بخش آموزش
۳ هزار میلیارد تومان فساد مالی معادل ایجاد ۱۰ هزار کلاس درس یا تحصیل ۹۰۹۰۹۰۰ دانش‌آموز در سال بوده که در جریان فساد مالی سال ۱۳۹۰ از دست رفته است
۸۰۰۰ میلیارد تومان معادل بازسازی یا ساخت ۲۶۶۶۶ کلاس درس یا حمایت از تحصیل ۲۴۲۴ دانش‌آموز بوده (هزینه فرصت فساد ۸۰۰۰ میلیارد تومانی) که در جریان سوءمدیریت در بنیاد شهید در سال ۱۳۹۲ از چرخه اقتصادی خارج شده است
۷۷ کلاس درس یا تحصیل ۶۹۶۹ دانش‌آموز هزینه فرصت فساد ۲۳ میلیارد تومانی در حقوق‌های نجومی بوده که در سال ۱۳۹۵ اتفاق افتاده است
۱۰۰۰ میلیارد تومان که به علت اختلاس در وزارت نفت در سال ۱۳۹۶ از چرخه اقتصادی خارج شده، معادل ساخت ۳۳۳ کلاس درس یا حمایت تحصیلی از ۳۰۳۰۳ دانش‌آموز بوده است

(براساس گزارش‌های معاون وزیر آموزش و پرورش بطور میانگین سالانه برای هر دانش‌آموز ۳۳۰۰۰۰۰ تومان هزینه می‌شود.

بر اساس گزارش‌های اداره کل آموزش و پرورش استان کرمانشاه بازسازی یا ساخت هر کلاس درس نیازمند ۳۰۰ میلیون تومان بودجه است).

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود ساخت یا بازسازی ۱۰۰۰ کلاس درس در مناطق زلزله‌زده با حمایت ۹۰۹۰۹۰۰ دانش‌آموز، هزینه فرصت فساد مالی ۳۰۰۰ میلیارد تومانی بوده که در سال ۱۳۹۰ رخ داده است.

همچنین ساخت ۷۷ کلاس درسی از جمله هزینه فرصت‌های فساد حقوق‌های نجومی در سال ۱۳۹۵ است با توجه به اینکه تحصیل و آموزش از ارکان مهم توسعه به‌شمار می‌آید، هزینه فرصت فساد در بخش آموزش بسیار است، زیرا نه تنها جامعه کنونی بلکه جامعه آینده را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

■ هزینه فرصت فساد در بخش بهداشت و درمان



اجتماعی هزینه لازم برای ایجاد شغل پایدار به ازای هر نفر بطور میانگین ۵۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۵ در نظر گرفته شده است. به گزارش مرکز آمار ایران هزینه لازم برای ایجاد شغل در بخش صنعت به‌طور میانگین ۲۴۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۴ در نظر گرفته شده است).

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود هزینه فرصت فساد در بخش اشتغال در سال ۱۳۹۴ براساس فساد مالی ۱۲۴ میلیون دلاری (که معادل ۲۶۰ میلیارد تومان است) معادل ایجاد ۱۰۰۰ فرصت شغلی صنعتی بوده است.

همچنین در سال ۱۳۹۵ در مجموع ۳ فساد مالی بزرگ صندوق رفاه، حقوق‌های نجومی و املاک نجومی هزینه فرصت فساد در بخش اشتغال معادل ۲۰۴۴۶۰ شغل پایدار بوده که در جریان فسادهای اتفاق افتاده از دست رفته است.

■ هزینه فرصت فساد در بخش آموزش



موفقیت یک کشور در زمینه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در گرو برخورداری از یک نظام آموزشی منسجم به روز و پویاست.

آموزش و توسعه یکی از عملکردهای اصلی منابع انسانی است. بسیاری از سازمان‌ها، آموزش و توسعه را بخش جدایی‌ناپذیر فعالیت توسعه منابع انسانی در نظر می‌گیرند.

از این‌رو توسعه آموزش و به‌روزرسانی نوع آموزش و علوم موجود از اهمیت خاصی برخوردار است. به گزارش معاون وزیر آموزش و به‌روزرسانی نوع آموزش و علوم موجود از اهمیت خاصی برخوردار است به گزارش معاون وزیر آموزش و پرورش در دهه اخیر (۱۳۹۰) بطور میانگین سالانه برای هر دانش‌آموز به میزان ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان هزینه می‌شود با این حال در بسیاری از مناطق کشور امکانات آموزشی وجود ندارد که به کمبود بودجه در این بخش بازمی‌گردد. از سویی اتفاقات‌های سال‌های اخیر مانند زلزله و سیل بسیاری از مدارس کشور را ویران کرده است که نیازمند بازسازی مجدد هستند و بطور میانگین ۳۰۰ میلیون تومان بودجه برای بازسازی هر یک کلاس درس نیاز است بنابراین هزینه فرصت فساد با توجه به نیازهای آموزشی بیان شده بسیار بالاست در صورتی که فسادهای مالی بیان شده در جدول شماره ۱ اتفاق نمی‌افتاد با پول خارج شده به چرخه اقتصاد بازمی‌گشت، ممکن بود بخش آموزش کشور از پیشرفت بالاتری برخوردار شود و

غیرقانونی و مقابله با فساد ناچار به اقدام‌های هزینه‌بری مانند الکترونیکی کردن دولت، گمرک، امور مالیاتی و مجهز کردن سازمان‌ها به دستگاه‌هایی است که فرصت‌های فساد را کاهش دهند. برخی از اقدام‌های دولت برای مبارزه با فساد و کاهش هزینه‌های فساد در سال‌های اخیر، عبارت‌اند از:

* در سال ۱۳۹۳ دولت به منظور پیشگیری و مبارزه با فساد، ۱۰/۴ میلیارد تومان برای تجهیز ماشین‌آلات حمل‌ونقل محموله‌های گمرکی، ۷/۲ میلیارد تومان برای خرید تجهیزات پرتونگاری و چهار میلیارد تومان برای پیاده‌سازی خدمات الکترونیکی در گمرک هزینه کرده است. * تخصیص بودجه ۱۳۰ میلیارد و ۹۳۱ میلیون تومانی برای توسعه دولت الکترونیک در سال ۱۳۹۵ که از بین دستگاه‌های دولتی بودجه در نظر گرفته شده در امور قضایی حجم بیشتری را به خود اختصاص داد. (حدود ۲۴ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان).

* تخصیص ۱۶۸ میلیارد و ۱۱۳ میلیون تومان برای زیرساخت‌های توسعه‌ای و توسعه شبکه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات.

* بخشی از بودجه‌های تخصیص یافته به دستگاه‌های دولتی در ردیف بودجه توسعه دولت الکترونیکی نمی‌گنجد، اما اجرایی شدن آن پروژه‌ها نقش موثری در پیاده‌سازی دولت الکترونیک و الکترونیکی شدن فرآیندهای کاری دولت دارد. یکی از بیشترین بودجه‌ها برای اجرای پروژه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات به برنامه ثبت املاک و کاداستر (سازمان ثبت اسناد و املاک کشور) اختصاص یافته است. این برنامه با بودجه‌ای بیش از ۴۷۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان (تقریباً ۲۴ درصد از کل اعتبارات برنامه‌ای)، بیشترین اعتبار برنامه‌ای این حوزه را به خود اختصاص داده است.

* خرید و نصب ۵ دستگاه ایکس ری در وزارت دفاع، یک دستگاه ایکس ری در سازمان انرژی اتمی و یک دستگاه ایکس ری در گمرک شهید رجایی بندرعباس در سال ۱۳۹۵.

* خرید و نصب ۱۹ ایکس ری کامیونی برای گمرک در سال ۱۳۹۶. * اختصاص دو میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان برای توسعه تجارت الکترونیک در سال ۱۳۹۲.

نمونه‌های بیان شده تنها مشتی از خروار هزینه‌های مربوط به اقدام‌های ضدفساد است. بنابراین می‌توان به این نکته رسید که فساد و هر نوع فعالیت غیرقانونی نه تنها بخشی از پول و زحمت یک جامعه را از بین می‌برد، بلکه پیامدهایی را که به دنبال دارد به مراتب بسیار بیشتر از پول خارج شده از چرخه اقتصادی است.

■ ملاحظات امنیت اقتصادی

هر نوع فساد و فعالیت غیرقانونی مانعی برای رشد رقابت سالم است و اقدام‌های کاهش فقر و تبعیض را در جامعه خنثی می‌کند. فساد به افزایش هزینه معاملات، کاهش اعتماد مردم به توانایی سیاسی و اراده دولت و کاهش بهره‌وری منجر می‌شود. هر نوع فسادی که رخ می‌دهد علاوه بر همان مبالغی که در جریان فساد از چرخه اقتصادی کشور خارج شده است، هزینه‌های پنهان بسیار دیگری نیز به دنبال دارد. به عنوان مثال یک فساد مالی منجر به افزایش هزینه فرصت در بخش‌های بهداشت و درمان، آموزش، تولید و رونق، برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و ... را به دنبال دارد که به همین علت نیز منجر به خدشه به امنیت اقتصادی کشور می‌شود. در ادامه، راهکارهایی برای مبارزه با

بهداشت همواره به عنوان یکی از مباحث مبنایی در توسعه کشور مدنظر بوده، چنان‌که فصل بیست و پنجم قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به بهداشت و درمان اختصاص داده شده است. با این حال، بسیاری از بیماری‌ها توسط دولت حمایت نمی‌شوند و بیمه‌ای به آنها اختصاص داده نمی‌شود.

از سویی، مراکز درمانی موجود با کمبود امکانات برای نگهداری بیماران مواجه هستند، در حال حاضر، ۱۲۸ هزار تخت بیمارستانی در کل کشور وجود دارد و برای رسیدن به استاندارد جهانی ۱۰۰ هزار تخت بیمارستانی دیگر نیاز است که هزینه ساخت هر تخت بیمارستانی مجهز حدود ۸۰۰ میلیون تومان می‌شود.

از مهم‌ترین هزینه فرصت‌های فساد در بخش بهداشت و درمان ایجاد همین تخت‌های بیمارستانی تا حد استاندارد جهانی و حمایت از افرادی است که بیماری‌های خاص دارند. در جدول شماره ۴، هزینه فرصت فساد در بخش بهداشت و درمان براساس آمار ارائه شده در جدول شماره ۱، آمده است.

جدول ۴، هزینه فرصت فساد در بخش بهداشت و درمان

هزینه فرصت اختلاس بانکی ۱۲۳ میلیارد تومانی در سال ۱۳۷۰ معادل تجهیز کردن ۱۵۴ تخت بیمارستانی است
۱۰ هزار تخت بیمارستانی مجهز هزینه فرصت فساد ۸۰۰۰ میلیارد تومانی صندوق رفاه در سال ۱۳۹۵ بوده که از چرخه مولد اقتصادی خارج شده است
در جریان اختلاس در وزارت نفت ۱۰۰ میلیارد تومانی از چرخه اقتصادی خارج شده که معادل ایجاد ۱۲۵ تخت بیمارستانی مجهز بوده است

ساخت و تجهیز ۱۰۰ هزار تخت بیمارستانی برای رسیدن به استاندارد جهانی بسیار هزینه بر بوده، زیرا بودجه مورد نیاز برای هر تخت بیمارستانی معادل ۸۰۰ میلیون تومان است. با توجه به آمار ارائه شده در جدول شماره ۴، این مطلب آشکار می‌شود که هزینه فرصت فساد در بخش بهداشت و درمان گرچه پوشش دهنده ۱۰۰ هزار تخت بیمارستانی مورد نیاز نیست، اما هر کدام از موارد فساد می‌توانند بخشی از این کسری را جبران کنند؛ برای نمونه، فساد ۸۰۰۰ میلیارد تومانی صندوق رفاه هزینه فرصتی معادل ساخت و تجهیز ۱۰۰۰۰ تخت بیمارستانی دارد که رقم پایینی نیست. در ادامه، به بررسی و تحلیل آن بخش از هزینه‌های آشکاری از فساد اقتصادی می‌پردازیم که دولت برای مبارزه و جلوگیری از فساد متحمل شده است.

■ هزینه‌های صورت گرفته برای پیشگیری از فساد و مبارزه با آن

زمانی که یک عمل یا فعالیت غیرقانونی رخ می‌دهد مانند اختلاس، دزدی، حقوق‌های نجومی، پاداش‌های بی‌مورد، املاک نجومی و ... هزینه وارد شده به کشور و جامعه صرفاً مبلغ اختلاس شده یا حقوق نجومی نیست. همانطور که قبلاً بیان شد هر فعالیت غیرقانونی علاوه بر بودجه‌هایی که از چرخه مولد اقتصادی کشور خارج می‌کند، هزینه فرصت‌هایی را در بخش‌های مختلف مانند اشتغال، تولید، آموزش و ... دارد.

همچنین دولت به منظور جلوگیری از وقوع دوباره چنین فعالیت‌های

فساد و کاهش هزینه‌های آن ارائه می‌شود.

■ جمع‌بندی و راهکارها

گزارش حاضر در خصوص هزینه‌های مربوط به فساد اداری و اقتصادی است. در این گزارش، به دو نوع هزینه مستقیم و غیرمستقیم که هر فعالیت غیرقانونی به دنبال دارد، اشاره شد. هزینه‌های مستقیم شامل پول -های اختلاس شده، رشوه، دزدی و... است که بخشی از بودجه دولت را از چرخه مولد اقتصادی خارج می‌کنند و موجب انحراف منابع ملی از اهداف خود می‌شوند. بخش دیگر هزینه‌ها، هزینه فرصت فساد در بخش‌های مختلف از جمله: آموزش، بهداشت و درمان، اشتغال و... است، زیرا در صورتی که فساد ایجاد نشود، بودجه دولت از اهداف خود دور نمی‌شود و در راستای تحقق اهداف برنامه‌ریزی شده هزینه می‌شود؛ برای مثال، هزینه فرصت اختلاس ۳۰۰۰ میلیارد تومانی، معادل ایجاد ۱۰ هزار کلاس درس یا تحصیل ۹ میلیون و ۹۰ هزار و ۹۰۰ دانش‌آموز در سال است که در جریان فساد مالی سال ۱۳۹۰ از دست رفت. همچنین هزینه فرصت فساد ۸ هزار میلیارد تومانی، معادل ایجاد ۱۶۰ هزار شغل پایدار بود که در جریان فساد صندوق ذخیره فرهنگیان در سال ۱۳۹۰ از چرخه اقتصاد خارج شد. از سویی، دولت به منظور مقابله با فساد اقدام‌های هزینه‌بری را از جمله: الکترونیکی کردن دولت، تجهیز گمرک به دستگاه‌های ایکس‌ری، تکمیل زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و انجام داده است. بنابراین، هر فعالیت غیرقانونی هزینه‌های بسیاری را به دولت و مردم تحمیل می‌کند، از این رو، ضروری است اقدام‌هایی اساسی برای کاهش فساد انجام داد که در ادامه، راهکارهایی برای کاهش فساد و به دنبال آن، کاهش هزینه‌های فساد ارائه می‌شود.

■ افزایش شفافیت از طریق دسترسی عمومی

از مولفه‌های یک جامعه آزاد، آزادی اطلاعات و حق دسترسی مردم به اطلاعات حکومت است. بنابراین پیشنهاد می‌شود، هرگونه فعالیت و تصمیم دولت به صورت آشکار به اطلاع مردم برسد. شفافیت در بودجه و نحوه تخصیص بودجه برای هر فعالیت، استان و... باید بطور مشخص بیان شود؛ به این صورت که میزان بودجه تخصیص داده شده برای هر بخش مشخص باشد و دولت، مردم را در جریان پروژه‌های در حال اجرا، میزان بودجه خرج شده و... قرار دهد تا از این طریق بسترهای سوءاستفاده از بودجه دولت در فرآیندهای دولتی کاهش یابد.

■ کاهش بوروکراسی اداری و مراجعات حضوری

پیشنهاد می‌شود به منظور کاهش فساد، مراجعات حضوری برای انجام فرآیندهای اداری تقلیل یابند. به همین منظور باید دولت الکترونیک در بخش‌های مختلف، سازمان‌ها، ارگان‌ها و... فعالیت گسترده‌ای داشته باشد. برای اجرایی شدن این طرح می‌توان از تجربه سایر کشورها از جمله گرجستان استفاده کرد.

گرجستان ساختمان‌های قارچی شکلی را احداث کرده که تمام فرآیندهای اداری در آنها طی می‌شود و هیچ‌یک از مراجعه‌کنندگان دیدار حضوری با کارفرمایان ندارد و تنها با منشی‌های هر بخش ملاقات دارند که پس از ثبت هر گونه درخواست اداری، نامه‌ها

از طریق سیستم‌هایی به مراجع اصلی فرستاده می‌شود و پس از گذشت چند ساعت پاسخ آنها را از طریق سیستم دریافت می‌کنند. بنابراین پیشنهاد می‌شود چنین ساختمان‌هایی در شهرهای مختلف ایران تشکیل شود تا از این طریق فساد کاهش یابد.

■ شایسته‌سالاری

پیشنهاد می‌شود برای اجرای شایسته‌سالاری یک برنامه بلندمدت، پیگیر و مستمر تدوین کنیم. براساس این برنامه هر فرد با یک آزمون جامع و کامل مورد سنجش چند مرحله‌ای قرار می‌گیرد که عبارتند از: سنجش مهارت و عملکرد، علم و دانش و تخصص در حیطه کاری مورد نظر و برای ارتقای شغلی در اداره‌ها. باید یک سیستم ارتقایی ویژه طراحی کرد تا از این طریق ابتدا با فراهم کردن زمینه‌های پرورش مدیران بالفعل و بالقوه از طریق آزمون‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، آنها را به مراتب بالاتری از بینش، مسئولیت‌پذیری، توانمندی و پاسخگویی در قبال وظایف سوق داد، سپس با یک آزمون جامع تصمیم به ارتقای شغلی یا آموزش بیشتر کارکنان گرفت.

■ برخورد قاطع، سریع و شدید با پرونده‌های فساد اقتصادی



از جمله مواردی که به ایجاد انگیزه برای دوری از فعالیت‌های غیرقانونی منجر می‌شود، اجرای مجازات فاسدان است. از این رو پیشنهاد می‌شود مراجع قضایی در برخورد با مفسدان قاطعانه، با سرعت و شدت عمل کنند زیرا برخی‌ها با دیدن اجرای قانون، انگیزه خود را برای ارتکاب فساد از دست می‌دهند، زیرا راه گریز از قانون برای آنها بسته می‌شود.

نابرابری‌های ناراحت‌کننده در اقتصاد ایران



۴- شاخص‌های رفاه اجتماعی (مصرف و توزیع آن) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۸ به‌طور کلی رفاه خانوارهای ایرانی کاهش پیدا کرده است، کاهش رفاه خانوارهای روستایی بیش از خانوارهای شهری و کاهش رفاه خانوارهای دهک‌های پایین درآمدی بیش از دهک‌های بالایی بوده است. در نتیجه کاهش قدرت خرید (ناشی از تورم و کاهش درآمد)، کاهش مصرف حقیقی خانوارهای روستایی ۱۱- درصد و خانوارهای شهری ۸- درصد بوده و کاهش مصرف حقیقی خانوارهای دهک اول و دهک شهری به ترتیب ۱۲/۷- و ۴/۷- درصد بوده است. دو مقدار اخیر برای خانوارهای روستایی نیز به ترتیب ۱۱/۵- و ۹/۴- درصد بوده است. این در حالی است که تورم دهک‌های پایین درآمدی کمتر از تورم دهک‌های بالایی بوده است.

۵- به نظر می‌رسد کاهش مصرف حقیقی خانوارها به‌طور عمده ناشی از کاهش درآمد در نتیجه افت تولید بوده است. از سوی دیگر کاهش بیشتر مصرف دهک‌های پایین درآمدی نشان می‌دهد: اولاً، دهک‌های پایین درآمدی بیش از دهک‌های بالایی از کاهش تولید متضرر شده‌اند (احتمالاً ناشی از کاهش اشتغال در بنگاه‌های کوچک و متوسط و نیز کاهش حقیقی هزینه‌های دولت که این گروه بیشتر به آن اتکا دارند)؛ ثانیاً تورم اقلام ضروری خوراکی که سهم بیشتری از هزینه‌های دهک‌های پایینی را شامل می‌شود بیش از تورم غیرخوراکی بوده و ثالثاً در نتیجه فعالیت‌های سوداگرانه در بازار دارایی‌ها و کالاهای خاص (نظیر ارز، طلا، مسکن و اوراق بهادار) دهک‌های بالای درآمدی توانسته‌اند ثروت را به سود خود و به ضرر دهک‌های پایینی بازتوزیع کنند.

۶- در زمان‌های رکود، به‌طور معمول انتظار می‌رود کاهش مصرف کمتر از کاهش تولید و کاهش مصرف گروه‌های فقیرتر به دلیل مصرف در سطح حداقل معاش کمتر از کاهش مصرف گروه‌های مرفه‌تر باشد. شرایط سال

در غیاب ارائه آمارهای با راهبرد تفکیک و جداسازی و نشان دادن گلوگاه‌های تحلیلی درباره دخل و خرج خانواده‌های ایرانی از سوی مرکز آمار ایران و نیز بانک مرکزی، معاونت رفاه و تامین اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با استفاده از آمارهای در دسترس وضعیت رفاه و مصرف خانوارهای ایرانی در سال ۱۳۹۸ و ضرورت اصلاحات اقتصادی را در یک گزارش گرد آورده و منتشر کرده است. این گزارش را سارا عبدی برای معاونت رفاه اجتماعی تهیه کرده و آقای احمد میدری، معاون وزیر در امور راه اجتماعی و نیز آقای سیدهادی نیک یکی از مدیران ارشد این معاونت نظارت علمی آن را برعهده داشته‌اند.

نتایج مطالعه:

۱- متوسط هزینه ماهانه خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۸ حدود چهار میلیون و ۱۴۱ هزار تومان و خانوارهای روستایی دو میلیون و ۲۵۸ هزار تومان برآورد شده است.

۲- یک خانوار دهک اولی شهری ماهانه ۹۰۲ هزار تومان و یک خانوار روستایی ۴۳۶ هزار تومان هزینه می‌کند. این ارقام برای خانوارهای دهک دهمی به ترتیب حدود ۱۲ میلیون ۳۰۰ هزار تومان و شش میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. برای دهک هفتم نیز متوسط هزینه خانوارهای شهری چهار میلیون و ۱۰۰ هزار تومان و خانوارهای روستایی دو میلیون و ۸۰۰ هزار تومان است.

۳- تورم روستایی بیش از شهری و تورم خوراکی بیش از تورم غیرخوراکی بوده است. برای خانوارهای شهری تورم کل ۳۷/۴ درصد و تورم خوراکی و غیرخوراکی به ترتیب ۵۳/۸ و ۳۲ درصد بوده است. این ارقام برای خانوارهای روستایی به ترتیب ۴۱/۸، ۵۳ و ۳۱ درصد بوده است.

توصیه‌های سیاستی

به‌طور معمول در شرایط رکود، سیاست‌های انبساطی مالی توصیه می‌شود. با این حال، با توجه به شرایط خاص کسری بودجه کشور این موضوع عملاً امکان‌پذیر نیست. در چنین وضعیتی مهم‌ترین راهکارهایی که می‌تواند به شرح زیر باشد:

۱- سیاست‌های بازتوزیعی به نفع گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله:

- *وضع مالیات‌های جدید که بطور عمده معطوف به ثروت باشد (نظیر مالیات بر عایدی سرمایه، خانه‌های خالی، تراکنش‌های بانکی بیش از حد تعیین شده و مالیات بر سود سپرده‌های بانکی کلان) و حمایت هدفمند و مشروط از گروه‌های آسیب‌پذیر با هدف پوشش اجتماعی و نیز تحریک تقاضا از جمله گروه‌های خارج از پوشش چتر حمایتی کشور، کارگران بیکار شده)
- *کاهش فعالیت‌های سوداگرانه به خصوص در بازار کالاهای ضروری (از جمله از طریق مدیریت زنجیره توزیع از طریق امکاناتی چون فاکتور الکترونیکی)

*مدیریت بودجه و هزینه‌های عمومی از طریق تعریف شناسه پرداخت و پرداخت به ذی‌نفع نهایی.

۲- سیاست‌های فعال اشتغال‌زا از جمله:

حمایت هدفمند از بنگاه‌های کوچک و متوسط (از جمله از طریق الگوی حمایت اعتباری از بنگاه‌های کوچک و متوسط با اتکا به اعتبار بنگاه‌های بزرگ از طریق مدیریت زنجیره عرضه)

*اشتغال عمومی

۳- افق‌گشایی برای فعالان اقتصادی

در حال حاضر فعالیت در اقتصاد ایران نه تنها برای فعالان کسب و کار، بلکه برای خانوارها نیز به دلیل عدم وجود چشم‌انداز (فارغ از مثبت یا منفی بودن آن) همچون قدم زدن در مه است.

*بخشی از فقدان چشم‌انداز به سطح بالای منازعات سیاسی داخلی و بین‌المللی مربوط است. با فرض عدم امکان کاهش سطح منازعه بین‌المللی، کاهش سطح منازعات سیاست داخلی و افزایش همگرایی ضروری است به

۱۳۹۸ خلاف این انتظارات را نشان می‌دهد که می‌تواند نشان از وخامت اوضاع و ماهیت چندبعدی چالش‌ها داشته باشد. وقوع همزمان کاهش تولید، بی‌ثباتی بازارهای مالی، بازتوزیع منابع به ضرر گروه‌های فقیر در کنار چشم‌انداز مبهم خانوارها ناشی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و محیطی می‌تواند مهم‌ترین عوامل موثر بر این شرایط باشند.

توضیح «کارآفرین»: یک محاسبه ساده نشان می‌دهد بالاترین گروه درآمدی شهری با هزینه‌ای معادل ۱۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان نزدیک به ۳۰ برابر فقیرترین گروه روستایی در سال ۱۳۹۸ هزینه کرده است. به عبارت دیگر این گروه درآمدی ۳۰ برابر رفاه بیشتری از هزینه‌کرد به دست آورده است. همچنین بالاترین گروه درآمدی ایران در سال ۱۳۹۸ نزدیک به ۱۲ برابر گروه با کمترین درآمد شهری رفاه داشته است. اعداد و ارقام به دست آمده نشان می‌دهد گروه درآمدی با کمترین درآمد نیز دو برابر گروه درآمدی با کمترین درآمد روستایی در سال ۱۳۹۸ هزینه کرده است. محاسبه‌های ساده نشان می‌دهد اگر گروه درآمدی هفتم شهری را طبقه متوسط رو به بالا تصور کنیم این گروه در سال ۱۳۹۸ فقط ۳۴ درصد گروه درآمدی بالاترین هزینه را توانسته است هزینه کند.

فرض‌های مطالعه:

*مجموع هزینه خانوارهای کشور بر پایه هزینه نهایی مصرف خصوصی برآورد شده است.

*مرکز آمار مقدار هزینه نهایی مصرف خصوصی را برای ۹ ماهه نخست ۱۳۹۸ منتشر کرده که نسبت به دوره مشابه سال قبل رشدی ۲۸ درصدی داشته است. فرض شده کل هزینه مصرف نهایی خصوصی در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۷ همان رشد ۲۸ درصدی را داشته و مقدار آن برای دوره ۱۲ ماهه سال ۱۳۹۸ برآورد شده و با توجه به مقدار هزینه نهایی مصرف خصوصی در ۱۲ ماهه ۱۳۹۸، متوسط هزینه خانوارهای کشور در این سال برآورد شده است.

*نسبت هزینه در خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۳۹۷ برابر ۵/۴۸ بوده است. با فرض ثابت ماندن آن در سال ۱۳۹۸، متوسط هزینه به تفکیک خانوارهای شهری و روستایی برآورد شده است. لازم است توجه شود این نسبت در سه سال گذشته در بازه ۵/۴ تا ۵/۵ قرار گرفته است.

*برای محاسبه هزینه خانوار به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای، شکاف مصرف میان دهک‌های هزینه‌ای برآورد شده است. برای محاسبه این شکاف، فرض شده است تغییر نابرابری در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۷، برابر تغییر نابرابری در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۶ بوده است.

*مرکز آمار ایران متوسط تورم گروه‌های عمده کالایی را برای مناطق شهری و روستایی در دوره ۱۲ ماهه منتهی به دی‌ماه ۱۳۹۸ منتشر کرده است. برای محاسبه تورم به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای، سهم هر گروه کالایی در سبد مصرفی خانوار برای ده دهک برآورد شده است (برآورد ترکیب مصرف خانوار و ضرایب اهمیت گروه‌های کالایی).

*برای برآورد ترکیب مصرف خانوار و ضرایب اهمیت گروه‌های کالایی، فرض شده که در نتیجه تغییر قیمت‌ها، ترجیح و نوع مصرف خانوار در سال ۱۳۹۸ تغییر کرده و چگونگی تغییر مصرف خانوار در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۷، مانند تغییر مصرف خانوار در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۶ بوده است.



با توجه به نسبت هزینه خانوارهای شهری و روستایی، میزان هزینه کل خانوارهای شهری ۹۳۵ هزار و ۳۳۷ میلیارد تومان و هزینه کل خانوارهای روستایی ۱۷۰ هزار و ۸۱۹ میلیارد تومان برای سال ۱۳۹۸ برآورد می‌شود. همچنین با توجه به تعداد خانوارهای شهری، متوسط هزینه یک خانوار شهری ۴۹ میلیون و ۶۹۲ هزار تومان و متوسط هزینه یک خانوار روستایی ۲۷ میلیون و ۱۰۲ هزار تومان در سال ۱۳۹۸ برآورد می‌شود.

در مطالعه حاضر، نسبت هزینه خانوارهای شهری به روستایی برای سال ۱۳۹۸، به تقریب ۵/۴۸ لحاظ شده است، زیرا مقدار آن در سال ۱۳۹۵ به تقریب برابر ۵/۴۳، در سال ۱۳۹۶ به تقریب برابر ۵/۵۲ و در سال ۱۳۹۷ به تقریب برابر ۵/۴۸ بوده است. به عبارت دیگر در مجموع خانوارهای شهری حدود ۵/۴ برابر خانوارهای روستایی هزینه می‌کنند. بخش مهمی از این تفاوت ناشی از تفاوت جمعیتی شهر و روستا و بخشی هم مربوط به تفاوت در سطح رفاه آنهاست. اطلاعات شرح داده شده در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است.

۲- برآورد هزینه خانوار در سال ۱۳۹۸ به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای

هزینه خانوار در سال ۱۳۹۸ به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای از روش زیر برآورد شده است:

* محاسبه نسبت هزینه میان دهک‌های هزینه‌ای در سال ۱۳۹۶

* محاسبه نسبت هزینه میان دهک‌های هزینه‌ای در سال ۱۳۹۷

* محاسبه تغییر نسبت هزینه میان دهک‌های هزینه‌ای در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۸

* فرض شده نسبت هزینه میان دهک‌های هزینه‌ای در سال ۱۳۹۸ مشابه سال ۱۳۹۷ تغییر کرده است.

* به عنوان مثال هزینه خانوار شهری دهک اول در سال ۱۳۹۶، تنها ۲۵/۱ درصد متوسط هزینه خانوارهای شهری کشور بوده است. در سال ۱۳۹۷، این شکاف به میزان ۱/۶ درصد افزایش یافته است و هزینه خانوار شهری دهک اول به ۲۳/۴ درصد متوسط هزینه خانوارهای شهری کشور رسیده است.

* فرض شده این روند در سال ۱۳۹۸ هم تکرار شده و نسبت هزینه خانوار شهری دهک اول به متوسط کل ۱/۶ درصد نسبت به سال ۱۳۹۷ کاهش یافته است بنابراین در این تحقیق، نسبت هزینه خانوار شهری دهک اول به متوسط کل ۲۱/۸ درصد برای سال ۱۳۹۸ برآورد می‌شود.

متوسط هزینه یک خانوار شهری ۴۹ میلیون و ۶۹۲ هزار تومان در سال ۱۳۹۸ برآورد شده که مقادیر ماهانه آن به چهار میلیون و ۱۴۱ هزار تومان می‌رسد. با توجه به شکاف مصرف و نسبت هزینه میان دهک‌های هزینه‌ای، هزینه ماهانه یک خانوار شهری دهک اول ۹۰۲ هزار تومان و دهک دهم ۱۲ میلیون و ۳۳۰ هزار تومان برآورد می‌شود. متوسط هزینه ماهانه خانوار شهری دهک هفتم چهار میلیون و ۱۱۲ هزار تومان برآورد می‌شود که به تقریب برابر مقدار مشابه آن برای متوسط جامعه شهری است. این اطلاعات بدان معناست که در مقابل رشد بیش از ۳۰ درصدی هزینه‌های یک خانوار در دهک دهم، هزینه‌های خانوار دهک اول تنها به مقدار ۱۷/۵ درصد افزایش یافته است. متوسط هزینه یک خانوار روستایی ۲۷ میلیون و ۱۰۲ هزار تومان در سال ۱۳۹۸ برآورد شده که مقادیر ماهانه آن به دو میلیون و ۲۵۸ هزار تومان می‌رسد. با توجه به شکاف مصرف و نسبت هزینه میان دهک‌های هزینه‌ای، هزینه ماهانه یک خانوار روستایی دهک اول ۴۳۶ هزار تومان و دهک دهم

خصوص آنکه تسری این منازعه به دلیل شرایط خاص اقتصادی کشور و سیاست‌های اجتناب‌ناپذیر بازتوزیعی به سطح اقتصاد نیز اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد و سطح آن را افزایش خواهد داد.

۱- برآورد هزینه کل خانوارهای کشور (شهری و روستایی) در سال ۱۳۹۸

آخرین اطلاعات منتشر شده مرکز آمار ایران در خصوص مصرف و بودجه خانوار، مربوط به «نتایج طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار در سال ۱۳۹۷» است که در آذرماه سال ۱۳۹۸ در دسترس قرار گرفت؛ بنابراین، با هدف بررسی اولیه تغییرات مصرف و هزینه خانوارهای کشور در سال ۱۳۹۸، لازم است مقادیر هزینه خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای برآورد شود.

در مطالعه حاضر، هزینه خانوارهای کشور از طریق مبنا قرار دادن هزینه نهایی مصرف خصوصی کشور برآورد شده است. مطابق با آخرین اطلاعات منتشر شده از مرکز آمار ایران، هزینه نهایی مصرف خصوصی کشور در نه ماهه نخست سال ۱۳۹۸ برابر ۹۲۲ هزار و ۸۳۶ میلیارد تومان بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل رشدی ۲۸ درصدی داشته است. چنانچه رشد ۲۸ درصدی را برای هزینه نهایی مصرف خصوصی در سال ۱۳۹۸ لحاظ کنیم، مقدار آن برای دوره ۱۲ ماهه ۱۳۹۸ برابر ۱۳۹۶ و ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ نشان می‌دهد میلیارد تومان برآورد می‌شود. به دلیل تفاوت در برخی اقلام آماری با توجه به تعریف، هزینه مصرف نهایی خصوصی کاملاً برابر کل هزینه کرد خانوارهای کشور نیست. مقایسه میزان مصرف نهایی خصوصی کشور با مجموع هزینه کل خانوارهای کشور برای سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ نشان می‌دهد مصرف نهایی خصوصی کشور به تقریب ۱۲ درصد تا ۱۵ درصد بیشتر از مجموع هزینه خانوارهای کشور است. با اعمال اختلاف ۱۵ درصدی و با توجه به مقدار برآوردی هزینه مصرف نهایی خصوصی، میزان هزینه کرد کل خانوارهای کشور برای سال ۱۳۹۸ به تقریب یک میلیون و ۱۰۶ هزار و ۱۵۷ میلیارد تومان برآورد می‌شود.



۳۴/۷ درصدی و خانوار شهری دهک دهم با تورمی ۳۶/۶ درصدی مواجه بوده است. بیشترین شدت تورم برای خانوار دهک چهارم با ۳۸/۸ درصد محاسبه شده است. متوسط تورم روستایی اقلام غیرخوراکی ۳۵ درصد و برای اقلام خوراکی ۵۱ درصد بوده است. با به کارگیری شدت تغییرات قیمتی و ضرایب اهمیت گروه‌های کالایی در سبد خانوار، تورم ۱۲ ماهه منتهی به دی ماه ۱۳۹۸ برای خانوارهای روستایی به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای محاسبه شده است. برآوردها حاکی از آن است که خانوار روستایی دهک اول با تورمی ۳۸/۸ درصدی و خانوار روستایی دهک دهم با بیشترین میزان تورم برابر ۴۳/۱۰ درصد مواجه بوده است.

۴- تغییر مصرف حقیقی خانوار

چگونگی رشد هزینه‌های خانوار در مقابل شدت تورمی که هر دهک با آن مواجه بوده نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۸ سطح مصرف خانوار بطور چشمگیری کاهش یافته است. شدت کاهش مصرف خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری بوده و البته بررسی تغییرات مصرف به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای نشان می‌دهد ریزش مصرف در دهک‌های پایینی بسیار بالاتر از دهک‌های بالاتر بوده است.

با در نظر گرفتن تورم دهکی در سال ۱۳۹۸ و تعدیل هزینه‌ها نسبت به آن، بطور متوسط، مصرف حقیقی خانوارهای شهری هشت درصد و مصرف حقیقی خانوارهای روستایی به تقریب ۱۱ درصد کاهش یافته است. برآوردها نشان می‌دهند متوسط هزینه‌های اسمی یک خانوار شهری در این سال به ماهانه چهار میلیون و ۱۴۱ هزار تومان رسیده که نسبت به سال قبل تنها ۲۶/۴ درصد افزایش یافته است. این در حالی است که خانوارهای شهری با تورمی بیش از ۳۷ درصد مواجه بوده‌اند.

بررسی شاخص‌های مشابه برای خانوارهای روستایی حاکی از آن است که مصرف این خانوارها بطور متوسط ۱۰/۹ درصد کاهش یافته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد متوسط هزینه‌های یک خانوار روستایی در سال ۱۳۹۸، با وجود تورم ۴۲ درصدی، تنها به میزان ۲۶ درصد رشد یافته و به دو میلیون و ۲۵۸ هزار تومان در ماه رسیده است.

برخلاف آنچه انتظار می‌رفت، ریزش مصرف در خانوار دهک‌های پایین‌تر بیشتر از دهک‌های بالاتر بوده است. برآوردها نشان می‌دهد در حالیکه ریزش مصرف خانوار شهری دهک دهم محدود به ۴/۷ درصد بوده، مصرف خانوار دهک اول ۱۲/۷ درصد ریزش داشته است. در خصوص خانوارهای روستایی مشاهده شده که ریزش مصرف خانوارهای دهک اول و دهم به ترتیب برابر ۱۱/۵ و ۹/۴ درصد بوده است.

از آنجا که مصرف خانوار دهک‌های پایین‌تر بیشتر محدود به هزینه‌های ضروری است، انتظار می‌رود مصرف این قشر نسبت به مصرف دهک‌های بالاتر سخت‌تر کاهش یابند زیرا بخش عمده‌تری از هزینه خانوار دهک‌های بالایی مربوط به مصارف غیرضروری است که در صورت افزایش قیمت‌ها، می‌تواند به سادگی کاهش یابد لیکن به نظر می‌رسد عکس این قاعده در سال ۱۳۹۸ رخ داده است. وضعیت ایجادشده در این سال می‌تواند به این دلیل باشد که خانوارهای دهک‌های بالاتر به واسطه برخورداری فرصت استفاده از نوسان‌های قیمتی، ارزش دارایی‌ها و به تبع آن سطح مصرف خود را بطور نسبی حفظ کرده‌اند و کاهش مصرف کمتری را تجربه کرده‌اند. با این حال خانوارهای دهک‌های پایینی از این امکان برخوردار نبوده و تأثیرپذیری بیشتری از شرایط بی‌ثباتی اقتصادی داشته‌اند به نحوی که با وجود ضروری

شش میلیون و ۴۸۰ هزار تومان برآورد می‌شود. متوسط هزینه ماهانه خانوار روستایی دهک هفتم دو میلیون و ۲۵۸ هزار تومان برآورد می‌شود که به تقریب برابر مقدار مشابه آن برای متوسط جامعه روستایی است.

۳- محاسبه تورم به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای

مقایسه رشد هزینه‌های خانوار با تورم می‌تواند تحلیل و ارزیابی نسبتا مناسبی از تغییر وضعیت مصرف و رفاه خانوارها به دست بدهد. برای محاسبه تورم به تفکیک دهک‌ها نیاز است ابتدا ضریب اهمیت اقلام عمده در سبد خانوار در هر یک از دهک‌ها را برآورد کرد. برای برآورد سهم اقلام عمده در سبد هزینه‌ای خانوار از روش زیر استفاده شده است:

* محاسبه سهم اقلام عمده در سبد هزینه‌ای خانوار در سال ۱۳۹۶.

* محاسبه سهم اقلام عمده در سبد هزینه‌ای خانوار در سال ۱۳۹۷ و محاسبه تغییر سهم اقلام عمده در سبد هزینه‌ای خانوار طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۷ (تغییر مصرف خانوار).

* فرض شده که تغییر ترکیب سبد هزینه‌ای خانوار در سال ۱۳۹۸ مشابه سال ۱۳۹۷ بوده است.

* به عنوان مثال، سهم اقلام غیرخوراکی در هزینه خانوار شهری در سال ۱۳۹۶ برابر ۷۶/۷ درصد بوده است.

* در سال ۱۳۹۷، خانوار سهم اقلام غیرخوراکی را ۰/۷ درصد کاهش داده و به ۷۶ درصد رسانده است.

* فرض شده که خانوار شهری در سال ۱۳۹۸ هم سهم اقلام غیرخوراکی ۰/۷ درصد کاهش داده است.

* بنابراین در این تحقیق سهم اقلام غیرخوراکی در هزینه خانوار شهری در سال ۱۳۹۸، به تقریب ۷۵/۲ درصد لحاظ شده است.

تغییر ترکیب بودجه خانوار شهری به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۷ که برابر تغییر ترکیب بودجه خانوار در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۶ لحاظ شده است نشان می‌دهد. خانوار شهری دهک اول در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۶، ۳/۵ درصد سهم کالاهای غیرخوراکی را از کل هزینه‌های خود کاهش داده است زیرا این خانوار در سال ۱۳۹۶، ۶۳ درصد از هزینه‌های خود را به کالاهای غیرخوراکی اختصاص داده و در سال ۱۳۹۷ با توجه به تغییرات قیمتی صورت گرفته و به تبع آن تغییر ترجیح خانوار برای تخصیص بودجه، تنها ۵۹/۹ درصد از هزینه‌های خود را به اقلام غیرخوراکی اختصاص داده است. در این مطالعه، فرض شده که تغییرات قیمتی سال ۱۳۹۸ هم تأثیراتی مشابه داشته و این خانوار سهم اقلام غیرخوراکی از بودجه خود را در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۷ به میزان ۳/۵ درصد کاهش داده و آن را به ۵۶/۴ درصد رسانده است. گفتنی است این ضرایب، ضریب اهمیت هر یک از اقلام هزینه‌ای را در محاسبه تورم نشان می‌دهد. اطلاعات مشابه برای خانوارهای روستایی محاسبه شده و به ترتیب در جداول شماره ۷ و ۸ قابل مشاهده است.

مرکز آمار ایران درصد تغییرات شاخص قیمت ۱۲ ماهه منتهی به دی ماه سال ۱۳۹۸ را برای خانوارهای شهری و روستایی منتشر کرده است. مطابق با این اطلاعات، متوسط تورم شهری برای اقلام غیرخوراکی ۳۳ درصد و برای اقلام خوراکی ۵۳ درصد بوده است. با به کارگیری شدت تغییرات قیمتی و ضرایب اهمیت گروه‌های کالایی در سبد خانوار، تورم ۱۲ ماهه منتهی به دی ماه ۱۳۹۸ برای خانوارهای شهری به تفکیک دهک‌های هزینه‌ای محاسبه شده است. برآوردها حاکی از آن است خانوار شهری دهک اول با تورمی

ناشی از کاهش اشتغال در بنگاه‌های کوچک و متوسط و نیز کاهش حقیقی هزینه‌های دولت که این گروه بیشتر به آن اتکا دارند؛ ثانیاً تورم اقلام ضروری خوراکی که سهم بیشتری از هزینه‌های دهک‌های پایینی را شامل می‌شود، بیش از تورم غیر خوراکی بوده است و ثالثاً در نتیجه فعالیت‌های سوداگرانه در بازار دارایی‌ها و کالاهای خاص (نظیر ارز، طلا، مسکن و اوراق بهادار) دهک‌های بالای درآمدی توانسته‌اند ثروت را به سود خود و به ضرر دهک‌های پایینی باز توزیع کنند. و در زمان‌های رکود، بطور معمول انتظار می‌رود کاهش مصرف کمتر از کاهش تولید و کاهش مصرف گروه‌های فقیرتر (به دلیل مصرف در سطح حداقل معاش) کمتر از کاهش مصرف گروه‌های مرفه‌تر باشد. شرایط سال ۱۳۹۸ خلاف این انتظارات را نشان می‌دهد که می‌تواند نشان از وخامت اوضاع و ماهیت چندبعدی چالش‌ها داشته باشد. وقوع همزمان کاهش تولید، بی‌ثباتی بازارهای مالی، باز توزیع منابع به ضرر گروه‌های فقیر در کنار چشم‌انداز مبهم خانوارها ناشی از شرایط اقتصادی، اجتماعی و محیطی می‌تواند مهم‌ترین عوامل موثر بر این شرایط باشند.

* بطور معمول در شرایط رکود، سیاست‌های انبساطی مالی توصیه می‌شود. با این حال با توجه به شرایط خاص کسری بودجه کشور این موضوع عملاً امکان‌پذیر نیست. در چنین وضعیتی، مهم‌ترین راهکارها می‌تواند به شرح زیر باشد:

سیاست‌های باز توزیعی به نفع گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله:

* وضع مالیات‌های جدید که بطور عمده معطوف به ثروت باشد (نظیر مالیات بر عایدی سرمایه، خانه‌های خالی، تراکنش‌های بانکی بیش از حد تعیین شده و مالیات بر سود سپرده‌های بانکی کلان)

* حمایت هدفمند و مشروط از گروه‌های آسیب‌پذیر با هدف پوشش اجتماعی و نیز تحریک تقاضا از جمله گروه‌های خارج از پوشش چتر حمایتی کشور و کارگران بیکار شده)

* کاهش فعالیت‌های سوداگرانه به خصوص در بازار کالاهای ضروری (از جمله از طریق مدیریت زنجیره توزیع از طریق امکاناتی چون فاکتور الکترونیکی)

* مدیریت بودجه و هزینه‌های عمومی از طریق تعریف شناسه پرداخت و پرداخت به ذی‌نفع نهایی

سیاست‌های فعال اشتغال‌آزاد از جمله:

* حمایت هدفمند از بنگاه‌های کوچک و متوسط (از جمله از طریق الگوی حمایت‌آفرینی از بنگاه‌های کوچک و متوسط با اتکا به اعتبار بنگاه‌های بزرگ از طریق مدیریت زنجیره عرضه)

* اشتغال عمومی

■ افق‌گشایی برای فعالان اقتصادی

* در حال حاضر فعالیت در اقتصاد ایران نه تنها برای فعالان کسب و کار بلکه برای خانوارها نیز به دلیل عدم وجود چشم‌انداز (فارغ از مثبت یا منفی بودن آن) همچون قدم زدن در مه است.

* بخشی از فقدان چشم‌انداز به سطح بالای منازعات سیاسی داخلی و بین‌المللی مربوط است. با فرض عدم امکان کاهش سطح منازعه بین‌المللی، کاهش سطح منازعات سیاست داخلی و افزایش همگرایی ضروری است به خصوص آنکه تسری این منازعه به دلیل شرایط خاص اقتصادی کشور و سیاست‌های اجتناب‌ناپذیر باز توزیعی به سطح اقتصاد نیز اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد و سطح آن را افزایش خواهد داد.

بودن عمده هزینه‌ها توان حفظ مصارف ضروری خود را نداشته‌اند. قابل توجه است که در دوره‌های گذشته، تغییرات مصرف خانوار نشان از ریزش بیشتر مصرف دهک‌های بالاتر نسبت به دهک‌های پایین‌تر داشته است و این امر به معنای حساسیت و وخامت بیشتر وضعیت در سال ۱۳۹۸ است.

تاثیرپذیری بیشتر مصرف دهک‌های پایینی از شرایط اقتصادی سال ۱۳۹۸ برخلاف انتظارات قبلی، می‌تواند به این دلایل باشد: ترکیب تورم اقلام مهم کالاها و خدمات، بی‌ثباتی بازار دارایی‌ها و باز توزیع ثروت به ضرر دهک‌های پایینی درآمدی، کاهش فعالیت واحدهای کوچک و متوسط و مشاغل غیررسمی و کاهش هزینه‌های حقیقی دولت.

نزدیکی برآورد حاصله از متوسط تورم در همه دهک‌های شهری و روستایی و مقایسه آن با تورم میانگین ۱۲ ماهه منتهی به دی ۱۳۹۸ مرکز آمار ایران قابلیت اتکای برآوردها را نشان می‌دهد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد متوسط تورم ۱۲ ماه منتهی به دی ماه ۱۳۹۸ خانوارهای شهری و روستایی به ترتیب ۳۷/۴ و ۴۱/۸ درصد بوده و مرکز آمار ایران ارقام مشابه را به ترتیب ۳۸ و ۴۲/۲ درصد اعلام کرده است.

■ خلاصه یافته‌های تحقیق و دلالت‌های سیاستی

مهم‌ترین یافته‌ها و توصیه‌های این گزارش به شرح زیر است:

* متوسط هزینه ماهانه خانوارهای شهری در سال ۱۳۹۸ حدود چهار میلیون و ۱۴۱ هزار تومان و خانوارهای روستایی دو میلیون و ۲۵۸ هزار تومان برآورد شده است.

* یک خانوار دهک اولی شهری ماهانه ۹۰۲ هزار تومان و یک خانوار روستایی ۴۳۶ هزار تومان هزینه می‌کند. این ارقام برای خانوارهای دهک دهمی به ترتیب حدود ۱۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان و شش میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. برای دهک هفتم نیز متوسط هزینه خانوارهای شهری چهار میلیون و ۱۰۰ هزار تومان و خانوارهای روستایی دو میلیون و ۸۰۰ هزار تومان است.

* تورم روستایی بیش از شهری و تورم خوراکی بیش از تورم غیر خوراکی بوده است. برای خانوارهای شهری تورم کل ۳۷/۴ درصد و تورم خوراکی و غیر خوراکی به ترتیب ۵۳/۸ و ۳۲ درصد بوده است. این ارقام برای خانوارهای روستایی به ترتیب ۴۱/۸، ۵۳ و ۳۱ درصد بوده است.

* شاخص‌های رفاه اجتماعی (مصرف و توزیع آن) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۸ بطور کلی رفاه خانوارهای ایرانی کاهش پیدا کرده است. کاهش رفاه خانوارهای روستایی بیش از خانوارهای شهری و کاهش رفاه خانوارهای دهک‌های پایینی درآمدی بیش از دهک‌های بالایی بوده است. در نتیجه کاهش قدرت خرید ناشی از تورم و کاهش درآمد، مصرف حقیقی خانوارها کاهش یافته است. کاهش مصرف حقیقی خانوارهای روستایی (۱۱- درصد) و خانوارهای شهری (۸- درصد) بوده است و کاهش مصرف حقیقی خانوارهای دهک اول و دهک شهری به ترتیب ۱۲/۷- و ۴/۷- درصد بوده است. دو مقدار اخیر برای خانوارهای روستایی نیز به ترتیب ۱۱/۵ و ۹/۴- درصد بوده است. این در حالی است که تورم دهک‌های پایینی درآمدی کمتر از تورم دهک‌های بالایی بوده است.

* به نظر می‌رسد کاهش مصرف حقیقی خانوارها به‌طور عمده ناشی از کاهش درآمد در نتیجه افت تولید بوده است. از سوی دیگر کاهش بیشتر مصرف دهک‌های پایینی درآمدی نشان می‌دهد: اولاً، دهک‌های پایینی درآمدی بیش از دهک‌های بالایی از کاهش تولید متضرر شده‌اند (احتمالاً

مقایسه شاخص‌های اقتصادی ایران با کشورهای منطقه



جمهوری قرقیزستان و ازبکستان) و اورانیوم (ارمنستان و ازبکستان) بسیار غنی هستند. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گزارش «مقایسه تطبیقی ایران با کشورهای منطقه براساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور در سال ۲۰۱۹» به بررسی شاخص‌های اقتصادی کشور پرداخته تا جایگاه کشور را در بین کشورهای منطقه تبیین کند.

این گزارش می‌نویسد: مهم‌ترین شاخص‌های کلان اقتصادی که تصویری کلی از وضعیت اقتصادی هر کشور را به نمایش می‌گذارند، عبارتند از: شاخص‌های نرخ تورم، نرخ بیکاری، سرانه تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نسبت صادرات کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی. این شاخص‌ها به دلیل اهمیتی که دارند و می‌توانند با توجه به نقش خود بر سایر شاخص‌ها نیز اثرگذار باشند، اولویت بیشتری بر سایر شاخص‌ها دارند. به عبارت دیگر زمانیکه کشورها در هر یک از این شاخص‌ها دچار مشکلات جدی باشند، انتظار بهبود در شاخص‌هایی نظیر آموزش و بهداشت را نمی‌توان داشت چراکه این شاخص‌ها در حکم زیربنای سایر شاخص‌ها در نظر گرفته می‌شوند و اثرات آنها می‌تواند به سایر حوزه‌ها منتقل شود. در ادامه وضعیت ایران و کشورهای منطقه بر اساس هر یک از این شاخص‌های کلان اقتصادی بررسی خواهد شد.

براساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران، انتظار می‌رود ایران بتواند تا سال ۱۴۰۴ هجری شمسی قدرت اول منطقه جنوب‌غربی آسیا شود. منطقه آسیای جنوب‌غربی در گستره جغرافیایی حدود ۱۲ میلیون کیلومتر مربع، شامل ۲۴ کشور با جمعیتی حدود ۵۳۰ میلیون نفر می‌شود که پنج حوزه ژئوپلیتیک مهم جهان یعنی آسیای مرکزی، قفقاز، شبه‌قاره هند، خلیج فارس و خاورمیانه را در برمی‌گیرد و در بین قاره‌های آفریقا، اروپا و سرزمین‌های روسیه، چین و هند قرار دارد. این منطقه شامل کشورهای ایران، عربستان، قزاقستان، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، عمان، قرقیزستان، سوریه، تاجیکستان، اردن، آذربایجان، امارات متحده عربی، گرجستان، ارمنستان، مصر، یمن، کویت، قطر، لبنان، بحرین و ترکیه است. از لحاظ منابع، این منطقه سرشار از منابع طبیعی است. حدود ۷۵ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان در این منطقه قرار دارد و حدود یک‌سوم نفت جهان در این منطقه تولید می‌شود. حدود یک‌سوم تولید گاز جهانی نیز در این منطقه است. آلومینیوم دومی، بزرگترین کارخانه آلومینیوم جهان است. ازبکستان پنجمین تولیدکننده و دومین صادرکننده کتان در جهان است. کشورهای تازه استقلال‌یافته از لحاظ معادن مس (ارمنستان و گرجستان)، طلا (ارمنستان، قزاقستان،

است که آمار مربوط به ضریب جینی کشورهای عربستان، قطر، عمان، افغانستان، کویت و بحرین گزارش نشده است.

شاخص نرخ بیکاری



بیکاری یکی دیگر از موضوعات اساسی اقتصاد کلان است که همواره در همه کشورها توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان را به خود جلب کرده است. نرخ بیکاری عبارت است از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال. مساله مهم در این تعریف، مفاهیم جمعیت بیکار و جمعیت فعال است. جمعیت فعال اقتصادی، تمام افراد بزرگ‌تر از ۱۰ سال را دربر می‌گیرد که در هفته قبل از آمارگیری در تولید کالا و خدمات مشارکت داشته (شاغل) یا با وجود قابلیت مشارکت، مشارکت نداشته‌اند (بیکار). در واقع جمعیت فعال بیانگر تعداد افرادی است که توانایی و تمایل عرضه نیروی کار خود را به بازار دارند و به دو دسته شاغل و بیکار تقسیم می‌شوند. افراد شاغل طبق تعریف بخشی از جمعیت فعال‌اند که در هفته آمارگیری، حداقل یک ساعت کار کرده‌اند. افراد بیکار نیز بخشی از جمعیت فعال هستند که در هفته آمارگیری با وجود آمادگی برای انجام کار و جست‌وجوی کار، فاقد کارند. آخرین آمارهای مربوط به شاخص نرخ بیکاری مربوط به سال ۲۰۱۹ است که نشان می‌دهد بهترین عملکرد مربوط به کشور قطر است که با نرخ بیکاری ۰٫۱ رتبه اول منطقه را کسب کرده است. ایران با نرخ بیکاری ۱۱٫۴ رتبه ۱۸ را در بین کشورهای منطقه کسب کرده است. بدترین عملکرد در زمینه نرخ بیکاری متعلق به کشور ارمنستان است که نرخ بیکاری ۱۷ درصدی را تجربه کرده است.

شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی



یکی از مهم‌ترین مفاهیم موجود در اقتصاد مفهوم GDP یا تولید ناخالص داخلی است. این معیار مهم اقتصادی در تمام دنیا کاربرد

شاخص نرخ تورم



تورم یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کلان اقتصادی در کشورهای مختلف است که پایین بودن آن در همه کشورها نشانگر ثبات بیشتر اقتصاد آنهاست. وجود سیاست‌های اقتصادی باثبات دولت، تاثیر چشمگیری بر نرخ تورم در آنها دارد. آخرین آمارهای مربوط به شاخص نرخ تورم مربوط به سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد بهترین عملکرد مربوط به کشور عربستان سعودی است که با نرخ تورم ۰٫۷ رتبه اول منطقه را کسب کرده است. ایران با نرخ تورم ۳۷٫۲ بالاترین نرخ تورم را در بین کشورهای منطقه دارد که بدترین عملکرد در بین کشورهای منطقه است. شایان ذکر است که آمار مربوط به نرخ تورم کشور سوریه در دسترس نیست.

شاخص ضریب جینی



این شاخص، میزان انحراف توزیع درآمد (یا مصرف) در میان افراد یا خانوارهای یک کشور را نسبت به توزیع برابر و عادلانه اندازه‌گیری می‌کند. در منحنی لورنز، درصدهای تجمعی کل درآمدهای کسب‌شده در برابر تعداد کل دریافت‌کنندگان قرار داده می‌شود. نقطه آغاز این منحنی، فقیرترین فرد یا خانوار است. شاخص ضریب جینی برابر است با سطح بین منحنی لورنز و یک خط فرضی که نشان‌دهنده برابری مطلق است. شاخص ضریب جینی بین صفر و یک قرار دارد. مقدار صفر نشان‌دهنده برابری کامل و مقدار یک نشان‌دهنده نابرابری کامل است. آخرین آمارهای مربوط به شاخص ضریب جینی مربوط به سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد بهترین عملکرد در این زمینه مربوط به کشور آذربایجان و با ضریب جینی ۲۶/۶ درصد است و توانسته رتبه اول منطقه را کسب کند. ایران با ضریب جینی ۴۰/۸ درصد رتبه ۱۶ را در بین کشورهای منطقه دارد. بدترین عملکرد در بین کشورهای منطقه مربوط به ترکیه است که میزان این شاخص ۴۱/۹ درصد است. شایان ذکر

دارد و یکی از ملاک‌های مهم در سنجش وضعیت اقتصاد کشور است. تولید ناخالص داخلی یک کشور، جمع ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده را در یک اقتصاد در بازه‌ای مشخص (یک سال) نشان می‌دهد. این متغیر همچنین قدرت تولید اقتصاد آن کشور را نیز نشان می‌دهد. منظور از «کالا» در این تعریف، کالای نهایی است نه کالای واسطه‌ای، چون ارزش کالاهای واسطه‌ای در کالای نهایی وجود دارد. واژه دیگر «ناخالص» است؛ به این معنی که بخشی از درآمد و تولیدات هر کشور صرف جبران استهلاک سرمایه و ماشین‌آلات در حین تولید می‌شود. آخرین آمارهای مربوط به شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی مربوط به سال ۲۰۱۹ است که نشان می‌دهد بهترین عملکرد مربوط به کشور قطر است که میزان آن ۶۹۶۸۷ دلار است و بالاترین سرانه تولید ناخالص داخلی در بین کشورهای منطقه را دارد. ایران با سرانه تولید ناخالص داخلی ۵۵۰۶ دلار رتبه ۱۲ را در بین کشورهای منطقه کسب کرده است. کمترین میزان این شاخص در بین کشورهای منطقه، متعلق به افغانستان است که سرانه تولید ناخالص داخلی این کشور ۵۱۳ دلار است.

■ شاخص درصد مشارکت زنان در نیروی کار



وقتی از رشد اقتصادی صحبت می‌شود، در واقع درباره افزایش یا کاهش تولید ناخالص داخلی بحث شده است. بر این اساس، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورها نیز می‌تواند یک ارزیابی کلی از روند اقتصاد آنها را نشان دهد. آخرین آمارهای مربوط به شاخص نرخ رشد تولید ناخالص داخلی مربوط به سال ۲۰۱۹ است. بیشترین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در بین کشورهای منطقه متعلق به ارمنستان است که با نرخ رشد ۷٫۶ رتبه اول منطقه را کسب کرده است. ایران با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ۳٫۸ رتبه نهم منطقه را کسب کرده است. کمترین رشد تولید ناخالص داخلی در بین کشورهای منطقه متعلق به لبنان با نرخ ۵/۶- است. نسبت صادرات کالا و خدمات از تولید ناخالص داخلی در متون اقتصادی برای ارتباط دادن تجارت با رشد اقتصادی معمولاً از صادرات کالا و خدمات به عنوان نماینده‌ای از تجارت استفاده می‌شود و چنانچه تقاضای خارجی (صادرات) در اقتصاد کشوری شکل بگیرد، طبیعی است که می‌تواند ظرفیت‌های بدون استفاده را به کار گیرد. افزایش ظرفیت‌های تولیدی به منظور صادرات غیرنفتی، بر پدیده اشتغال، رکود و تورم تاثیر خواهد گذاشت. توسعه صادرات غیرنفتی همچنین می‌تواند از جنبه‌های سیاسی و اجتماعی برای دولت‌ها مفید باشد. ایران کشوری است با توانایی‌های فراوان در تولید کالاها که اگر با مدیریت صحیح همراه باشد، می‌توان این توانایی‌ها را در حکم مزیت‌های کشور در زمینه تولید و صادرات تلقی کرد. همچنین به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص، ایران یکی از بهترین موقعیت‌های استراتژیک به خصوص برای صادرات را دارد. آخرین آمار مربوط به نسبت صادرات کالا و خدمات از تولید ناخالص داخلی مربوط به داده‌های سال ۲۰۱۹ بانک جهانی است. بهترین عملکرد در زمینه شاخص نسبت صادرات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی مربوط به امارات متحده عربی

■ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نرخ مشارکت مردان و زنان در نیروی کار، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی بازار کار و اقتصاد یک کشور است و نشان می‌دهد که چند درصد از جمعیت در سن فعالیت بر حسب جنسیت خود، در بازار کار حضور ندارند و در حقیقت از زمره جمعیت فعال کشور خارج‌اند. آخرین آمار این شاخص مربوط به سال ۲۰۱۹ است. بهترین عملکرد در زمینه شاخص درصد مشارکت زنان در نیروی کار مربوط به کشور آذربایجان است که با نمره ۶۳/۱ رتبه اول منطقه را کسب کرده است. به عبارت دیگر ۶۳/۱ درصد از زنان در سن فعالیت، در بازار کار این کشور حضور دارند. ایران با نمره ۱۶/۸ رتبه ۲۰ را در بین کشورهای منطقه کسب کرده است. بدترین عملکرد در بین کشورهای منطقه متعلق به یمن است که رتبه ۲۴ را در بین کشورهای منطقه کسب کرده است و تنها شش درصد از زنان در سن فعالیت، در بازار کار این کشور حضور دارند. این حضور اندک، نشان‌دهنده وضعیت نامناسب این کشور از حیث شاخص نرخ مشارکت زنان در نیروی کار است.

آمارهای عرضه شده از شاخص‌های مختلف اقتصادی نشان‌دهنده عملکرد ضعیف ایران در این زمینه‌ها است (میانگین ۱۶/۴۲ از ۲۴) و لازم است تمرکز بیشتری بر این حوزه‌ها صورت گیرد. رتبه‌بندی‌های فوق نشان می‌دهد که فرآیند توسعه در کشور ایران، از الگوی منظمی پیروی نمی‌کند و حالتی نامتوازن به خود گرفته است؛ رشد برخی بخش‌ها به قیمت نادیده گرفته شدن سایر بخش‌های جامعه است. آنچه امروزه در مفهوم توسعه به آن توجه می‌شود، آن است که باید به توسعه نگاهی همه‌جانبه و متوازن داشت و همه ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن در نظر باشد. در واقع این سه بعد، سه ضلع

پیشین تحریم‌ها افزوده شده است و دور جدیدی از کاهش رفاه عمومی را آغاز کرده است. یکی از مهم‌ترین آثار تحریم‌ها، کاهش درآمد‌های ارزی کشور بوده، به گونه‌ای که مجموع صادرات نفتی و غیرنفتی کشور از حدود ۱۴۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۹۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۷ کاهش داشته است. با وجود اینکه صادرات غیرنفتی کشور در مجموع روند افزایشی داشته و در سال ۱۳۹۸ در مقایسه با سال ۱۳۸۹ حدود دوبرابر شده، ولی درآمد صادرات نفت، کاهش چشمگیری داشته است. بر مبنای جدیدترین آمار بانک مرکزی، ارزش صادرات نفت (شامل نفت خام، فرآورده‌های نفتی، گاز طبیعی و میعانات گازی) در سال ۱۳۹۸ به ۲۹/۱۶ میلیارد دلار رسیده است. بنابراین، می‌توان گفت که درآمد نفتی دولت از حدود ۱۱۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به حدود ۲۹ میلیارد دلار کاهش یافته است که بیانگر کاهش ۷۵ درصدی است. با لحاظ صادرات نفتی ۲۹ میلیارد دلاری، مجموع صادرات کشور در سال ۱۳۹۸ هم با کاهش ۶۰ درصدی در مقایسه با سال ۱۳۹۰ به حدود ۵۹ میلیارد دلار رسیده و کمترین مقدار خود در ۱۰ سال گذشته را تجربه کرده است. افت چشمگیر درآمد‌های نفتی با کاهش توان مالی دولت، دامنه حرکت دولت در سیاست‌های رفاهی را محدود کرده است.

کاهش منابع ارزی با ایجاد التهاب در بازار ارز از کانال‌های مختلف، به کاهش رفاه و افزایش نابرابری منجر شده است. همزمان با تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه کشور در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و نیز پس از خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های یکجانبه آمریکا در سال‌های ۱۳۹۷ نرخ ارز افزایش چشمگیری یافت و منجر به ایجاد موج‌های تورمی در کشور شد. این در حالی است که دولت یازدهم در دوره ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ توانسته بود با وجود کاهش چشمگیر درآمد‌های ارزی در مقایسه با سال‌های گذشته، با مدیریت مناسب و بهبود انتظارات از مسیر حرکت به سمت توافق هسته‌ای، ثبات نسبی خوبی در بازار ارز ایجاد کند. از سوی دیگر، تشدید نوسانات در بازار دارایی‌ها موجب افزایش نابرابری‌های اجتماعی شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد پس از دو مرحله اعمال تحریم‌ها علیه کشور و جهش نرخ ارز (۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ همچنین ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸) رشد قیمت دلار، سکه، مسکن و سهام فراتر از نرخ تورم بوده است. در وضعیتی که بسیاری از خانوارها در دهک‌های پایین، تنها از محل حقوق و دستمزد کسب درآمد می‌کنند که در بهترین حالت در حدود نرخ تورم افزایش می‌یابد، تشدید نوسانات در بازار دارایی‌ها این امکان را برای دهک‌های بالای درآمدی ایجاد کرده است که درآمد و ثروت خود را بسیار فراتر از نرخ تورم افزایش دهند. این موضوع باعث می‌شود که با تشدید تحریم‌ها و افزایش تورم، نابرابری درآمدی تشدید شود، به گونه‌ای که جریان انتقال ثروت از کسانی که درآمدهای ثابت دارند، به سوی کسانی می‌رود که مالک یا معامله‌گر دارایی‌های کلیدی مانند ارز، طلا، مسکن و سکه هستند. بنابراین، مجموعه اوضاع و احوال فوق، به نامساعد شدن وضعیت اقتصادی کشور منجر شده است که نتیجه آن کاهش رفاه عمومی، افزایش تورم، کاهش درآمد‌های نفتی و افزایش فشار اقتصادی به اقشار آسیب‌پذیر است.

مثلی می‌شوند که هر کدام بدون دیگری هیچ مفهومی ندارند. چون انسان که عامل محوری توسعه است، سرشتی چند بعدی دارد و خواسته‌ها و نیازها و توانایی‌های او بی‌شمار است. توسعه نیز چندبعدی خواهد بود، نه آنکه یکسونگرانه به توسعه نگریده شود. پس توسعه متوازن یعنی در توسعه و پیشرفت جامعه باید ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مدنظر قرار گیرد؛ در مقابل آن، توسعه نامتوازن است که به معنای ترویج یکی از این ابعاد سه‌گانه یا ارزش‌دهی بیش از اندازه به یکی از این سه بعد بدون توجه به ابعاد دیگر است.

وضعیت شاخص‌های رفاه اجتماعی علاوه بر سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده، متأثر از وضعیت و محیط کلان اقتصادی- اجتماعی نیز هست و فقر و نابرابری، برون‌داد عملکرد کلی نظام اقتصادی اجتماعی کشورها محسوب می‌شود. از جمله متغیرهای مهم در این زمینه، درآمد سرانه است. اهمیت بررسی درآمد سرانه حقیقی از این حیث است که سهم‌بری خانوارها از درآمد ملی را بطور متوسط به نمایش می‌گذارد. همزمان با دور اول تشدید تحریم‌ها در سال ۱۳۹۱ و منفی شدن رشد اقتصادی، درآمد سرانه در ایران کاهش چشمگیری داشت؛ با آغاز دور جدید تحریم‌های یکجانبه آمریکا و منفی شدن مجدد رشد اقتصادی در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ کاهش درآمد سرانه حقیقی دوباره آغاز شده است. به دلیل تحریم‌ها و کاهش صادرات نفت، در پنج سال از هشت سال گذشته، نرخ رشد اقتصادی کشور منفی بوده است و به همین دلیل درآمد سرانه حقیقی در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۰ بیش از ۳۳/۴ درصد کاهش یافته است.

عمق و شدت تحریم‌های یکجانبه آمریکا با خروج از برجام، متفاوت از تحریم‌های پیشین است و دولت را در تامین منابع با مشکلات بیشتری مواجه کرده است. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های دور جدید تحریم‌ها می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: بنا بر روایت‌های غیررسمی، در دور جدید تحریم‌ها صادرات نفت ایران تا حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافته، درحالی‌که در تحریم‌های قبلی در حدود یک میلیون تن بوده است. دامنه تحریم‌ها به صورت جداگانه به اقلام صادرات غیرنفتی کشور یعنی فولاد، پتروشیمی، مس، سنگ آهن و مانند آن هم گسترش یافته است.

دولت ترامپ به منظور به نتیجه رساندن طرح فشار حداکثری به هر قیمتی، مذاکرات جداگانه حتی در سطوح پایین با فعالان اقتصادی و استفاده از ابزار تهدید را هم در پیش گرفته است. تا حدی که برخی کشورها هم که در دور قبلی تحریم‌ها سطحی از روابط اقتصادی با ایران را حفظ کرده بودند، میزان تجارت خود را با ایران کاهش چشمگیری داده‌اند.

یکی دیگر از ویژگی‌های تحریم‌های بعد از خروج از برجام، تاکید آمریکا بر اعمال تحریم‌های ثانویه و فرامرزی و تشدید جرمه‌هاست که از آن جمله می‌توان به جرمه شرکت چینی ZTE و شرکت سوئسی SITA اشاره کرد.

به هر ترتیب، آثار منفی تحریم‌ها در دور جدید به نوعی به آثار دور

نوع خدمت: تأمین منابع مالی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در صنایع مختلف جهت خرید تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی، خودروهای کار و سنگین، خودروهای سواری، ماشین‌آلات راهسازی، دفاتر اداری و تجهیزات پزشکی

نشانی: تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، جنب تهران کلینیک، کوچه آزادگان،

پلاک ۱۵۲

تلفا کس: ۸۸۷۰۰۷۷۶

پست الکترونیک: info@enleasing.com

وب سایت: www.enleasing.com



لیزینگ اقتصاد نوین

مدیرعامل: ایمان فرجام نیا

نوع تولید: تولیدکننده پکیج شوفاژ دیواری، رادیاتور آلومینیومی، آبگرمکن فوری دیواری

نشانی: تهران، سهروردی شمالی، هویزه شرقی، شماره ۳۴، کدپستی:

۱۵۵۹۹۴۳۶۱۱

تلفن: ۸۳۵۲۰۰۰۰

فاکس: ۸۸۷۶۵۰۲۶

پست الکترونیک: info@butaneindustrial.com

وب سایت: www.butaneindustrial.com



گروه صنعتی بوتان - سهامی عام

مدیرعامل: مهدی چنگیزی

نشانی: تهران، خیابان شریعی، بالاتر از میرداماد، پلاک ۱۲۳۰، برج تین، کد پستی:

۱۹۱۳۶۳۵۳۶۴

تلفا کس: ۲۶۴۰۲۲۰۳-۱۰

پست الکترونیک: ceo@takmakaron.com

وب سایت: www.takmakaron.com



تولیدی تک ماکارون

مدیرعامل: مهرداد نوری

نوع تولید: محصولات غذایی

نشانی: تهران، خیابان گاندی، نبش خیابان چهاردهم، پلاک ۷۸

تلفن: ۸۸۷۷۷۶۷۸/۸۸۷۷۷۷۴۰

فاکس: ۸۸۷۷۶۵۲۴

پست الکترونیک: sales@varda.ir

وب سایت: www.varda.ir



ورداد

رئیس هیات‌مدیره: غلامرضا بهار دوست

نوع تولید: قفسه فلزی

نشانی:

دفتر مرکزی: کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص، مقابل سایپا دیزل، جنب روزنامه

همشهری

تلفن: ۷۴۴۳۵۰۰۰

فاکس: ۷۴۴۳۵۵۵۵

پست الکترونیک: info@dozhpad.com

وب سایت: www.dozhpad.com



دژپاد

رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل:

سعید جابرانصاری



بیمه زندگی خاورمیانه

بیمه زندگی خاورمیانه
مدیر عامل: مهدی نوروزی

نوع فعالیت: خدماتی

نشانی: تهران، خیابان خالد اسلامبولی (وزرا)، خیابان هفتم، شماره ۱۰

کد پستی: ۱۵۱۳۷۱۵۵۱۱، صندوق پستی: ۳۴۶۴-۱۵۸۷۵

تلفن: ۴۱۳۶۳۰۰۰

فاکس: ۸۸۷۱۶۰۲۰

پست الکترونیک: info@melico.ir

وب سایت: www.melico.ir



گروه صنعتی رازی
مدیر هماهنگی: محمدرضا تقی گنجی

نشانی: تهران - خیابان گاندی جنوبی - کوچه یکم - ساختمان گروه صنعتی رازی

تلفن: ۸۸۸۸۰۰۷۲

فاکس: ۸۸۸۸۰۰۷۱

وب سایت: razi-group.com



صنایع غذایی سحر
مدیر عامل: مسعود تونچیان

نوع تولید: صنایع تبدیلی کشاورزی، کنسروهای غیر گوشتی

نشانی: تهران، خ ولیعصر، خ فیاضی (فرشته)، شماره ۸۷، ط دوم غربی

تلفن: ۲۲۶۶۹۲۳۶-۹

فاکس: ۲۲۶۶۹۲۴۰

پست الکترونیک: info@saharfood.com

وب سایت: www.saharfood.com



گروه صنعتی صفا
رییس هیات مدیره: محمد رستمی صفا

نوع تولید: تولید کننده لوله های نفت، گاز، پتروشیمی، پالایشگاهی، آب و فاضلاب،

بروفیل و مقاطع ساختمانی

نشانی: تهران، بلوار کشاورز، روبروی بیمارستان پارس، شماره ۱۴۶

تلفن: ۸۸۹۵۵۶۱۷-۱۸

فاکس: ۸۸۹۵۳۵۹۳

پست الکترونیک: info@safagroup.com

وب سایت: www.safagroup.com



شوفاژکار
مدیر عامل: علیمردان علایی

نوع تولید: دیگ حرارت مرکزی چدنی

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، بین مفتح و بهار، پلاک ۱۸۰، طبقه اول

تلفن: ۸۸۳۰۹۳۲۷

فاکس: ۸۸۳۰۹۳۲۶

پست الکترونیک: info@chauffagekar.com

وب سایت: www.chauffagekar.com

فرم اشتراک مجله کار آفرین

هزینه اشتراک

هزینه اشتراک یک ساله: پست عادی ۸۰/۰۰۰ تومان هزینه اشتراک دوساله: پست عادی ۱۲۰/۰۰۰ تومان

اطلاعات متقاضی

حقیقی:

نام و نام خانوادگی:

حقوقی:

نام شرکت / سازمان: نام متقاضی:

تعداد نسخه درخواستی از هر شماره تا نسخه شروع اشتراک از شماره اشتراک جدید تمدید اشتراک

نشانی:

استان: شهر: کد پستی: تلفن: همراه:

پست الکترونیک:

از علاقه‌مندان به اشتراک مجله کار آفرین درخواست می‌نماییم برگ اشتراک را به دقت و با خط خوانا تکمیل نموده و وجه اشتراک را بر اساس تعرفه به شماره حساب ۰۳۹۴۰۰۹۸ بانک تجارت، شعبه میرعماد به نام انجمن مدیران صنایع واریز نموده و اصل فیش بانکی و فرم اشتراک را فقط به یکی از دو شیوه زیر برای ما ارسال نمایید. از طریق فکس با شماره ۸۸۸۳۹۶۴۱ به دفتر مجله فکس نمایید و مراتب را به تلفن ۸۸۳۰۴۰۷۰ اطلاع دهید و یا به نشانی: تهران، خیابان مطهری، روبه‌روی خیابان میرعماد، شماره ۲۶۴، انجمن مدیران صنایع ارسال فرمایید.